

OR. 14306

149 folios

M.I.W.

23. VII. 1990

Folios 139-149  
are in individual melior pockets  
vsw 14.8.2018

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسول الله وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم خيرة خلق الله تعالى في كل زمان ومكان

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين أما بعد فإنا بعد براد الوالدين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

خدا

والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
والمصطفى وآله الطيبين الطاهرين

در دریای کارهای ...  
تعالی علیه السلام ...

اجداد حضرت سلطان پایی لغز کشته شده در احوال شریحه اند ...  
ابا شناسنامه و اولاد بوی ...  
ام حضرت ایشیتا اهری علی غیب و پسر ...  
الست که اولاد کور دایره و ایالت ام مربع ...  
شعبه فرزندان او و اگر فرزندان ...  
ام تمام رسیده شعبه دیگر را ...  
دیگر خطی و احد کشین آمد و بر کسی آن خط ...  
ایمرا یکی در زمان آن پادشاه بوفه معتبره صاحب ...  
باقیقت محلی باشد از تلخ سلطان مغول ...

صاحب قران انار الله بهانه و جعل الله في فرايس الخنازق  
مصدق در روز ...

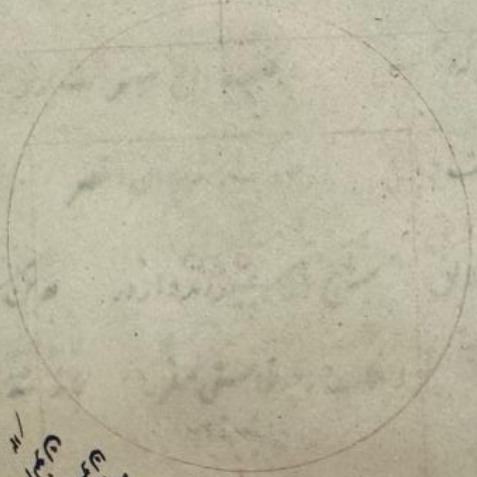




سم سوچی

فالی قابو

صورت دوین پامان و فرزندان او



دوین پامان  
فالی قابو  
سم سوچی

این مرد دو یون پامانست و بود پامان این و ...  
بوده وان سه رود خانه که از کوه ...

بسیار است که ...  
و این است که ...

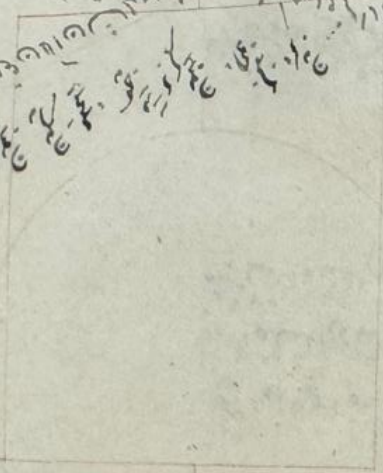
لا شتا او بسکند

صورت الان خوا ...  
انسان ...

صورت الانقوا و شیخ فرزندان او

چنین تقریر کرده اند که الان قوارا بعد وفات دو یون پامان

صورت الانبعاث و مشبه فرزندان او



چنین تقریر کرده اند که الان قوار بعد وفات دو بون مان  
ادراک عمل شده و چون وقت وضع حل نزدیک سید برادران نوزاد  
بود پس آن اوج شدند و گفتند چگونه شود که زنی بی شوهر مانده در  
شهر بر تادیر کند تا حاضر شود

با پاسخ چنین گفت الان قوا که بر ما کیمت بزدان کواید  
من از جنی مشورم بچه زاد شمار بجای خود این طریقی  
ولیکن نام از خدا بر سر که من باکم و چشم نامکار  
علی رب حقایق در جواب می بینم که شخصی اسفرانی اشهر نوزاد  
نزدیک من بود استه استه باز می رود و با هم می شود پسران این  
حال به همان که در حق من برسد باطل است این فرزندان از نوعی دیگرند

چون زرک شوند عموم خلق را با بر  
شوند آن وقت شمار او را بر ارقام فرای  
را محقق شود که حال من چگونه بود  
ازین موجب تقریر کرد و از زرک و سخن  
ادوات زار و سخن گفت تا بوی تعلقی

سایه  
بوی

داده در وقت زاده شدن او را  
ازین جهت بود که در وقت زاده شدن او

مرآن شاه خارا شهنشاه  
چو چکر خان و نیور شهنشاه

العین علی الراوی نزد مورخان مغول چنان است که از بطن پاک  
الآن قوایی واسطه ازدواج و بی کبطه امتزاج است فرزند فرمیدند  
در وجود آمدند که قصه ایشان از غرائب عجایب و شایع و قریح است  
و چندین بادشاهان صاحب قران و سلاطینان فرما و ان زرا  
نسل در عالم پیدا شدند اگر افراد ایشان را تعداد کند تا ما که از  
خیز ضبط سرون آید و اکثر را شجره شمع در روشن باشد چه عادت  
مغول است که نسب ابا و اجداد نگاه دارند و فرزندان تعلیم کنند  
و از نخبه محکم از ایشان نباشد هم قسید و انت غفلتند آسند

مکتب خواص بن تیمور شاه که از نسل قیام است و قیام بن ایلیان بن تکر خان بن کنگل  
خان بن فرخان بن ای خان بن کن خان بن اغرخان بن قرخان بن معضان بن  
ایلی خان بن کبک خان بن دسار قوی خان بن ایلی خان بن تکر خان بن کنگل  
عبد السلام است

تین  
بوی

در خست فرخنده آن قوا  
چو چکر خان و نیور شهنشاه

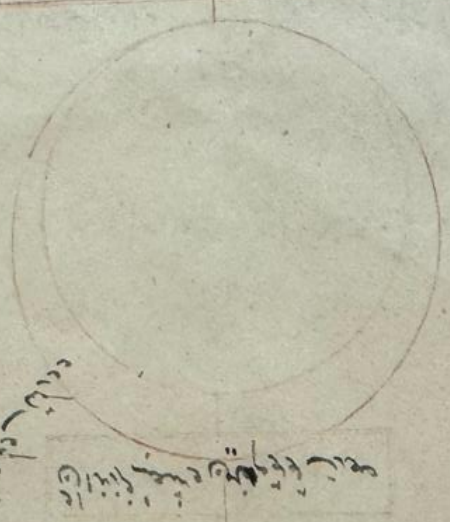
داده

در این کتاب در بیان این که...

در این کتاب...

صورت بودن خردگان و شعبه فرزندان او

چو بود خرد از پاک مادر بتراد  
از چو چون گذر کرد ایام شیر  
که را نیند در جهان بائی او  
چو بچند در بادشاهی براند  
بقا بود و تقا دو و فرزندان او  
ز تقا پسندیده تا چین براد



سر اسیر قتل بد و گشت شاد  
شده از سر قتل از سر کشته  
بست و دل هم در آتش و راهی او  
خاطر و آرزو چه باز ماند  
که بودند دلخواه و دلبنده او  
ز نیش خرد کس کردند یاد

ناله خردگان

بضم الاء المشاة النوفانی وفتح  
القاف والفاء المشاة الفوقا  
و سکون الاء المشاة السمانیة

توقسائی

ناچین  
النون و الفاء المشاة و کسرة الهمزة و فتح النون

در این کتاب...

در این کتاب...



صورت قید و خان و شعبه فرزندان او

و نامش از کتاب دیگر قائله و خان یعنی گئی

این قید و خان بودی چو کز خان است یعنی بر سرش

۳ هود بکمان و مساحت از نسل این خاوصین اردو کی اند  
از فرزندان زادگان

۴ هود بکمان در آره است و شعبه هود بکمان بسیار است  
مرا این مخلص و هو خواه چنگیز خان و فرزندان او بلفه



جاوین اردو

فتح الحکم و سکون الواو  
م کسر الحکم المنه و سکون  
النون و ضم الالف و  
سکون الراء المنه و فتح  
الدال المنه و کسر الالف  
البعج و سکون الراء التی

این ادالی  
خان حسین کلب  
ظفر خان و عاصادی بود  
نور مانی من حسین  
جله کرد

در سنه ۱۰۰۰  
خان حسین کلب  
ظفر خان و عاصادی بود  
نور مانی من حسین  
جله کرد

دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این

دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این  
دو کز در این

این بسفر تخم بدو صحرای است و مغولان در تخم را بعد از کوه بوند  
و بعضی در تخم را بود غار خوانند در کوه

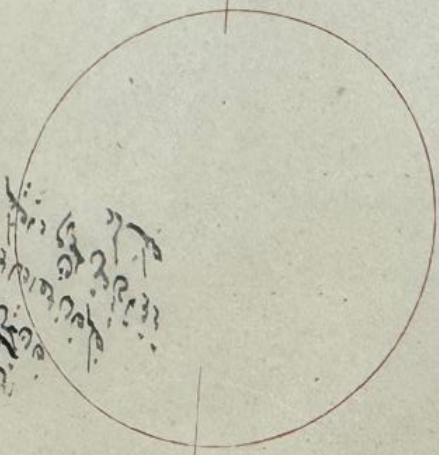
بعضی عار بضم الباء الموحدة و سکون الراء المهملة و فتح العين و کون الیاء المسماة التیمیة

و این بسفر را همانا فرزندان دیگر بوجه بسند کلمه خوانند و بعضی دیگر همان تومنند  
می پیوند و بگذار و اختصار کردند

و در بعضی سخننامه برادرش جاوچین آورده

و منبع بالیسفر یعنی مالدار و منبع کوزن نیز آمده

صورت بالیسفر و شعبه فرزندان او



چندین شعبه از فرزندان او در این صورت است  
و در بعضی سخننامه برادرش جاوچین آورده  
و منبع بالیسفر یعنی مالدار و منبع کوزن نیز آمده

کوه کوه  
و سکون الیاء  
و سکون الیاء

گند و حبیب

اجامی جان

عظیم الیاء

عظیم الیاء

عظیم الیاء

بعضی از این  
و سکون الیاء  
و سکون الیاء

و سکون الیاء  
و سکون الیاء  
و سکون الیاء

و سکون الیاء

و سکون الیاء

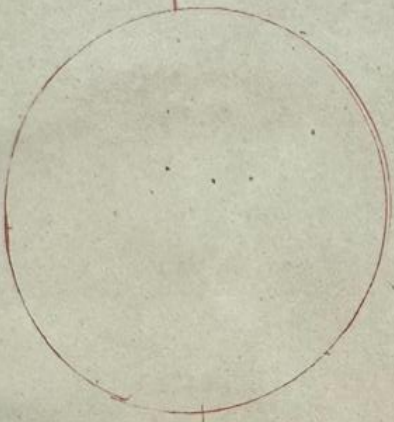
و سکون الیاء

و سکون الیاء

تومنای خان چهارم بدر حاکم خان است و در منوی پدر چهارم را اددای خوانند

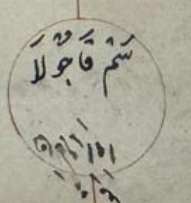
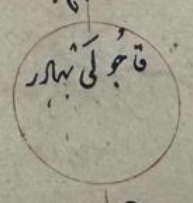
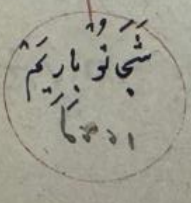
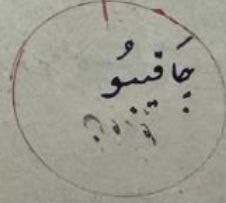
۱۲۰۶۲

صورت تومنای خان و سبب از زبان او



قاجار  
فتح الله و هم المومنون  
الواد و فتح الامام و سکون  
الاستحالی

از نسل این قوم قویانند



و در منوی پدر چهارم را اددای خوانند



قوم و قوخلانک

قوم چهارم از نسل او

قوم سورت از نسل او

قوم وادرت از نسل او

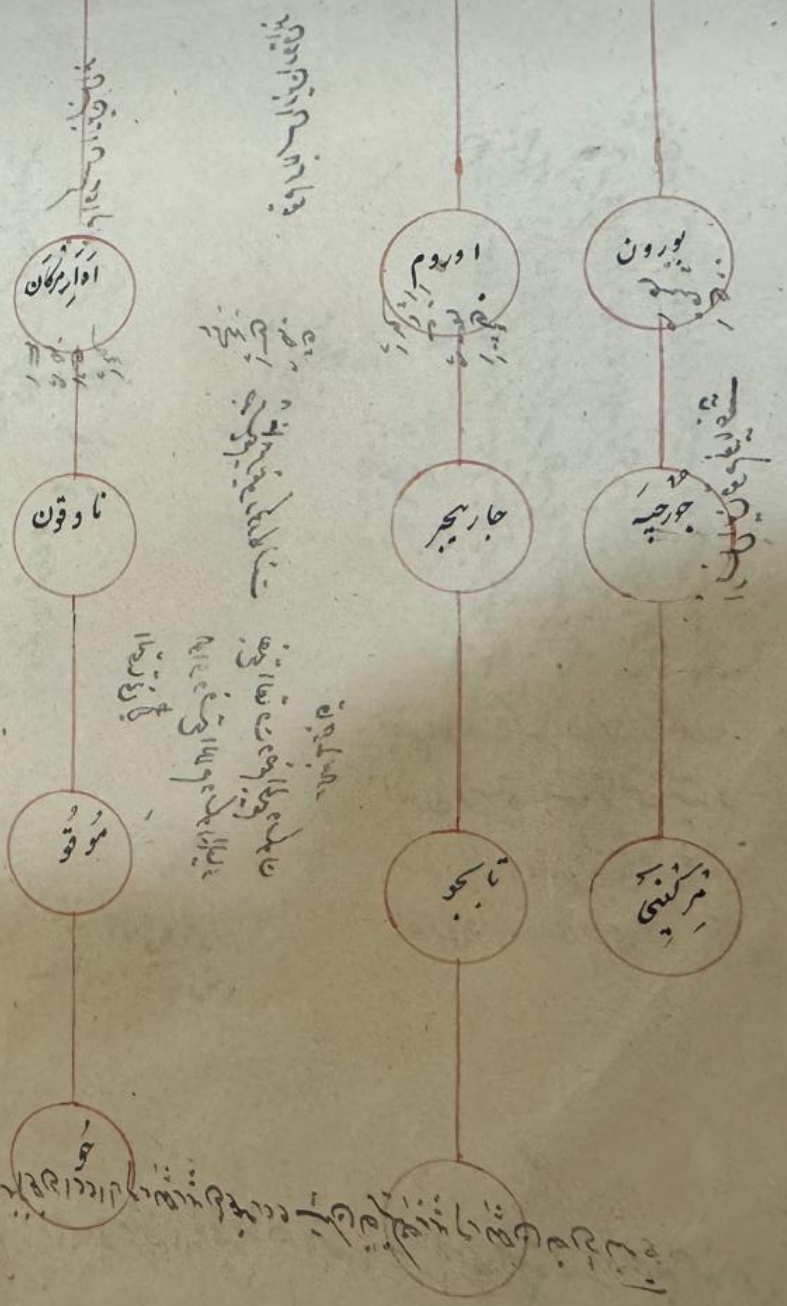
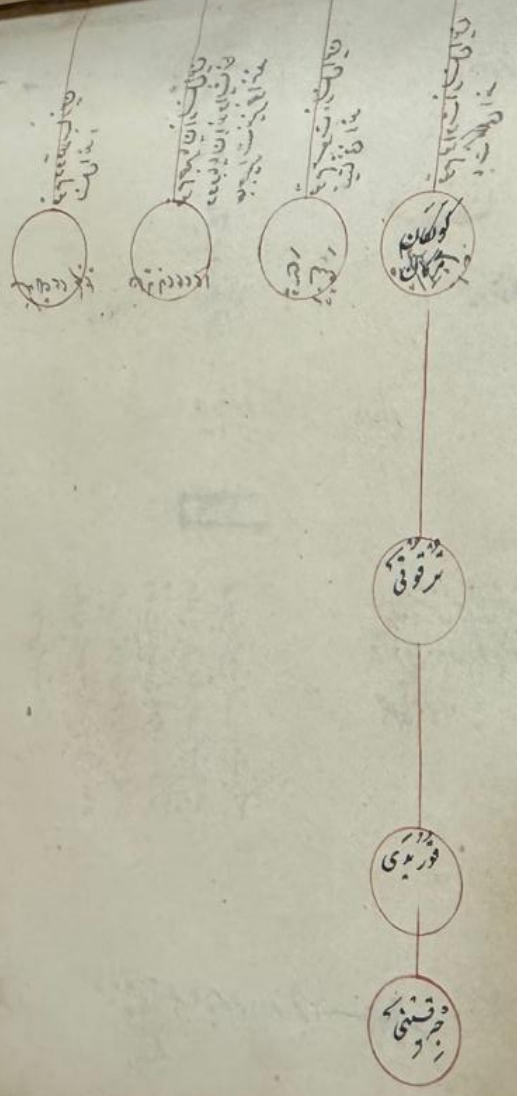
قوم از نسل او در کس از نسل او

قوم از نسل او در نسل او

بولج قوغلان  
 اودووبان  
 قوم و قوغلان  
 قوم و قوغلان  
 قوم و قوغلان  
 قوم و قوغلان  
 قوم و قوغلان

ادين ادين  
 ادين ادين

۱۳ ۱۴



این قبل خان پدریم چکنیز خان است و مغولان پدر ستیوم را بنجیک خوانند

۱۴ ۱۳

صورت قبل خان و سبعة فرزندان او

بفتح القاف وضم الباء الموحدة و سکون الهمزة



این سینه قیاس از سینهات بزرگ  
 سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر

این سینه قیاس از سینهات بزرگ  
 سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر

این سینه قیاس از سینهات بزرگ  
 سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر

این سینه قیاس از سینهات بزرگ  
 سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر



قوتور قان

تودان

قران بهار

بضم القاف وفتح التاء المشددة وفتح الهمزة



کبد چران

بفتح القاف وفتح الدال المهملة و سکون النون

بضم القاف و المشددة الفوقانية و سکون القاف الاخرى ثم الهمزة  
 و سکون النون و  
 قوتور قوتو  
 مویکک

او کین  
 بر قان

این سینه قیاس از سینهات بزرگ  
 سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر  
 و در او سینه بزرگتر است از سینه کوچکتر

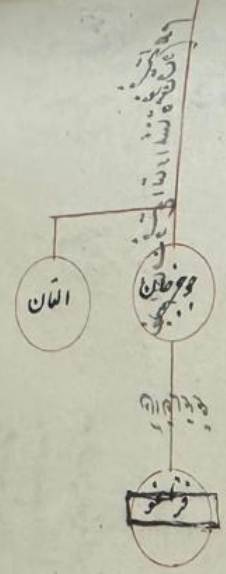
۱۵ ۱۰

تاريخ الفنون  
المنهجية في الفنون

بودجه

الفنون

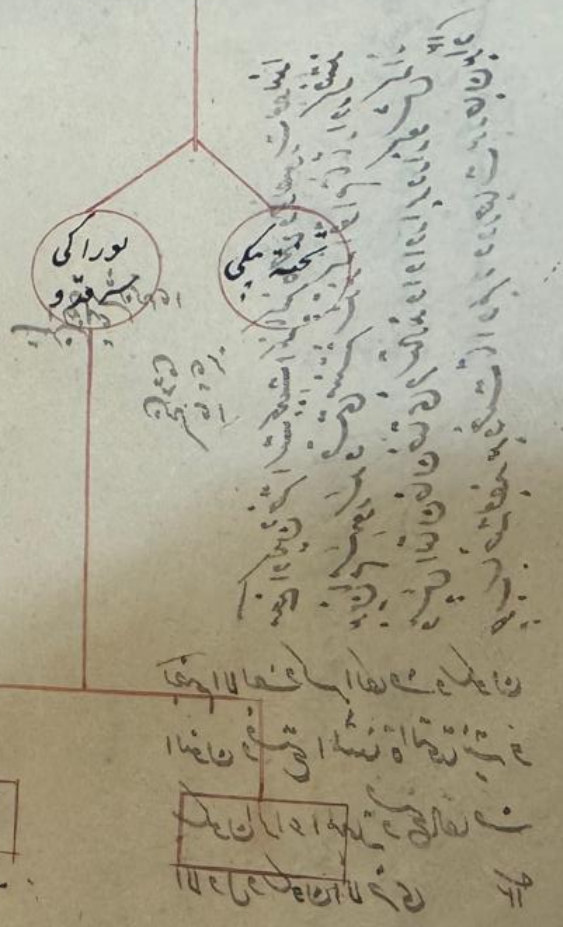
10



الفنون التطبيقية هي الفنون التي تهدف إلى إنتاج أشياء مفيدة أو جميلة باستخدام المواد الخام. وهي تشمل الهندسة، العمارة، التصميم الداخلي، التصميم الجرافيكي، وغيرها.

الفنون الجميلة هي الفنون التي تهدف إلى إنتاج أشياء جميلة أو مفيدة باستخدام المواد الخام. وهي تشمل الخط، التصوير، النحت، الموسيقى، وغيرها.

الفنون التطبيقية هي الفنون التي تهدف إلى إنتاج أشياء مفيدة أو جميلة باستخدام المواد الخام. وهي تشمل الهندسة، العمارة، التصميم الداخلي، التصميم الجرافيكي، وغيرها.



تاريخ الفنون التطبيقية  
من فوق الدار المسناة  
ومن تحت الجيم المسناة

الفنون التطبيقية هي الفنون التي تهدف إلى إنتاج أشياء مفيدة أو جميلة باستخدام المواد الخام. وهي تشمل الهندسة، العمارة، التصميم الداخلي، التصميم الجرافيكي، وغيرها.

الفنون التطبيقية هي الفنون التي تهدف إلى إنتاج أشياء مفيدة أو جميلة باستخدام المواد الخام. وهي تشمل الهندسة، العمارة، التصميم الداخلي، التصميم الجرافيكي، وغيرها.

الفنون التطبيقية هي الفنون التي تهدف إلى إنتاج أشياء مفيدة أو جميلة باستخدام المواد الخام. وهي تشمل الهندسة، العمارة، التصميم الداخلي، التصميم الجرافيكي، وغيرها.

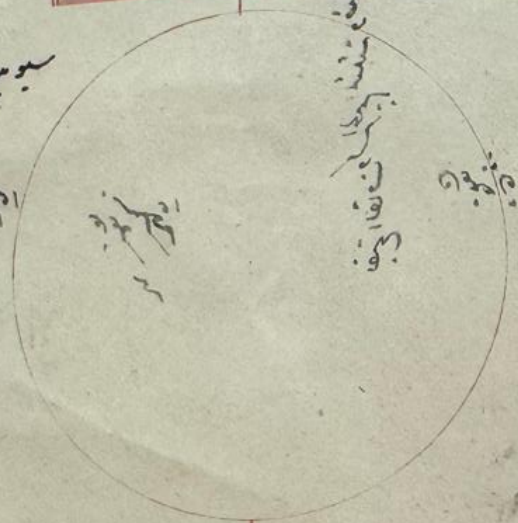
این برتان بهادر ابوکجلی خان بود که متعلقان به پیر را ابوکجلی گویند

اکثر خانات از نسل سولک و قیام انو نهبت انرا در امارت عظیم طهماسب در بدین  
 نام که در هر قیام در هر موقول عبارت از سولک و سبزه بوی نامی است

الاعمال الاله ان مملکت  
 و در هر موقول عبارت از سولک و سبزه بوی نامی است

بضم الفون و الفات الح و سکون الهم و فتح اب و الفون  
 و سکون الهم و الفات الح و سکون الهم و فتح اب و الفون

صورتش برتانی بهادر و سبزه فرزندان او



سولک و سبزه فرزندان است

صفتها  
 الموقول و سکون  
 الفون و سکون الفون

صفتها الموقول و سکون الفون و سکون الفون  
 و سکون الفون و سکون الفون و سکون الفون

الموقول و سکون الفون و فتح اب و الفون  
 و سکون الفون و سکون الفون و سکون الفون

سولک و سبزه

سولک و سبزه

سولک و سبزه فرزندان است

دارائی  
 اوکلک

والعالمه من هاتين وطراقتا معا  
 نوکی بهار و نوکی نوبان

موکد و بهار

کجکشتوت

نوکی بهار و نوکی نوبان

بعض الجيم الاول و لكن الف و فتح الف و الس و الس و  
 و سکون الراء المبهمة ۱۲

بعض الجيم الاول و لكن الف و فتح الف و الس و الس و  
 و سکون الراء المبهمة ۱۲

چو قسا

بعض الجيم الاول و لكن الف و فتح الف و الس و الس و  
 و سکون الراء المبهمة ۱۲

فاجنون

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

البحکر کونو

اد و کلین

نوبان سلوئی

کجکشتوت بیسوکای بهار و کجکشتوت نوبان

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

این بیسوکای بهار بر چکر خان بهار است اکثر بیسوکای بهار  
 و در بهاری و دلاوری سوب فاکس در شهر سنه ۱۸۶۱  
 وستین و ضمایه به

۵۶۲

۱۱

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

کون جونی  
 نوبان و اد و کلین

بعض الف و لكن الجيم المثلثة و ضم العین المثلثة و کون الیون

خنبو



۸ ۶

خوب

خوب

خوب



سوقو

مرقتی

شیرکی

بابا نوین

انگار

بغض نوین

سج

بج

سج

قرین

انگ

انگ

ایکل نوین

سج

سج

ایکل نوین

شودون

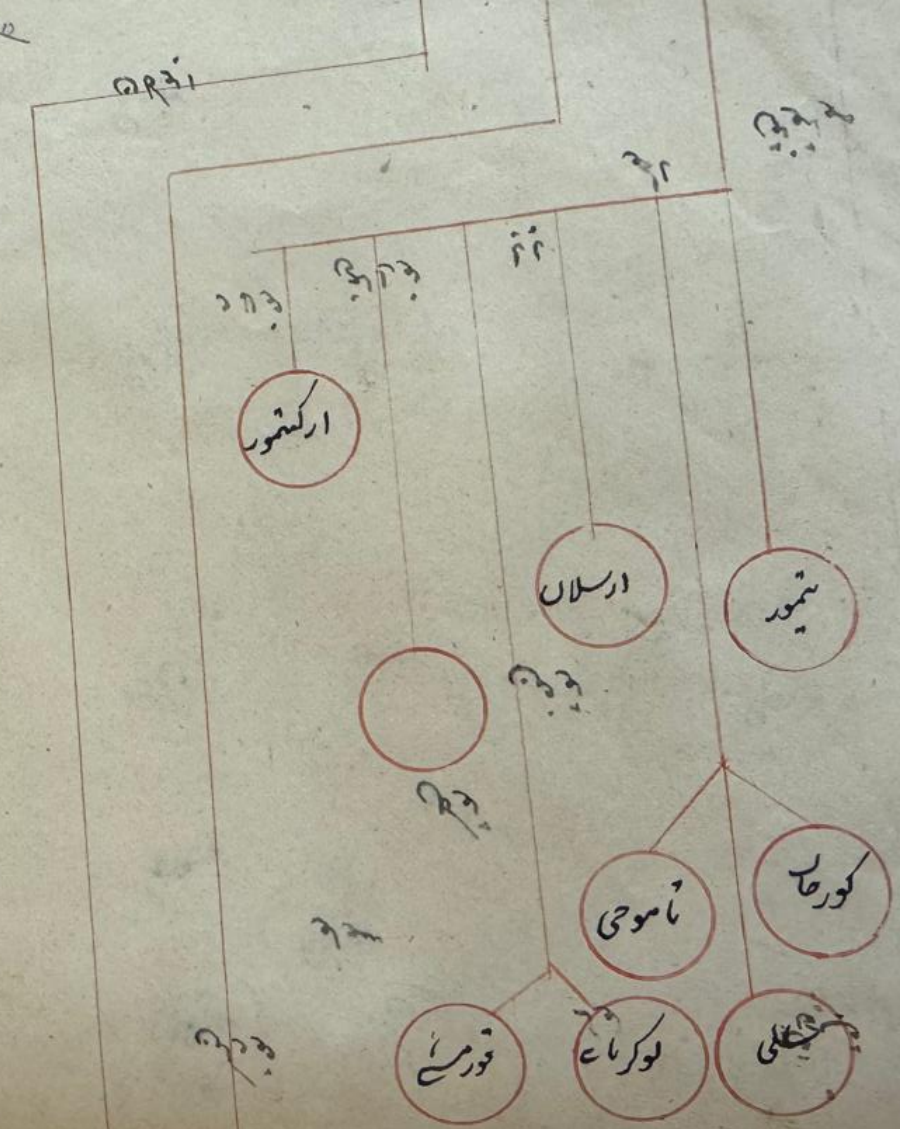
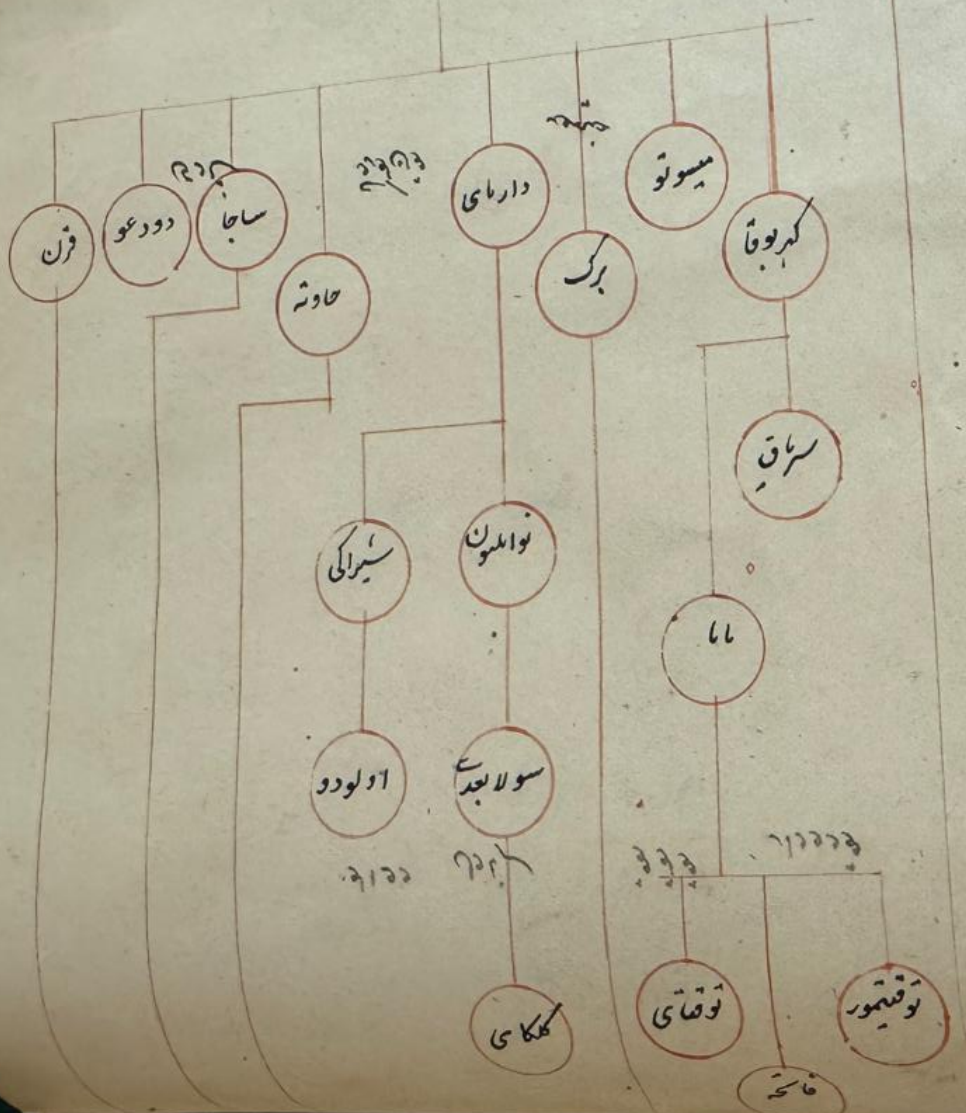
امکان

سکتور

میشاه

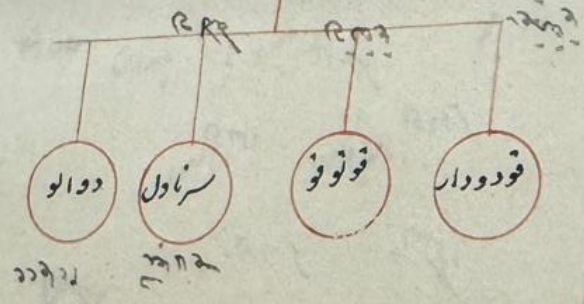
سج

سج

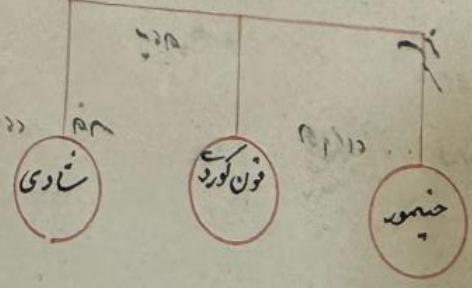


توقای  
توقای  
توقای  
توقای

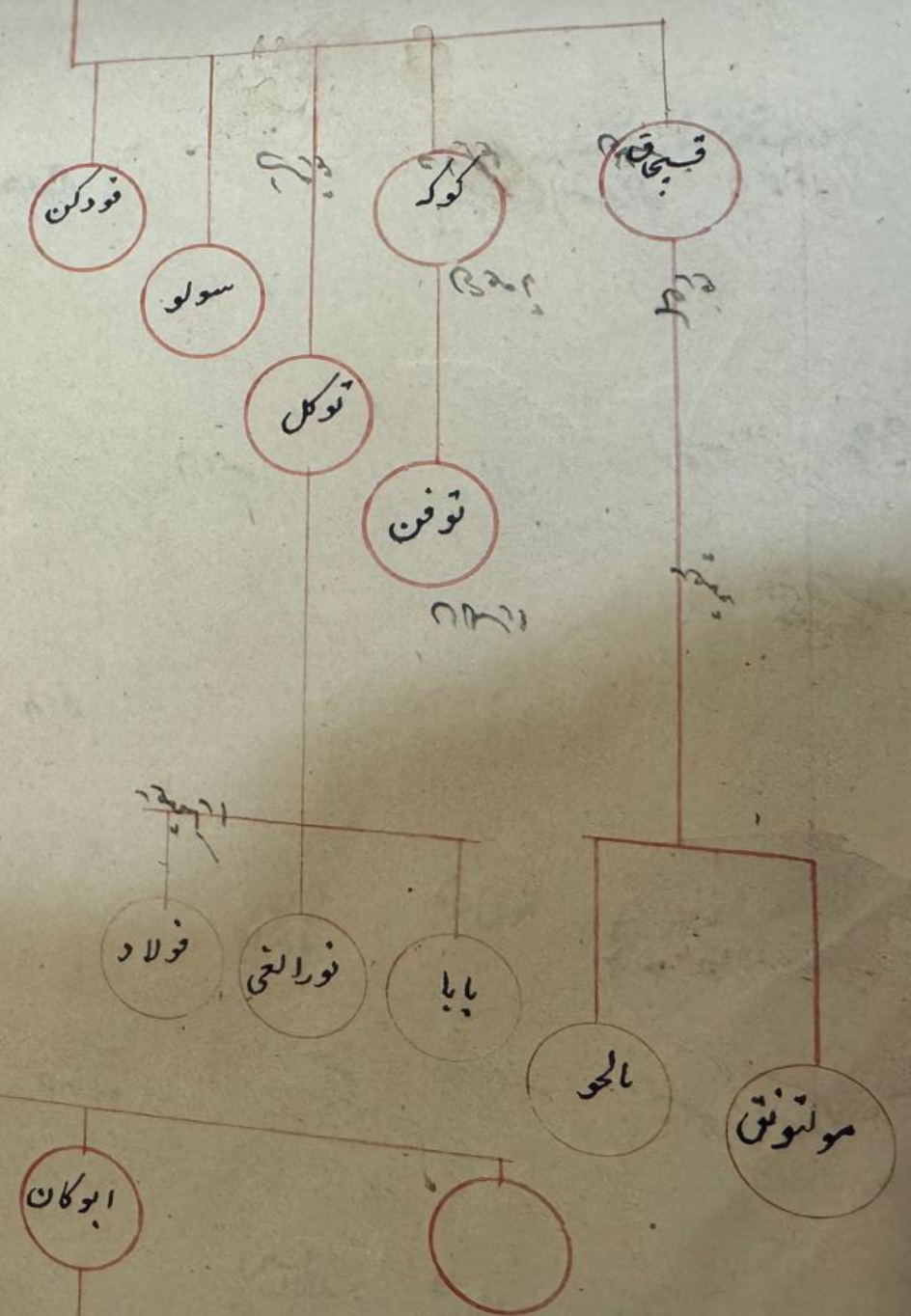
۲۱ ۲۱



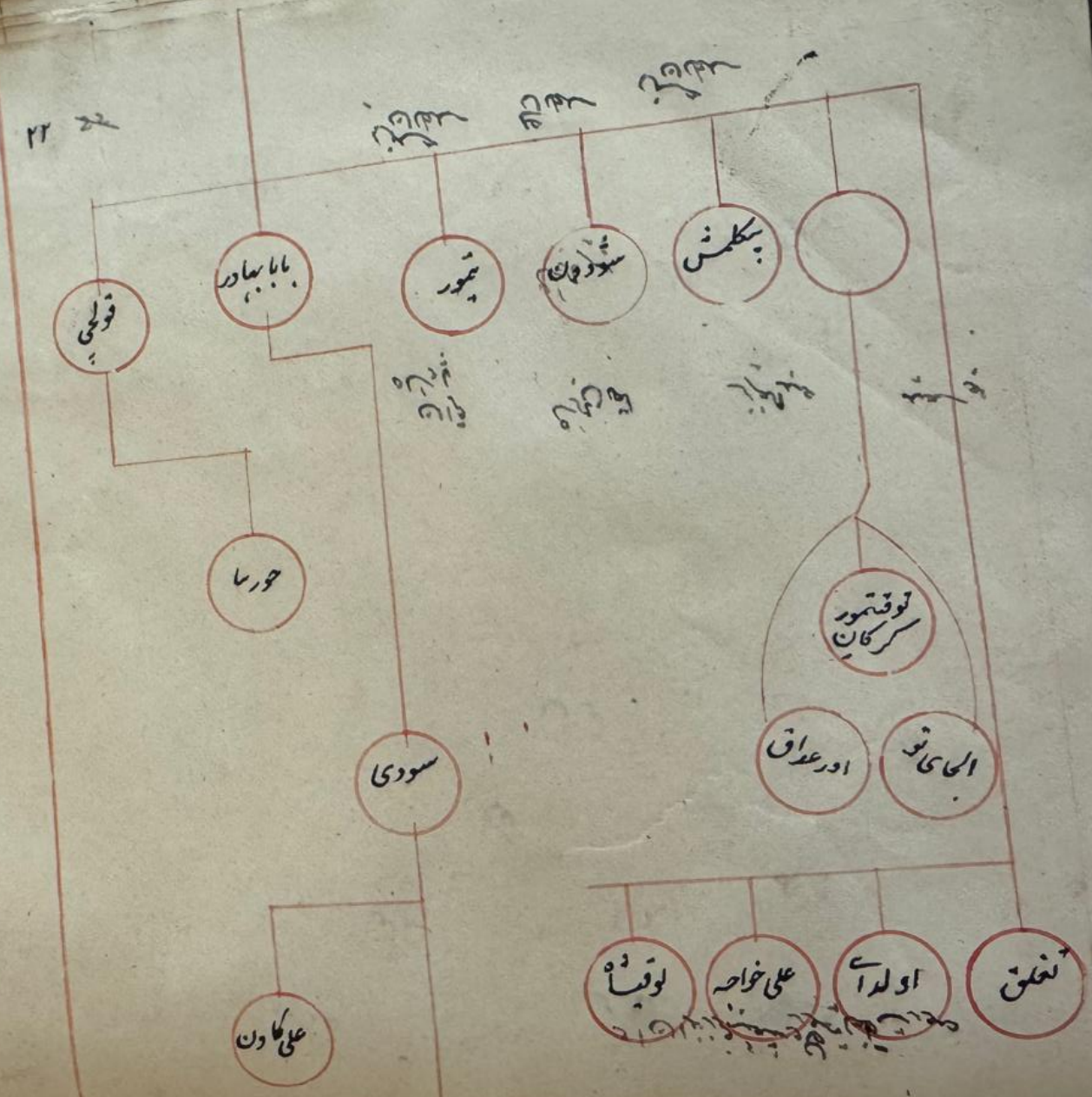
۲۲



۲۰

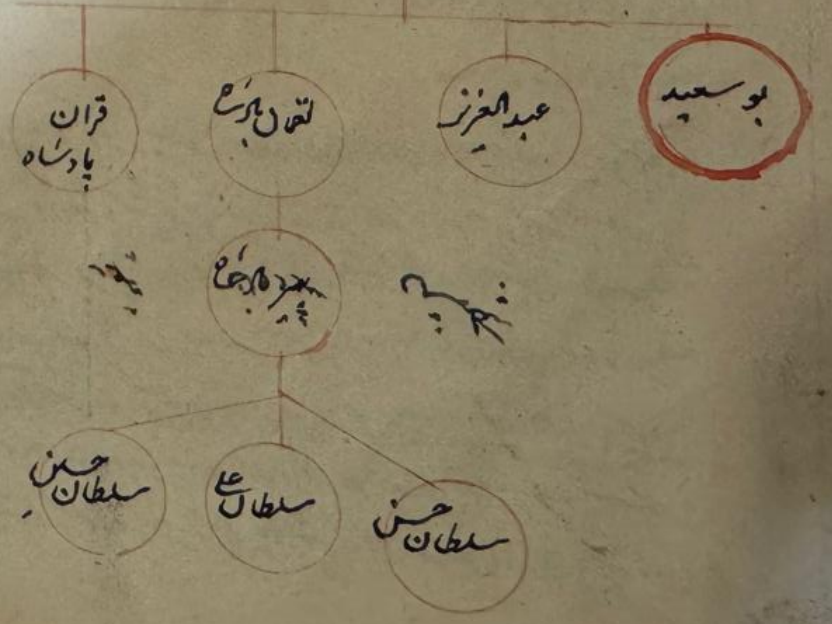
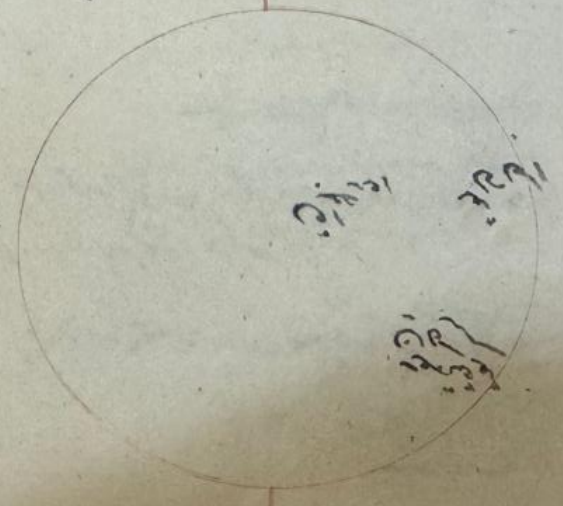


۱۵



We'd love to know how your visit is going today. Please take a few moments to complete the questionnaire at the Information Desk in the Information Center. We'd love to know how your visit is going today. Please take a few moments to complete the questionnaire at the Information Desk in the Information Center. We'd love to know how your visit is going today. Please take a few moments to complete the questionnaire at the Information Desk in the Information Center.

صورت قضا تیمور و شعبه فرزندان او  
۱۶۱۱





بر بر بیدار براره حاصل

ارقوم کرانب از معتبر آن لوا غلام مظفر و حلس خاتون  
بزرگ چنگیز خان بعد و امیر بکصد از زاره خان

همه موهای خاتون  
قوی خاتون خواهر سومات مذکوره که از جمله  
خواهین خاتون بود از قوم نیایان

ارقوم ارادت شادون  
قوی خاتون  
قوی خاتون

ارادت دست راست

قون نوین اینمصدده چنگیز خان برای کرک  
وساوری اورسیند زاره فرمود

بوجای از قوم در زمان  
بوجای از قوم در زمان  
بوجای از قوم در زمان

مسور سواد از قوم مابار غدا نجا حاج بیک صید از  
برادرا او میداشت

حاج و امی بزرگ از حسب بواج خاتون بود  
و یکصد از نوین چنگیز خان میداشت

رسون نوین از قوم موشین امیر خواجه بود و مقام  
مقام بوجای نوین شد و در سید از نوین در کوش  
و در دست راست امیری بود معتبر تر بود

بوجای نوین بود امیر الامرا و امیر نوین هم  
بوجای نوین بود

کعبای از قوم السوب از امای معتبر و امیر زارا  
دست راست

سیدی نوین قوم میکورا امای معتبر بود و مجموع  
اقوام که لاودت بر او کند او بود در امیر بزرگ  
دست راست

بولیدن حری از قوم قویکعبای امیر زارا دست راست  
او صاحبی از قوم سوست از امای  
دست چپ بود

بولوی حری از قوم قویکعبای امیری معتبر و امای  
خواجه دست راست

ظفر نوین از قوم سولدوس از جمله امای زاره دست  
دست راست

ارغی قار از قوم جد بر این امای دست راست  
دست راست

ادسرخ علی در سر عاقوب امیری  
بزرگ و از امای دست چپ

سکندر میر جلد خان بیکر از قوم سولدوس  
معتبر بود از امای دست راست

تولکس افند از قوم سکندر بیکر  
بزرگ و از امای دست چپ

منگول گورکان از قوم مازنی امیر زاره دست  
دست راست

کعبی نوین

از قوم ارادت امیری معتبر بود و امای

انجی نوین سودی نوین از قوم قنغرات

هم از امای دست چپ بود

یک بولوار قوم مابار از امای زاره دست

بوده است

انگروی از امای معتبر دست چپ بوده

وزاره میداشت

ارواحی از قوم اورا سود و صوب

امیر خواجه دست چپ بوده است

او صاحبی از قوم سوست از امای

دست چپ بود

ادسرخ علی در سر عاقوب امیری

بزرگ و از امای دست چپ

تولکس افند از قوم سکندر بیکر

بزرگ و از امای دست چپ

موسلی نوین از قوم

وقایع دست چپ بود

نوروز از قوم انرا سب از جمله

لاران معتبر بود در کوش

است از امای دست چپ

از جمله امای بزرگ دست چپ

سومای انقوم از جمله

که باخته نوین بیکر امه خراسان

کرده و باز بیکر از راه در بند کوش

مرحبت نمودند

لهر روی از قوم جبار از امای

دست چپ بود

سب کورکان از قوم قنغرات

از جمله امای دست چپ

ادق داس از قوم احای بس امیر معتبر بود

دو بدسرایک نوین

باجان نوین از قوم بان از جمله امای

دست چپ بود

تولکس افند از قوم سکندر بیکر

بزرگ و از امای دست چپ

موسلی نوین از قوم

وقایع دست چپ بود

نوروز از قوم انرا سب از جمله

لاران معتبر بود در کوش

است از امای دست چپ

از جمله امای بزرگ دست چپ

سومای انقوم از جمله

که باخته نوین بیکر امه خراسان

کرده و باز بیکر از راه در بند کوش

مرحبت نمودند

لهر روی از قوم جبار از امای

دست چپ بود

سب کورکان از قوم قنغرات

از جمله امای دست چپ

ادق داس از قوم احای بس امیر معتبر بود

دو بدسرایک نوین

باجان نوین از قوم بان از جمله امای

دست چپ بود

تولکس افند از قوم سکندر بیکر

بزرگ و از امای دست چپ

امرای دست راست

مازیاسای خودی از قوم مارین سان ده براد  
بعد مجموع را او می دانست

طلد سجو از قوم او مو نوب کورگان امیری  
معتبر بود از دست راست و بکده خضر خنجر خان  
او داده است

اسوق یزیدان از قوم او یکمون را برادر است

قول قول یزیدان راه لیب و لی از قوم سوئید از  
امرای دست راست بود

گو کی یزیدان از قوم قنات از امرای نزار  
دست راست بود و این نزاران ملک یزیدان  
بودند

مالو خان قلیچ از قوم برلاس از امرای  
دست راست

سورققت علی از قوم اوراس امیر  
زران بود که آن زران چهار نزار بود و  
مجموع را او میدانست

شکلس از قوم کونک با امیری معتبر و  
محب جنگر خان بود و جنگر خان با و دختر خود  
داده بود از امرای دست راست

قول از قوم مرسل معتبر بود و این امیر  
از عهد کودکی با جنگر خان ملازم بود و اول  
بکودکی با و در خدمت بود امیر شکر و امیر یزیدان  
بعد امیر معتبر دست راست شد و عمر نوزده  
مخترم و موحدی است

باء طوقائی از قوم اورا ملکب امیر  
ضرایع خاص دست راست جنگر خان  
بود

۲۶

کس از امرای دست راست

قول یزیدان از قوم نامان  
اورا شک قول یزیدان میگفتند  
بغایت معتبر تا حدیکه جنگر خان را  
مکه و قانون زرک او بقره او  
حصی میگفت و حکامات او در  
نوارخ است

فتاسی از قوم جلدیران از  
دست راست

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

سپیدن لوقا مارین از قوم  
اورا ملکب علی بدر خود را او  
میدانست

امرای دست چپ  
دارهای یونان از قوم تنغرات از امرای  
دست چپ بودند

دست چپ بودند

دست چپ از قوم اورا ملکب امیر نزاران  
دست چپ جنگر خان بود

ایلیان برادر امرای نزاران دست چپ  
نوند و جنگر خان را حرمانت است و در کورده  
او در موالت هم ای را در اعدا و امر  
کرد از در ارضی نه سندن و گفتند بر  
مارالقیه از صومعه سسار که میگفتند نگاه دارند  
و کوشندگان جنگر خان آن نگاه دارند

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

قول یزیدان از قوم نادرین  
از خرد امرای معتبر دست  
راست بود

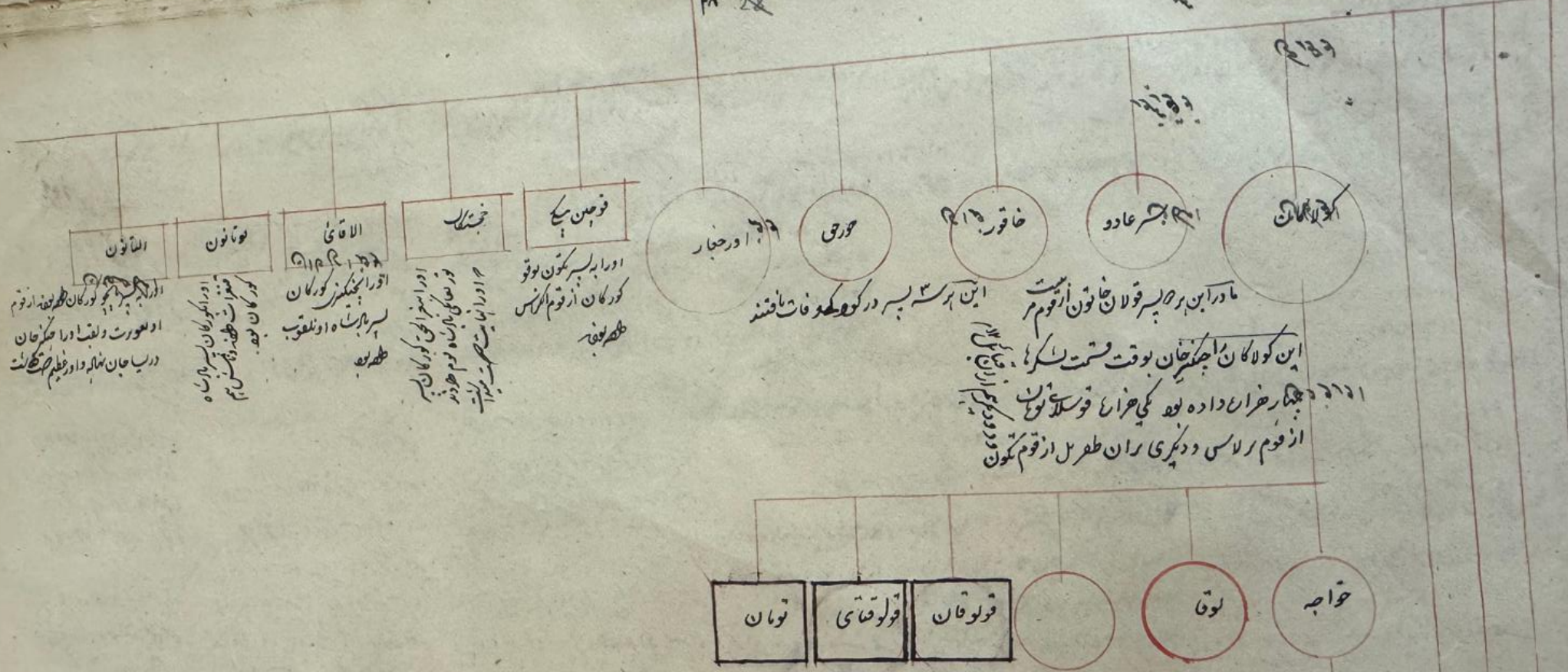
تفصیل اسمی امرا یکم تعیین معلوم نیست که آن کدام قسم بوده اند اما اعتباری داشته اند ۲۷

حرمی سرله این امرا که است  
حرمی حار و غای برادر

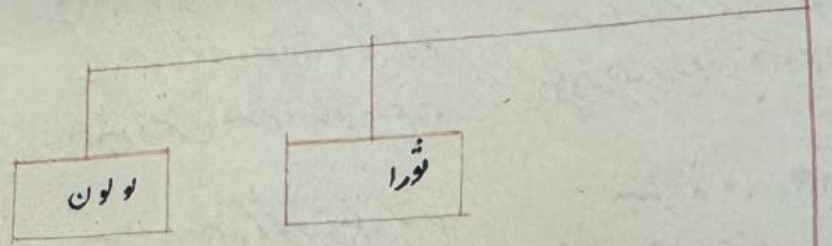
اورش از قوم توران امیری بزرگ بود  
 و سرور و سواران از قوم توران امیران بزرگ  
 امیران بزرگ

تفصیل اسمی امرا بیکه تعیین معلوم نیست که آن کدام قسم بوده اند اما اعتباری داشته اند ۲۷۰ ۲۷

موقاتی نوامک	سوسو عای قورچی از قوم اورامک و آذربایجان اورامک و دوقونک و او بوده است	لوصلا از قوم جلا بر امیر سرگرم بود او فرادر نوام از قوم جلا بر امیر چهار دود چنگیز خان او بود	جرچی سر بله این امیران سر بله بود میان چنگیز خان و ناموت جلا افشار و معاصدا دود و از حاجت بیگانه است	موسوی حار و دمای برادر قور سر بله دود
شتر طار شکر بود اورامک و سوسو عای مطلات که بود دران بچون تانند	سلسه او جه از قوم اورامک و آذربایجان عسکر و چهار دود و دلاور بود	حرام عور نویمان از قوم سونب قورچی چنگیز خان بود و امیر بزرگ او جوان نویمان از قوم کور براد و تها بود سرادرگان مذکور امیری بغایت معتبر بود	که چه از قوم سوسو را امیری معتبر و از امرای شکر بود و فتنه ساز بود زین امر و با سوسو نویمان فتنه ارزاه در شهر مراجعت گو	بسر نویمان از قوم بزرگ بود دور از چنگیز خان پس او کشتن دستور نام از قورچی خان را که عاقبت رده بود با تاد و داجی بلبلت در بیخ آمده است
سوسو و از قوم قور لاس از امرای بران بود اورامک و سوسو عای	تور و کندی نویمان از قوم کور لاس او امیر معتبر و او عسکر برادر بزرگ مذکور بود است	تیمور از قوم سونب از امرای معتبر که از سوسو امیری را از قوم و امیر چنگیز خان او جوان نویمان از قوم کور براد و تها بود سرادرگان مذکور امیری بغایت معتبر بود	قور و از قوم گران و از امرای بزرگ او کندی خان بود چون با چنگیز خان خلاصی نمود و حضرت او آمد و عسکر نام سوار براره گران را بدو تفویض کرد سرور از قوم بیلان امیر بزرگ قورچی چنگیز خان بود است	قور و از قوم کور لاس مردش نام و بجای پدر او امیر او کندی و سوسو عای حضرت بود سوسو عای و چنگیز خان که چنگیز خان او داده و قورچی کندی
اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای	اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای	اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای	اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای	اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای اورامک و سوسو عای

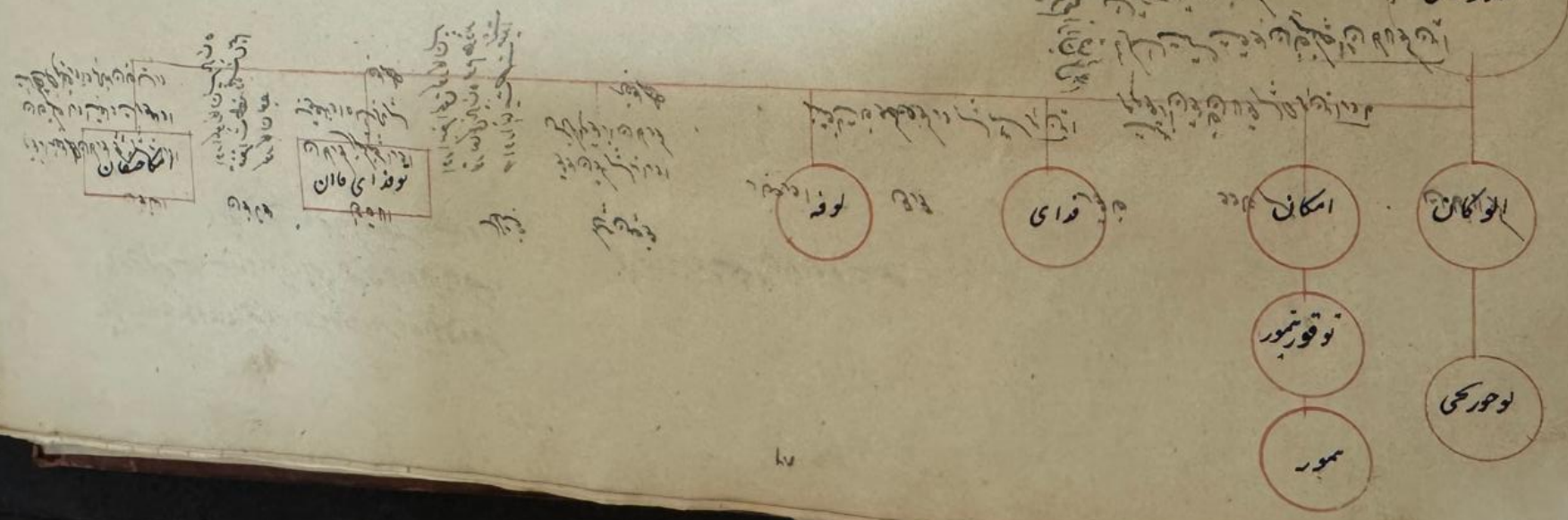


مادر این برادر اولان خان از قوم م  
 این برادر اولان خان از قوم م  
 این کولان اجنک خان بوقت دست لکری  
 در کورگان داده بود کی هزار توسلا لوقا  
 از قوم رلاسی و دیگری ران طرف از قوم کون



نورا  
نولون

اور و دخی  
 اور و دخی  
 اور و دخی



هو لاسکم  
ارزنک  
فاطمه سلطان بیگم

نوراسکم  
در عز از نیر کلان است

سعد زکریا بیگم  
عرف و معزز بیگم ارزنک  
افتر محمل

صافق بیگم  
ارزنک معولات احام  
مدرسه

مرا فرزندکم  
ارزنک اول سل نام  
۵۶۶

صح از فرزندکم  
ارزنک ز صحن مهتاب  
نم سکر

میرزا محمد زین العابدین

میرزا ابوالفتح  
میرزا کریم الشیخ  
نام عمر شمس

میرزا جید  
نام عمر شمس  
۲۶

ارزنک فاطمه  
سلطان بیگم  
میرزا حاج  
۳۳

میرزا اکالا  
عرف میرزا

میرزا الصیر  
ارزنک در زانف خانم  
۳۳

میرزا ابوالفتح  
ارزنک نسیم  
۹

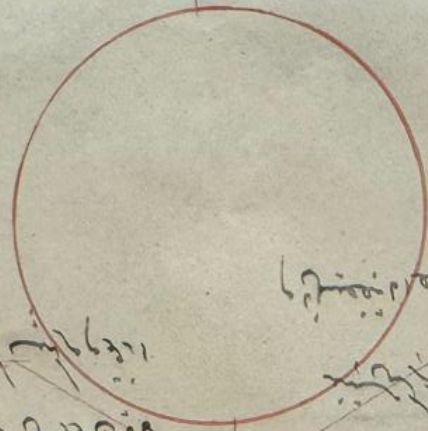
میرزا محمد زین

ارزنک ز اول سل نام  
میرزا محمد زین

میرزا احمد ناصر  
نوراسکم  
۹

تختگاه جوچی خان در زمان پدرش اردشیر بود و کوههای الهائی و شایان  
 و شلاق آن نواحی ویرانی نافرمانی بود که ولایت و دست قسطنطنیه  
 از جانب او استخفاف گردانیده در تصرف آورد

صورت جوچی خان و شعبه فرزندان او



ابن اسمعیل

ابن اسمعیل و سایر فرزندان او در زمان او در قزوین بودند

ابن اسمعیل و سایر فرزندان او در زمان او در قزوین بودند

ابن اسمعیل و سایر فرزندان او در زمان او در قزوین بودند

سر قزو خان و قوم سعادت بزرگترین خوانین جوچی خان  
 بود و او نیز بزرگترین جوچی خان و نیز خانان لر و خوز است

کسلسای از قوم کسب امیری معتبر بود و  
 از عهد امای چنگیز خان که در وقت شست عاگر  
 او را نیز بزرگترین جوچی خان داده است

مومکد و از قوم سعادت از امای معتبر بود  
 و از عهد امای که چنگیز خان بوقت شست  
 لکر جوچی خان داده بود است

سلطان خانان از قوم امین برکه دیده و  
 بزرگترین خوانین ازین خانان در عهد امین  
 بزرگترین خوانین ازین خانان در عهد امین

قتلح خانان از قوم سعادت می خوانین خانان بود  
 بزرگترین خوانین ازین خانان در عهد امین  
 بزرگترین خوانین ازین خانان در عهد امین

ماهو از قوم ارلات از عهد خوشین  
 بوغورج نومان بود و او نیز از ان امای است  
 که در وقت شست عاگر جوچی خان داده است

صوهدای نومان از قوم موسین امیری پس  
 معتبر بود و چنگیز خان او را نیز بزرگترین  
 وقت شست عاگر جوچی خان داده بود

او کی قوسین قزاقان بزرگترین خوانین ازین خانان  
 قادر سلوک و مسکون بر دو ازین خانان

بزرگترین خوانین ازین خانان در عهد امین  
 بزرگترین خوانین ازین خانان در عهد امین

سر سواد ولدن ازین خانون بجه اند  
از کوی قومن ازین خانون بجه اند

دیده است که در این قوم  
بسیار از این قوم  
بسیار از این قوم

دیده است که در این قوم  
بسیار از این قوم  
بسیار از این قوم

بسیار از این قوم

دیده است که در این قوم

بسیار از این قوم

دیده است که در این قوم

باید دانست که این چهار امیر لاچاره فرار نفر نکردند بلکه خان بجوئی خان اده بود  
و اگر کسی که در دستش سپید و سرای و جافی رغان نبردس و هر کس هستند

از نسل این قوم اند و دیگر امرای بسیار اضافت لشکر او کرده بود اما بتفصیل نام

ایشان معلوم نیست

قادر معلوم و مسکون بر دو ازین خانون  
بجه اند

دیده است که در این قوم

بسیار از این قوم

دیده است که در این قوم

باید دانست که این چهار امیر لاچاره فرار نفر نکردند بلکه خان بجوئی خان اده بود

و اگر کسی که در دستش سپید و سرای و جافی رغان نبردس و هر کس هستند

از نسل این قوم اند و دیگر امرای بسیار اضافت لشکر او کرده بود اما بتفصیل نام

ایشان معلوم نیست

دیده است که در این قوم  
بسیار از این قوم  
بسیار از این قوم

دیده است که در این قوم

بادشاهی الواسع جوئی در زمان این باتوخان بهار خرد را در آن و بعد از آن که فرزندان این چهار گانه حکم خان  
 مانند جمله نیرگان این باتوخان بوفته و در کورسا ساسانجی کلان رشتی و طغاس گردید او تا زمان خود نماند بلکه تا مدت بطبع و شفا کار او بود

نصفه البام الموهبه  
 وضع الماده السادة  
 الصوفانی مع الكواد

صورت باتوخان و سینه فرزندان او  
 بطوریکه بر کله خان  
 بطوریکه بنا بر الموهبه  
 و مکتوب الزام  
 الموهبه و  
 شرح الکلمات  
 ۱۲

باز آورده در آن  
 انجن بر  
 سر و قد خان  
 بود



چوس برک خان در شهبوسه انجن  
 و خمین و ستمانه و فالتق در سنه  
 فصل دستین و ستمانه

وفات باتوخان در شهبور سنه  
 خمین و ستمانه کبیرا کمال برت  
 عمرش چهل و هفت سال

ایده در دو قسم الالف و سکون الزام الموهبه  
 فتح الدال المبهته  
 این مورد بر اکثرین فرزندان  
 جوج خان بود در زمان پدر و بعد  
 بر پدر معتبره و معظم زلیک اما

سلطنت بعد از جوج بر با تو مقرر شد و آورده بر سلطنت باتوخان اضی بود و اجلاس او بجای پدر به سعی برادر بزرگ می رسید و در اینها که مکتوبات آن جهت احکام و بایاها با نسیه نام آورده  
 بر با تو مقدم دانسته و آورده را این نیز خوانند اند و انجن بر بر از یک مادر بعد از او آورده است خاتون بزرگ بود بر سه از قوم قنقرات و فرزندان او در اهل کور آورده بودند

برک و بوره در برک است که نام مستند است و نام او انجن بود

بکر الطین المبهته شرح اب الموهبه و کون انجن

نظم النارة المساه العرفا  
 و فتح العاقب و الفضا  
 مع المساه العرفا و کون  
 النارة  
 و ضم المیم  
 و کون  
 الزام  
 الموهبه  
 ۱۲

سرفنی

نول

نورمنج

گورمه

مولمراک

مولاورد

مولاورد

بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني

بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني

نورمان

سنگران

امام جي

بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني

فوسنجي

ابن فوسنجي مدني مريد حاكم الروس اورده

بوه وجنين فرم بوه مسيح ايسا اورا  
نيكيد بكون كوج كردي ومنتب و  
روز بكنيان اورا تفاه سيد استند  
كه تخند و بيده الفسوس كنيزه كه ملائكه  
عاقبة الامر روز  
بجو از فوسنجي و بيه  
از كلوس برون  
آمد و نيزد  
فوسنجي

بوهنگ

بوهنگ

بوهنگ

بوهنگ

بوهنگ

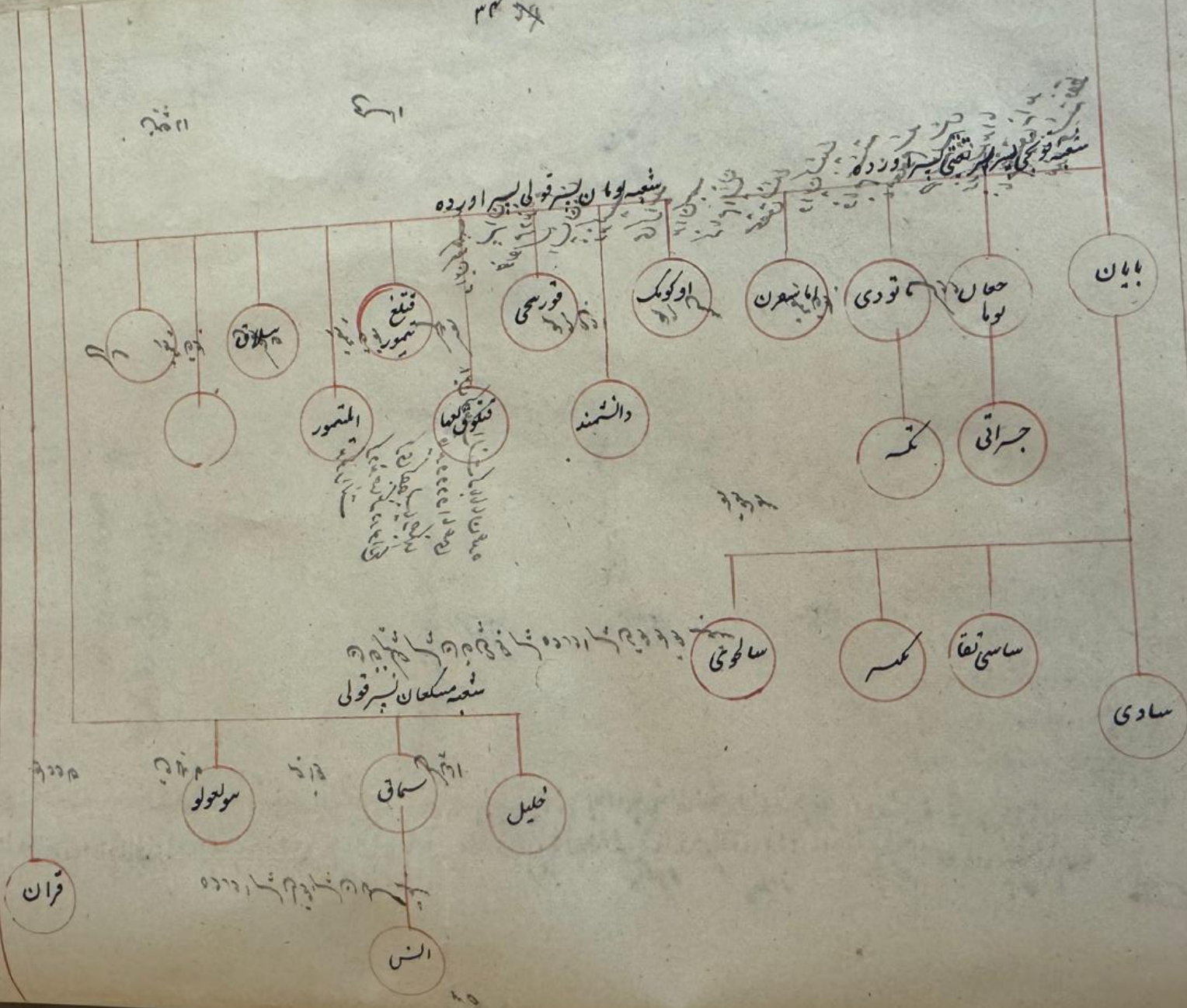
بوهنگ

بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني

بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني

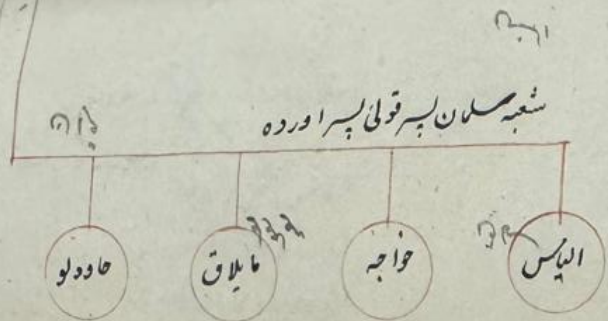
بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني

بنگ القادار الاخر وسكون المسنة الهخاني



انس

دان

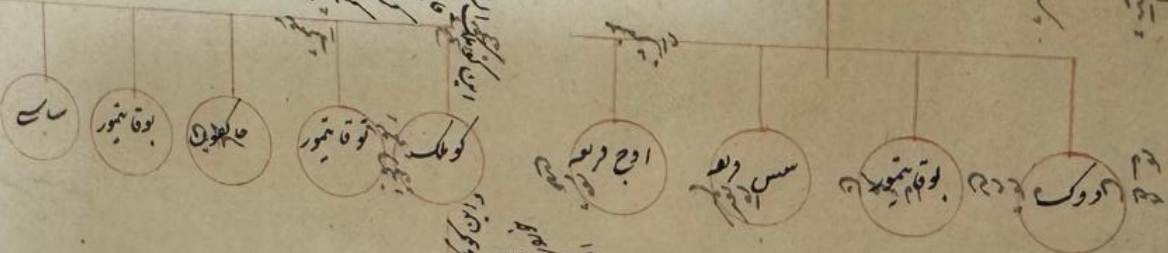


شعبه قولو قوی پسر آورده پسر جوجی خان پسر حکیم خان

بمور قولا

سولغولو

اس سانخ



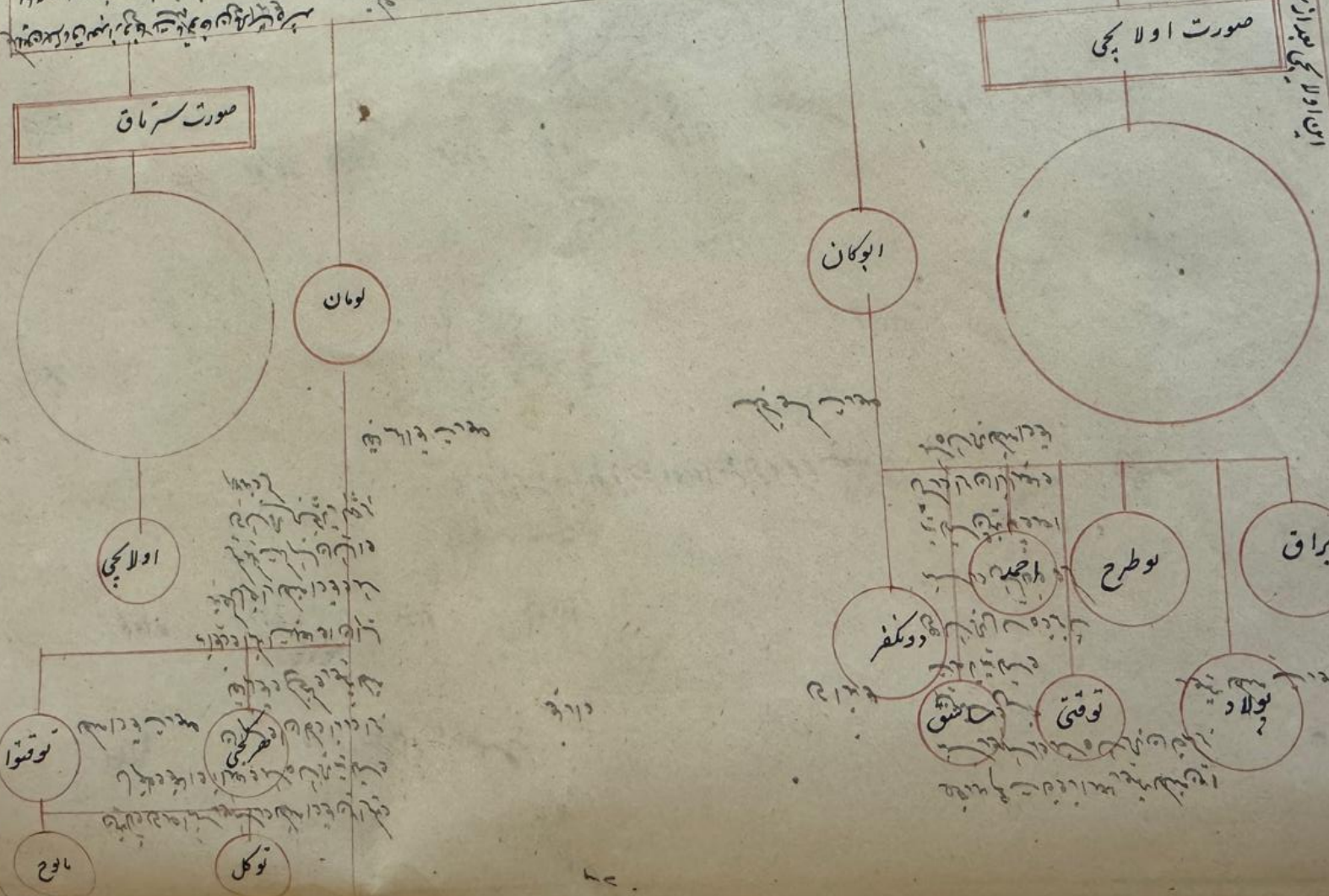
ااجین

السخ

شعبه با تو سپر جوجی خان سپر جلیگز خان

این اولاد یکی هم از سران این برنج منگوقه‌اقان و بر قیام  
 در سلطنت امان او نیز زنده می‌ماند  
 و بعد از او که خان از شاه شاد  
 در سلطنت او نیز از این خاندان است

کلیه سوره که در  
 این کتاب است در  
 این کتاب است در  
 این کتاب است در



۳۶

۳۶

۳۶

دیگر این نود امضا در شهر سده احدی و نامین

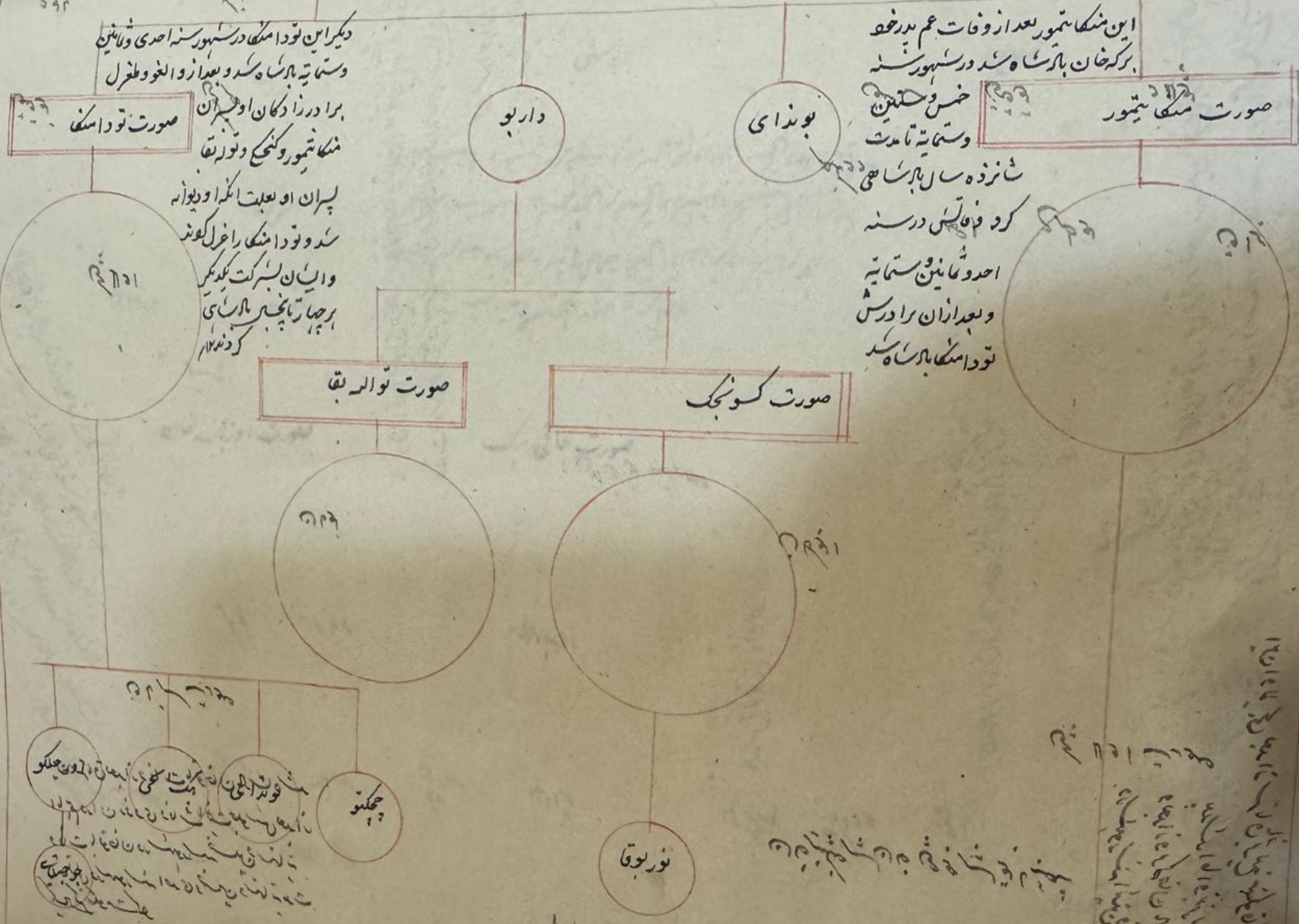
Completed, please leave the questionnaire at the information desk in Reading Room staff in Boston Spa

موضوع

نوع

532

536



این منگاستمور بعد از وفات عم بدرخو  
که که خان باگت همد در شهور شده  
صورت منگاستمور  
حسن و ستمت  
و ستمت تا مدت  
ش نرزه سال باگت همد  
کرد فوالتس در سنه  
احد و تانین ستمت  
و بعد از آن را در سن  
تودا منگاستمور همد

صورت کونجک  
چکنو  
نور بوقا

شعبه موکلا پتمور پسر بوقان پسر با تو پسر جوجی

شورای عمومی

امامی

بوداگان

بورلوس

قدان

سراجی

مولاجان

الوسلوقا

صورت طغر بلیمه

این برادران از امر سلطان خان تون بودم و همگام

Handwritten notes in a circle, possibly a list of names or titles.

صورت توفیقی

در وقت آمدن منی تون در وقت که در وقت آمدن منی تون در وقت آمدن منی تون

Handwritten text in a circle, possibly a list of names or titles.

امامی

کوریاس

کوریاس

Handwritten notes in a circle, possibly a list of names or titles.

Handwritten text at the bottom right, possibly a list of names or titles.

توکل یونقا

بابوش

ایل بیله

السوقا

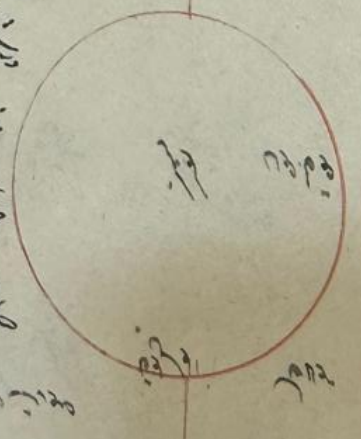
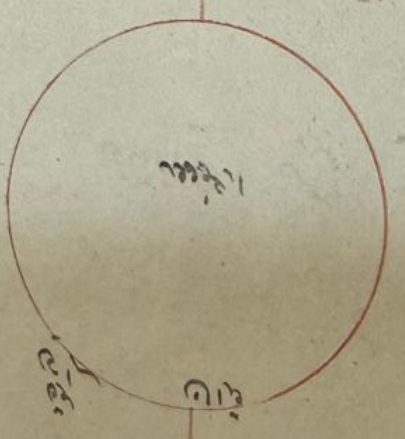
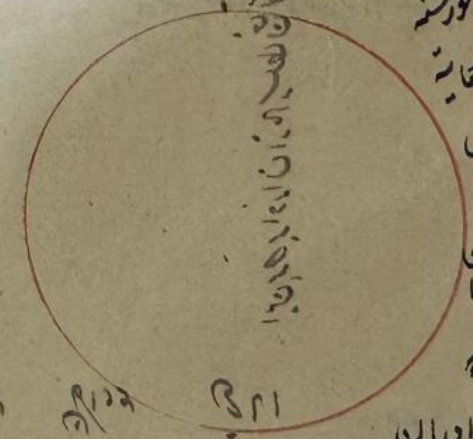
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
سینه چاه که در کوهستان در کوهستان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...

بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
سینه چاه که در کوهستان در کوهستان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...

صورت شیرازی بربک

صورت جانی بربک

صورت اوزبک خان

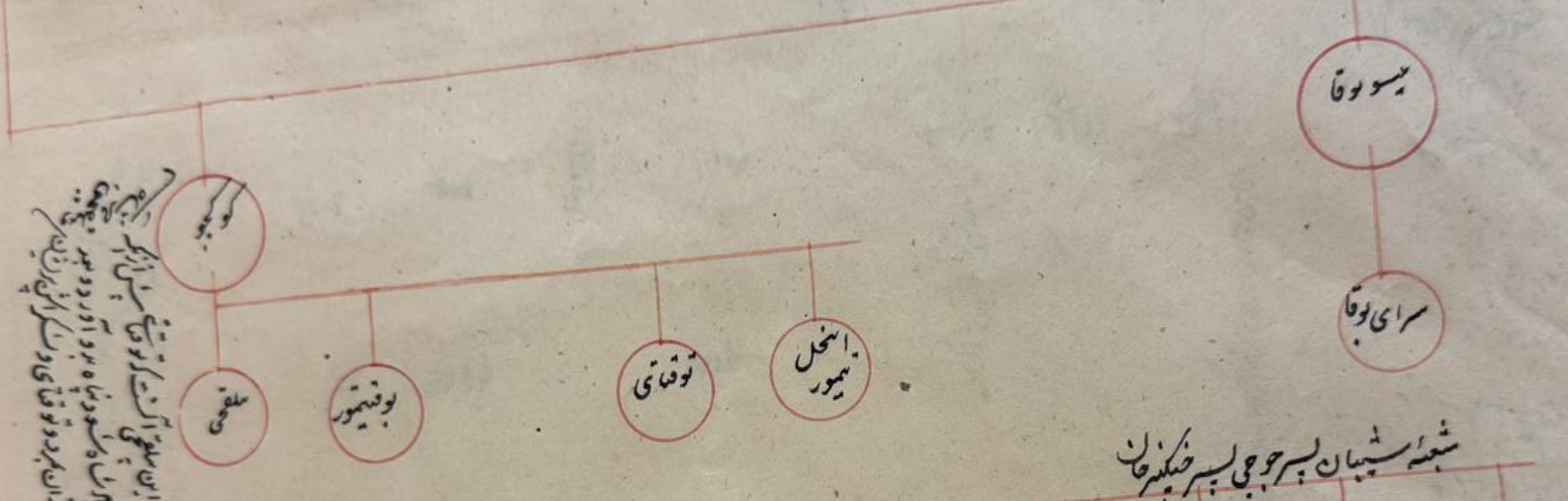


این اوزبک خان بعد از وفات پسر خود ...  
در سلطنت سلطان ابوسعید دران ...  
سلطنت سلطان ابوسعید دران ...  
سلطنت سلطان ابوسعید دران ...  
سلطنت سلطان ابوسعید دران ...

نیز چندان عمر نیافت ...  
بیمار است که در اول درختان بادیه و در کوهستان ...

شعبه رکن پسر پسر خکنده خان

۲۰



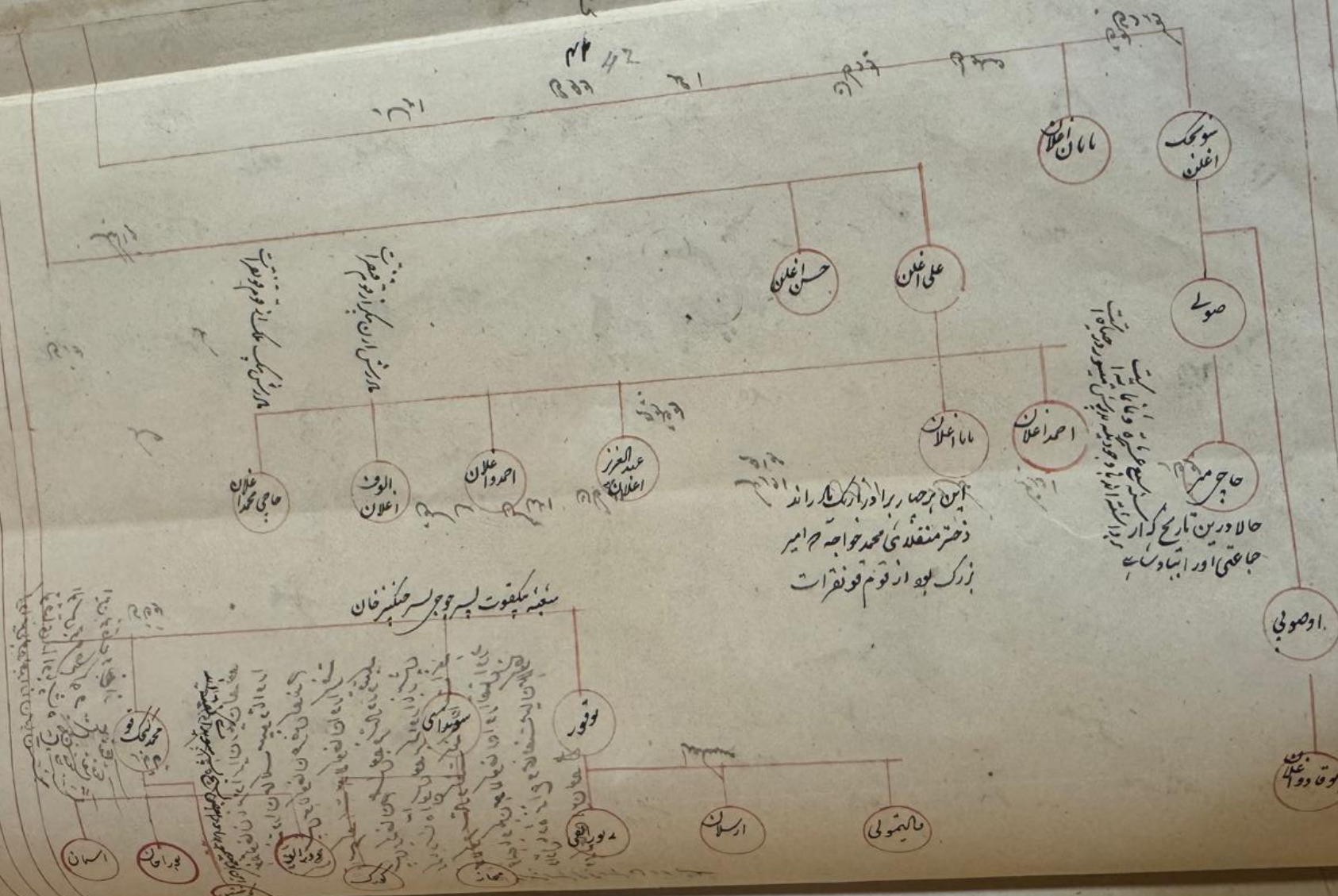
شعبه شیخان پسر جوی پسر خکنده خان

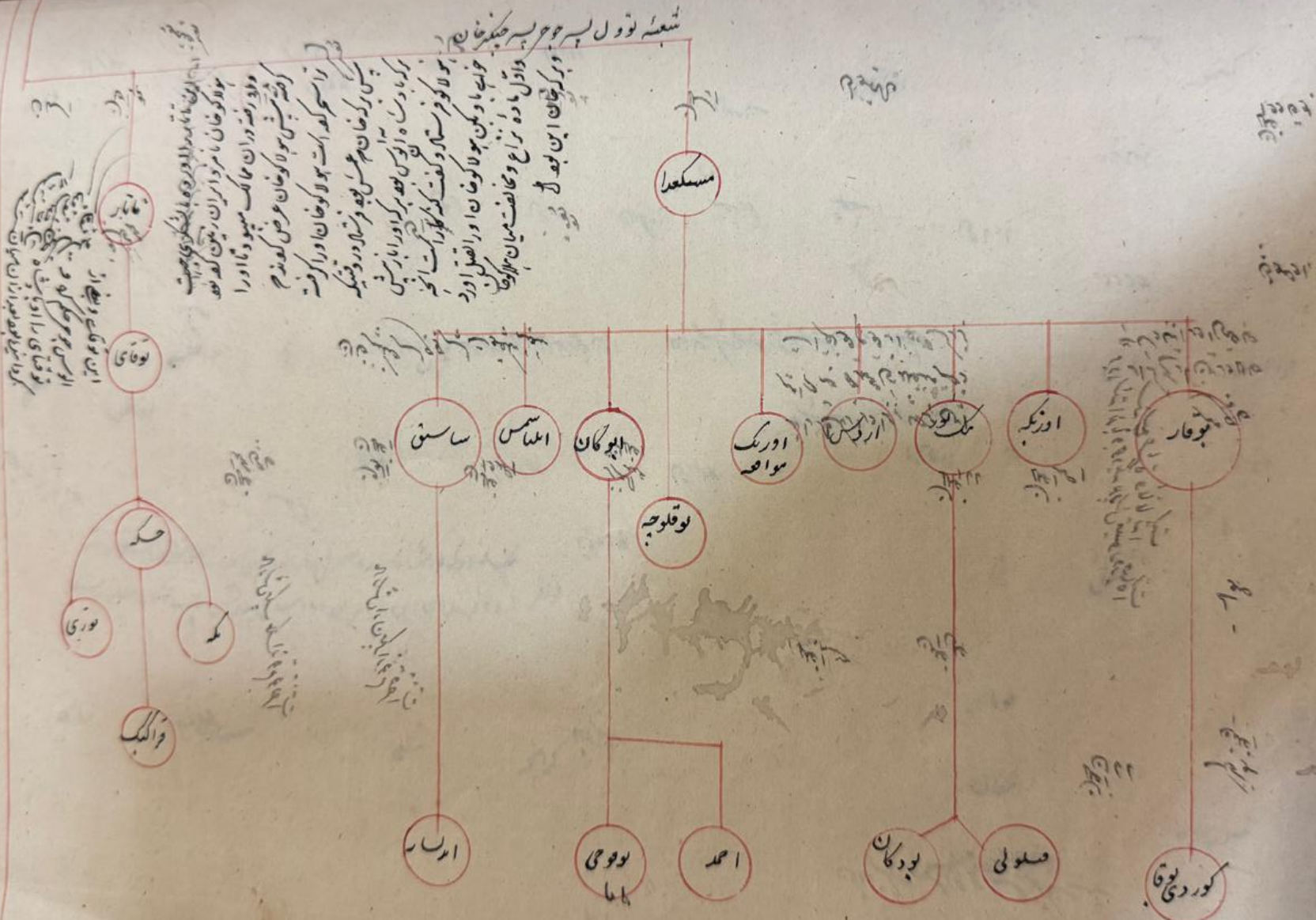


Library  
We'd love to know how your visit is going today. Please take a few moments to answer our questionnaires at the Information Desk in the Entrance and the Reading Room staff in Boston Spa.



Handwritten notes at the top of the page, including the name 'محمد حسن' and other illegible text.





اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

اسکان

بوفارکان

نوقای  
 سلسله  
 اساس  
 ابوکان  
 اورک سواحه  
 ارک  
 ملا  
 اوزنگ  
 بوفار  
 کوردی بوقا

سلسله نوول  
 مسعود  
 سلسله  
 اساس  
 ابوکان  
 اورک سواحه  
 ارک  
 ملا  
 اوزنگ  
 بوفار  
 کوردی بوقا

مسعود

سلسله

اساس

ابوکان

اورک سواحه

ارک

ملا

اوزنگ

بوفار

سلسله

اساس

ابوکان

اورک سواحه

ارک

ملا

اوزنگ

بوفار

نوقای

سلسله

اساس

ابوکان

اورک سواحه

ارک

ملا

اوزنگ

بوفار

کوردی بوقا

ادرا

نوقلوجه

بودکان

مسلوی

کوردی بوقا

ادرا

نوقلوجه

بودکان

مسلوی

کوردی بوقا

ادرا

نوقلوجه

بودکان

مسلوی

کوردی بوقا

ادرا

نوقلوجه

بودکان

مسلوی

کوردی بوقا

ادرا

نوقلوجه

بودکان

مسلوی

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

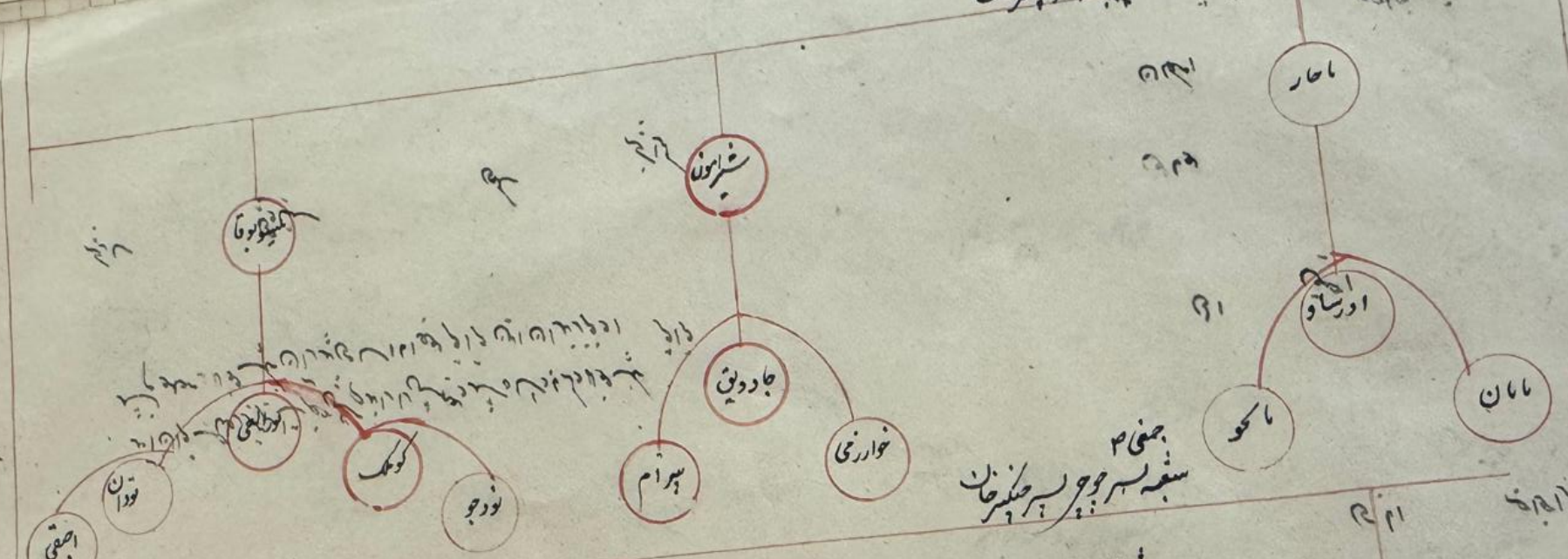
کوردی بوقا

کوردی بوقا

کوردی بوقا

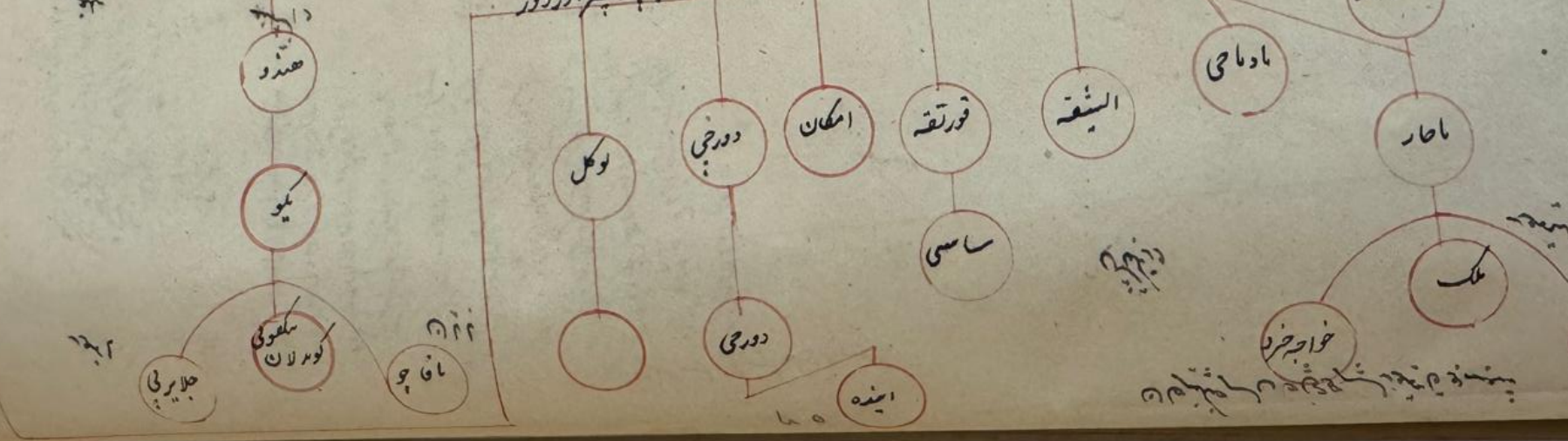
شعبه سنگفور پسر جوچی پسر چکنر خان

۲۲



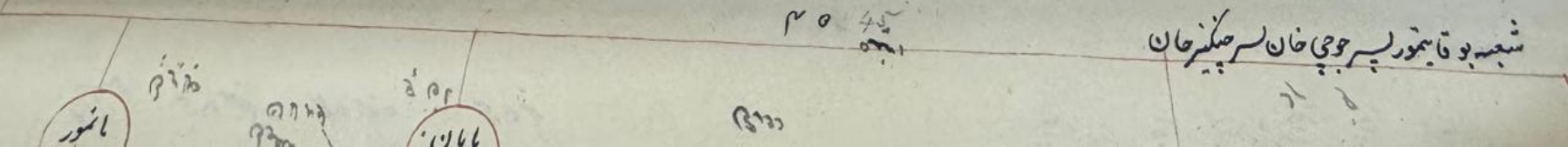
شعبه اوردور پسر جوچی پسر چکنر خان

این فرزندان فرچار پسر اوردور



شعبه بو قایمور پسر جوچی خان پسر چکنر خان

۲۵



شعبه بوقاق تیمور پسر جوچی خان سرچنگ خان

۲۵

دولت

کیتور

اوزنگاش

بابان

مانور

فراخاج

ابای

قران

دانشمند

بوقاق تیمور

سلغی

کونجی

احسن

الی

قراق

یک فولاد که بادشاه شد و بعیش را از اندام پیش حضرت این فولاد صاحب قران آمد  
 او فرزندان این قراق بود اما اباسمی پدران یک فولاد معلوم شد

نومان

کراجه

سکی

سینا

سارجه

کونجه

امکان

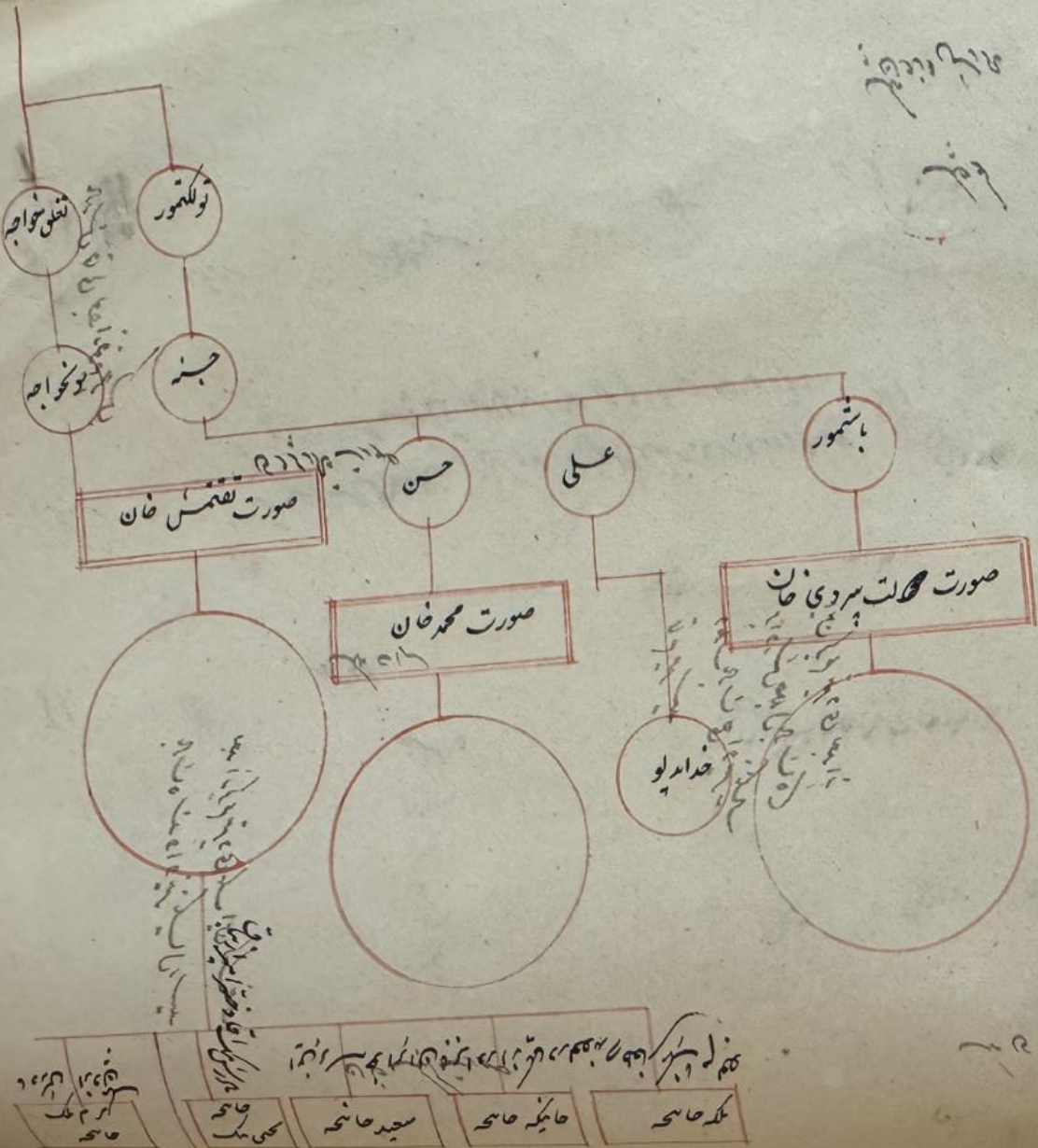
منعی

تیمور خاج

مادق

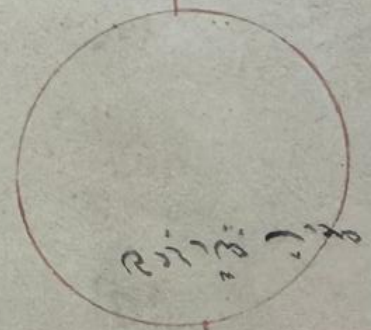
فریق

عبدالله بن محمد  
محمد بن عبدالله

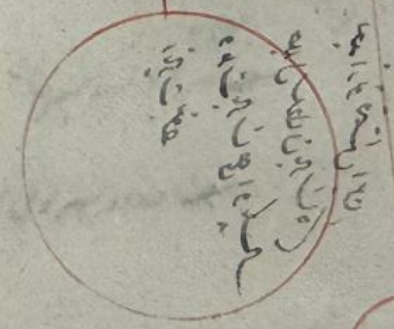


صورت ارسل خان

صورت ارسل خان



صورت درویش خان



صورت محمد خان

صورت لقمش خان

صورت محمد خان

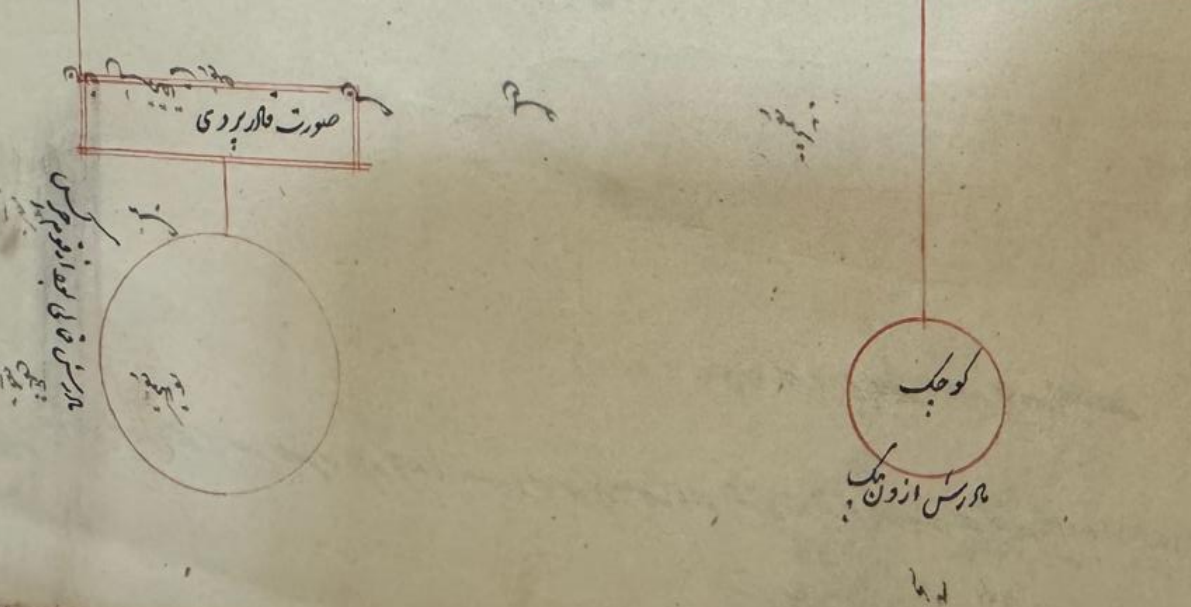
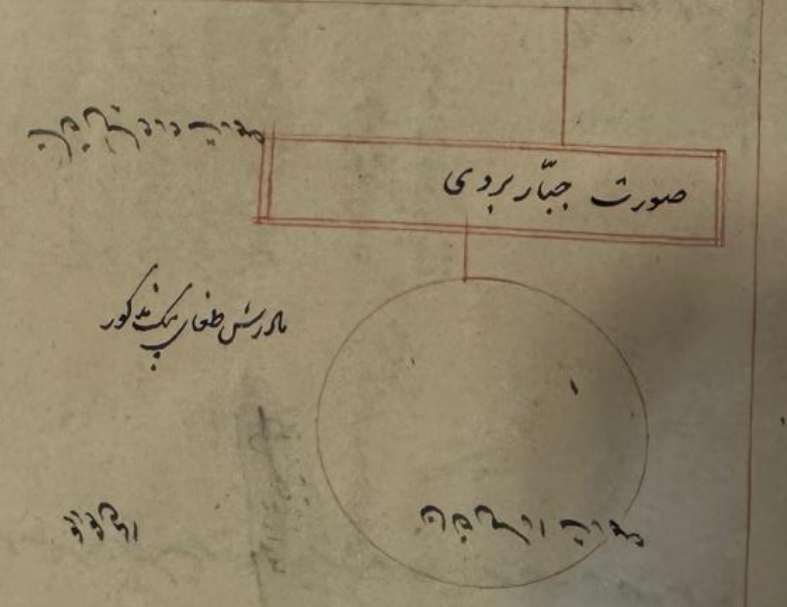
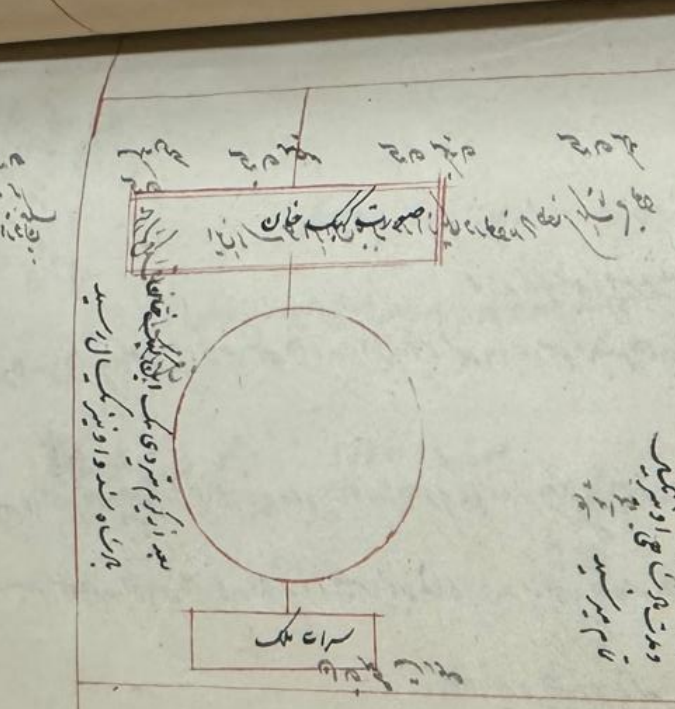
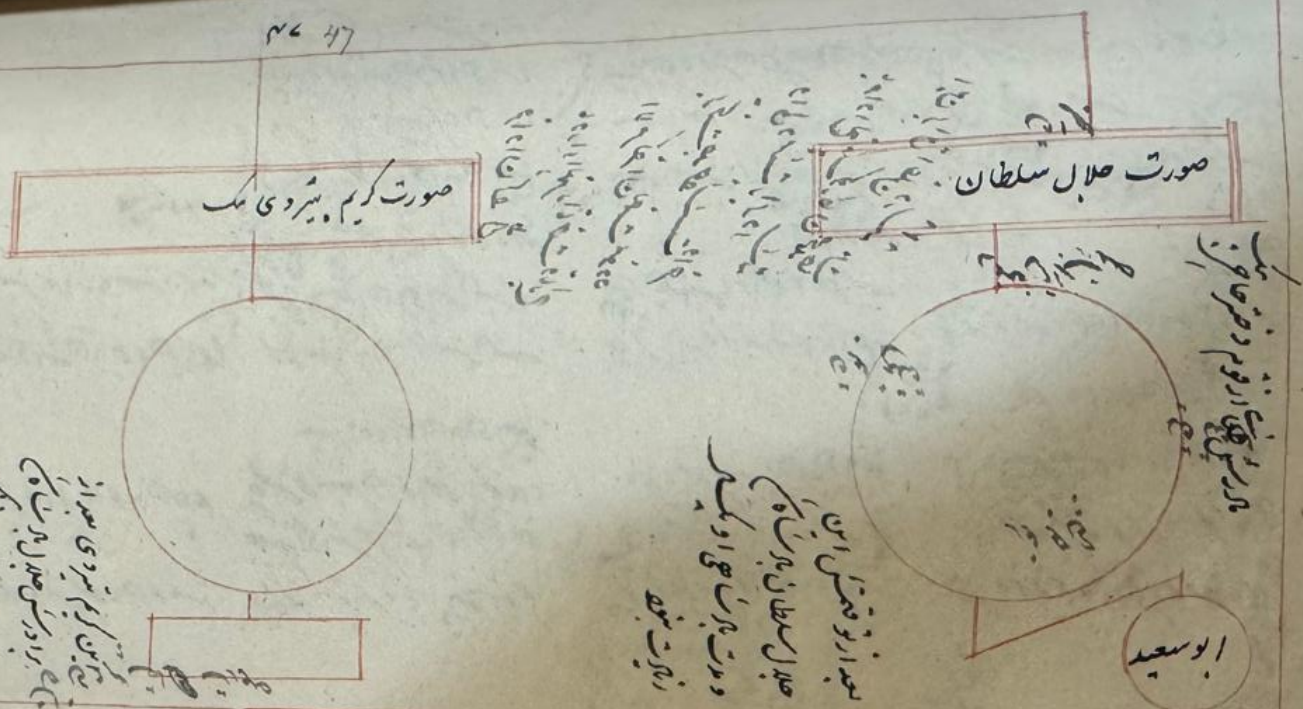
صورت محمد خان

صورت لقمش خان

صورت محمد خان

صورت لقمش خان

صورت صلاح سلطان  
 در صورتی که از قوم در ضمن خود  
 در صورتی که از قوم در ضمن خود  
 در صورتی که از قوم در ضمن خود  
 در صورتی که از قوم در ضمن خود



۴۶

کوچک  
 مادرش ازون ملک

ملک حاجی  
 حاجی حاجی  
 سعید حاجی  
 حاجی حاجی

این خاندان در زمان شاه جهان در هند بود

این خاندان بعد از وفات حکیم خان در مدت سی و سه سال در اکتی قان خان بود و بعد از وفات او کنی خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت

صورت چغتای خان و شیخ فرزندان او



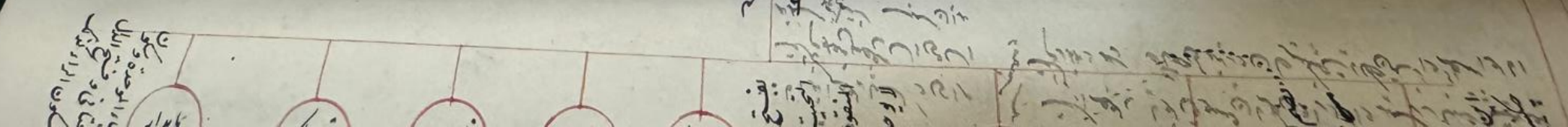
چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود

چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود

امرای که در زمان او بودند

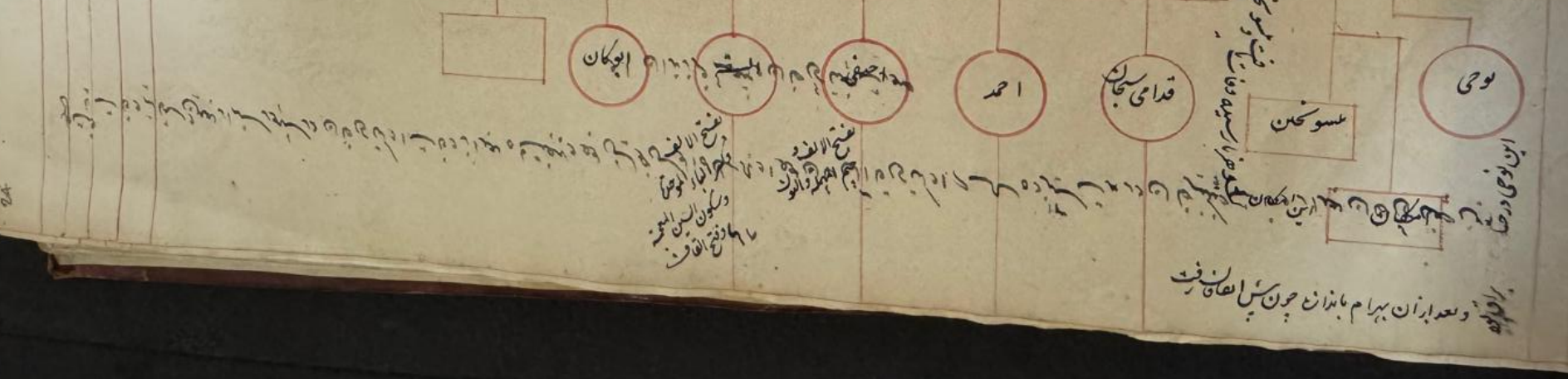
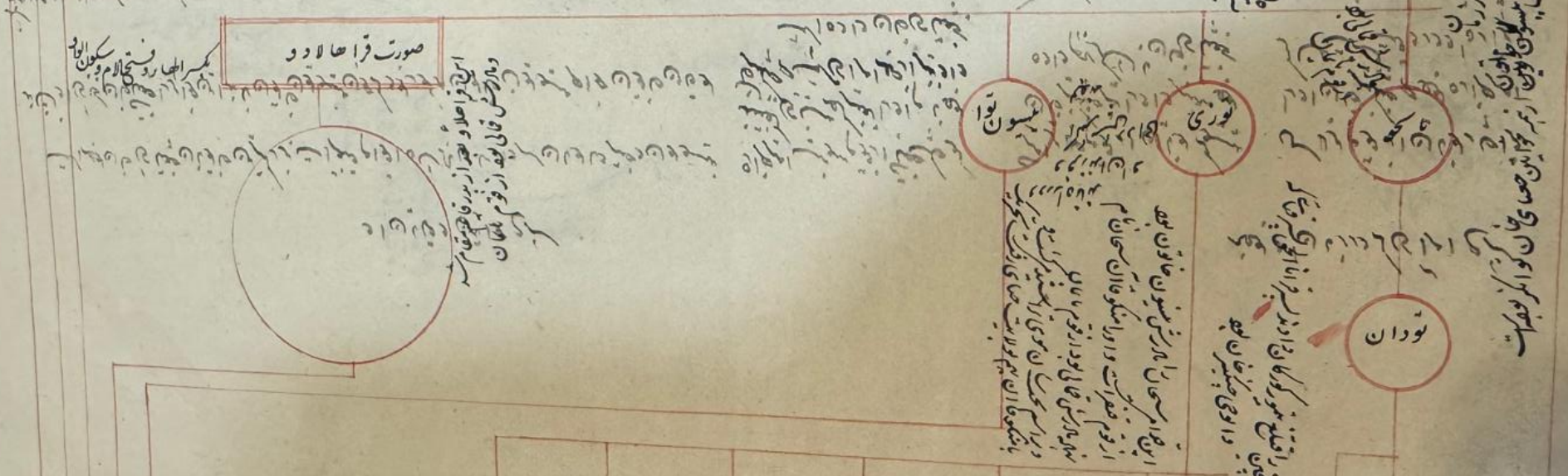
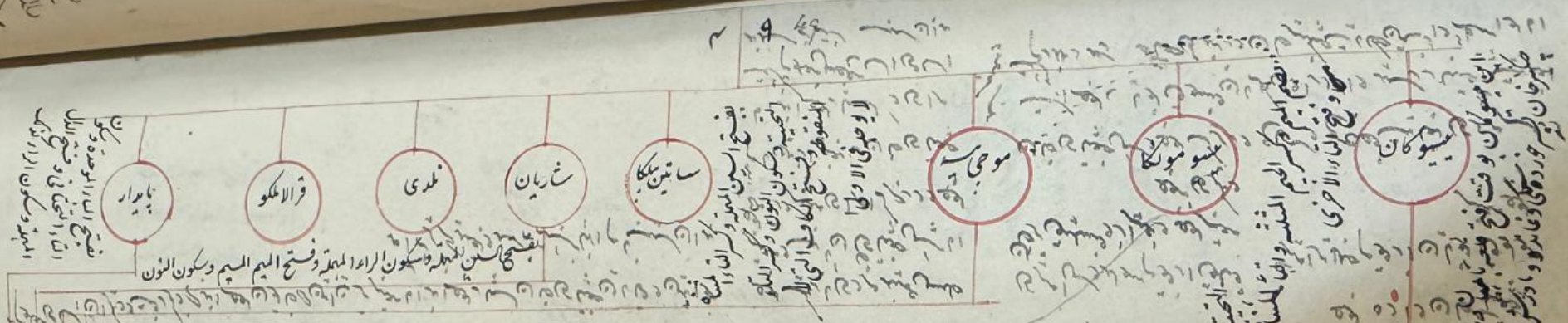
شرح مختصر وقایع او

<p>نیسویون دختره و نومان سر و نومان بیگانه اقوام قنقرات بزرگترین خانان چغتای خان بوده است</p> <p>لوقان خان و خواجه نیسویون خان و نومان بیگانه اقوام قنقرات بزرگترین خانان چغتای خان بوده است</p>	<p>کوچک چغتای از قوم سونب امیر خواجه بود نام او را غیر که می گفتند و او نیز از جمله امرای که در چغتای خان داده است</p>	<p>یسو کو نومان از قوم جلایر امیر بود معتبر و او را نیز چغتای خان چغتای خان با لشکر بهم داده</p>	<p>تقریباً نومان از قوم برلاس امیر خواجه بود چغتای خان او را از جمله امرای که در چغتای خان داده است</p>
<p>چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود</p>	<p>جلس عمید مردی باریک بود اما پس چغتای خان معتبر بود و در هر که امرای معتبر در زمان چغتای خان در این زمان</p>	<p>فلق از قوم سولدرس امیری معتبر بود و غیر از و فسلیق ترخان دیگری نبود</p>	<p>تقریباً نومان از قوم جلایر امیر بود معتبر و او را نیز چغتای خان چغتای خان با لشکر بهم داده</p>
<p>چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود</p>	<p>چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود</p>	<p>چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود</p>	<p>چغتای خان در سن هشتاد و پنج سالگی وفات یافت و در زمان شاه جهان در هند بود</p>



امرای دیگر بسیار بودند و نامها  
 اسمی این مفصل معلوم نیست  
 بدان سبب نوشته نشده اند

نکته: صفحه ۱۱۱  
 کتابی که در این کتاب  
 ذکر شده است



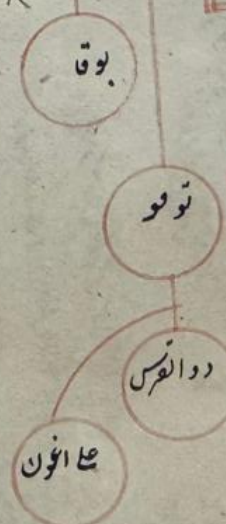
و بعد از آن بهرام با نژاد چون پیش از آن است

نسخه الیم کریم المشتهر و النسخة المعتبرة  
 و سوسیوسان و سوسیوسان  
 و سوسیوسان و سوسیوسان

صورت تالیقو

دست سلطانان زگان نام و اودا

و بوقوبا و از یک بار بوقو  
و تالیقو را در شهر سوس  
سبع و سیصد و پنجاه  
کوه کیم در این کوه  
دورا بر این کوه و در  
سبع و سیصد و پنجاه  
حبت در خم  
طوی تالیقو  
بهمی رسد اودا در  
نیمه در شهر



صورت بوقا تیمور



ارگنمور

الحی نمور

میسور در

قلصتیور

سلطان

قدعا

اسن تیمور

تاسن تیمور

تیمور با هم

بولداسن تیمور

ارگن تیمور

سدر بوقا

سانی

بایا

تاسن تیمور

بولدور تیمور

فاسن

دورین از تیمور اودا در  
صورت بوقا تیمور  
بایا سانی

این در یک سال تیمور در  
ایلیا و است او از آن وقت  
در شهر

ارگن تیمور  
بولداسن تیمور  
تیمور با هم  
تاسن تیمور  
تاسن تیمور

مهمه بطرف قندمار و کرسبر رفت  
بن اقباقا بایک کوچیغ او از شهر او رفت  
دستم و با زبوزان رفت  
سلطان بوسعد خزان  
میسور در و اودا در ایل  
دورین از تیمور اودا در

بر رفت  
فرستاد او را  
بدرستی  
بجانب  
و ایل ملت

نویسه  
نویسه  
نویسه  
نویسه

قدعا

مدد لوقا

سان

صورت قرآن سلطان

قرآن

نوسان

خسبه

لینخ

این قرآن سلطان در سینه  
و سبعمه تبارک و تعالی  
جعقای خان و در سینه  
سبع و اربعین و سبعمه تبارک  
دلت امیر قراغین نقل رسید  
مدت سلطان در آنه

کلاه

این قرآن در قرآن سلطان  
راجهت سینه تبارک اند  
در سینه امیر قراغین  
سینه و سبعمه تبارک  
و سبعمه تبارک  
دلت امیر قراغین  
نقل رسید

این سکه خانم حرم محترم امیر بزرگ  
صاحب قرآن قطب الحق والبر  
والله اعلم بقرآن کریم

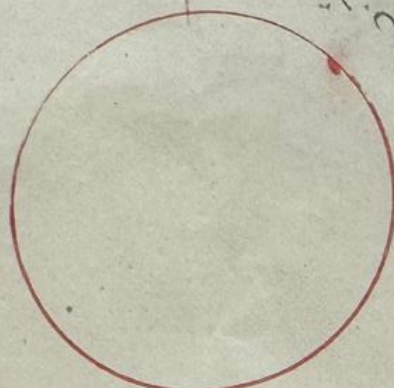
سرای ملک خانم

جاسکر

صورت بران و شعبه فرزندان او

در این باره آمده که پسران پسر خفای خان که در این باره ذکر شده است عبارتند از: ...

پسران پسر خفای خان که در این باره ذکر شده است عبارتند از: ...



در شهر سنه ثانی و ستائیه در اوس خفای خان که ...  
 شد و در غرض ذی الحجه شصت و ستین و ستائیه ...  
 از قضا ایقان منظم شد و چون با و التبر ...  
 رفت رحمت حق پوالت در سنه شصت و ستین و ستائیه ماند

این پسران که در این باره ذکر شده است عبارتند از: ...

این دفتر با موسی برادرش از یک در بغداد و در ارباب اراق کو خان پسر یونان و یونانی در مدینه کربلا ...

موسس

پسیر

اردو حقا

اس کورمان

ملکانیمور

ملک تموی

ملک افکانه

توکل یوقا

اقبوقا

اقبوقا

اقبوقا

اقبوقا

اقبوقا

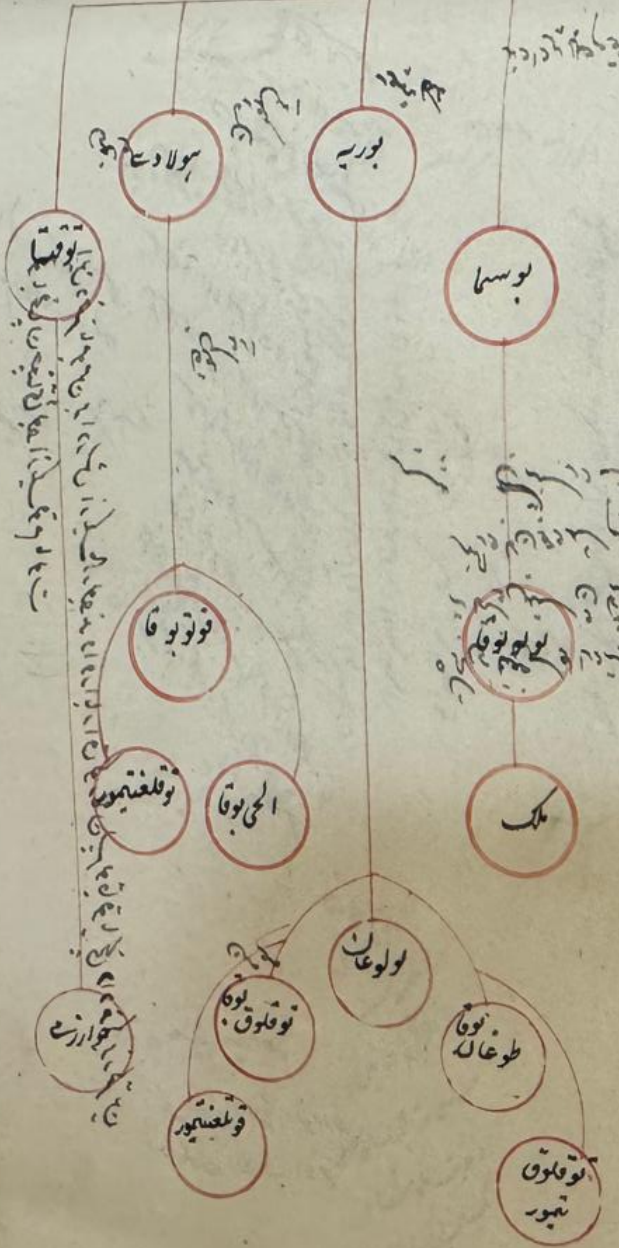
این دفتر با موسی برادرش از یک در بغداد و در ارباب اراق کو خان پسر یونان و یونانی در مدینه کربلا ...

صورت دواخان و سغیم فرزندانی او

نظم الدال المهدی و سخی الواد

این دواخان در سنه ستمین ستمائیه بارک الواس خست شد  
و در سنه شصت و سبعائیه بر جنت حق پهلوت مدت سزده سال  
حکومت که

این بکتیمور اردو خان بزرگتر بود و در بلخ قید و ساق آن  
رفت بعد از آن دواخان بادشاه شد بر لیخ شش برادر  
و شکر و کفایت پاک بارک هی از آنست  
بکتیمور اجابت نکرد و کفایت هندو سالار  
را نیکو دار بعد از آن دوا ولایت او بکنند  
نامزد هندو کرد و تا شکرند را سالار  
ارزانی داشت ۱۲



توغان بوه  
توغان بوه  
توغان بوه  
توغان بوه

بکتیمور

سالار

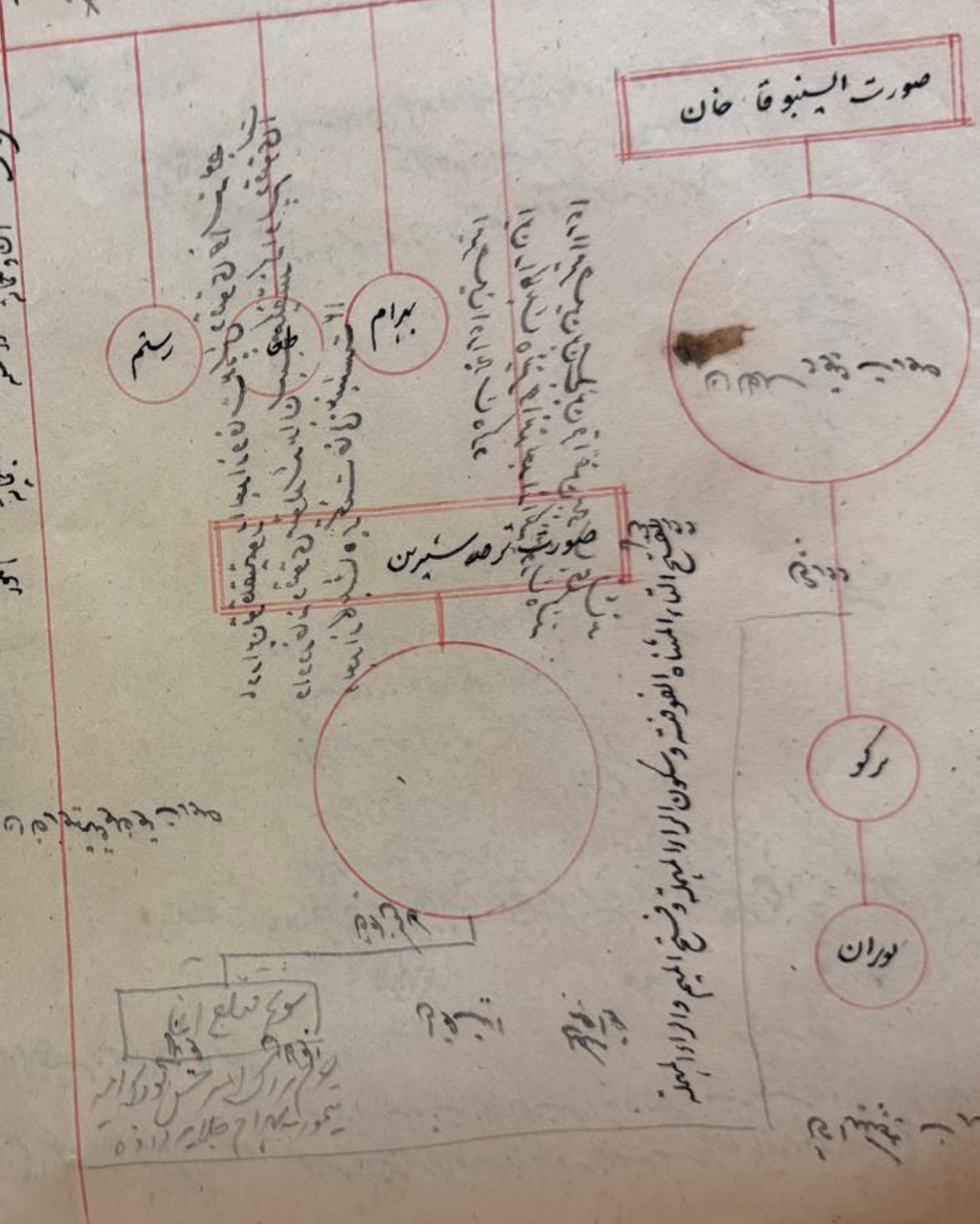
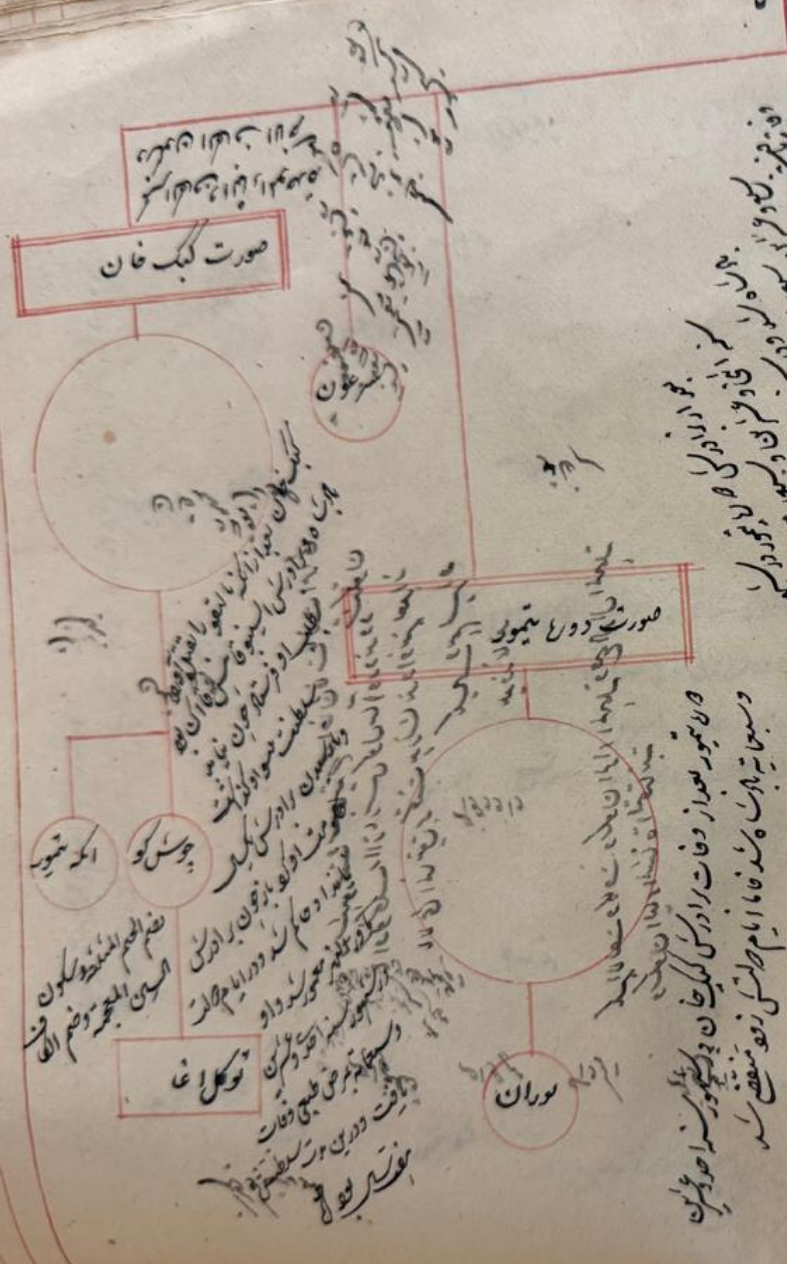
هندو

بکتیمور

خضر

این خضر باوش فرزاده بود و اهل مملکت او را غرت نام میداشتند  
اما او درک حکومت که نوشته می بود در امور سلطنت با اختیار دخل  
نمیکرد و امیرزاده عمر شیخ بهادر حاکم آن ولایت شد و خضر او ملک افراشت

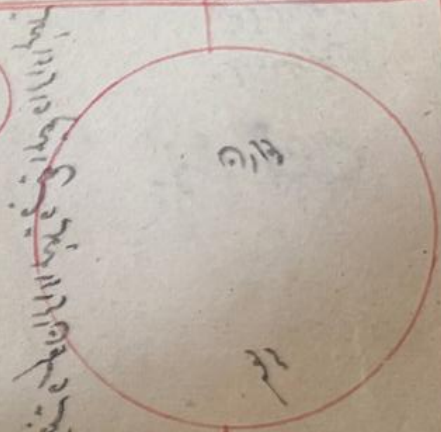
ملک افرا



طیقاته زنجان که اینها را باقی مانده است که اینها را باقی مانده است که اینها را باقی مانده است

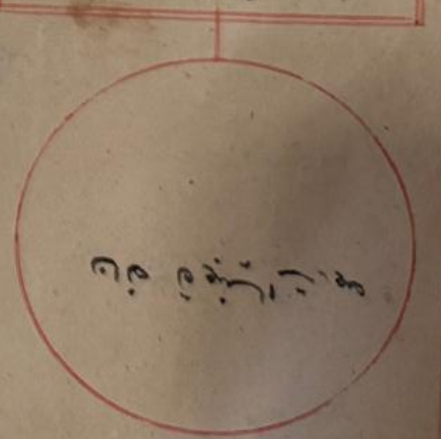


صورت ایچکدرای



تاری  
 دورجی

صورت تیودسلطان



خواجده سلطانی

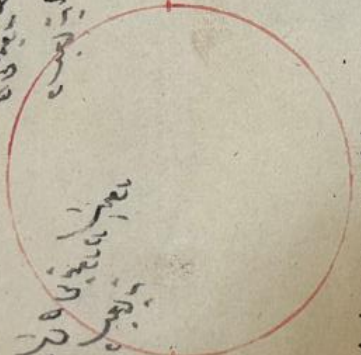
ایستقلی

ابولکاس

توتلا

کاکن لوقا

صورت توغلو قتیپورخان



مادر این توغلقتیپور البهار وفات بدین قتیپور خواسته بود  
 داود خان قتیپور متولد کرد در آن سبب قتیپور که او قتیپور است  
 و بعد از کادش به بر تخت خانی بنیست ۱۲  
 سوره

اردک

مهر خواجده

داود خان

سرخانو

صورت کوجک

صورت توغلو محمدخان

ایچکدرای

سرخانو

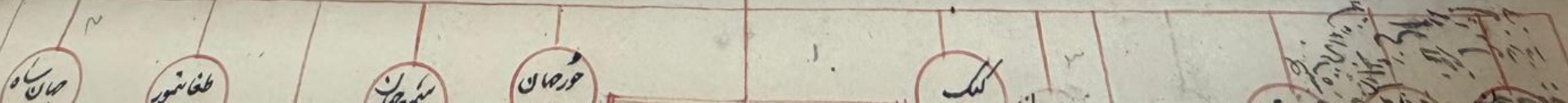
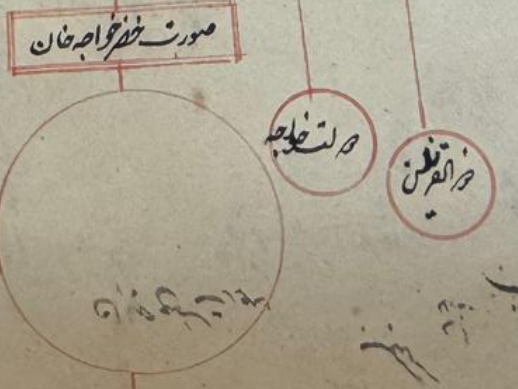
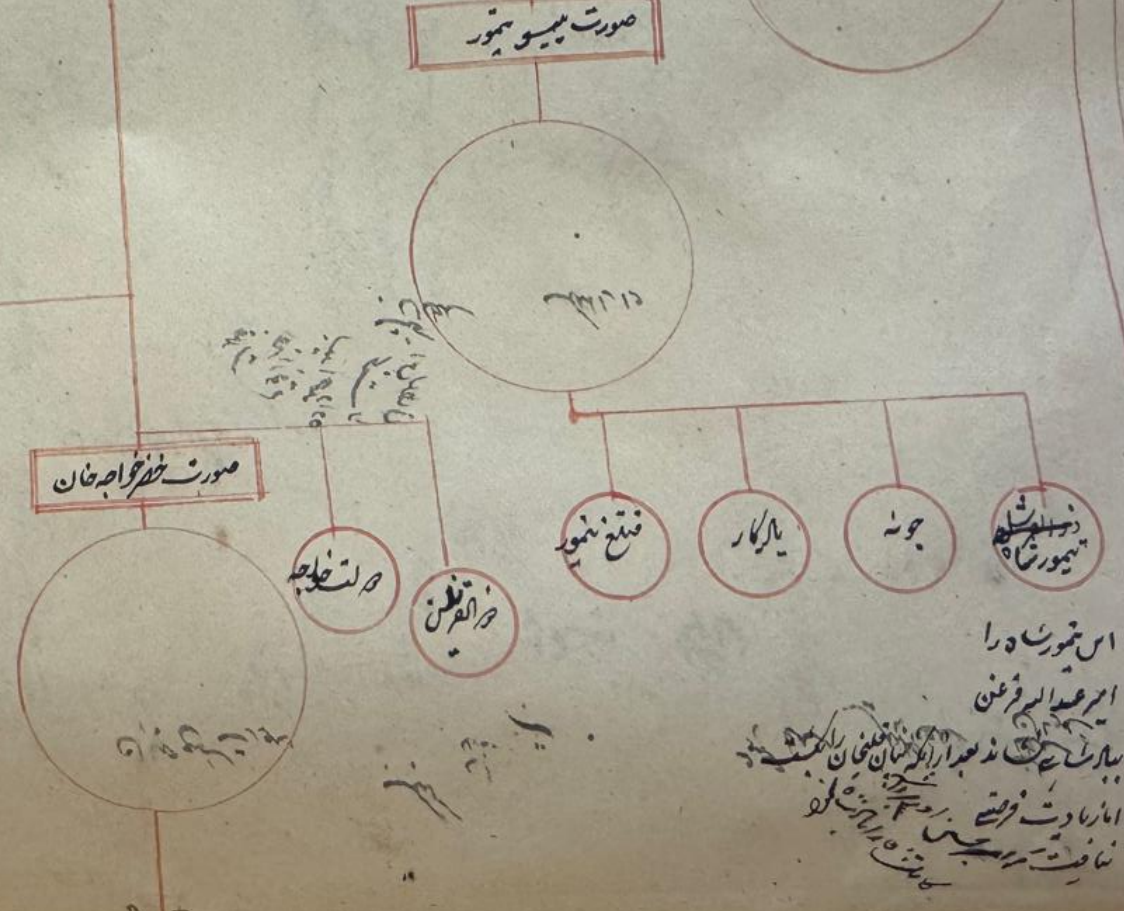
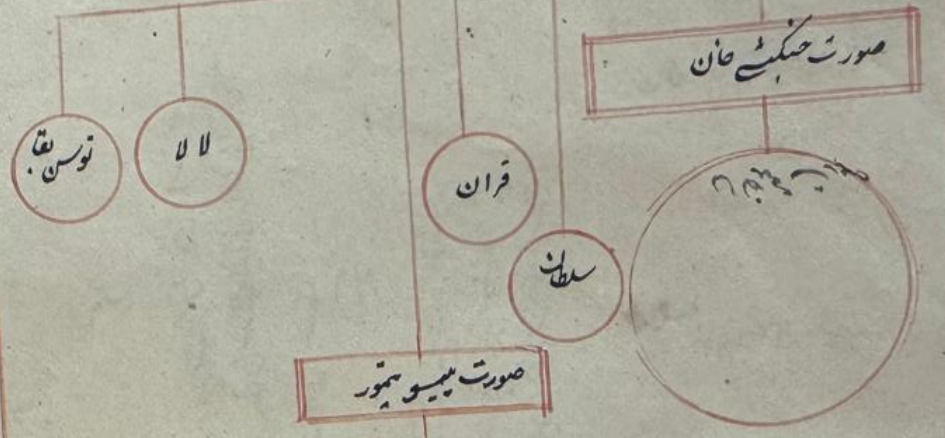
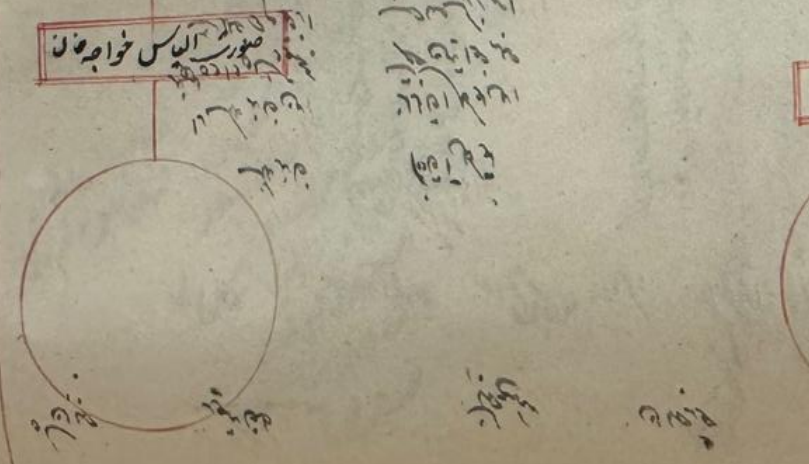
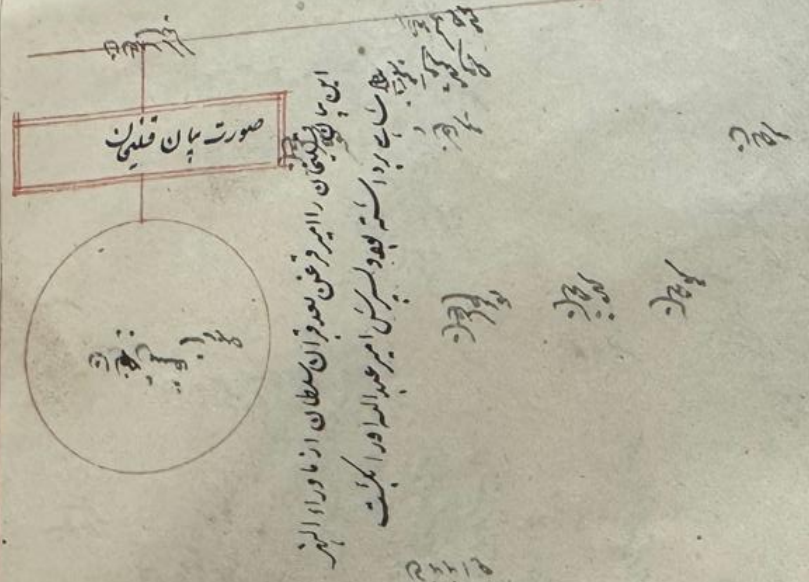
توتلا

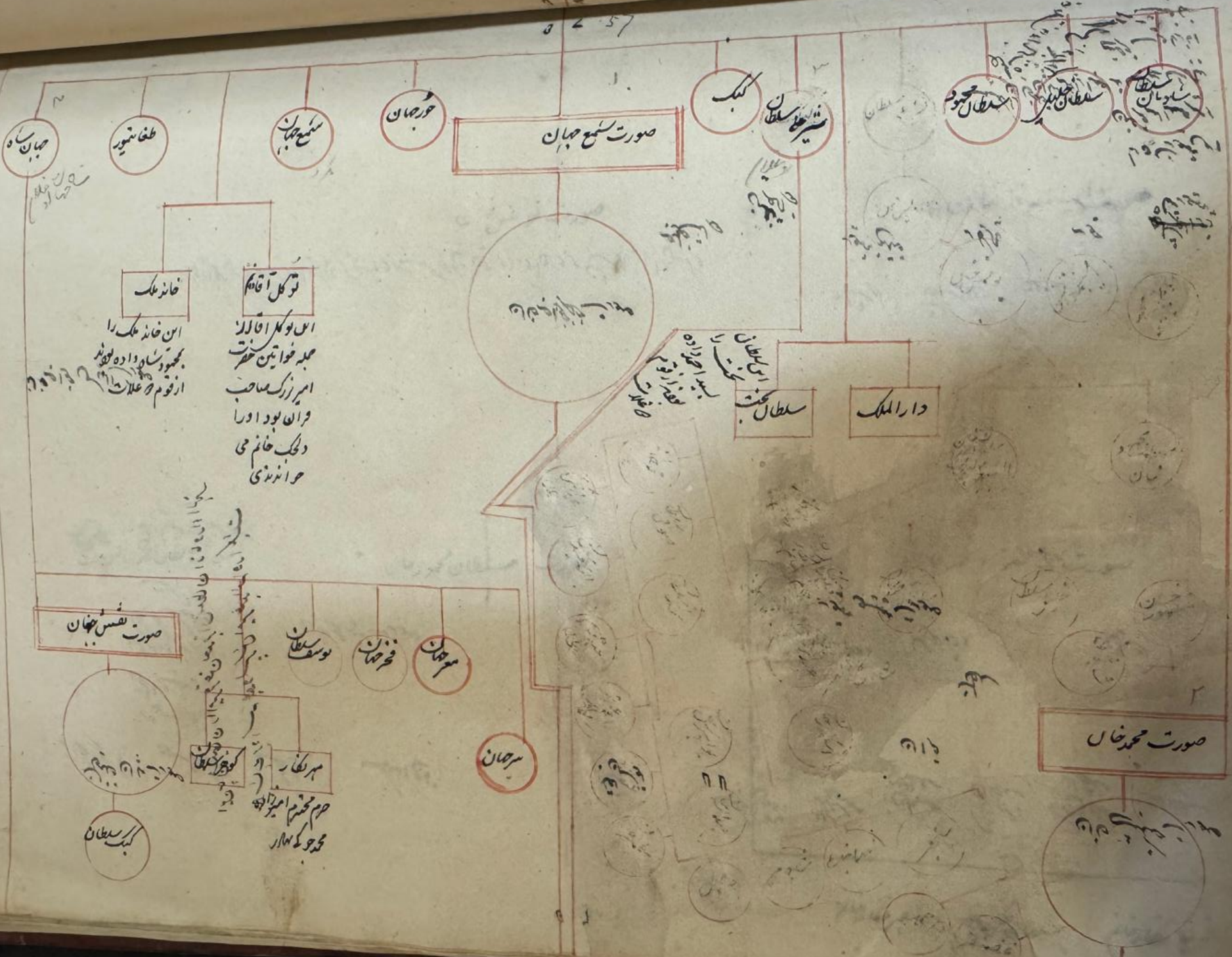
خواجده سلطانی

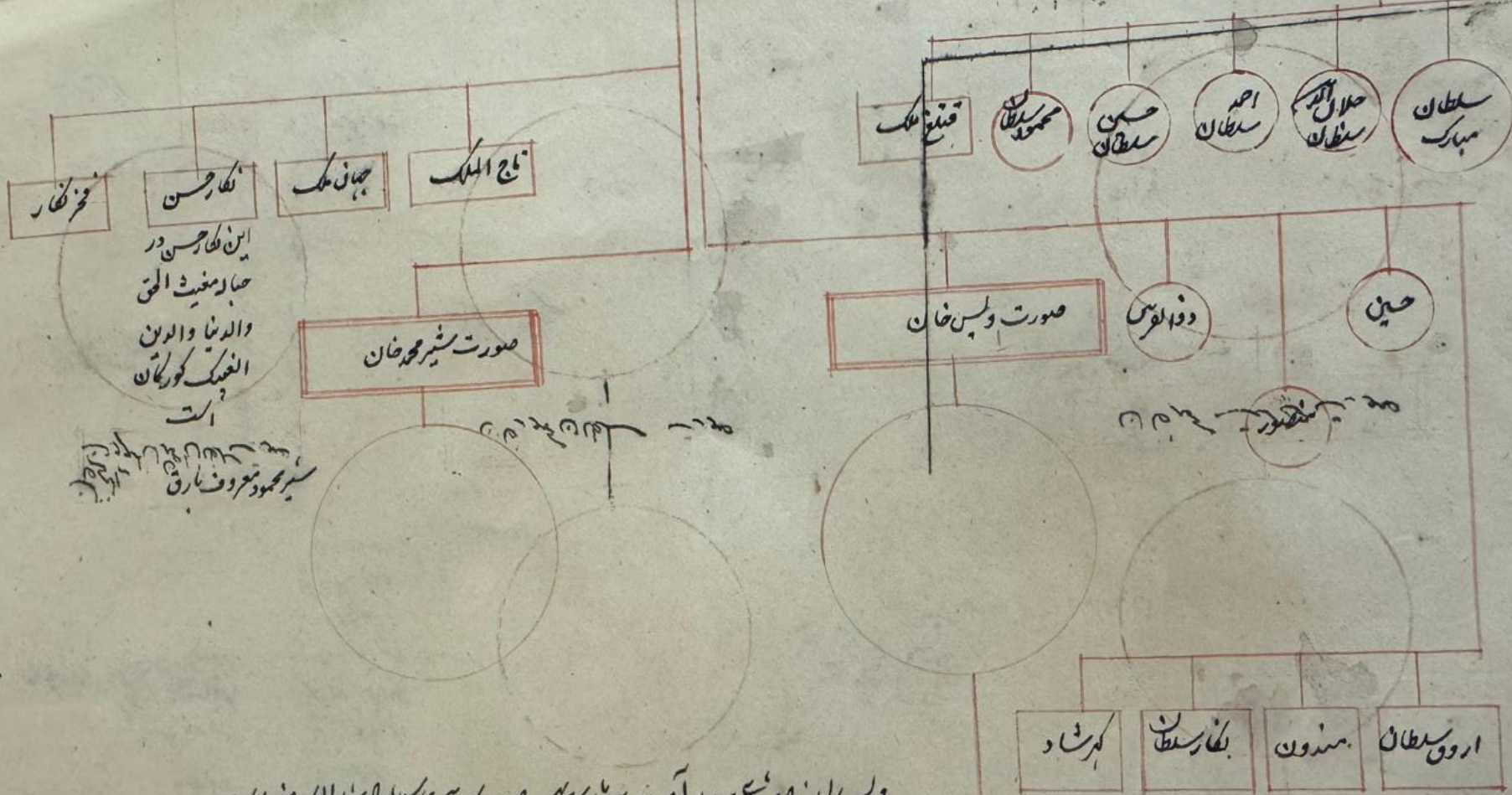
ایچکدرای

توتلا

بجز الالف و سکون اللام و کسر الجیم المنقطه و الالف المجر و فتح الهمزة و سکون المشددة التمهلة







این کا حسن در  
 حیات مفید الحق  
 والدینا والدین  
 الغیب کورمان  
 است

ولیس را از بادشاه برون آورد درین تاریخ هر دو دست بگری رسیدند با شاه اولس مغول دولت

صورت و پس خان

ارون سلطان

سبعه هله و لپه مسوکان لپه خفتای خان

سرام

صورت مبارک شاه



این مبارک شاه که در اوس خفته هله لپه مبارک شاه العالی العالی  
اوضندان بر نداشت و لپه زیدیم اراق زود خروج کوو  
اورا مغز اول خفت

تعلقه

کمال

جوان

مبارک

مبارک

مبارک

صورت مبارک شاه

فراق

بورالغی

الحسن فولاد

صورتاق

نور علی بوقا

نیمور سنج

صورتاق

تعلقه

افردم

محمد

محمد

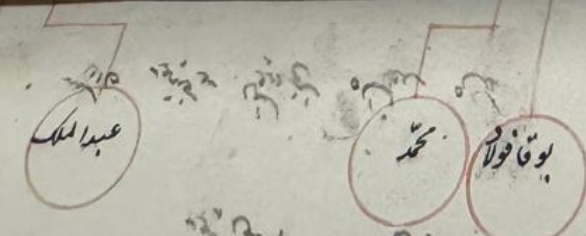
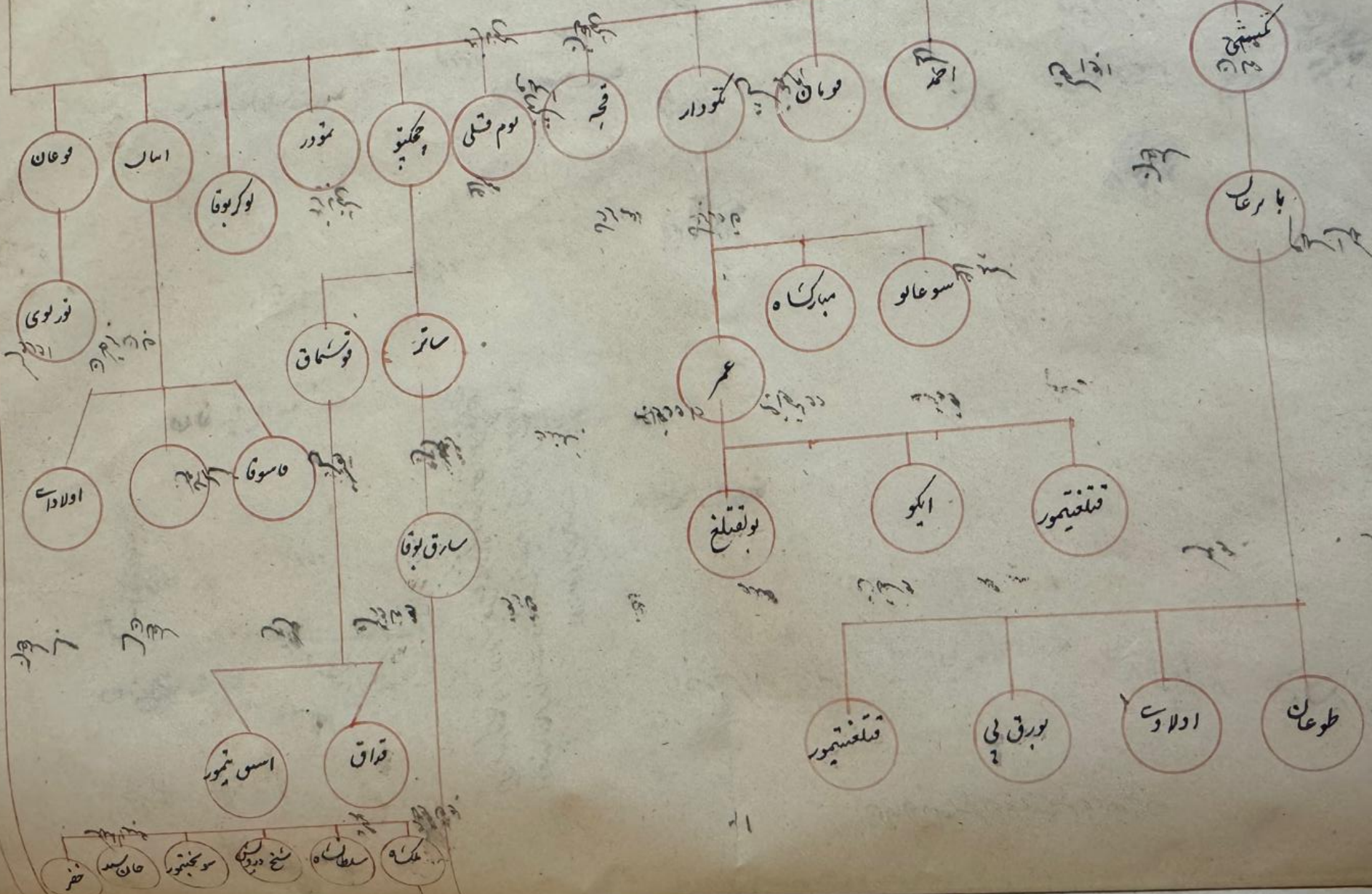
فتح خواجه

ابن

اورا مبارک شاه  
نیز می خوانند

صورتاق

صورتاق



نامه می گویا که بعد از وفات پسران پادشاه...

۶۱  
پادشاه پسران پادشاه

پادشاه پسران پادشاه...

امیر شیخ حسن بن محمود شمشیریان که بعد از واقعه دوزخ...

دو حکایت این در تاریخ مذکور است و نام شیخ حسن بن محمود...

دو شیخ حسن کو حکم شهور شد ۱۱  
امیر شیخ حسن بن محمود شمشیریان که بعد از واقعه دوزخ...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

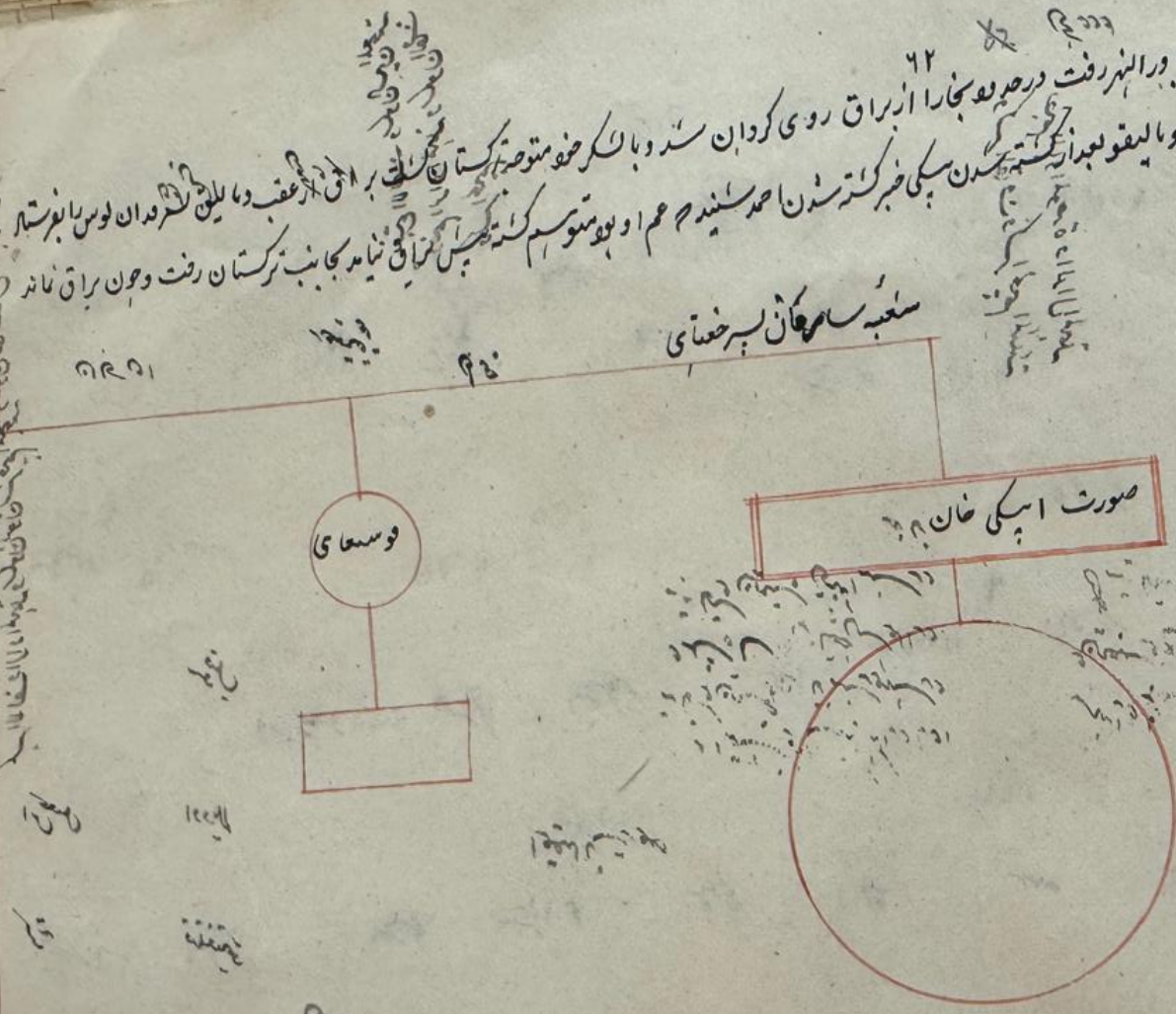
امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

امیر شیخ محمود که حکومت بستان برقرار کرد...

این یکی در جنگ براق با بقا خان همراه براق بود بعد از آن که شهرت کردند و با برادران رفت در حدیقه بخارا از براق روی کردن شد و بان که خود متوجه ترکستان شد  
 و او را از خود امین گوانید بعد از آن بر او رفت و جنگ که و یکی کشته شد و با یقین بعد از آن که یکی کشته شد و با یقین بعد از آن که یکی کشته شد  
 باز بولایت آمد و این حالات بل استقامت و لبست و نه بود است

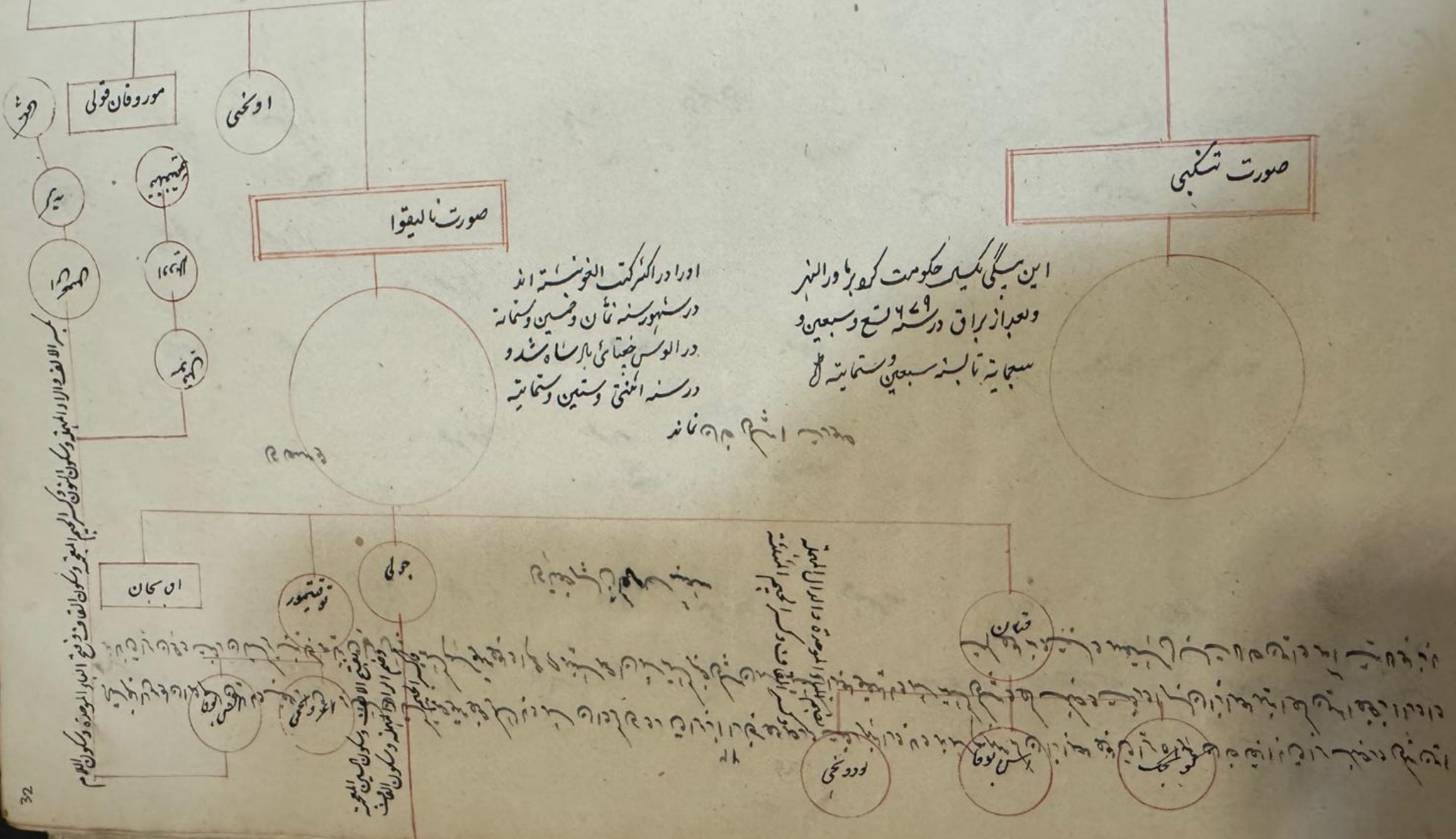


۱۰۵۱  
 ۱۰۵۲  
 ۱۰۵۳  
 ۱۰۵۴  
 ۱۰۵۵  
 ۱۰۵۶  
 ۱۰۵۷  
 ۱۰۵۸  
 ۱۰۵۹  
 ۱۰۶۰

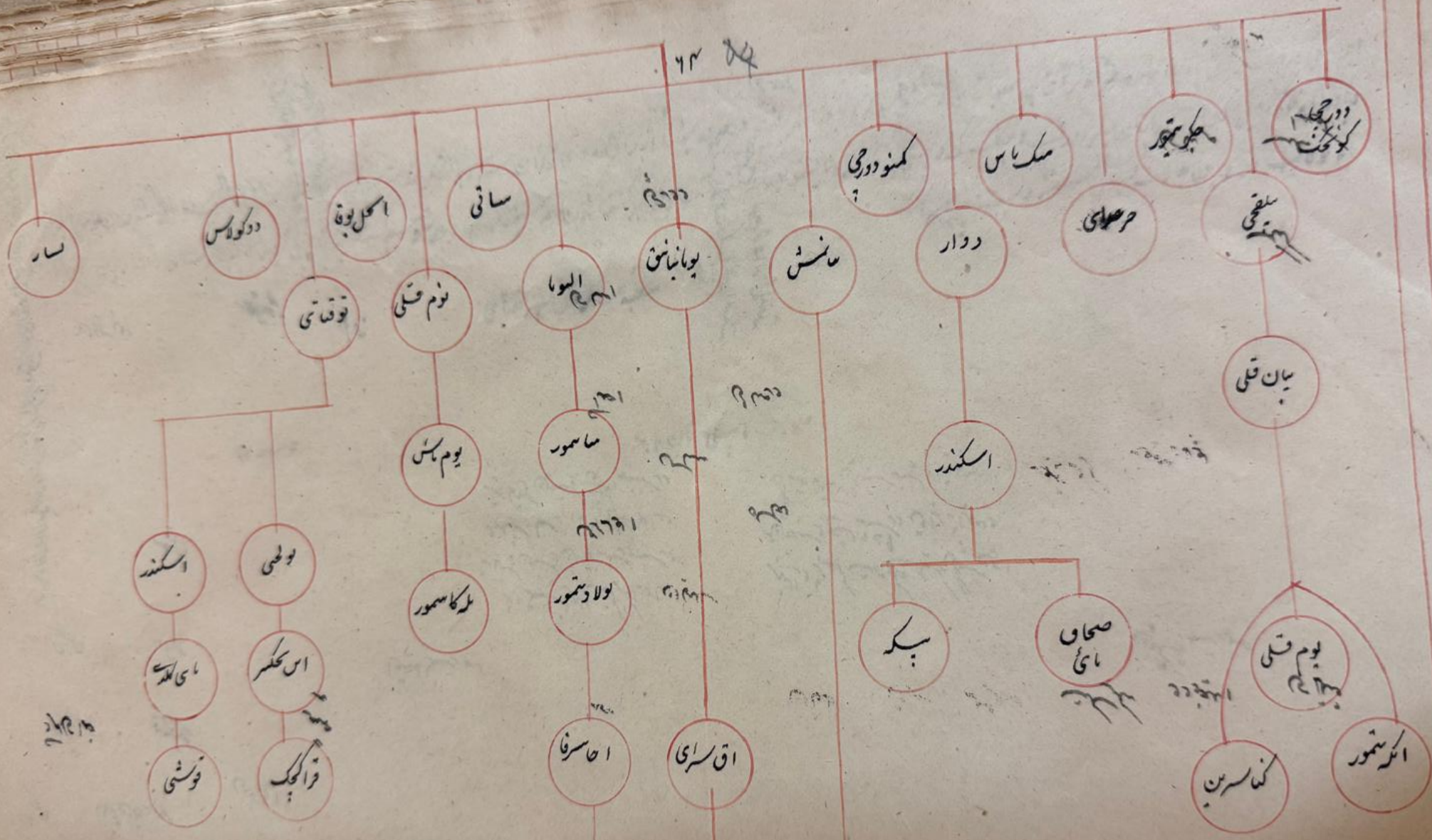
۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰

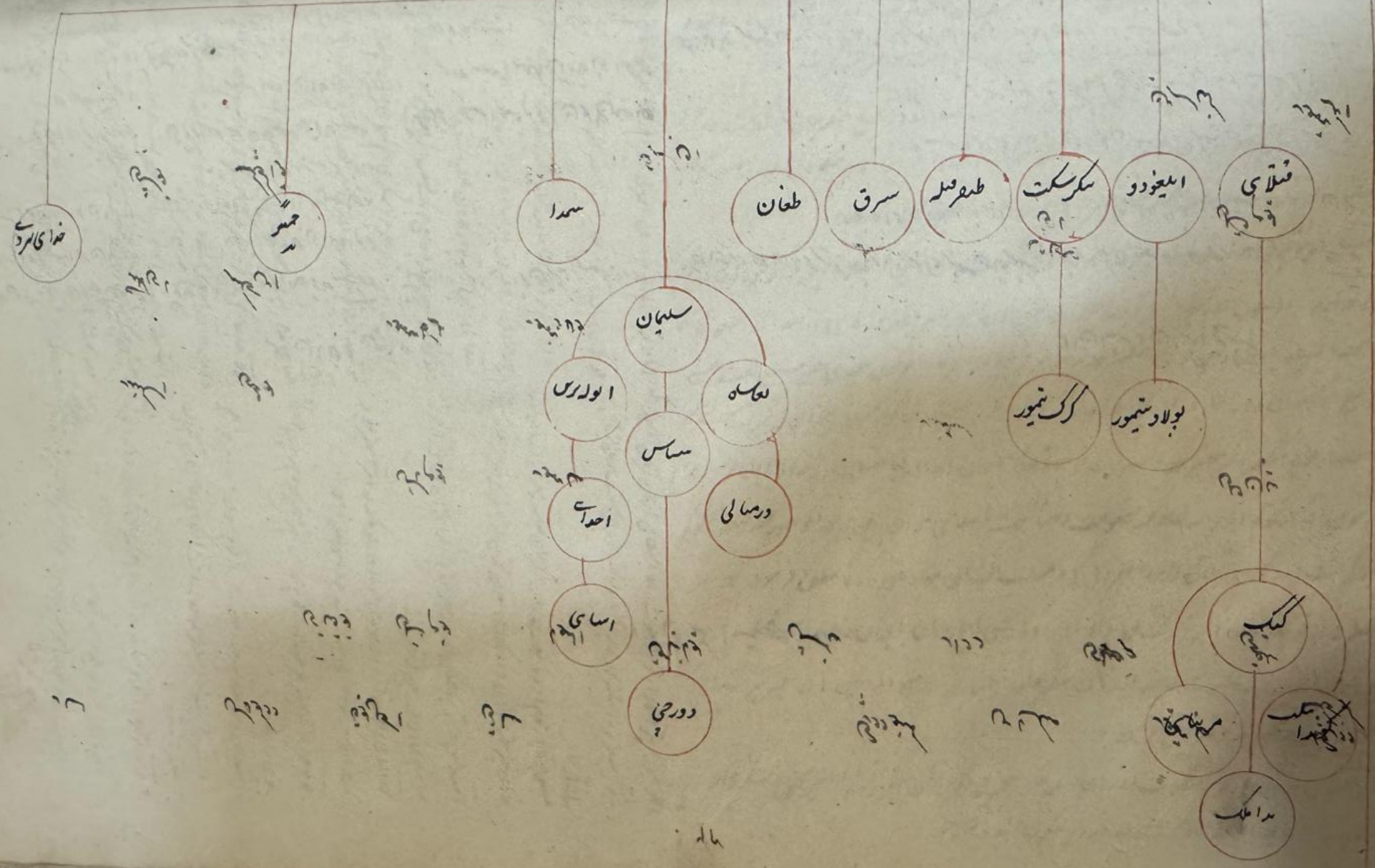
۶۳ ۵۳

سبعه با بدار پسر خجسته پسر جلگیر خان



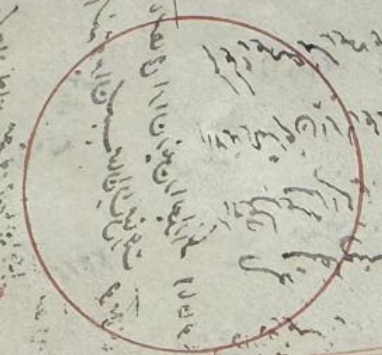
کسبه الافراد و الاموال و سکون الخواص و کسب العلم و سکون الخواص و کسب العلم و سکون الخواص و کسب العلم و سکون الخواص





Handwritten text at the top of the page, partially obscured by the binding.

صورت اولدای نوان



سرخ ایران ذیشان او

نوم عهدی نوان از قوم ایرات ... اورا سمرالدای نوان دادند ۱۲

نوادگی نوان بعد از طوخی نوان حاجی اوراد است ۱۲

جرم عون نوان از قوم سوس در زمان اوکدای قان معبراران ... ۱۲

نوان از قوم مسوت ایرانی نوان بود که در ایلیان ... ۱۲

سرخ خواتین قایان بود ... ۱۲  
چو خاتون از قوم کون خاتون  
چو خاتون به و بعد از خاتون  
اوکدای قان اورا بستند ۱۲  
چو خاتون از قوم کون خاتون  
چو خاتون به و بعد از خاتون  
اوکدای قان اورا بستند ۱۲  
چو خاتون از قوم کون خاتون  
چو خاتون به و بعد از خاتون  
اوکدای قان اورا بستند ۱۲

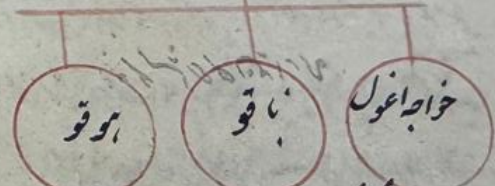
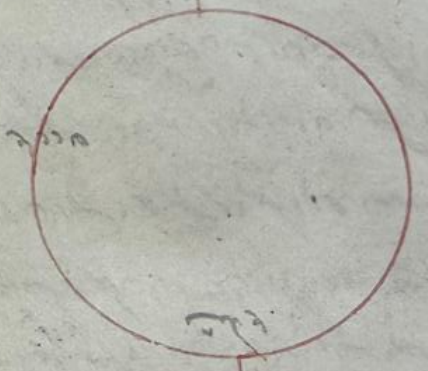
Handwritten text on the left side of the page, providing additional context or details.

Handwritten text on the right side of the page, providing additional context or details.

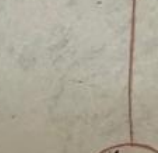
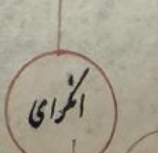
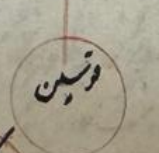
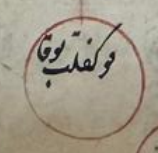
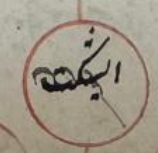
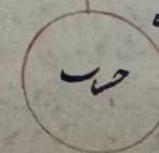
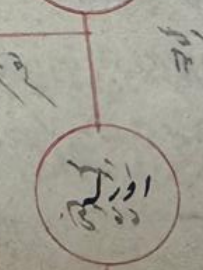


این کور خان بن اولاد قان در برج الاخر  
سنه ۶۲۴ هجری بدر در خان بیخ بگشت و بعد از  
یکس در سنه ۶۲۴ هجری در بیت ابو یوسف  
فقیر رسید در سظت و  
یکس بود

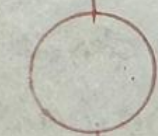
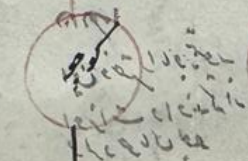
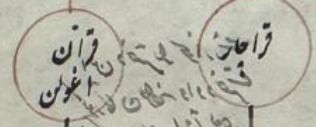
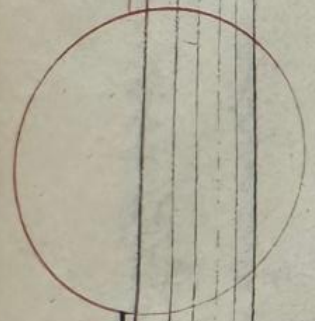
صورت کیوک خان



این بر سر ان کیوک  
بواسطه آنکه بر خانت  
سکنو قان بصفات  
دل مصر بودند  
رات بر حقه آن  
مکور در رات فنا  
غرق سوره شدند ۱۲



صورت قاش خان



اور کجی

انگرای

داه اولاد  
ابو اسحاق

۶۹  
۶۹

زینب  
حوسک

دکودر  
انجلی

دورچی  
کوکمن  
رحم

مادر این مرد در پسر عین خان و دختر کوکمان بود  
مادر این مرد در پسر عین خان و دختر کوکمان بود  
مادر این مرد در پسر عین خان و دختر کوکمان بود

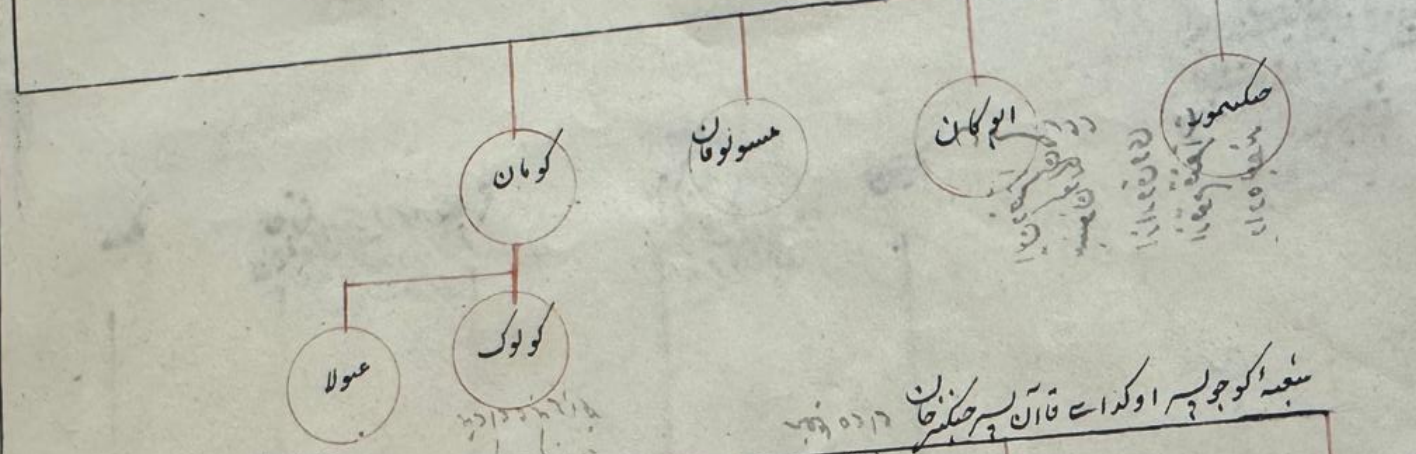
لوفان قلی  
سوم قلی  
قولغای  
قودری  
رین الحس

لوکمان  
نوقلق  
لوکت  
کولتمور  
حادرلو

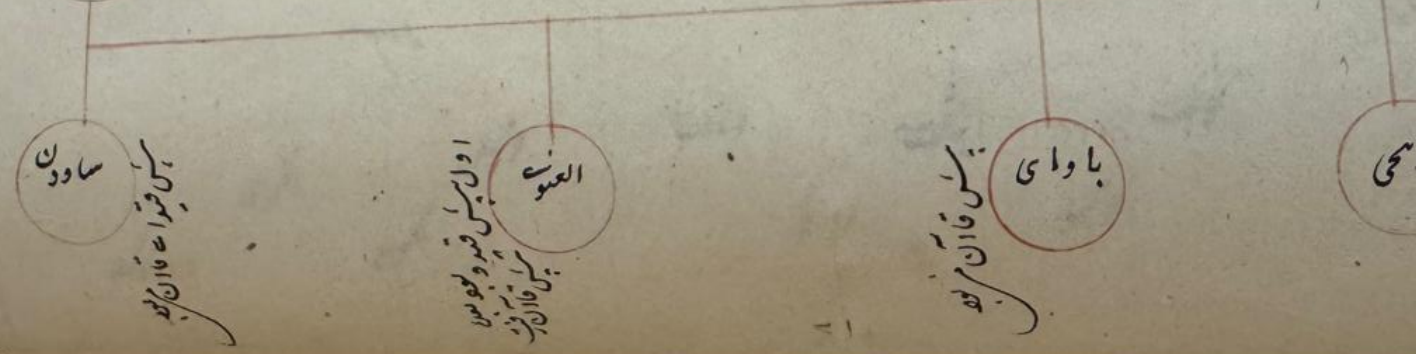
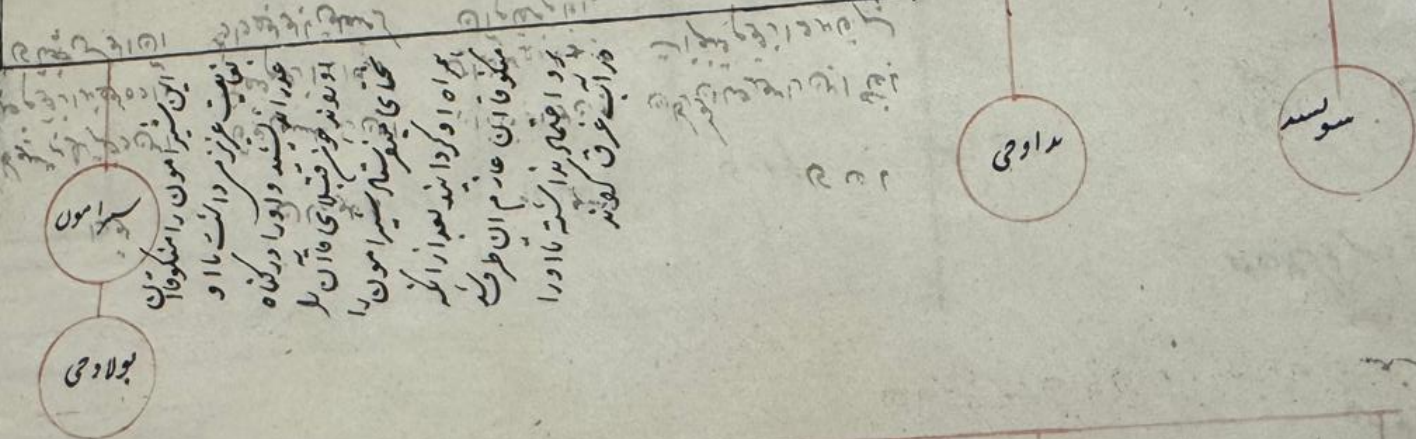
امکان  
مادر این مرد در پسر عین خان و دختر کوکمان بود

اباجی  
کوکمان  
موسور

شعبه کون پسر اوکدای پسر حکیم خان



شعبه کوچو پسر اوکدای قآن پسر حکیم خان



سولسد

بولادی

سولسد

پلس قآن زبده

اول پلس قآن زبده

پلس قآن زبده

سولسد

سولسد

باوای

لوچی

پلس قآن زبده

پلس قآن زبده

پلس قآن زبده

Handwritten notes on the right side of the page, including 'پلس قآن زبده' and other illegible text.

شجره قراچا پسر اوکدای قان پسر چکنیز خان

۱۷۱  
۱۷۲

### شجره قراچا پسر اوکدای قان پسر چکنیز خان

توماق

ماعای

مسودار

کاملو خان

نوردا

باعای این راسو صان کورگان  
پسر قالدو از قوم قنغزات  
داده بچه

چون نورام خاتون  
عیسوکا بود نازند این  
رافایم مقام آن  
خواهر برود دادند

این را علسو توماق  
کورگان از قوم قنغزات  
که متعلق با توبو بود دادند

این دختر توبو عیسوکا کورگان  
داده بچه از قوم چلبایرو  
ان الوس خجتمای بود

مور و کلون

این دختر  
بسنون کورگان  
از ارون وی  
از قوم قنغزات  
داده بچه

داده بچه از ارون وی  
بسنون کورگان

شجره قراچا پسر اوکدای قان پسر چکنیز خان

شجره قراچا پسر اوکدای قان پسر چکنیز خان

شعبه قران پسر اوکدای پسر حسن خان

۷۱۶۲

ارپوگان

داده  
شهر  
تورک

مسودر

فید

ابور

دورچی

این قبیله آنست که  
میان قبیله و فید  
و بر این اصل پیدا  
گشته ۱۲

مغزل

ارگمور

السمف

الحای

لوماکوف

لویوگان اغا

کواسمن اقا

ابنگد

انور

ماما قاقا

سوسه

کواسنه

لویوگان اقا

لوماکوه

اورک

ادرا ایلیک داده لطفه  
از قوم قشقرات که در نیت

ادرام لوس طفه  
نطفه از قوم صلاب

بمارک

لادرس

مردق

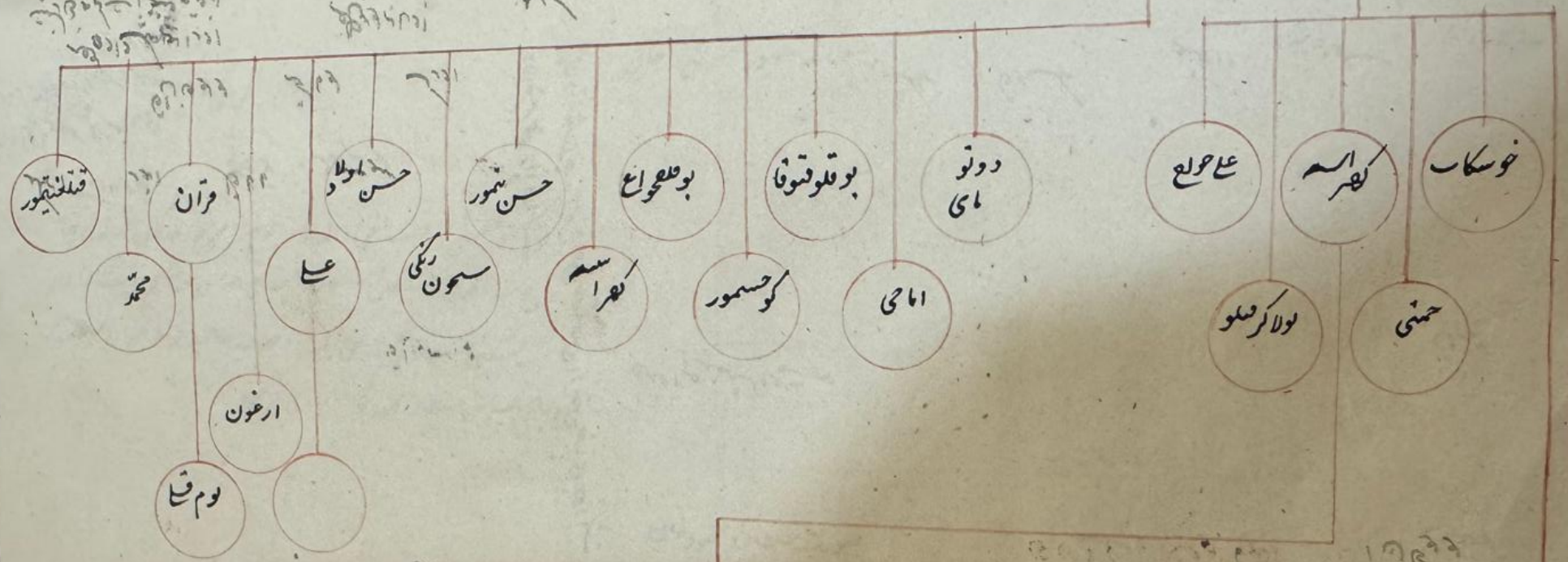
لوطسراجا

از اربعه ملک داده شده  
از قوم قزاقان که در آن است

بقعه از قوم صلاک

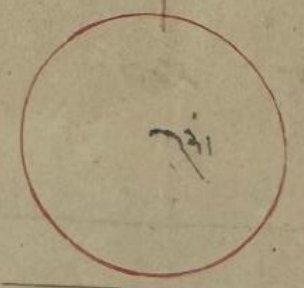
۲۷۳

۲۷۳



این عا سلطان در انوکس حمتی یاریت ه بشه  
در ۱۳۳۳ ارمنیان برداشته

صورت عا سلطان



توقلق شاه

این خاتون را  
پسند انخواجه  
داده بود

نورمان شاه

دوران شاهان و پادشاهان



۲۰۷۵

صورت سیور غمیش خان

تابنده  
السدی

کرای

این سیور غمیش را قطب الحی و الدنیا و الدین امیر تیمور کورگان انار الله رحمان  
تباریح سنه اعدی و سبعین سبعمایه بنابر حق الویس خواجه اردابکت و او در  
سنه تسعین سبعمایه رحمت حق رفت و حضرت صاحب قرآن بعد از سلطنت  
عالم بر پسرش سلطان محمود خان ارزانی فرمود

صورت سلطان محمود خان

سلطان ازون  
سلطان محمد  
بازید سلطان

در در زمانیکه امیر تیمور روم را فتح نمود بود در اردو معنی  
برد و بعد از او سلسله خانی القطار یافت از او را از انهر

این دختر در حال نکاح  
پیران شاه کورگان بود

عاقب سلطان  
خان و در کورگان امیران  
اشعرب

ابوسعید  
سلطان

شعبه قاشق پسر اوکلای پسر حکیم خان  
در آغاز او غل نیز نوشتند

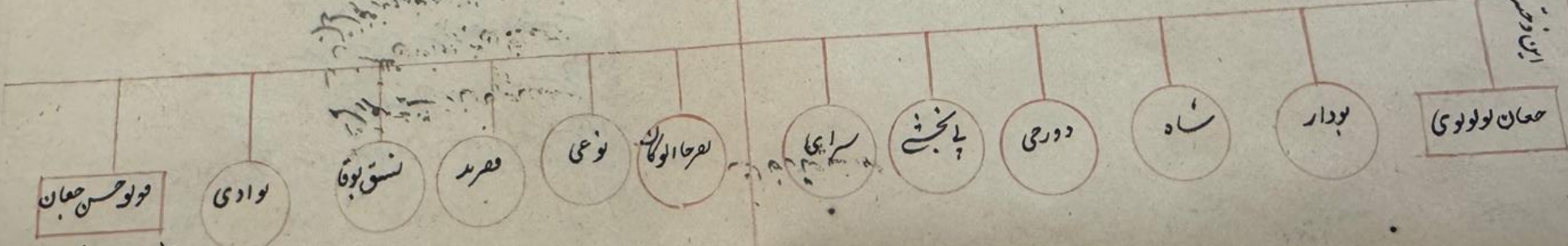
صورت قایدو خان



قایدو خان عمر داد یافت فریب چهار درج سرسلطنت که  
دو کوه چهره فرزند داشت آنها را ح اس می معوم شد درین محله

در درجه بود و بجای او پسرش چرخان بادشاه سلطنتش در آنجا بنامها می آمد  
بر دولت یک نیز در افغان خجانی

این در حقیقت بر دو خان برین هم بران که در این  
دولت بر بومی دورتی است که در قول  
کنده از هر جهت طبعی مردم است و چون  
با بیرون استی با نام شکر که

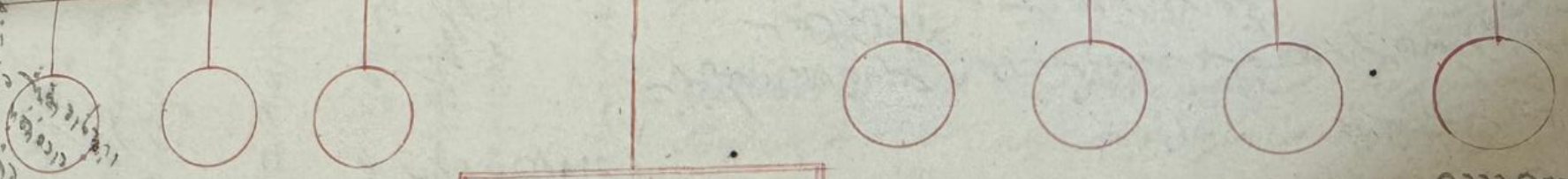


قوچ حسن جهان  
نوادری  
نسق بونا  
فصد  
نوعی  
لر جا اولان  
سرای  
پانچین  
دورچی  
شاه  
بودار  
جعان لولوی

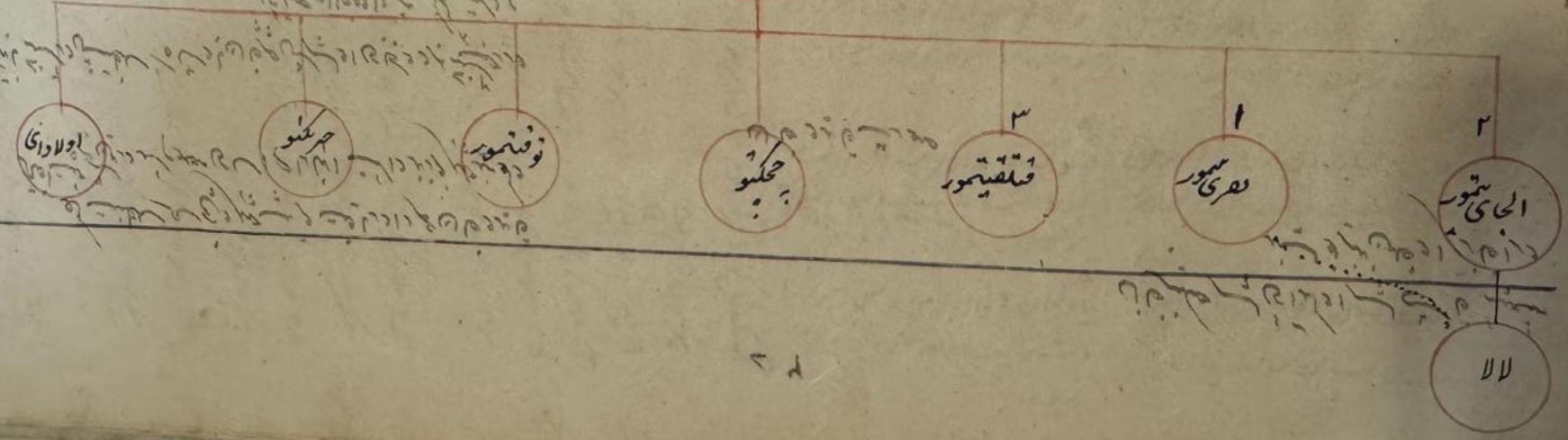
نویسنده این کتاب را  
داده بودم  
از قوم او بودم  
وقتی که خان این داد را  
اکثر کرد ادوست داشت  
خاست آن کتیک را کرد و بجای

صورت چهار خان

سلطنت چرخان در شته مقور شده  
ولمحت خان بنبر دو خان مخلصش را  
از صحت او انتزاع نمود و باز مغولستان  
در تصرف چغتایان درآمد



Handwritten notes on the right side of the page, including the name 'الجبای تپور'.



Handwritten notes at the top left corner of the page.

Handwritten notes on the left side of the page, including the name 'ابو لادای'.

شرح امرای م بد و مخصوص شدند

جدی یونان از قوم دیوت مانده در  
 از زمان جنگه خان امیری معتبر در سن  
 زمان نیز معتبر ماند و او از آن امر است  
 که وقت شت عا که تو لوی دایه و  
 لا امیر الامراست خسته فرستاده بود  
 ستم و ضعیفی از قوم کعبان معتبر امر بود  
 و از امرای جنگه خان بود

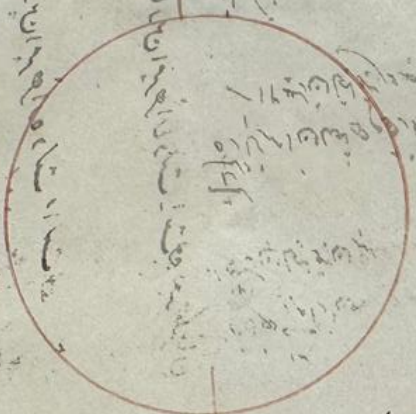
قوی از قوم تاتار از زمان جنگه خان  
 تا آخر حکومت توی خان معتبر تر  
 و امیر اردوی سوختی پسر توی خان  
 گشت ۱۱۲  
 سرتیاق سار او همگین قهرات  
 امری بزرگ بود است

بور و قی بهار از یکمین قهرات است  
 امری بزرگ بود است ۱۱۲  
 سمرقنی یکی دختر کاگور ادر او کتک  
 بزرگ ترین خوانین تولوی خان بود  
 و در چهار شهر توتقان و قتلای قان و  
 بولالکو خان و ارتق توتقا بود  
 اما خاتون از قوم قهرات

شرح خوانین و قباکان او  
 در قزاق تون دختر تلون او کتک خان بود  
 سارق خاتون مادر جوگر

کشموم خاتون دختر کولک خان از  
 قوم مایان از حجاز معتبر بود

صورت توی خان و شغف فرزندان



Handwritten notes and marginalia surrounding the circular diagram, including the number ۱۱۱ and various lines of text.

Extensive handwritten notes and marginalia on the right side of the page, including the number ۱۱۵.

در مادری از قوم سویت کعبه  
 خاص مبد است و بعد از جنگه خان

۹  
 قوتلای بهار از قوم حبیبی مابوت  
 از زمان جنگه خان تا این زمان معتبر و منظم

۹  
 اولسن او سو سفری از قوم جلاز کعبه  
 از زاره خاص مبد است و بعد از جنگه خان

۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰

۱۰ امیر مودری از قوم سونب مکصد  
 از زارع خاص میدانت و بعد از جنگ  
 راه لوب تونخان رسید ۱۲

۱۱ او حاکم از قوم میکیم امیر مهران  
 خاص بود بعد از جنگ تونخان رسید ۱۲

۱۲ ملکبوسو از قوم نادر مکصد از زارع  
 خاص میدانت بعد از جنگ تونخان  
 تونکوچی رسید ۱۲

۱۳ بولسون حرب از قوم کنگت از  
 امیران دست راست بود و بعد از  
 جنگ خاص تونخان رسید ۱۲

۱۴ لعلعلیا نومان از قوم ارلات و الوول  
 از امرات زار کنت راست بود  
 و بعد از جنگ تونخان رسید ۱۲

۱۵ سلا نومان از قوم جلار امیر بزرگ  
 دست راست بود بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۶ سلطان نومان از قوم سولدوس  
 امیر زارع دست راست بود  
 بعد از جنگ تونخان رسید ۱۲

۹ قوشلای بهار از قوم حبیبی ماموت  
 از زمان جنگ تونخان تا این زمان معتبر و مستقیم  
 ماند ۱۲

۱۰ صاحب مکصد از زارع خاص میدانت  
 بعد از جنگ تونخان رسید ۱۲

۱۱ الملك مودری از سواد  
 از قوم کزاس مکصد از زارع  
 میدانت بعد از جنگ تونخان رسید ۱۲

۱۲ بوجوری نومان از قوم ارلات امیر  
 مهران دست راست بود بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۳ طغرل از قوم سولدوس امیر مهران  
 دست راست بود بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۴ ارغی قار نومان از قوم جلار امیر مهران  
 دست راست بود بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۵ دولسوق نومان از قوم مایرین امیر زارع  
 دست راست بود بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۹ اولسن اوس سفری از قوم جلار مکصد  
 از زارع خاص میدانت و بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۰ لورقون نومان از قوم بولسون از امرات مهران  
 دست راست بود و بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۱ سولک لوجر از قوم نعمان امیر زارع  
 دست راست بود و بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۲ فوقه سکی از امرات امیر بزرگ  
 زارع دست راست بود و بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۳ مایوگان ولی از قوم برلاس امیر زارع  
 دست راست بود بعد از جنگ  
 تونخان رسید ۱۲

۱۱ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۲ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۳ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۴ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۵ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۱ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۲ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۳ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۴ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۵ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۱ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۲ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۳ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۴ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

۱۵ کنگ دل از قوم سونب امیر زارع  
 میدانت و بعد از جنگ تونخان  
 رسید ۱۲

اولگورونیان از قوم با نادت از امرای خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۸

۵۱ کولک لوان و قولدوقان از امرای خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۲ الحی بوقان و سوتو تویمان برادران بوقه ملکات قوم سعرات و از امرای خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۳ باباقوتن از قوم مارین از امرای دست چپ برادر بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۴ اوی و کرخ از قوم خلیل از امرای خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۱ او حای قلی از قدوس اعلا از قوم مارین از امرای برادر بود جانب دست چپ بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۲

۶۳ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۴ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۵ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۶

۶۷ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۸ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۶۹

۷۰ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۷۱ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۷۲

۷۳ توسادل جو سوق از قوم حاجرات از امرای برادر دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۱۱۱۱۱۱۱

۶۹۹

۵۰ سبک از حاکمان چپ از قوم سونب امیر خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۱ کیکولون از قوم ناز امیر خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان آمدند ۱۱

۵۲ توسادل سبک از قوم منگفور امیر خزان بود جانب دست چپ بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۳ مسوسای بنادر از قوم اودمالک امیر خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۴ دلسوی حلال از قوم ارلات امیر خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۵ محمودار بوقا از قوم سونب امیر خزان دست چپ بود بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۶ توسادل قلی از قوم ارلات بود امیر خزان جانب دست چپ بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

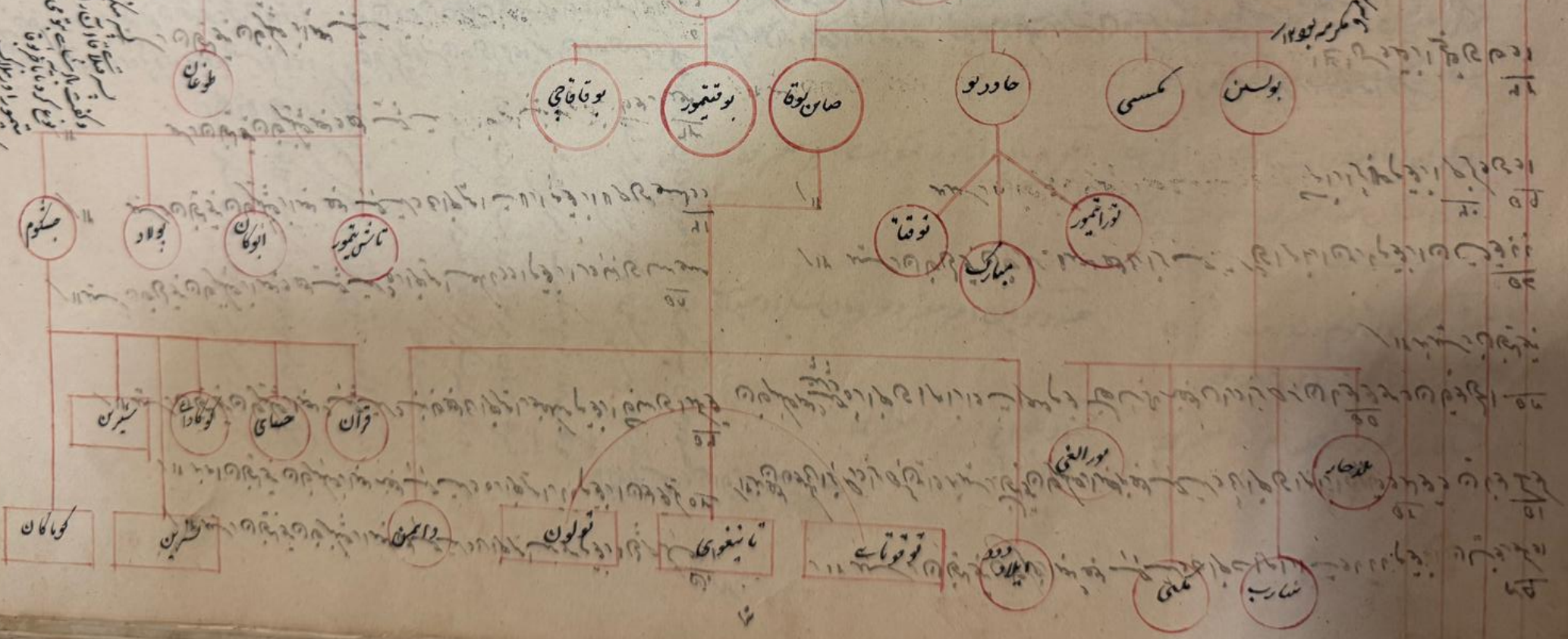
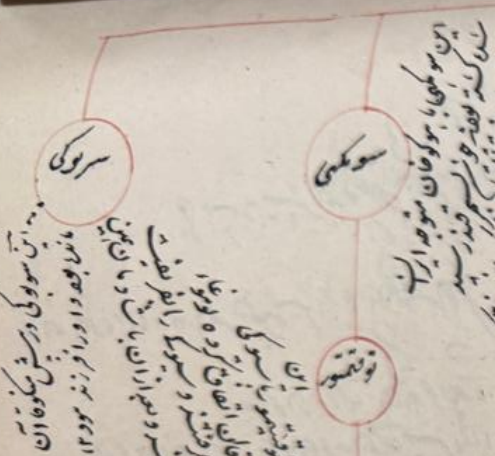
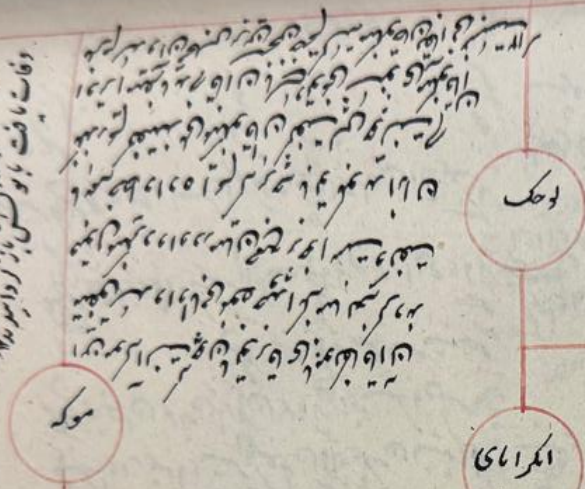
۵۷ توسادل قلی از قوم ارلات بود امیر خزان جانب دست چپ بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

۵۸ توسادل قلی از قوم ارلات بود امیر خزان جانب دست چپ بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

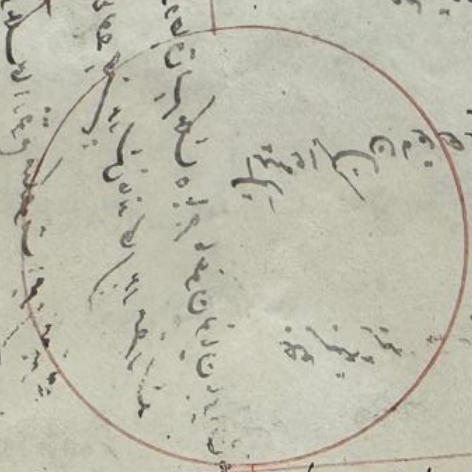
۵۹ توسادل قلی از قوم ارلات بود امیر خزان جانب دست چپ بعد از خلیفه خان بولنجان رسید ۱۲

Handwritten notes in the left margin, including the number ۱۱۱۱۱۱۱ and other illegible text.

بسیار بود که او خاں  
بسیار بود که او خاں  
بسیار بود که او خاں



صورت مشکوفاان و شریف زین



Handwritten notes in the top right corner, including names and titles.

Handwritten notes on the left side, including names and titles.

شرح امران در نیت او

مشکات از قوم جلایر از شعبه خان  
امیر و معتبر تر مار غوجیان بود نیت  
معظم و محمد علی بود است

ماخونان پسر در اطمینان از قوم  
کعبان لوان نورالدای را اومی  
دالت و امیر معتبر بود

صومون از خدی اما برای بزرگ بود  
و در وقت جلوس مشکوفاان  
رخت بارک است هم نوشت  
او متفق سعف است

قوتوسی خاتون دختر او که ای خان پسر تو تو کورگان  
از انکراس داود مار چنگیز خان بود و این خاتون اولین  
خواتین مشکوفاان بود و بالستور او رنگ  
باس مابک خوار مانا لون ازین خاتون بودند و با  
نجات سلسله حاکم بود است

اول قومس خاتون از قوم درات و این خاتون نیت حاکم بود  
و او اول نامزد بتولینان بود بعد از وفات تولینان مشکوفاان  
او را بستند و این خاتون مارا دران سوپر خود و مسلافاان  
و جلاله کو خان را فرزند می خوانند

سیر امون سلجی او از نیت امران  
معتبر بود

مبارک قورچ از قوم سونیب از  
امرای معتبر بود

ادب حقای از قوم اول تو کور  
امیری معتبر بود و دختر مشکوفاان او را

یاماوجی از قوم ماناوت کوسر کار و در وجه امیر بود

کوکلی سیر از قوم ایک جلیکن اسومات از دور وجه امیر بود

صوفند امیر معتبر بود بعد از وفات  
مومکد جلیت او را بدو خاورد

سلجی علم دار امران معتبر بود

سای تو مان از قوم مانا بعد از  
وفات تو مانا امیر معتبر و مغرب  
حضرت بود

مشکوفاان را خواتین و قایان بسیار بودند چون اسات و اینان معلوم نبوده است نه شد

خازان باورچی از قوم سلدوس امر بزرگ  
کلا کلا در جلیت او را بدو خاورد

توقا تو مان امیر بزرگ او را با دو تو مان سکر  
پسر عدو قردان لوا فرستاد

Handwritten notes at the bottom of the page, including names and titles.

خازان باورچی از قوم سلدوس امیرزرک  
و کلانتران و درجهان بجهت است

بلغا امیر بس معتبر و مقدم وزرا و نواب و حجاب

دانشمند حاجب از بزرگ شایسته امیر معتبر و  
ملازم هم بجهت است ۱۲

علی شاه امیرزرک و با ارغون اقا  
بنوکر باریان امر و با تفهیم و ولایت  
نیش پور و اصفهان مد و تفوض فرمود

ارغون اقا از درازات از زمان او کد است  
قان نازمان عهد معتبر بود و حکومت ایراک  
مد و کد است بود

منشی نوبان از قوم اردوت از زمان  
چنگر خان تا این زمان معتبر بود  
سالار ریغوج از جمله امرات معتبر بود

توقا نوبان امیرزرک و اورا داد و تومان لشکر  
بسرحد قزوین و او خرفشار

جو قیان کورکان از قوم مکرمت و مملکت رشت بزرگان  
که غدر اندیشید بود دستگیر کردید و بکشتن بگذاشتند  
مستعود یک پسر محمود بلواج او برادر بزرگ  
مرتبه وزارت داشت امرای معتبر بود

طعال نوبان از قوم سلطوت امیر معتبر بود  
و سرحد خراسان را بدو بسطی فرمود بود

ایلچ نوبان از قوم قنغرات امیر معتبر بود

عهد و نوبان امیر معتبر بود و تومان لشکر او میداد

محمود بلواج وزیر و معتبر بود

توقا نوبان از قوم اردوت از عهد معتبران بود

توقا نوبان از قوم اردوت از عهد معتبران بود

ارک نوبان پسر نوبان قنغرات از قوم برلاس

عادل نوبان از قوم سلطوت امیر معتبر بود

فهرت پسر منلی کورکلیف از امرات معتبر بود

میر قاسم نوبان امیر معتبر و در وقت وفات سلطوت قان  
او را بر سر لشکر کورکلیف فرموده قندهاری سلف بودند  
بوس سینه فرموده

بابا معتبر کورکان از قوم قنغرات امیر معتبر و در عهد  
نوبان

داری کورکان از قوم انزاس امیر معتبر و در عهد  
نوبان

آورد معتبرهای کورکلیف استواری بکلیه امیر معتبر بود  
در امرات لشکر و نوبان نیز در امرات

بهادر نوبان پسر حصاربان کورکلیف پسر منلی کورکلیف از  
قوم جهاد امیر معتبر و در عهد انزاس امیر معتبر بود

Handwritten notes in the left margin, including the name 'توقا' and other illegible text.

Handwritten notes in the left margin, including the name 'توقا' and other illegible text.

Handwritten notes in the left margin, including the name 'توقا' and other illegible text.

Handwritten notes in the left margin, including the name 'توقا' and other illegible text.

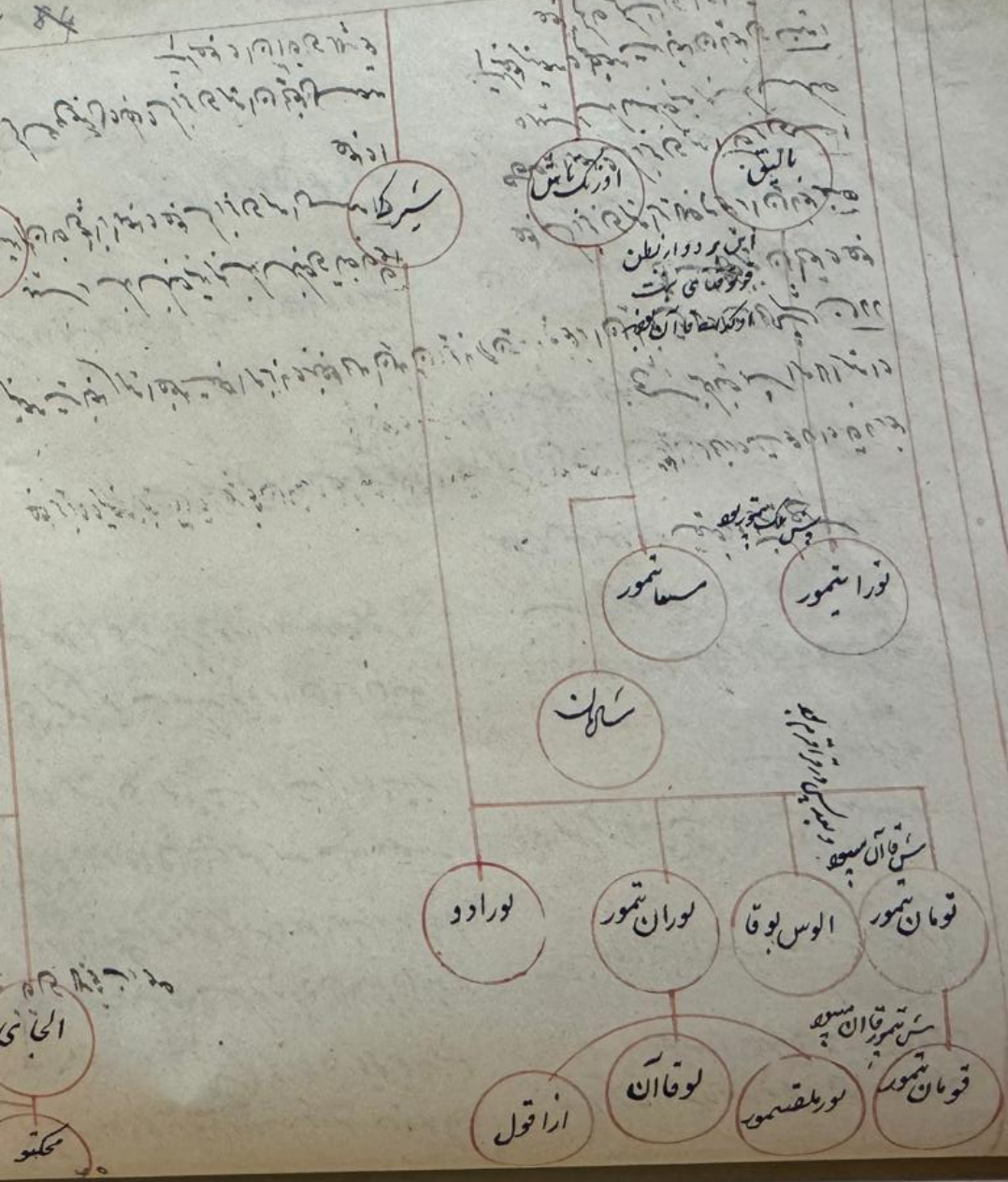
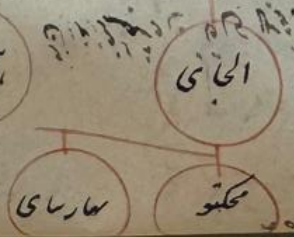
سکه نقره اربابان ...

Handwritten notes in the left margin, including the word 'تخت' (Takh) and other illegible script.

Handwritten text in the upper middle section, possibly a title or header.

Handwritten text in the middle section, continuing the notes.

Large block of handwritten text at the bottom left, containing several circled words and dense script.



Handwritten text at the bottom of the page, including the number '۱۵۸۵' and other illegible script.

۶۳۱  
۱۳۶۹  
۱۳۷۰  
۱۳۷۱  
۱۳۷۲

صورت قوبلای قان و شعبه فرزندان



جولس تو سار قان تخت سلطنت در سار سارستان و حسین رستم در سارستان و حسین رستم در سارستان  
 مانند و بجای او بنده اسل تیمور بن جلگم قوبلای قان است  
 اقدیم چین فتح نمود و سهری زرگ نام طایفه و نامند در آن سار سارستان و نیز زرگ از اطراف  
 هندوستان خرف نمود و چیرا زنده در سارستان و چیرا زنده در سارستان

سارمای قان او

نورناقاداموت در زمان ایلچوبک معتبر بود همه ملک داشت ولی در زمان قوبلای قان نیز معتبر و وزیر بود  
 و امیر الامرا شد چنانکه هیچ امیر را مرتبه بالای مرتبه او نبود  
 نامان رشتن اولاد قوبلای قان از قوم نارین باریان من آمد بعد و باز مراجهت نمود امیر بغایت معتبر  
 بود و توان نیز سلطنت کرد  
 هند نویمان از قوم جلایر امیری بزرگ بود  
 الحسی رجا امیری بزرگ و بعد از حاکم  
 حاکم ملک مرتبه چنانکه رسید  
 امینای نویمان بغایت معظم و معتبر بود  
 و برکات امیرای لشکر حاکم بود

شهر خلافتین و قایما او

ماقو خاتون از قوم قنقرات مادر کاس خاتون اوله  
 او سخن خاتون دختر او غل نویمان از قوم حسین  
 مادر حاجی او بود است  
 حورما حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود  
 ماس و حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود  
 حورما حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود  
 حورما حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود

مسیوی خاتون برادر زاده خاتون جون خاتون خاتون  
 مانند قوبلای قان او را کجای او  
 ماس و حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود  
 حورما حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود  
 حورما حسین خاتون از قوم حورمان مادر او بود

نورالدای پسر او نقش امیری معتبر بود و بعد  
ان انگر سمرقانی مدعی لومان نوی نفوذ  
فرسفته ۱۱۲

توقان از جمله امرای معتبر بود و امیر لکر  
دومان نیز لقب است

در نوبت حاکم اسری بغایت معتبر  
بود است

توقان از قوم سلاویان است  
توقان پسر نورالدای از کرامت مصلحت  
دومان نیز لقب است

توقان پسر نورالدای از کرامت مصلحت  
دومان نیز لقب است

اسمعیل پسر لکر و سولوی لقب  
است

بارگ از جمله امرای معتبر و سلاوی  
لقب است

بارگ از جمله امرای معتبر و سلاوی  
لقب است

ایلیتور پسر مال غوجی نوبان از قوم ارلات  
بغایت معتبر شد و جای مدرس بدو تفویض  
فرمودند

ماقوی پسر سلا نوبان از جمله اولاد امرای  
هزاره دست راست لقب است

سین نوبان از امرای معتبر و سلاوی  
لقب است

توقان پسر نورالدای از کرامت مصلحت  
دومان نیز لقب است

سکه پهلوان از اشوزان چنان امیر بغایت معتبر و محترم و بزرگ بود بعدی در حدوده تومان لکر

توقان از قوم سلاویان است  
توقان پسر نورالدای از کرامت مصلحت  
دومان نیز لقب است  
اسمعیل پسر لکر و سولوی لقب  
است  
بارگ از جمله امرای معتبر و سلاوی  
لقب است  
ماقوی پسر سلا نوبان از جمله اولاد امرای  
هزاره دست راست لقب است  
توقان پسر نورالدای از کرامت مصلحت  
دومان نیز لقب است

محمد بلواج امیر معتبر و بزرگ بود پیش منگوقاآن و قوسلای قآن و ایران زمین بود از زانی دولت ۱۱۲

معتبر و نومان توغل نومان را بعد از او میدادند

سکه بسیار از اشخوزان چنان امیر بغایت معتبر و محترم و بزرگ بود بدی ۷ صد و ده تومان لشکر از مشغول و ختای در حکم او کرد و بفتح بلاد بکنش فرستاد

لاچین قباچ امیر بزرگ و سبکی بود است  
 صر فرمای امیری بزرگ و اشمن بود است

باستاد از قوم که در این ازمای بزرگ بود و او از آن ام است که در وقت قسمت قویلهای قاقاز رسیده بود و مع هذا او را با هولا کو خان بایران زمین فرستاد و باز طلب سخت و نسبت بایر فرمود و در تاریخ حکایات او آمده است

مهر سای توپان امیری لغات معتبر بود و کورگان نیز بود  
 قهر که توپان از امرای توپان بود

مهر سیر توپان از امرای بزرگ و امیری لشکر بود  
 ملاس از جمله امیر بزرگ و امیر لشکر نیز بود

تا چنین کورگان امیر معتبر و امیر لشکر و دانا نیز بود  
 سوسای از امرای توپان و امیر مغول بود است

عروا قور امیری بزرگ و امرای لشکر بود  
 قساق از امرای بزرگ و امیر لشکر بود

شیرک از قوم قباچ امیر بزرگ بود و از جمله متفرقان حضرت و امیر و توپان بود است

دومین امیر بزرگ  
 سوسای از امرای توپان و امیر مغول بود است

محمد بلواج امیر معتبر و بزرگ بود پیش منگوقاآن و قوسلای قاقاز و ایران زمین بود از زانی دولت

بغایت عا و عاال و کار دان و معقل بود است و در اندک کار و روز میگرد و باید آن رسیدیم قاقاز او را در این ماهها مرصع بفرستادند

او جو سیر زاده سسای بسیار از قوم او را بکنس امیر توپان بود و مقدم بر توپان لشکر مغول بود  
 و لایق بکنس مغول استا بودند

جاو و توپان از امرای بزرگ و دست راست بود  
 اور دای توپان از امرای بزرگ و امیر لشکر بود

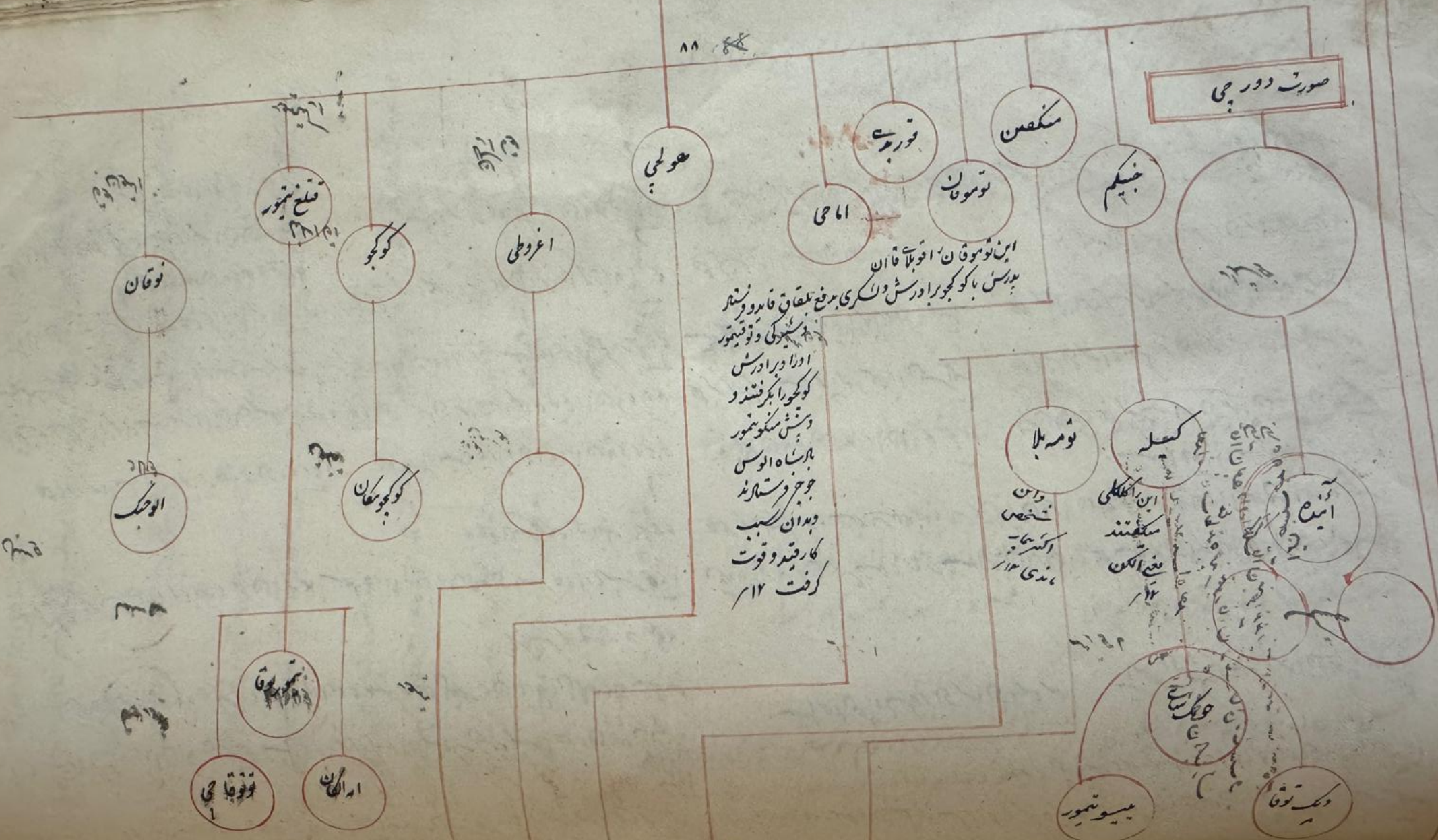
توقا توپان از قوم قونغرات امیری معتبر بود و جات حدیث لغت توپان او میدادند و امیر بزرگ است نیز بود  
 قراکند سکن از بلواج شصت بزرگ یافت و امیر معتبر شد اما قور سبیل بسیار داشت و جنگها و فرقهها داشت

چو باور ج از امرای ملایم و معتبر و معتبر بود است  
 هر سوا امیری بزرگ و قویلهای در سر دیوانی با او دادند

سلاخ توپان قویلهای بود و امیر بزرگ  
 بلکه قباچ امیر بزرگ و سبکی بود و بود از اول

مهر سیر توپان از امرای بزرگ و امیر لشکر بود  
 قساق از امرای بزرگ و امیر لشکر بود

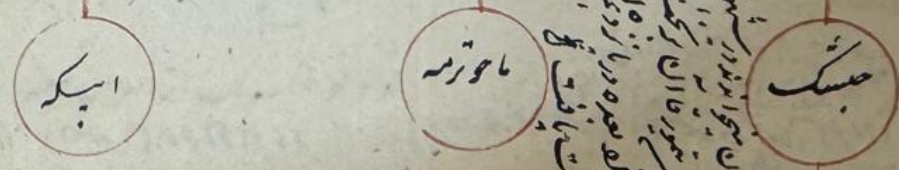
صورت دور پی



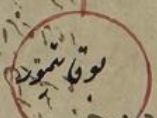
این نومیکان اقبلا قان  
 پدرس باکو کجور ادرش و کبری برقع بقاق فابرو و نیشار  
 اوزا در ادرش  
 کوکجور با کرفتند و  
 دیش سکونیمور  
 باره الوس  
 جوج و ستارند  
 دیدان سبب  
 کار بقند و قوت  
 گرفت ۱۲

نومرلا  
 کسله  
 ابن باکلی  
 سکفتند  
 بنه انکن  
 ابین  
 جک  
 سیوتمور  
 دکترتوقا

این جنگ بیند و جنگ در آن  
 قاتل بود و در آن جنگ قاتل می آید در شهر سردشت در سده ششم  
 بعد از زنده ماندن شهر خوار قاتل بر کشتن خانی نشست و  
 دست بر سر سلطنت که بعد در روز ۱۵ شهریور در میان امیر  
 سردشت و سلطنت و قاتل یافت



بوقا سوزان  
 در روز ۱۵ شهریور در میان امیر  
 سردشت و سلطنت و قاتل یافت



بوقا سوزان در روز ۱۵ شهریور در میان امیر سردشت و سلطنت و قاتل یافت

۱۱۴۱

بوقا سوزان

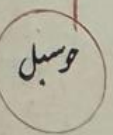
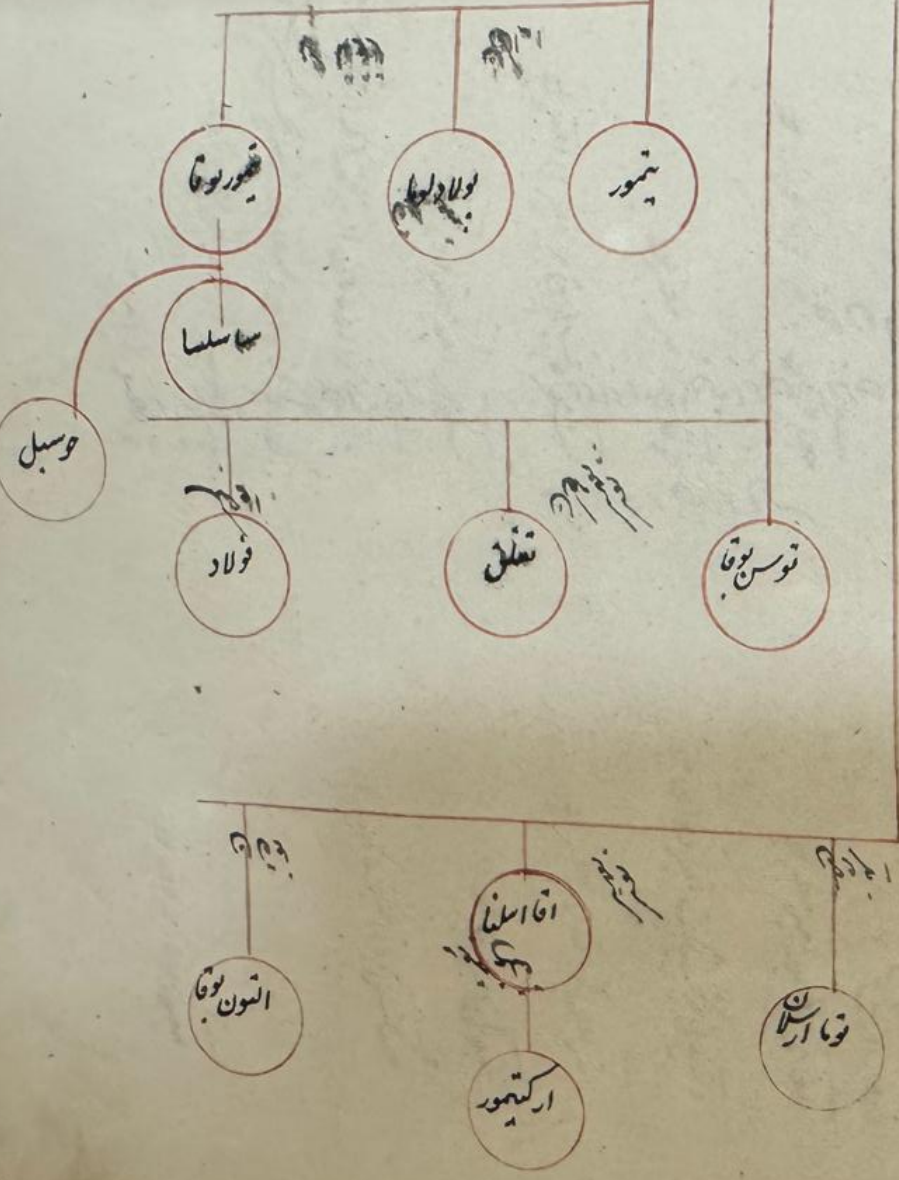
بوقا سوزان

بوقا سوزان



بوقا سوزان

بوقا سوزان



Handwritten notes at the top right of the page.

Handwritten text enclosed in a red rectangular box.

Handwritten text enclosed in a red circular stamp.

Handwritten text on the left side of the page.

Handwritten text on the left side of the page.

Handwritten text on the left side of the page.

Handwritten text on the left side of the page.

Handwritten text on the left side of the page.

Handwritten text on the left side of the page.

شرح امرای دژگان او

تاجان حکیمت امیری بغایت معتبر بود و امیر الامرا  
و از زمان تولد او معتبر ماند

او در کور امیر معتبر و در وقت نوملا قان  
اعتبارش در آن زمان زیاد

او میخواست تا منتهی از قدم اعتبار نام بردارده بود

تاجان توپان نیز امیر معتبر بود

کور کور امیر معتبر و امیر توپان شد باریان

توقان از زمان نوملا معتبر ماند در وقت  
هم معتبر تر شد

او بجای توپان حکیمت امیر معتبر از قدم بود

سوقلان توسلجی معتبر از زمان سابق بود

تالیقو امیر توسلجی بود و اعتبار تمام دولت

تعمیر با هم یوان از قوم کورلا دولت از زمان نوملا

شرح خواهرین و خدایان او

توقان خانم بزرگترین خواهرین او بود و او دختر  
بایسوقورگان بود

Handwritten notes in the left margin of the table.

Handwritten notes in the left margin of the table.

تاجان حکیمت امیر معتبر بود

عمر قیچاق از مغول بعد از تاجان رسیده قضاقت کرد

تعمیر توپان امیر معتبر و کور کور امیر معتبر

Handwritten notes at the bottom right of the page.

Handwritten notes at the bottom left of the page.

تابان سنگی تک بغایت امیر معتبر بود

یکه ضحاک بعد از عمر معانی بلا امیر  
و در اخر حکمت همین مرصعها بلکه در آمد  
ولی صلاحی یافت

عصر ضحاک خواجه اوزیر امیری معتبر و  
از امرای دیوان بود

ارغمانون ترخان جنگ ملک امیر معتبر  
بود

قتال امیر معتبر و از امرای دیوان بود

عین حکمی رینغ و سوی قوت میگردد اما بجهت ستم  
مرصعات اوزیر در گناه آمد و نفاعت میر خلیج خلص یافت  
و باز کارش بد و مفوض شد

عمر ضحاک از مغول مدار تابان بر سره ضحاک نادر بود

عمر ضحاک امیر معتبر و در گناه آمد و نفاعت  
میر خلیج خلص یافت

قولو تو جنگ ملک از امران معتبر بود

داسمن جنگ ملک از زمان قویای قان تابان  
ندان باید امارت و اعتبار ترز گو و راه جنگی نتر  
رسوم اما در اخر ضحاکت مرصعات اوزیر در گناه  
آمد و بغایت نجو است طالع که رونده از ان مضط  
مغول شد قید و سفا عیب مر خلیج خلص یافت

نوشته علی از امرای ملازم بزرگ و معتبر بود و بجهت همین  
ضحاکت مرصعات در گناه آمد و نفاعت میر خلیج  
خلص یافت و بار منصب او بردن قوت نفس

تسعود انجو امیر دیوان بود

شیر ساربان از امرای دیوان بود

بغایت ستمی مرصعات سر نواح و نفاعت خلیج  
خلص یافت

نوک امیر معتبر بود

بغایت ستمی مرصعات سر نواح و نفاعت خلیج  
خلص یافت

میر ضحاک از امرای دیوان بود

مصلحی او قصور امیر معتبر بود

طوقای امیر معتبر بود

السیوی جنگ ملک امیر دیوان بود

مسکراه چچاق تم امیری معتبر بود

شرعانی نوایان امیر معتبر بود

سکندر امیر معتبر بود

سجودی امیر معتبر بود

باز بجهت او بد و قصور یعنی گفته  
که در گناه آمد و نفاعت میر خلیج خلص یافت  
باز بجهت او بد و قصور یعنی گفته

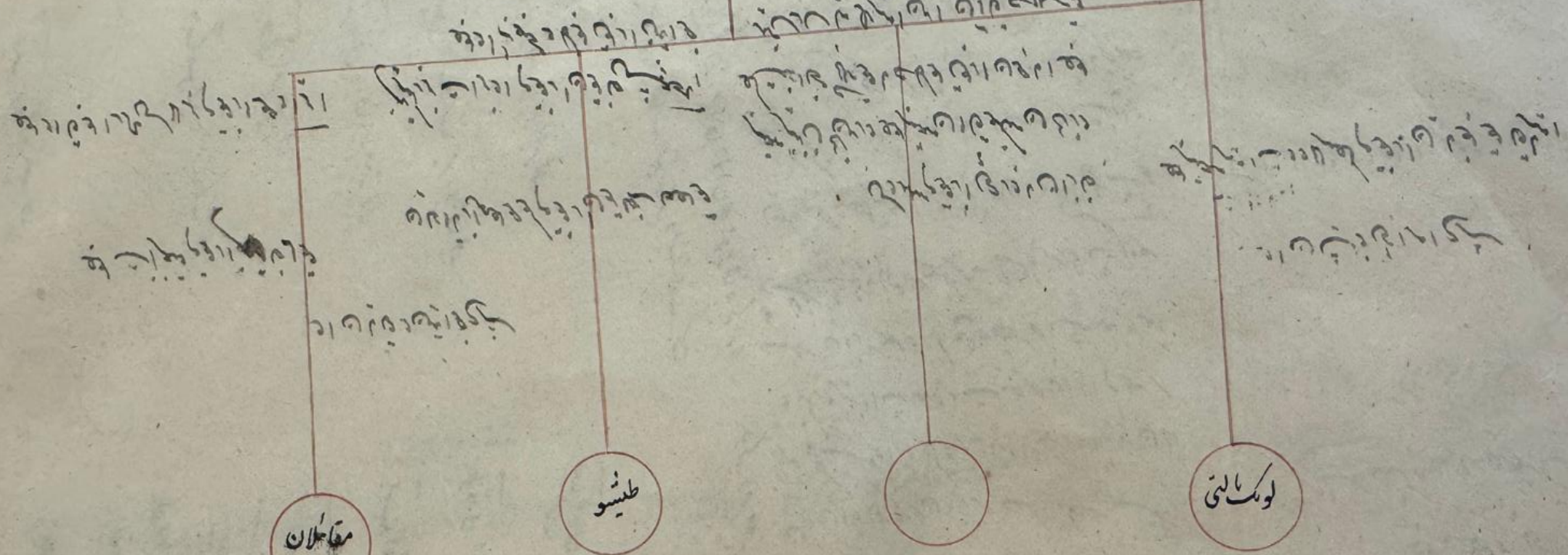
صکس دیوان جنگ ملک بود

قوتکلیو ۲ امیر معتبر بود

تیمور یوقا امیر معتبر بود

اسمیت در این کتاب است

در این کتاب است



مقاملان

طیسو

(Empty circle)

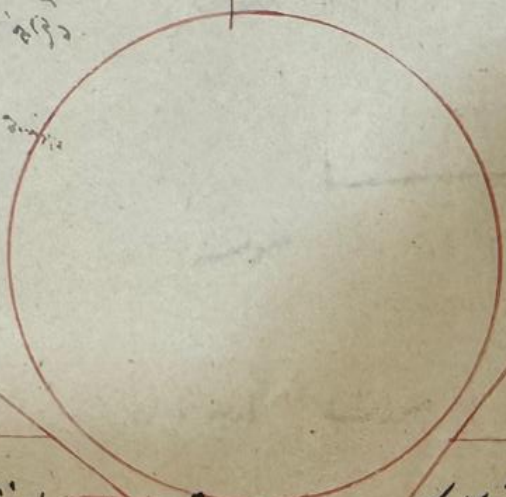
لوکالتی

ولی عهد  
 قآن لوب  
 ادا بتقدیر  
 معدن قید  
 ولی عهد  
 بیس از  
 بنوی در  
 کد کت  
 ۱۲

اسمیت در این کتاب است

دست  
۱۲  
صورت اربق بولکا و سبعة فرزندان او

صورت اربق بولکا و سبعة فرزندان او



شرح خواتین و قباآن او

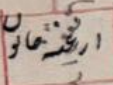
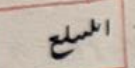
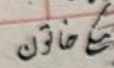
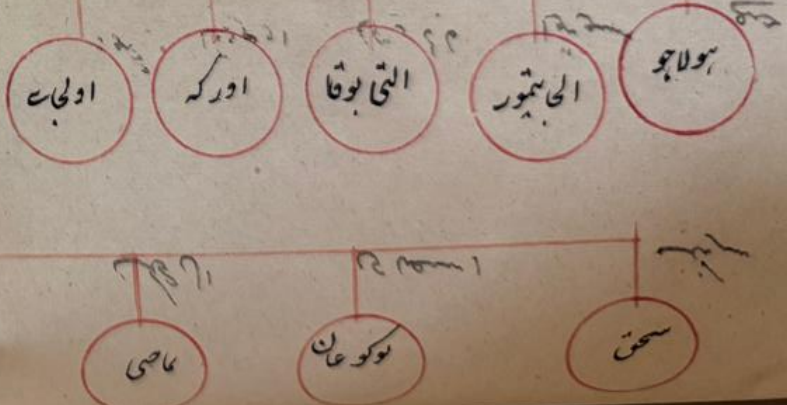
قول خاتون از قوم قنقرات بود  
قول خاتون از قوم کوجولعمار تا امان  
ایراده و از قوم برلاس مارا بوقا او بود  
انچه پیش خاتون از قوم او نرات بزرگترین  
خواتین اربق بولکا و محبوبه او بود  
امس خاتون از قوم قنقرات مادر عاصی او بود

شرح امرای ذیشان او

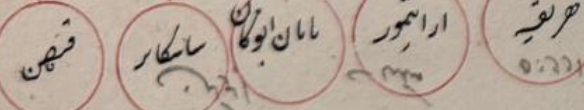
خازان باورچی از قوم سلکوس  
دژان سلکوتان معتبر بود در زمان نیر مغیر  
بود اما چون اربق بولکا ماقوملا مخالفت کرد  
توسلده قاتل این امیر را پارسرینید  
ایر قاقا تو نومان از قوم کفر لادت امیر معتبر بود  
او مافات

صورت لولو فور

صورت لولو فور  
 صورت لولو فور  
 صورت لولو فور  
 صورت لولو فور



از انچه در این  
 در بعضی از جاها  
 در بعضی از جاها  
 در بعضی از جاها  
 در بعضی از جاها



اینکه در بعضی جاها  
 در بعضی از جاها

**صورت ارپه خان**  
 ارپه در زندگ بودا گویند

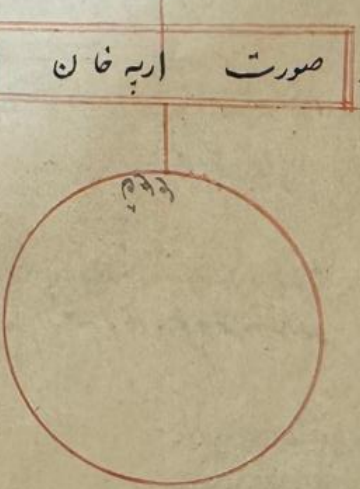
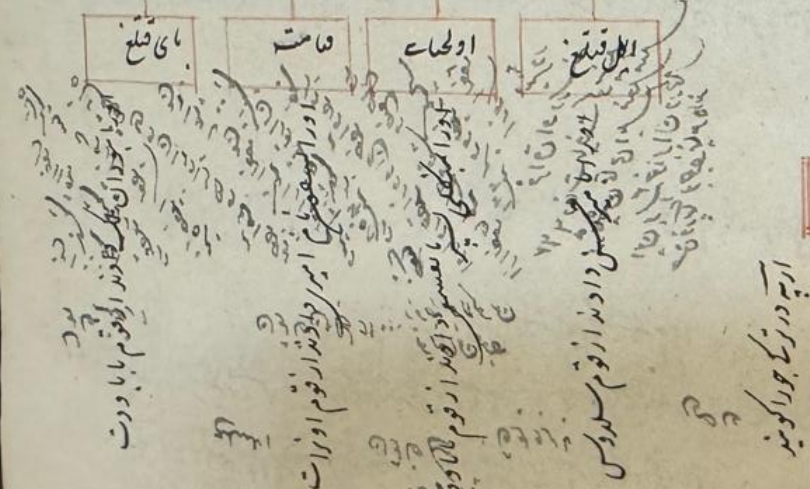
**ایلی قتیغ**  
 ایلی قتیغ دادند از قوم سلوکس

**ادولجاس**

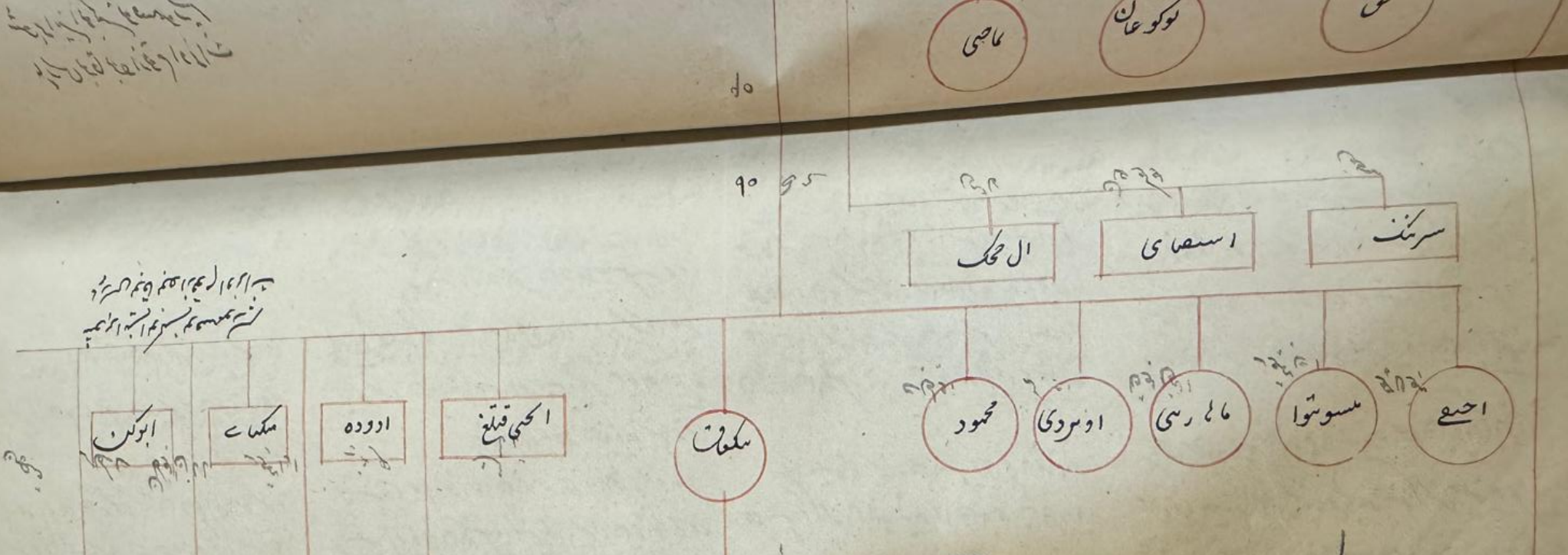
**قاسم**

**مای قتیغ**

ارپه در زندگ بودا گویند  
 ایلی قتیغ دادند از قوم سلوکس



اورا اراپا کاوان کفشد بعدا سلطان ابو سعید در ایران  
 زمین اورا بسی خواجہ عباس الودین محمد بن محمد سلطنت  
 نش نمود در شصتف رایع الاخره استیکرت و ایلین و سیوت  
 امام در آن بر دولت ایمر علی باب و مولف خان بن علی بن مای بود  
 در سمت کور قتل او خیا نمود رایع شمس خان کدان گه است



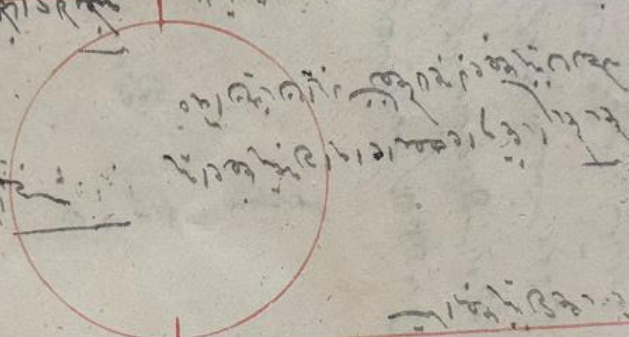
بپارای اریجه ایتمه قتیغ کسرت بود  
 لرشم مکتوبه نویسنده ایتمه اریجه

Handwritten notes at the top right of the page, partially obscured by a red box.

Handwritten notes in the upper middle section, above a red box.

صورت هولاکوخان و شعبه فرزند

سنگه قان نیر نونجان حکمران برادر بزرگ هولاکوخان برادر خفیل در اسفند  
را از انظام مملکت ایمان و خراسان برالصب فرستاد در ۳۳ سنه سیر قندرسید  
و از انجا عراق شد در ۳۵ سنه در اصفهان رسید و در ۳۶ سنه انجا را از نیر  
و از انجا عراق شد در ۳۵ سنه در اصفهان رسید و در ۳۶ سنه انجا را از نیر  
آورده و باقیه پسرالت و کما بعد عقب بگذاشت



Handwritten notes on the right side of the page, below the top red box.

Handwritten notes at the bottom left of the page, below the circular diagram.

<p>سخن خوانین و قحمان او دو قوز خاتون دختر العولسیر اولیک خان از قوم کرمانت او خاتون نونجان بود بعد از ان او را هولاکوخان بستند و بر کفر خاتونان هولاکوخان او بود</p>	<p>سلطان یونان از قوم جلایر امیر بزرگ بود و با هولاکوخان از ترکستان بدین طرف آمد</p>	<p>بوقا تیمور امیر بس مغول و معتبر بود است و برادر الحی خاتون بود و با هولاکوخان با یران زمین آمد</p>	<p>با کوه نونجان از قوم مسعود امیر تومان شد و در زمان او که است قان ضایکه در زمان امرای او کتای سنج و او دیم و او ایست او را بدین طرف فرستاد و چون در آن طرف رسید بعد از آن سنج هولاکوخان او را امیر تومان است و کتای سنج</p>
<p>قونول خاتون قنقرات نمودار که سلطان احمد معروف شد از سیر قان نون در او همو امرا بود و این خاتون را از کوه از کوه کج خاتون بجای او نشاند</p>	<p>مسعود از قوم دیو لاس و او با حکمران سعادی دانشته با آنکه در زمان حکمران امیر تومان بود با هولاکوخان با یران آمد و این نیز مدتی تومان خفیل نمودار است و هم او ماند یونان او را پس خواج تومان بود کتای سنج فرستاد</p>	<p>مسعود از قوم دیو لاس و او با حکمران سعادی دانشته با آنکه در زمان حکمران امیر تومان بود با هولاکوخان با یران آمد و این نیز مدتی تومان خفیل نمودار است و هم او ماند یونان او را پس خواج تومان بود کتای سنج فرستاد</p>	<p>مسعود از قوم دیو لاس و او با حکمران سعادی دانشته با آنکه در زمان حکمران امیر تومان بود با هولاکوخان با یران آمد و این نیز مدتی تومان خفیل نمودار است و هم او ماند یونان او را پس خواج تومان بود کتای سنج فرستاد</p>

<p>بر قستی خاتون از قوم کرمانت هولاکوخان در نونجان نمودار که خاتون هولاکوخان بود</p>	<p>مسعود از قوم دیو لاس و او قونول خاتون با هم از ان ولایت آمد بعد از او با قان خان از نونجان بود که شد</p>	<p>۹۷ مسعود یونان از قوم دیو لاس و او با حکمران سعادی دانشته با آنکه در زمان حکمران امیر تومان بود با هولاکوخان با یران آمد و این نیز مدتی تومان خفیل نمودار است و هم او ماند یونان او را پس خواج تومان بود کتای سنج فرستاد</p>	<p>مسعود از قوم دیو لاس و او با حکمران سعادی دانشته با آنکه در زمان حکمران امیر تومان بود با هولاکوخان با یران آمد و این نیز مدتی تومان خفیل نمودار است و هم او ماند یونان او را پس خواج تومان بود کتای سنج فرستاد</p>
--	---	---	--

سید و امیر از قوم کاش و در اسلو قان تو مان بج سایش  
فرموده بود و باین ولایت فرستاد و در آن زمان  
حکایت تو مان بود

۹۷  
اسلو قان نو مان از قوم کور لادوت امیری معتبر بود  
و ما ر عوجی نیز بود است

قتو قان از قوم سوغا نوبت امیر تو مان بود

سمنان از قوم لوین نام از امیر قضا دان بود

فرانویان از قوم کور لادوت بود امیر نامت قورجان بود  
و در مادوق او بود و با سولاد کوخان بدین طرف آمد بود

اسلو کی نو مان از قوم کور لادوت امیری معتبر بود  
و ما ر عوجی نیز بود است

طرقات از قوم اوران امیر هزار بود و کورکان نیز  
شد است

کور کور از قوم او عهد او امرای معتبر بود و امیر  
مکشان نیز بود و با سولاد کوهت بایران زمین آمده

علتاق پسر سولاد کیچی از کرانف که سولاد کوهت  
او را امیر هزار گردانید

امان سایی نو مان از قوم امیری معتبر و تو مان  
نیز طرقت

کورک اندک امیر معتبر و ما ر عوجی و با سولاد کوهت بایران  
آمده و مرتبه او بالا می مرتبه سونجاق بود

سونجاق از نیرکان سوبرکان بود در سولادوس و او  
ما ر عوجی شد بایران آمد امر دست راست بود و امیر کرد  
و معتبر بود

مسوقین خاتون از قوم سولادوس او و قو لوی خاتون بنام  
ازان ولایت آمد بودند و اما قان خان زین خاتون سولادوس

نوکستی خاتون از قوم کراب خلعه و نو خاتون  
نیز کورک خاتون سولاد کوخان بود

توق خاتون از اسخون صاسان مادر شبت و بود

قور محمد الهامی مادر طرقات او بود و او از اردو  
نوکستی خاتون بود

ابرتقا کاجی دختر سنگر کورکان و مادر عیالی امیر خاتون بود

ابرتقا کاجی از اسخون صاسان مادر سولادوس بود

اسس کاجی مادر سولادوس بود

اسس کاجی مادر سولادوس بود

مکلی کاج الکاجی قیسوقان از قوم کور کور بود

مکلی کاج الکاجی قیسوقان از قوم کور کور بود

سولادوس و سولادوس و سولادوس

سولادوس و سولادوس و سولادوس

صلا سکی از قوم ایلدز کس و  
سولدوس امیر معتر و در بلاد  
خراسان معتر و آخر نوین نیز او  
است

کسی نوین برادر سوحان بر کفر از قوم  
سولدوس امیر بزرگ معتر است

مخبر و قافرا در سوره در امیر  
از قوم سولدوس امیر بزرگ  
معتر است

الا سبور کرگان برادر سولوقا  
قوم سولدوس امیر بزرگ در خوشی  
بوده است

تو دان بیلار برادر سیو بوقا از قوم  
سولدوس امیر بزرگ معتر بود

کول بیلار از قوم ناهادت امیر  
معتر و بانو لاکوفا بایران آمد

جوهان نوین او بایانک از خراسان  
بویا کوفان باران خراسان در خراسان  
حکیم در کج معتر شکران از انان و کوفان  
است

سرا حون بزرگ ما حون از قوم حونین  
امیر از سن معتر و بجای انجای نوین او  
بایانک از خراسان

ساق نوین امیر معتر بود و قیام  
میر کوفان متوجه خراسان او را  
بر سر او در کوفان است

اصو سکور برادر امیر معتر بود  
صلبک

طاهر نوین از خراسان است  
طاهر نوین از خراسان است

لوقای باران حون از قوم حیدی بابا  
امیر معتر و باران حون معتر است

منگودان از قوم منگودت امیر  
عزرا نا معتر

منگودان از قوم منگودت امیر  
معتر از امیر شکر بود

الکرو سن بزرگ بیلاد از قوم  
سوس از امای کرک بولعی  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید

صککون از قوم عالوت امیر  
معتر و امیر سولان نیز شد

صککون از قوم عالوت امیر  
معتر و ماسولا کوفان از سوعانوب امیر  
بزرگ و معتر بود

جوست کوفان امیر معتر و او در کوفان  
نزدت خانه معتر است

طبر بیلار او را شکران کج بزرگ است  
معتر و کوفان بایران آمد حکیم در خراسان  
او را شکران کج بزرگ است

سود حون طاهر کوفان از قوم حونین  
کوجب معتر امیر معتر و سنجع و دلا در بلخ  
کوجب معتر امیر معتر و سنجع و دلا در بلخ

طاهر نوین از خراسان است  
طاهر نوین از خراسان است

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

سکسود سیر ارگان نوین از خراسان  
امیر معتر بود و از خراسان  
بیلاد از قوم حیدی بابا  
معتر و ماسولا کوفان درین بلاد رسید  
سولاقو نوین امیر بزرگ و بعد فتح  
ایران سوس قان او را فتح شد

بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح  
بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح

بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح  
بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح

بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح  
بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح

بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح  
بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح

بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح  
بوقا نوین از خراسان معتر بود که فتح

بوقا نونان از عهد امرای بوق که فتح  
نبرد کردند

صرفای کرمانی از عهد امرای  
بوق فتح حلب کردند

عسرونیق نوپایند از عهد امرای بوق  
در فتح حلب کف

عمر حسن نونان از عهد امرای  
بوق فتح حلب کردند

ساجد از عهد امرای بوق که  
شکرگازان شکستند

نوری نونان امیر بزرگ بوق و از عهد  
امرای بوق فتح بلاد حد در کت  
ایشان میسر شد

حسن نونان از عهد امرای بوق  
شکرگازان شکستند

مصدقی امیر بزرگ بوق

ساجد از عهد امرای بوق  
فتح حلب کردند

یحیی بن نونان از عهد امرای بوق  
حلب کف

محمد الواعز اول قوم لورد لادوت  
از امرای معتبر و نامت فوج  
در حکم او بوقه و دیار ما را و شرف  
بوقه را مولد کف بدین طرف اند

محمد بن ملک بوق

فوسدن نونان از امرای بوق  
فتح حلب کردند

سید اغو نونان امیر معظم بوق  
فتح موصل کرد در وقتی که ملک  
صلح بود بدین مفعول باغ کرد

سلطان ملک بوق  
هند و بلاد مستر کنایه که بوق  
سازد و بنده جار او را ب لار  
نونان میزد و او را سوا نونان  
بکشد و این شهر را از آنجا که کت  
مراجهت موفرت کند که بوق کف او را بزند

او خود نونان از امرای بوق  
شکرگازان بوق را از عهد امرای بوق  
از عهد کف و درود و درود شکرگازان  
درود لاریت نونان و درود کف

ارشد نونان امیر بزرگ بوق  
ارشد اوله  
سید بن نونان امیر بزرگ بوق  
سید بن نونان امیر بزرگ بوق

سلطان ملک بوق  
سلطان ملک بوق  
سلطان ملک بوق  
سلطان ملک بوق

عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق

عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق

عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق

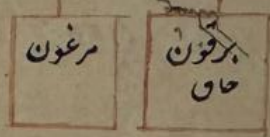
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق  
عمر حسن نونان از عهد امرای بوق

تاریخ تولد  
تاریخ وفات  
تاریخ طهارت

تاریخ

۴۰

تاریخ



این دفتر بود  
شماره دفتر بود  
حاضر دفتر بود  
اسم دفتر بود  
بهر دفتر بود

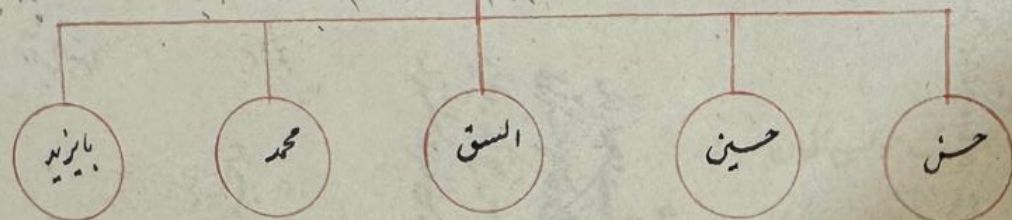
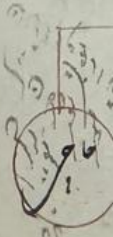
تاریخ تولد  
تاریخ وفات  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت

سبعه طهارت بنور بسر بولا کو

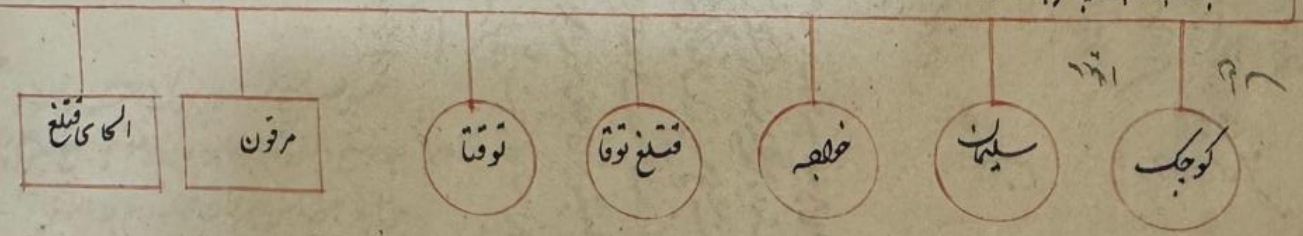
تاریخ تولد  
تاریخ وفات  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت

تاریخ تولد  
تاریخ وفات  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت

تاریخ تولد  
تاریخ وفات  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت  
تاریخ طهارت



سبعه بنور بسر بولا کو



شکی

این همه

بولاد

یوسف

عاج

کرامت فرزندان ازین نامک است

تبت ایک سعور برودات و

عاج

تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور

فتیح

اور الطاف کرکان طوند

کردن من

در کمال السن دفتر ایک سعور بود اور اور اول سلطان  
کران سعور فتیح طوفی و کور سعور کور نامن اور اول  
ایرست کور سعور نورال سعور کور است و چون ایرست کور  
هم نامن سعور کور طوفی اور سعور کور است و بعد از طوفی  
اور ایرست کور کور است

صورت باید و خان

محمد

تقیجق

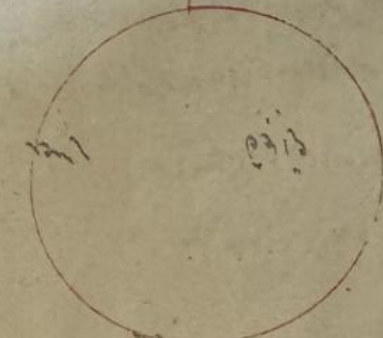
سور

اسور

فرا بوقا

تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور  
تعلیم میونک نمور رسول کو کور

صورت سلیمان خان



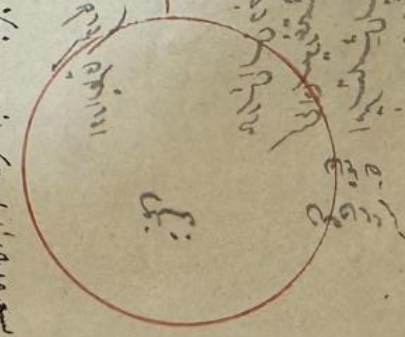
این کس لا سیخ حسن کوچک جو پانی بعد از آنکه بر تخت بکشد  
 عزل کرد بر تخت ایران شد و در میان ملک نیت او بجا تو  
 را بر نایب او داد و بعد از آنکه در کس دیگر از زاد بولا کوب  
 تخت ایران نشست مگر نوتی و ان خان نام برای  
 صدر و تخت ایران در تصرف جو پانی باند تا آنکه صاحب

تاجی

علاء

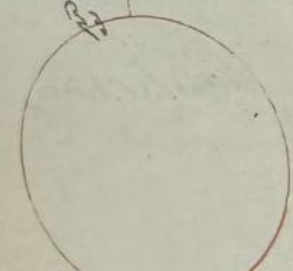
محمد

صورت موسی خان



صورت موسی خان  
 در تخت ایران نشست  
 در تخت ایران نشست  
 در تخت ایران نشست

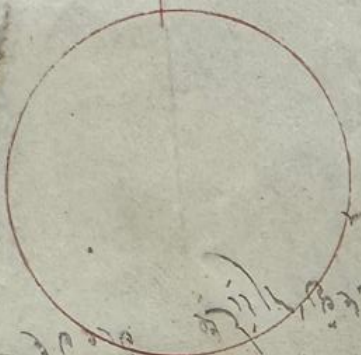
صورت محمد خان



صورت محمد خان  
 این کس سبعه بنی حسن علاء از آنکه بر تخت ایران نشست  
 بعد از آنکه یافتن او را بر تخت ایران و طبع نمود بنی حسن کوچک  
 چو تا بنی نمود تا آنکه بر تخت ایران نشست و در میان ملک نیت او بجا تو  
 را بر نایب او داد و بعد از آنکه در کس دیگر از زاد بولا کوب  
 تخت ایران نشست مگر نوتی و ان خان نام برای  
 صدر و تخت ایران در تصرف جو پانی باند تا آنکه صاحب

صورت احمد خان و سنجید فرزندان او

پس از سلطنت ملو دارا و غن گفتندی بعد از فوت برادر بزرگ ابا قاسم لبعی  
 شمس الدین صاحب دیوان بران سبب چه دین اسلام داشت بر تخت ایران نشست  
 در ۱۱۳۰ در ۱۱۳۰ بر دلت برادر زاده عفو ارغون خان سز ابا قاسم که سید مروت سلطنت  
 او ۶ ماه بود



شیخ امیران و رفیقان او

<p>بود احوال خاتون دختر مونس کورگان</p>	<p>ارمنی خاتون از قوم قنقرات</p>	<p>سکور خاتون از قوم قنقرات</p>	<p>علیق بیگ مسعود بیگ از قوم          کرانب امیر معتبر و امیر شکر          و معتبر علیه احمد خان شد</p>	<p>سویا قی از جمله امرا معتبر بود          زمان ابا قاسم خان و هم در زمان          احمد و ادینر بر بارگاه احمد محمد          بود اما بعد جلوس احمد سنجین او          التفاتی مرسود</p>	<p>مسکورا از جلایر در زمان ابا قاسم معتبر بود          درین زمان هم در بارگاه احمد خان          لغایت معتبر بود اما احمد خان کسی او را          راست التفاتی مرسود</p>
<p>ابلق خاتون دختر کسرو مادر          طوغان که او رسمت سحر کارانه          لایه او را در وقت بارگاه است          حواله و العالی نهاد</p>	<p>کوردای ابا میر قاسم ای افغانان          در اگشتند</p>	<p>بای تسکین خاتون دختر حسین آقا</p>	<p>صدای لیس گرای و بیچی          از جمله اورجان مغرب بود          و کورگان نیز شد</p>	<p>ستادی کورگان لیس و عوا میر است          معتبر بود و کورگان نیز شد</p>	<p>لعه جو پسر صحران امیر بزرگ و کورگان          نیز شد و امیر دیار بکر او بود است</p>
<p></p>	<p></p>	<p></p>	<p>فراوان امیر معتبر و در امیر          بر بارگاه احمد متفق بود</p>	<p>استوا امیر بزرگ و از جمله امرا است          بر بارگاه احمد متفق بود</p>	<p>عرب امیر بزرگ بر بارگاه احمد متفق          بود است</p>

صند و نوان امیر بزرگ عاقل و از امرای نومان بود و بادو  
 کوچک او عوی امیر بزرگ و از امرای  
 بود و لیس ای قاسم از عوا خاندان متفق بود که او اگشتند  
 که محافظت کنار او و وی که  
 مسکورا لیس العالی امیر بزرگ و از جمله متفق احمد بود  
 آقبوقا از جلایر امیر معتبر بود و چند با صفت  
 که معتبر بود و لیس ای قاسم از عوا خاندان سلطنت

امیر زنگ و از جمله امرای بود  
فراتویان امیر معتبر و در امیر  
برهان احمد شفق بود

۱۰۵ / ۱۰۵

بوقا پسر الباقی امری زنگ و از جمله معتبر احمد بود

اقبوقا از جبار امیر معتبر بود بر چند باضنت  
کسی تو خا بن تعلق داشت اما در زمان سلطنت  
احمد ملزم او شدند

سالی اتمامی امیر معتبر و امیرای شکر بود او را  
نیز نسبت اتفاق ارغون خان گشتند

فالسوال جو امیر زنگ و شکی بود است

شالی پسر سوخاق امیر زنگ بود و در زمان  
نیز شد

وق امیر زنگ بود و یک تومان شکر او میداد

مدان اقا پسر السبک لوقلی امیر زنگ بود  
داز امرا شکر می شد

امیر زنگ بود

صند و نونان امیر زنگ عاقل داز امرا ی تومان بود و بادو  
شکر محافظت گذار و روی که

کوچک او لوعوی امیر زنگ داز امرا شکر  
بود و بسبب آنکه ما در غوغ خان شفق بود او گشتند

احسو کندی از جمله امرا ی شکر بود است

تقاتی خان کولکنش احمد خان بود امیر معتبر بود

الو خان امیر زنگ بود در وقت غم جنگ آن  
ارغون خان از ترس جان خود او بلا گشت

نوعی برای راه عوض امیر زنگ و عالم ناز و حاکم بود

فاروقا قوشچر امیر زنگ بود است

ط

Handwritten notes at the bottom of the page, including the number 53.

دانشگاه عالی دارالفنون  
 سید علی میرزا  
 میرزا حسن میرزا  
 میرزا محمد علی میرزا  
 میرزا حسن میرزا  
 میرزا محمد علی میرزا  
 میرزا حسن میرزا  
 میرزا محمد علی میرزا

صحرای	ساملون	کونخک	کلنصریس	سوادرس	کونخک	ارسلانچی	کونخک	صلواتی
مادرش ارمنی خاتون اورا به امیر حسن خان دادند هم امیر و مادر کونخک	مادرش بودا کونخاتون دختر دولت کورگان نوه سوارش فرخنده انواع اعلان اردوس اور که خاتون امیر حسن خان به ۱۲	مادرش ارمنی خاتون و سوارش امیر اید بچین به ۱۳	مادرش قای بود فخر و حسن نام شورسلی سلی کورگان به بوداز شهر برادر او طغان اورا بخواب	مادرش ارمنی خاتون نوه سوارش خندان به از قوم تا مادر پسر ایکلدات باورچ به ۱۲	مادرش مکر خاتون به از قوم قنقرات سوارش عاتاق نام داشت به ۱۲	مادرش ارمنی خاتون به از قوم قنقرات سوارش عاتاق نام داشت به ۱۲	مادرش ارمنی خاتون به از قوم قنقرات سوارش عاتاق نام داشت به ۱۲	مادرش ارمنی خاتون به از قوم قنقرات سوارش عاتاق نام داشت به ۱۲

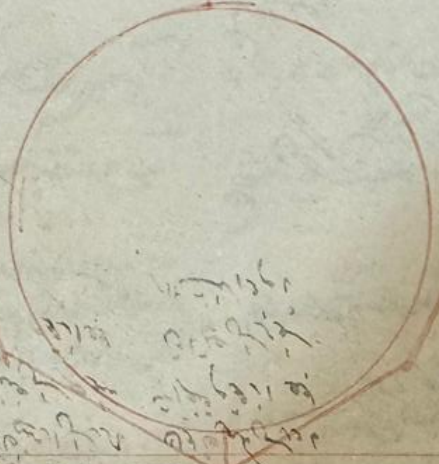
ابوبکر

دانشگاه عالی دارالفنون  
 سید علی میرزا  
 میرزا حسن میرزا  
 میرزا محمد علی میرزا  
 میرزا حسن میرزا  
 میرزا محمد علی میرزا  
 میرزا حسن میرزا  
 میرزا محمد علی میرزا

امام قاجار رخت خانا ماه سنه ثلث و ستین و ستمانه  
 جهان به چون به است عدل خورم  
 زود کنه افزون به و کونخک

جلوس ابا قاجان بر تخت خانان ماه سنه ثلث و ستمین و ستمائیه  
وفاتش ستم در الحجه سنه ثمانین و ستمائیه موضع مرغزار سمدان ۱۲

صورت ابا قاجان و سبعة فرزندان او



ابا قاجان که از تاثیر عدلش  
ز بهجت ششصد و شصت و عشرين  
که با دار البقا شد وقت اسفار  
جهان بود چون بهشت عدن خورم  
ز دلچسپی نه افزون بود و تقویم  
ازین دارالفا و التما علم

شرح امیران و رفیقان او

ارغون آغا امیر معتبر معظم ارتوم اوزات و او ستر ازینکه  
ملاکوخا با ایران آید او را حکومت تامی ولایت ایران  
چون مملکت کورامینا میدیم او را مقرر داشت و مغز  
ساخت بزرگ امیر کورامینا

ایلیکان نوین ارتوم جلدی امیر  
بس معتبر بود امیر سلج حسن که بعد از  
الوسعدی حاکم سلجوقی می خواسته  
منسوب بولایت ایلیکان شد

سوننای نوین امیر بغایت معتبر بود و همان راه در زمان  
هولاکوخان داشت بر و مقرر بود و او از جلد امیران بود  
که لشکر ابراق را بستند

سویچاق نوین بغایت امیر معتبر مبارک نفس بود و  
مالک بغداد و فارس قفولین او فرمود

امامای نوین با اینکه در زمان هولاکوخان معتبر بود  
درین زمان ابا قاجان نیز معتبر بود

سگتور سپه ایلیکان نوین ارتوم جلدی امیر معتبر بود  
و از جلد امیران که لشکر ابراق را بستند

شرح خواستین او و فہمیان او

دوست رسمی خاتون مقدم بر همه خاتونان  
ابا قاجان او بود  
نوفزای خاتون چون دم و در می نماند این  
خاتون بلا مجاہت او بس اندر و کجا تو خاتون  
ازین خاتون بود

ارغون مس دختر قتلغتمور کورکان ارتوم قنغات  
بدرت خاتون دختر سلطان مظفر بدین  
کن و او را بعضی روز با در حضور امیر خاتون طلوع

بلغای خاتون بزرگ خوش لوفات ارغونی بود چون ابا قاجان ماند  
ارغون خان امیر خاتون لاسبت  
انسیه یاسر و دختر ملک طرا برون

قورمش پسر هند و نظر ارطالار قورم نامی امیری معبر  
وامیر نوبان بود

بوقار اروق از جبار از امراء معبر و باقا خان اور  
زینت که در درجه جان رسید که معبر شاهره ماس بود

طعاجار از قوم سوغایول از خرد امراء معبر بود

نوسند از قوم سوغایول از امراء باقا خان بود

اروقیا از قوم او معبر امراء لازم و معبر الحرف

جوسه کورگان از قوم باقانت امیر معبر بود

اسد قرتوق از قوم کورلاوت چون بدیش

قورچان

ار قمو  
ار قمو از قلم اوقات اول بود  
سلسه خان رفت و کور معار با او بود  
او و اسیر با کور نوبان از قوم بسود و امیر  
نوبان نیز

نوقورتر قورچی از قوم کورقور امیر معبر بود  
و جاسوس بود و قورقور فرمود  
باجاه سوتیاه بود و قورقور فرمود

سسی از امراء لازم معبر الحرف بود  
امیر کورچان

دولهای انداز امیر بزرگ و امیر کوچک از قلم  
نوقور

سمنان از قوم کورین با او رفت و چند دور  
بود کورچان معبر بود در نوبان نیز معبر شد  
و امارت لشکر کرد و قورقور یافت

کفوجای امیر بزرگ معبر بود از قلم  
وامیر ارم

اعای خاتون نیز خاتون مولاکون  
بود معبر باقا خان در خون خاتون  
خاتون بیسته

نولهاجر الحرف نام بود

الستاه الحرف قالی بود

قاسم الحامی نام بود از قوم انگوت و  
بهرار خون خان بود

لوقی اکاخر حاجی بهار طوغا موق  
که سواد کورگان طووند

سعدین اکاخری قالی بود از قلم  
باقا خان او را بولد و باقا خان است

مرط خاتون قالی بود از قلم  
سعدین اکاخری

الستاه الحرف قالی بود

طرقای کورگان از قوم او زرات امیر هزاره بود و چون  
دختر ملا کوفخان مانند دختر منگو میور بر بوداوند

بسیار از خون اقا از او زرات از امرای چرگن بود  
و کور بنگان هم شد

تا سورا از قوم فقرا ت امیر معتبر بود از سکورجان

اینشکر از قتلخان امیر بزرگ و معتبر بود

خلیفه از قوم سنگفوت مانند درخان بولا کوف معتبر بود  
درخان بقا خان نیز معتبر شد

بمنگور ولی از قوم سنگفوت درخان بولا کوف امیر  
بزرگ بود درین زمان امیر بزرگ شد

رعق از عهد امیر شکر اراق را شکستند

قبولوف با برطف قاجار امیر معتبر و بهار و دلاور بود

سلطان و هو نویمان امیر معتبر بود و توخان نیز دانست

سلطان از سوغات از زمان بولا کوفخان تا این زمان  
بزرگ و معتبر مانده

سستی کجینی از دفعه امیری بزرگ بود

چو خان از قوم ریغوب امیر بزرگ بود و نامیک  
از خون برادر او بود

نورگت فقیر از قتلخان امیر بزرگ بود و کابنه  
امیر تور جهان میشد

بودان پسر سون مانان از بزرگان سورخان  
سدا از سولدوس امیر معتبر بود

نوا حای لور جوهر از قوم سنگفوت امیر معتبر  
از عهد امیر موخان شد

مسول کولو خورج از قوم سنگفوت امیر هزاره بود  
اخیر امیر توخان نیز میشد

صند و از عهد امیر شکر اراق را شکستند

بغزنی بی بی نویمان امیر معتبر و بیخه امیر حکم  
شکر اراق را شکستند

نکشی بهادر امیر دلاور و از عهد امیر حکم  
بجادر قتلخان را کوفند

عسل اراق قوشچیان از قوم جوریان امیر  
بزرگ قوشچیان بود

التاسق امیر بزرگ و در جنگ باق بهادر بیجاگ

نصر جان اقا پدر تو قستیمور از عهد امیر معتبر بود

کولچو امیر بزرگ بود سبب خیمات پسندید که با اقا حاکم  
اسچی از قوم مسوب امیر بزرگ و معتبر

اردوس بولا کوفخان از امانا اتفاق خراسان فرستاد بود  
و اذخیمات که چند ابقا خان باریه شد او اعتبار یافت  
اکلنوزگان حره ابون پسر نیم بود در نیز زمان هم معتبر شد

مرگند از سدگان حره ابولگان اردن بولا کوفخان تا این امانا  
معتبر ماند

عاصم لوطی در خراسان بود معتبر شد و چون او مانا  
پسران حلقه در عصر لایخ نسیم دانست

اساچو حکومت اسجا باد و نعلوف فرمود  
عسل اقا از عهد امیر شکر اراق را شکستند

باروق امیر بزرگ و معتبر و نامت و شجاعت در جنگ او  
معتبر ماند

بدر استیمور امیر بزرگ از عهد امیر شکر اراق را شکستند

دولدای بارغوج امیر معتبر و امیر بارغونیز بود

طابخچه بهادر امیر نجابت بزرگ بود

ایتمتور از مملکت حره ابولگان از زمان بولا کوفخان  
تا این عصر زمان معتبر ماند

نورسان بویان حکومت دیار بلر حره بار بود و توفیق یافت  
سراسر احوال از قوم مسون امیر بولا کوفخان شد

جواد کسکس جوین پسر باقان صاحب حاکم در زمان بولا کوفخان  
اعتبار طراوت در زمان ابقا نیز از معتبر شد

سراخون پسر حرم چون حکومت کرد حسان را و توفیق یافت  
تا روزگار امیر دلاور و از عهد امیر حکم و معتبر ماند

یسوبو قاسم معتبر و کورگان و معتبر بود

ادله‌ها      ایتقان      طحا و وف      حکما      طغاه      توصلع

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

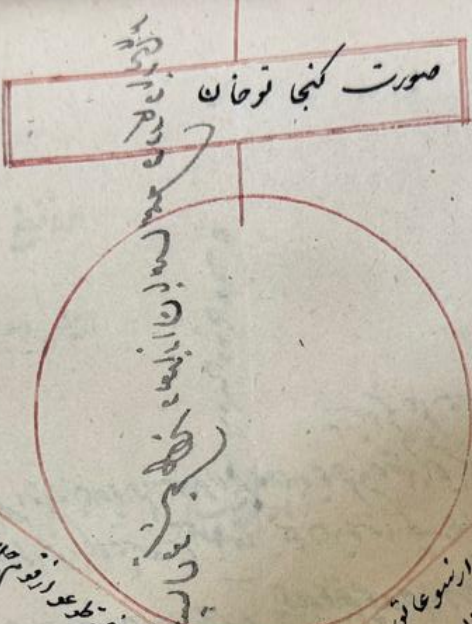
ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

ادرس توصلع و ادله  
تو او را در این کتاب  
تو او را در این کتاب

صورت کنجی توخان



صورت کنجی توخان

سرخ ایران و وزیران او

مسکوتور نویمان از قوم جلدر درین اباخان اعجاب  
تمام طراست و زرین کجا لوجا اعصابش میست  
رسیده و اوراق مقام خود لصد که خود روزم  
و وزیران ارغون نیز معتبر بود

اقبوقا پسر ایلخان نویمان از جلدر امیر لامرا  
بود او را دو لولعا و سپه داده باید و گشتند امیر  
سکر و امیر اروم بود

اقبوقا پسر ارکوب پسر ایلخان نویمان از جلدر  
امیر ایما و باقا بود و رخاص قران خاتون  
در معان شهر داده باید و گشته شد

محمد پسر جویان از امیر امیر بود و امیر  
طلح خان پسر توخان از امیر امیر مغرب و معتبر بود  
و امیر مسکور جهان

کنجی تو نیز باقا در روم بود بعد از فوت برادر بزرگ ارغون خان بایران آمد و در  
سنه ۶۹۰ بر تخت نشست

سرخ خلیفه او شرح قباک او

دیسیر خاتون دختر اشوقا از قوم جلدر بود  
المسورس خاتون از قوم شغرات  
دختر قتیق نمور کویجان بود

خاتون خاتون دختر طوعو از قوم جلدر  
خان معتبر بود در زمان کنجی تو هم معتبر بود لیکن  
سبب نکبت اولی تو بود که حاصله در تاریخ است  
ابراکیم برادر اسکر تو قتل از قوم  
مهاجر کنجی تو قتل حاصل شد بود

باید از پسر اردو و اهل از قوم و معتبر بود  
امرات مغرب بود  
محمد از قوم جفانی نامدار امیر معتبر  
دارای لسان و مغرب الحضره

ساعت از قوم کوس تا در در زمان کنجا تو کور  
امیر معتبر بود از امرای روم

از عهد امیر معتبر باور جهان بود  
معتبر باور جهان بود

مرآت از قوم منگف در زمان پستتر معتبر بود  
درین زمان نیز اعتبار داشت

بوده است اختار در زمان ارغون خان معتبر است  
بعد و در زمان کنجا تو هم اورا باطفا حار و کما کنجا تو همان بود

صحت کتب کورگان از امرای باباید و متفق  
سند و مال کنجا تو مخالفت کردند

مسرتک کورگان از قوم مسوس امیر توت  
بود و مختص کنجا تو همان نیز

تو غداست از عهد امیر باباید و متفق  
در مخالفت کنجا تو و در آن گناه او سیرند و حمله افرو  
کنجا تو و اتقان افشار و خلاص یافت

تو غداست از عهد امیر باباید و متفق  
در مخالفت کنجا تو و در آن گناه او سیرند و حمله افرو  
کنجا تو و اتقان افشار و خلاص یافت

تو غداست از عهد امیر باباید و متفق  
در مخالفت کنجا تو و در آن گناه او سیرند و حمله افرو  
کنجا تو و اتقان افشار و خلاص یافت

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اصد عثمان از قوم صدی باو  
از عهد امیر معتبر باور جهان بود

اولا قلع	اراق قلع	ایر قلع	قلع ملک
----------	----------	---------	---------

مارش دیدی خاتون

بجو ارقوم میسکوفت  
شورش ایشق ه  
بجو ارقوم نوماشت و  
شورش پسر عقیق  
شورش این ک شجر ک

شورش دیدی خاتون

اولا قلع

صورت سلطان شورش

ایر قلع

قلع ملک

صورت ارغون خان



ارغون خان پسر افغان در ستم چهارم الاول سنه ثلاث و ثمانین و ستامة  
بعد از گشته شدن عم خود احمد خان پسر سلطان کوه خان بر تخت خانیت بنامت  
بموضع قستانج و واقع الت میان روست و در مان سرک از ولایت  
اورسجان و در سنه ۶۹ در قراباغ از آن بر دژ

شرح ایران و وزیران او

شرح خوانین و قبايل او

اروک خاتون دختر سارک پسر الخوهر اولک خان  
از قوم کبریت بعد است و مادر الجا تو سلطان  
آن خاتون است

قلع خاتون دختر سکو کورگان از اورات  
زرک تر خوانین ارغون خان بود

طفا خان که از بولسته سراسر سوغات ما آنکه در زمان ابقا خان معتبر بود  
و مجموع اسما را او مردالت و توپان سوپای را که بتولوی دلاکت بود تفویض کرده

امیر بقاصتنگ که امیر الادرا اسلطان ارغون بود  
و در آنوقت بر دلاکت ارغون گشته شد  
اروق برادر بوق که الیت بغداد است و در بخت  
برادر او نیز گشته شد

صورت غلزان خان

۹۱

در روز ۱۵ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۶ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۷ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۸ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۹ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۰ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۱ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۲ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۳ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۴ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۵ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۶ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۷ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۸ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۹ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۳۰ شهریور ماه ۱۱۰۵

در روز ۱ شهریور ماه ۱۱۰۵

در روز ۲ شهریور ماه ۱۱۰۵

در روز ۳ شهریور ماه ۱۱۰۵

در روز ۴ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۵ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۶ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۷ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۸ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۹ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۰ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۱ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۲ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۳ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۴ شهریور ماه ۱۱۰۵

در روز ۱۵ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۶ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۷ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۸ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱۹ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۰ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۱ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۲ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۳ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۴ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۵ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۶ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۷ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۸ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۲۹ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۳۰ شهریور ماه ۱۱۰۵

امیر قزوین امیر غلزان خان که امیر اللوات الله است  
 غلزان خان بود و او را در روز ۱۵ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 بشیر ملک قزوین است که در روز ۱۶ شهریور ماه ۱۱۰۵

در روز ۳۱ شهریور ماه ۱۱۰۵  
 در روز ۱ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۲ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۳ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۴ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۵ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۶ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۷ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۸ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۹ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۰ شهریور ماه ۱۱۰۶

در روز ۱۱ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۲ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۳ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۴ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۵ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۶ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۷ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۸ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۱۹ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۲۰ شهریور ماه ۱۱۰۶  
 در روز ۲۱ شهریور ماه ۱۱۰۶

<p>           بود و لغو کتابت در زمان            خان سکوری بود و چهار زبان بود            تقوی که در در زمان غلزان خان            داد که هر که ماس رسیده         </p>	<p>           اول سردار سی نه غلزان امیری بهار            و معتبر بود است         </p>	<p>           حاصلن امای قران از قوم            قنقرات امیر بود بزرگ         </p>	<p>           ۱۱۴            ۱۱۷            ۱۱۸            ۱۱۹            ۱۲۰            ۱۲۱            ۱۲۲            ۱۲۳            ۱۲۴            ۱۲۵            ۱۲۶            ۱۲۷            ۱۲۸            ۱۲۹            ۱۳۰            ۱۳۱            ۱۳۲            ۱۳۳            ۱۳۴            ۱۳۵            ۱۳۶            ۱۳۷            ۱۳۸            ۱۳۹            ۱۴۰            ۱۴۱            ۱۴۲            ۱۴۳            ۱۴۴            ۱۴۵            ۱۴۶            ۱۴۷            ۱۴۸            ۱۴۹            ۱۵۰            ۱۵۱            ۱۵۲            ۱۵۳            ۱۵۴            ۱۵۵            ۱۵۶            ۱۵۷            ۱۵۸            ۱۵۹            ۱۶۰            ۱۶۱            ۱۶۲            ۱۶۳            ۱۶۴            ۱۶۵            ۱۶۶            ۱۶۷            ۱۶۸            ۱۶۹            ۱۷۰            ۱۷۱            ۱۷۲            ۱۷۳            ۱۷۴            ۱۷۵            ۱۷۶            ۱۷۷            ۱۷۸            ۱۷۹            ۱۸۰            ۱۸۱            ۱۸۲            ۱۸۳            ۱۸۴            ۱۸۵            ۱۸۶            ۱۸۷            ۱۸۸            ۱۸۹            ۱۹۰            ۱۹۱            ۱۹۲            ۱۹۳            ۱۹۴            ۱۹۵            ۱۹۶            ۱۹۷            ۱۹۸            ۱۹۹            ۲۰۰         </p>	<p>           مانتو از امرای معتبر بودم بگویند دل            معتبر بود و حاکم ممالک بود امیر         </p>	<p>           تو را از خیار از قوم ادب است            در کوفت غلزان خان و ملا بهاس بر بند         </p>
---	--	---	--	---	--

Handwritten notes at the top of the page, including the number 114 and 117.

توقا از جلیار از قوم ادوات  
 بر چند در زمان ابا قاضیان اعتبار  
 بداشت اما در زمان ارغون خان  
 سغدی که در آنجا بود  
 سالی بسره لاجی امیر خراسان بود  
 طوقای کورگان از اوزات ایتر  
 معتبر بود و در دیار بکر می نشست  
 و با آنکه حرفه بطور شام کرد  
 نورقی بسره علیق از قوم  
 کورگان از امرای ایران بود  
 و در زمان کورگان نیز نشسته بود

تا آنکه از امرای معتبر مردم بود چون دل  
 در کوه کوه غاران خان دلا باس رسیدند  
 مرسد از قوم مبلنون از جمله امرای  
 بزان اشار  
 سلمی بسره لورغور امیر بزرگ بود  
 و کورگان نیز نشسته  
 صحیحان بسره شکر مند کورگان از اوزات  
 در زمان کجیا تو امیر بزرگ و غاران خان  
 همگان راه برون از آنجا می گذشتند

۱۱۴ ۱۱۷  
 التعلق از قوم با توت امیر  
 معتبر بود و حاکم ممالک روم بود  
 طغر نجبر امیر خراسان و سکور جرج  
 ایلیس امیر بزرگ و معتبر امیر بزرگ  
 و کورگان نیز نشسته  
 جلایا از قوم مبلنون از جمله امرای  
 معتبر و بزرگ بر خورجان بود

حاصلن امای قران از قوم  
 قنقرات امیر بزرگ  
 فرزند از قوم از قوم او با مکتف  
 در زمان کجیا تو امیر بزرگ بود  
 و غاران خان نیز بسره  
 شکر مند

او و سوری نیز غاران امیری بهار  
 و معتبر بود  
 امیر حرمی از اولتور امیر عاقل و  
 دلا در بوج حکومت اصفهان بود  
 نفوذش فرموده بعد از آن او را مردم  
 فرستاد تا طغاجار را بقتل آوردند  
 توقا سیکا از جمله امرای سکور چیان و  
 امیر خوراه بود

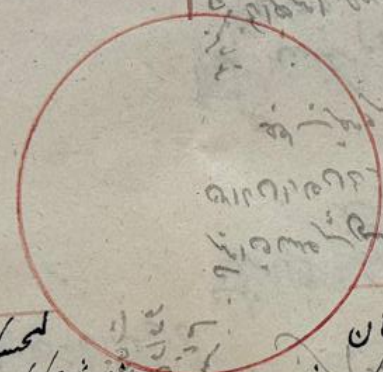
بود و نفوذ قبا به در زمان ارغون  
 خان سکور جرج و چهار برادر بود  
 نفوذش کوه در دران غاران خان  
 دل در کوه که باس رسید  
 رستمخان از قوم بصر با توت از  
 جمله امرای بکچیان بود

مادر این بر فرزندان تلقی جاتی بود

اکا قشغ

الجو

صورت الحاکم سلطان



سلطان محمد خدابنده کبک اولیای توغان که در ملک خراسان بود  
خبر فوت برادر بزرگ غزان خان را شنید منوط ایران شد  
و در سنه ۲۳۳ سالگی بزخت شست و در سنه ۲۳۴  
درت سلطنت او صلوات شد و در ماه بود

شرح امیران و وزیران او

<p>شرح خواتین و قایمان او</p> <p>لو حسان خاتون دختر کورگان عزت خاتون سراق و میسا خاتون دختر ام نصعی و لعل زرک سلطان نجم الدین مهر سلیمان بن ابن خاتون</p>	<p>لمسکان خان دختر شاه کورگان از نسوی خوان این خاتون لادوی توستان در خور خوراسته تا بزرگ شدند و امیر خاتون که داده در عهد پادشاه</p>	<p>فولاد مسکان امیر عاقل و بزرگ و بجایت معتبر بود</p>	<p>امیر جوان بعد از کشته شدن قلعغه امیر الامرا شد و او از قوم سولدوس بود</p>	<p>قلعغه نویمان جنانکه در زک غزان خان امیر الامرا بود غان نیز امیر الامرا شد و در جنگ کیلان کشته شد</p>	<p>امیر حسن پسر او قوقاز قوم جلال امیر معتبر بود و در پسر شرح حسن فغان بزرگ ابلیحان</p>
<p>حاکما حاصی خاتون دختر صلی کورگان از اورات مار سلطان ابوسعید اینک خاتون لوبه است</p>	<p>طغاس خراسان و دختر امیر سوسه ارغون اما او را قوقاز بزرگ و عازان</p>	<p>امیر حسن پسر سواد و معتبر و مهربان و امارت او بد و تفویض فرمود</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>
<p>سهمی خاتون دختر امیر صین کورگان از قوم جلال سلطان خاتون سوسه قطعی</p>	<p>قلعغه خاتون دختر امیر اس پسر سلطان ابوسعید فولاد جلال دادند</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>	<p>امیر غلام محمد پسر او قوقاز امیر السلام مفتوح الحیرت بود</p>

امیر عاقل و بزرگ

و قاجار پادشاه و منصبی  
در زمان غزان خان طاعت در آن  
هم داشت

صفتها در بیان کنایه و مستعار و در بیان مستعار و مستعار بود  
را در بیان مستعار و مستعار بود

امیر قوش بچه بلور امیر جوش  
بعد از آنکه جوش او بر او قوی  
شد

طغای خراسان و خراسان امیر سعد  
ارغون اما اول خاقان باریک و عاران  
بود

خانقاه لطف الت  
فصلنامه خانقاه لطف الت  
سکه که در میان این خانقاه در زمان  
سلطان ابو سعید بنو لاد قباد دادند

خانقاه لطف الت  
سکه که در میان این خانقاه در زمان  
سلطان ابو سعید بنو لاد قباد دادند

امیر عاقبت امیر معتبر بود  
و معتبر حضرت و امیر علم و دین  
بود

و قاجار بیکر اعتماد و منصب  
دوران عاران خان طوالت درین  
هم داشت

طغای خراسان امیر معتبر بود  
ملازم معتبر بود و معتبر  
امیر سلطان درین عاران

ضیاحک امیر بزرگ و تا این کن معتبر ماند  
التمس برادر او امیر  
بزرگ و امیر بزرگ و در ملک  
روم نشست داشت

امیر حوازه بزرگ عاران معتبر بود  
در این بزرگ اعتبار تمام طوالت  
معتبر و درین زمان معتبر و او را بزرگ نام

حرم سلطان پسر سوان امیر معتبر  
ملازم بود

امیر مراعی پسر قتلغ امیر  
معتبر بود و اکثر اوقات در  
ممالک روم میبود

طغای از قوم برتوب از امیر  
معتبر الحفوت و حوازه بزرگ و خراسان  
منگوتنمور بود بعد از تلمش بود

امیر قوشی پسر عساق امیر  
بزرگ ارکان عاران ما این  
زمان معتبر و معتبر بود

قولاب در عهد امیر سلیمان بود  
طغای از قوم برتوب از امیر  
معتبر الحفوت و حوازه بزرگ و خراسان  
منگوتنمور بود بعد از تلمش بود

امیر قوشی پسر عساق امیر  
بزرگ ارکان عاران ما این  
زمان معتبر و معتبر بود

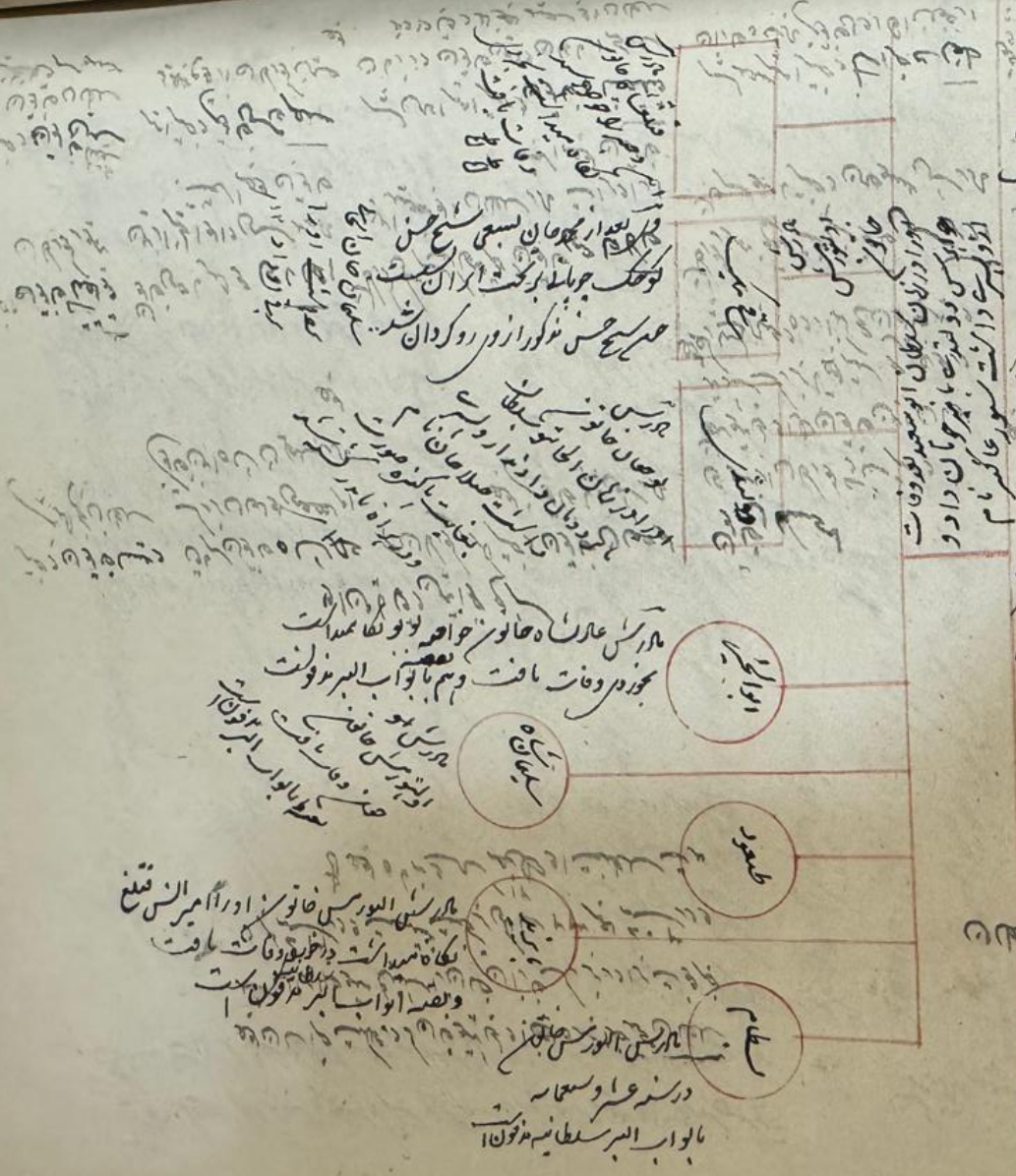
طغای از قوم برتوب از امیر  
معتبر الحفوت و حوازه بزرگ و خراسان  
منگوتنمور بود بعد از تلمش بود

زلف سنان امیر بزرگ و منصب  
از این عاران خان  
بود

طغای از قوم برتوب از امیر  
معتبر الحفوت و حوازه بزرگ و خراسان  
منگوتنمور بود بعد از تلمش بود

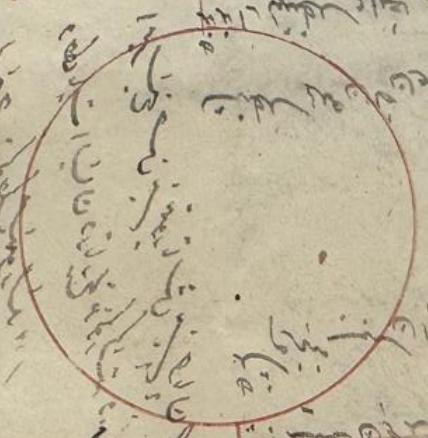
بسیکوسون نویان امیر بزرگ  
وزار معتبر داشت و با خراسان  
بزرگ و خراسان

طغای از قوم برتوب از امیر  
معتبر الحفوت و حوازه بزرگ و خراسان  
منگوتنمور بود بعد از تلمش بود



ولادت سلطان ابو سعید سب چهارشنبه ستم ذی قعدة سنه اربع و سبعه تیه بود  
 و او را در سنه ساکی بدر کس ماناوت حراسان فرستاد در سنه سهون سنه ثلاث عشر  
 و سبج تیه و او را در سنه ساکی او بود و الحی تو سلطان ز منوچهر امراء و وزرا  
 او را کهن جهت رکس برادر بالی برت همراه او را و او را که او را بر یک جهان  
 راه ح اینجا دارند و سنه تا سبید امیر جوان لبه خود حسن با در کهن سنه حله  
 و جوان حسن با و او را سبید امیر جوان لبه خود حسن با در کهن سنه حله  
 یعنی که نزد ابو سعید در مدت جهتی به ایش سبید در کهن سنه حله  
 بعد از خبر واقعه بدر کس سبید متوجه سلطانیه شد و در تحت نسبت

صورت سلطان ابو سعید بازرگان



جلوس سلطان ابو سعید سلطانیه در سنه سبع عشر و سبعه تیه بمعام شعرا و ملائک و فاضل  
 ۱۳ ریح الاخر سنه ست و ثلاثین و سبعه تیه مدت نونه روز و عمر سنه در سنه بود

دلا و له ببرد  
 ذالک اسس حاج خان  
 دختر ضحاک تورکان از  
 قوم اوزات بود

شیخ امیران دزیران

امیر جوان بوقت جلوس سلطان ابو سعید امیر الامرا  
 بعد در آخر سبید شدن لبه خود امیر و متوجه خانک  
 در توابع حکومت کرخت و بردست ملک غیاثان کرخت  
 در مدت مقبول گشت

شیخ خواتین و قایان او

خانم اول سلطان ابو سعید او کالی قتل و دختر غازان خان  
 اولی خانم و لبس دختر اول با در کهن سنه حله  
 ناند و قستی ابو سعید را بخراسان میفرستد این خانم  
 بود و او را در اردو با کس تولقان خانم کهن  
 خانم و دختر تو قبا این سوگامس بنز مکر تورکان او را  
 در روز خواستد بعد او را در کهن سنه حله  
 خانم که خانم دختر توکل بن امیر انسلق و این دختر  
 در حسن از نوادر جهان بود

خانم و دختر اول با در کهن سنه حله  
 خانم و دختر اول با در کهن سنه حله  
 خانم و دختر اول با در کهن سنه حله

امیران کرختی از قبیله تاجمان و او را حکومت دیار کر  
 داده بود و بعد از تو کس با امیر جوان مخالفت که  
 با او منفق گشت و در سلطانیه بیاب رسید  
 امیر کریمان حاکم در بند و شر و امانت بود

امیر محمود انسلق قتل از امیر معبر بود اما او را  
 ابو سعید گرفت و تا وقت وفات سلطان  
 ابو سعید در کهن سنه حله

امیر تو کس لبه علیان با امیر جوان مخالفت که و جوان سلطانیه پیش سلطان رفت و او بر  
 داد و او را که در کهن سنه حله

امیر ارغون پسر امیر نوزاد از افرات فرزندانش امیر محمد یک و امیر علی یک  
بعقد در خراسان حکومت کردند و الوس ایاز جان قزاق خواندند ۱۲

امیر اشرف پسر تیمور تاش بعد از برادرش شیخ حسن کوچک مملکت آذربایجان  
گفت در رشته اردکلت جانی ملک پسر اوزبک خان بادشاه دست کشید

امیر طغاسیمور از اولاد برادر چکنیز خان با اتفاق امرای خراسان بود بعد از  
وفات پادشاه ابو سعید پادشاه شد و در وقت سربردن گشته

امیر ابوالاسود  
امیر ابوالفضل  
امیر ابوالحسن  
امیر ابوالقاسم  
امیر ابوالمنان

امیر علی پادشاه از مردم از قوم اولاد پادشاه سلطان ابو سعید بود

امیر ابوالقاسم پسر امیر محمد علی

امیر حاجی طغاسیمور دیار بکر را حکومت بدو تفویض کرده بودند

امیر شیخ علی پسر امیر علی قوسلی که از امرای خراسان بود

امیر محمد دو والدای از امرای خراسان بود

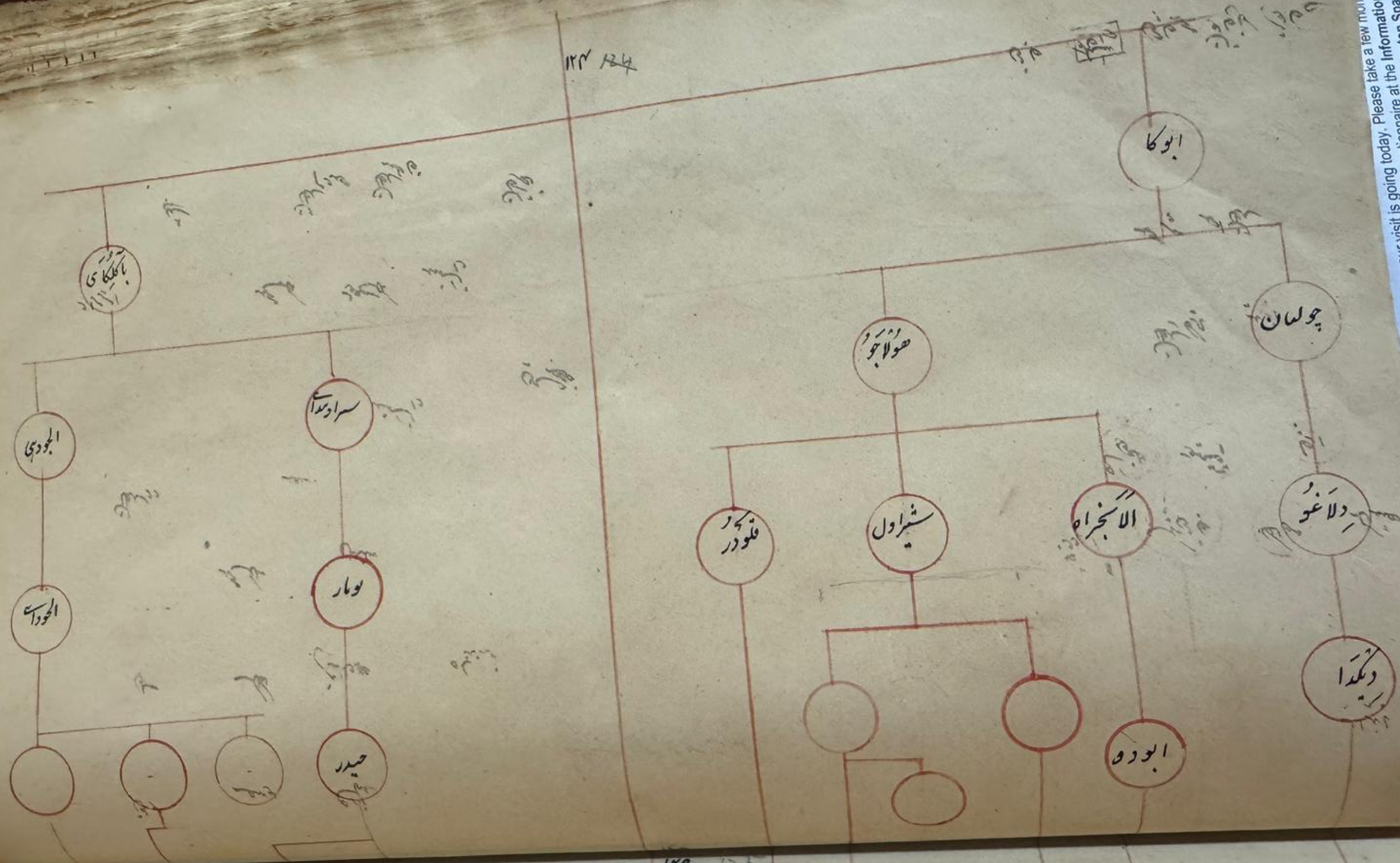
امیر آقایی ملک پسر امیر تاش قمنق در بلاخر بدولت ملک اشرف گشته شد

امیر و قاسم

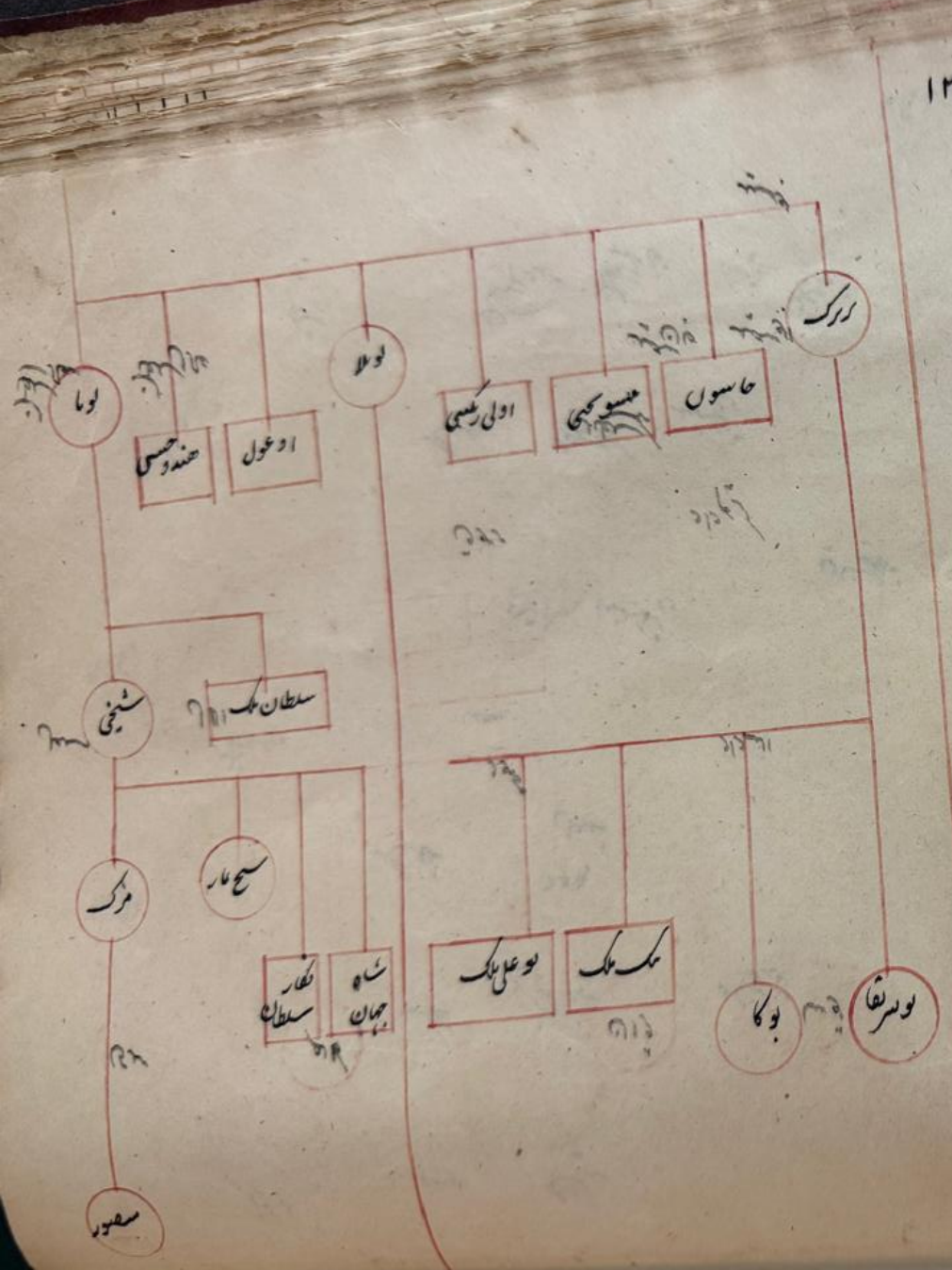
امیر ابوالمنان پسر امیر ابوالقاسم

امیر محمد اشرف پسر امیر ابوالقاسم



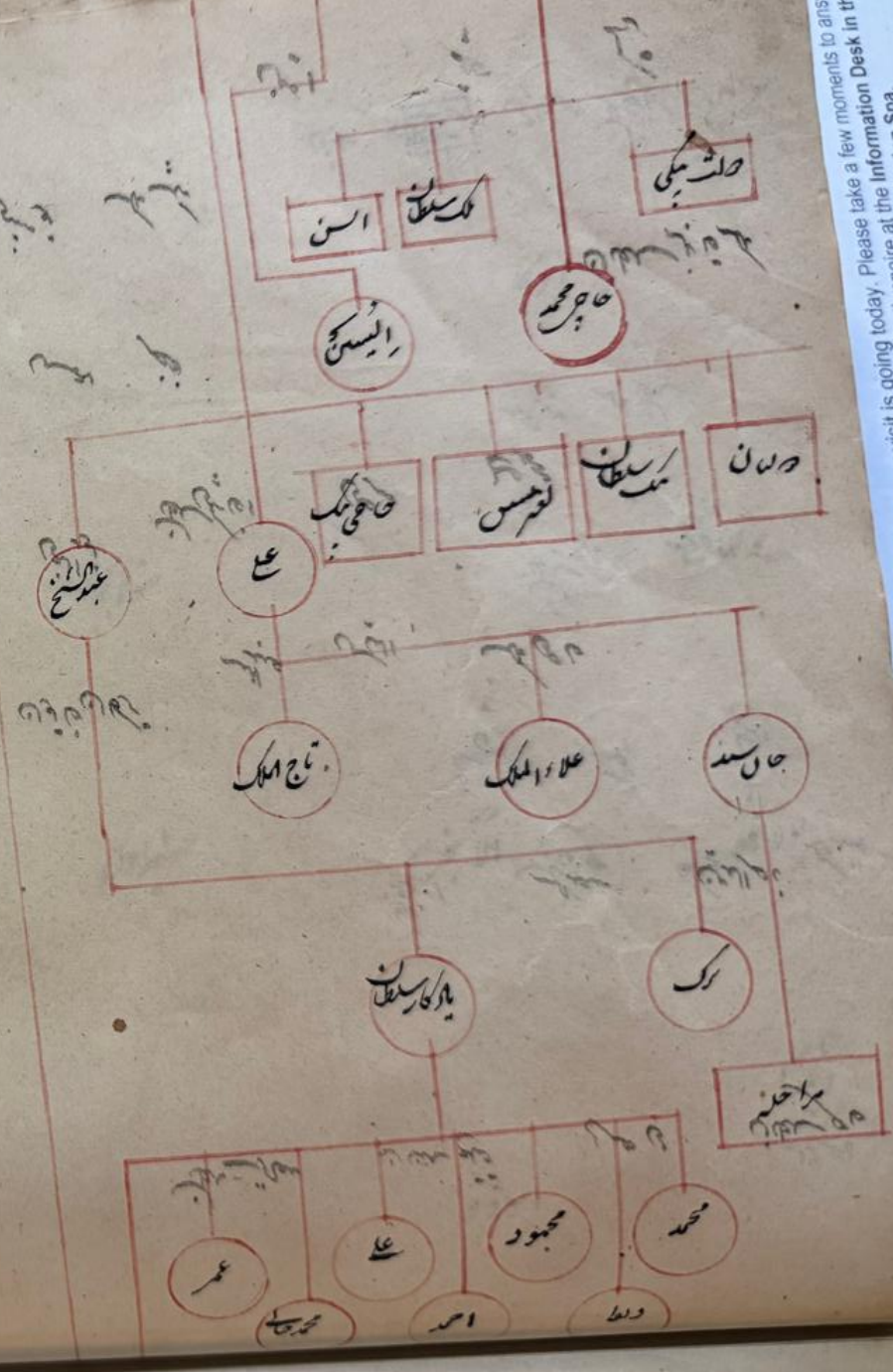




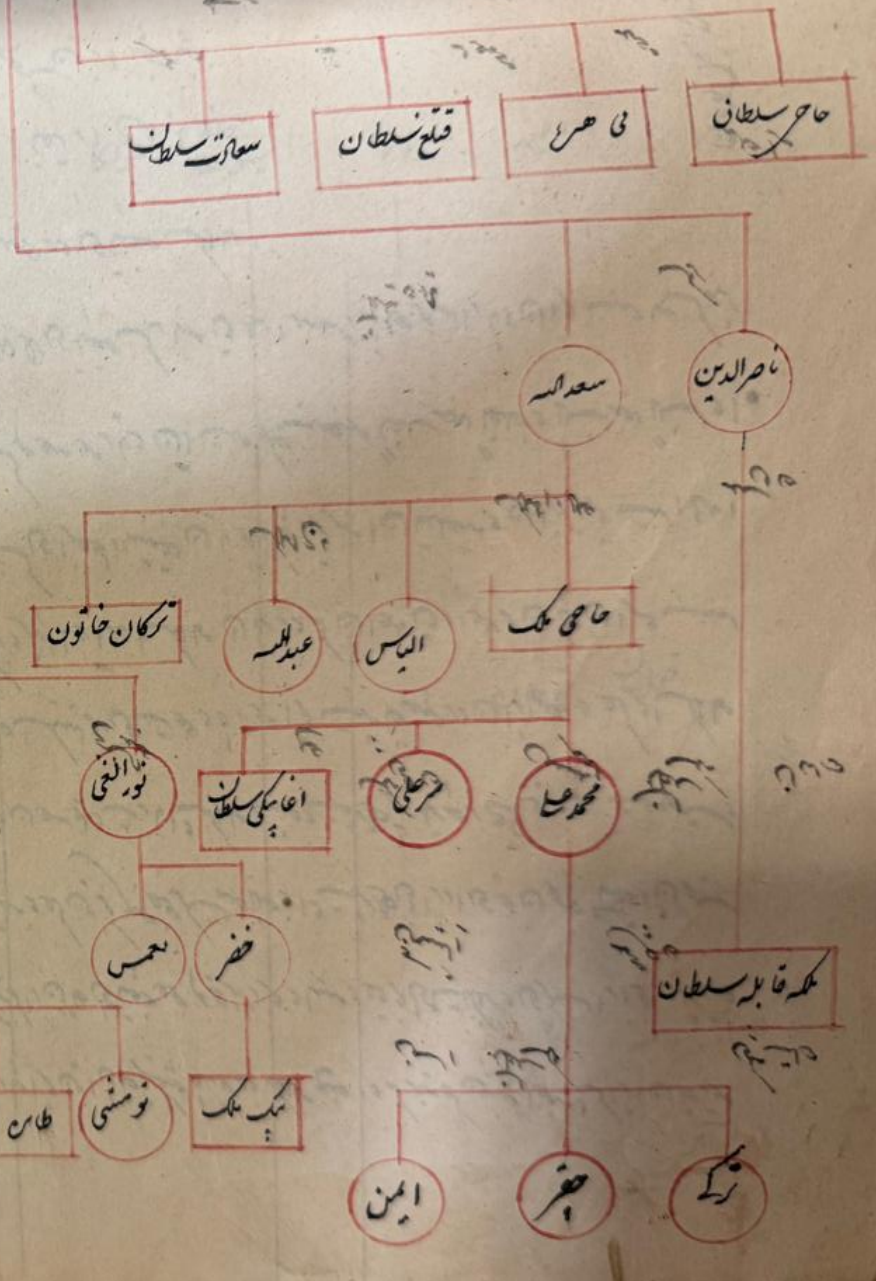
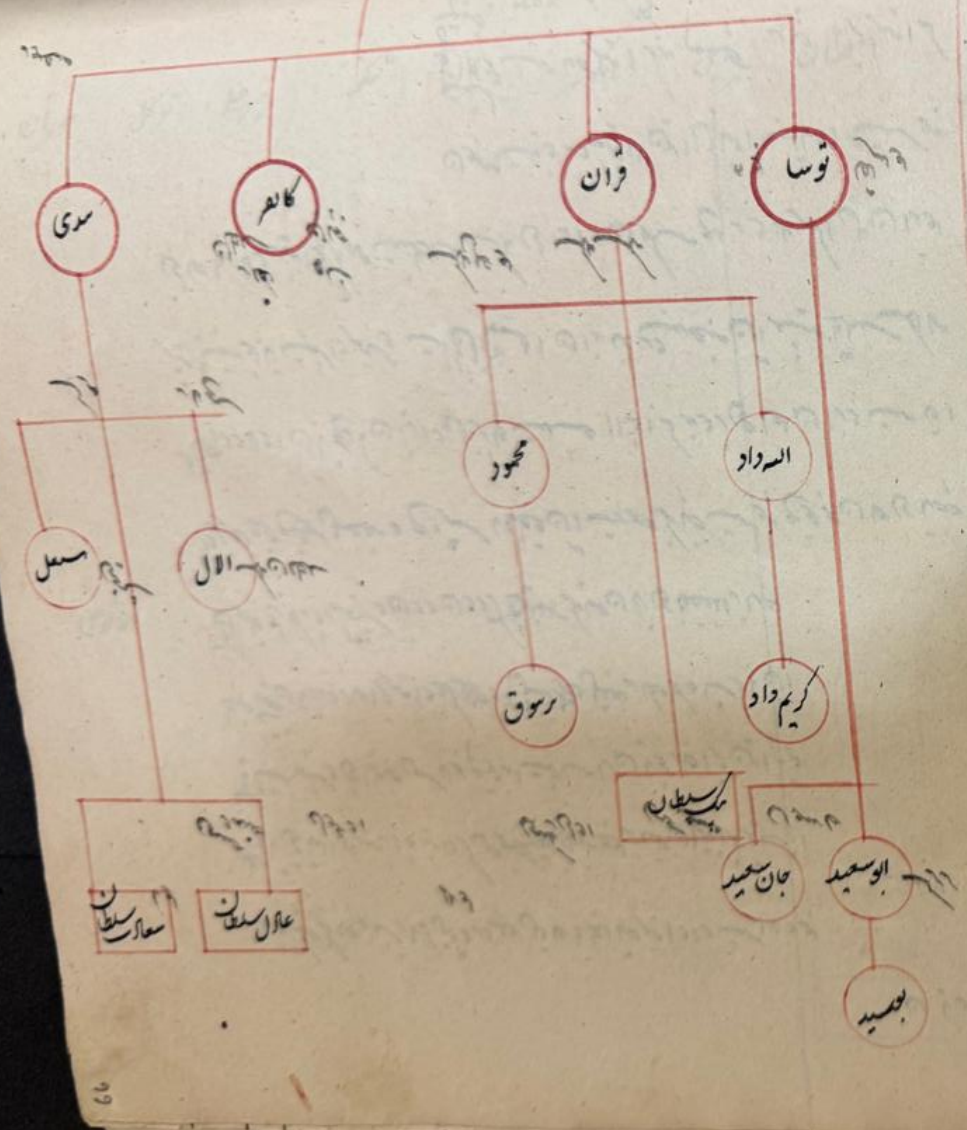


۱۲۴

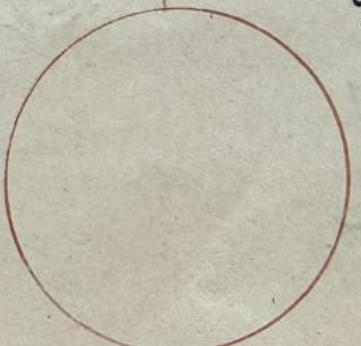
Handwritten text in the center of the manuscript, written vertically in Persian/Urdu script. It appears to be a commentary or a list of names related to the genealogy.



We'd love to know how your visit is going today. Please take a few moments to answer our questions at the Information Desk in the Entrance Hall at Boston Spa. Please leave the questionnaire at the Information Desk in the Entrance Hall at Boston Spa.



شعبه امیر قراچار نوبیان



مورخان اترک و مغول چنین گویند که وضع مملکت در توره چینگر خانی این قراچار نوبیان  
فرزندان خود را سکرشی و مملکت می فرود و میداد فرزند جیم خود خجائی خان را که پسا و یوسون  
سیون اقصا همچون بوی ارزانی طوالت و اذخلافه سکر خود جمع کرین که و مقدم آن  
و شجاعت او و بوجه برجه تا متر طوالت و ضبط ممالک امارت و یوسون و یاسا  
مالک او که و بعد از آن در عهد خانیت قراحو لا و دعوت حق لایبیک اجابت نمود

سبب فراق زن و طوارق ملوان که در زن ممالک با و آء الهند ترکستان میان فرزندان  
ادعالت فرزندان و متعلقان امیر قراچار نوبیان بقبته الحضرای کش زول فرمونه و خیمه  
اولاً بعدنلاً و خلفاً بعد سلفاً منصب حکومت آن دیار موسوم گشتند و هر بادشاه که بران  
بزرگ صاحب قرآن انار الدبر خانه رسیدار و ق مبارک خجائی لاد در مقام سلطنت ایران و

مالک خجائی در عهد سهایون مهرا و بزوع استقلال  
او با وج ارتقا قهر آن یافت بایر دانت  
چنانچه ازین سبجه معلوم می گردد ۱۲۴

بوده است و او امیر ضابط و عاقل بود در وقتی که بادشاه جهانگیر خجائی  
از سایر فرزندان ممتاز بود بنابرین مخصوص گردانیده از مهرا و العالی تا وسط  
قوم این قراچار نوبیان را ساخت از قوم برلاس برائی و شهبان و یاسا  
آن بادشاه که مکار بعقل و طوالت او و خلاصه که و امیر قراچار در زمان خجائی ضبط  
بعد از انقضای زن خجائی سینه کردون دون و شیمه زور کار بو قلمون گشت  
خجائی خان بوقوع بوست چنانکه صورت آن قضا یا مشروح و مفصل موضع خود تقرر و  
اقامت در آن نواحی زدند که اذال عسنت فانزل و از آن تاریخ بان اولاد و خفاد  
ممالک مسلط میشد آن منصب در خاندان ایشان ثابت و مستمر است تا نوبت بامیر  
نوران بل اکثر بلاد ربع سکون دارانی ملک و سلطنت محمد کرد ایند و کار راهالی

پوست و آفتاب اقبال این طایفه در نوبت میمون  
که امیر قراچار پنجم بدر امیر صاحب قرانت  
و در عهد قراحو لا که با بجز سکه در سنه ۶۵۰ هجری قمری

نوبیان

Handwritten notes at the bottom of the page, including the number ۱۲۹ and some illegible text.

ایلدر

لالا

یسولقر

مولکا

ایغنا

ایل سفا

شفا

قدان

ایل

اکورا

ایمان

سکر

یرغا

توکل

حوران

توقان

توقان

اکور

اکور

الاکور

۱۲۹

در عهد فراصولا کون بصره ۸۹ و در سال ۶۵۰ وفات یافت

۱۲۹

سید ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام  
وآله و صحبه اجمعین  
سید الشهداء  
سید المرسلین

شجره قویان بسرایه لرستان

شجره ایلدیر لرستان

قورالیا

سابقا  
سون

اموغان

کسیر

سابق

اتا قورق

قلغاه

هرغوی

مبارکاه

حاج

اورنگیمور

ادچی بوتقا

بورا

سیخ علی

سیخ محمد

اوسان

ارامتور

بورا چار

سلطان

ادمان  
ارامور  
لورا حار

انامک  
قورقچه پورقچه  
العمید

سید احمد

سید محمد  
سید سعید  
سید محمد  
سید محمد

سلطان

بابرید

ابوسعید

عاسطان

حاصل

سلطان  
سلطان  
سلطان

الکندر

حار

سلطان

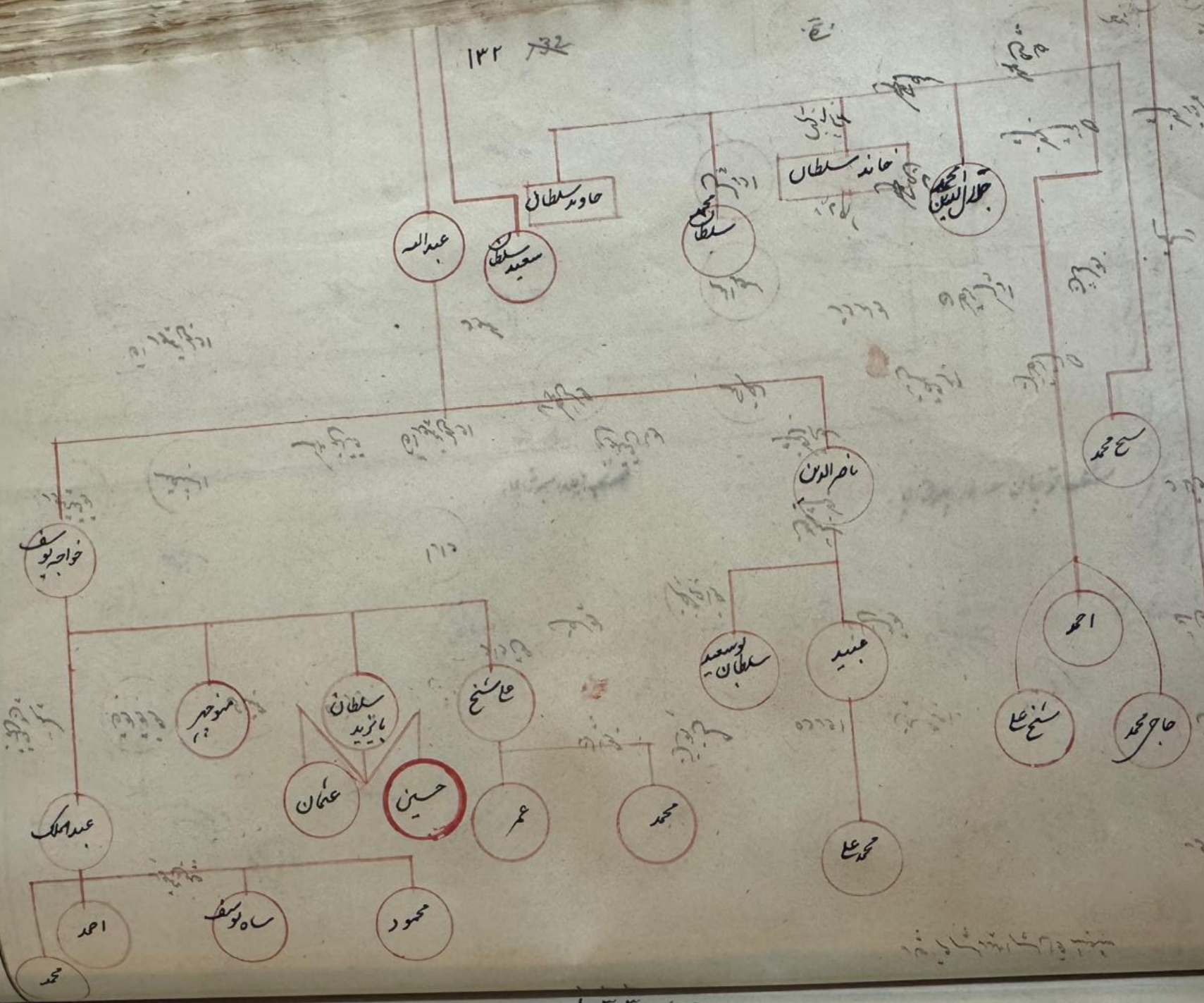
محمد

محمد سلطان

احمد

محمد

در سیرت امیر علی اراکین سلطان امیرالزعمه و بعد از آن طاهر بیگ  
هفت شه و دو تن مخدوم او مهمل است و حاله کسب امر داده و کلام امیر دیوان است



سید قطب الدین

سید قطب الدین

محمود

سید لوسف

اعد

قتلغ تیمور

جباق

قولغائے

فولاد

رستم

فرزاد کت

سید علی

پیری

امیر حسین

اورده

حسن نوایان

جووان

توقلغاغا

سیرین

سعدت بخش

خواجہ خضر

نویسط

محمد داد

بخش

خوارزمی

جنهای

قوتونوقا

سیرین قتلغ

دارا

قتلغ ملک

السنقه

توق تیمور

لوان قتلغ

حوس کلدک

اولی تیمور اقا

محمود

اولی تیمور اقا

نفرامه

سعداله

ادریس

ار قمن

لودوز

سید علی

ولترک

ارک ترکان

سید علی

بوشنا

سید علی

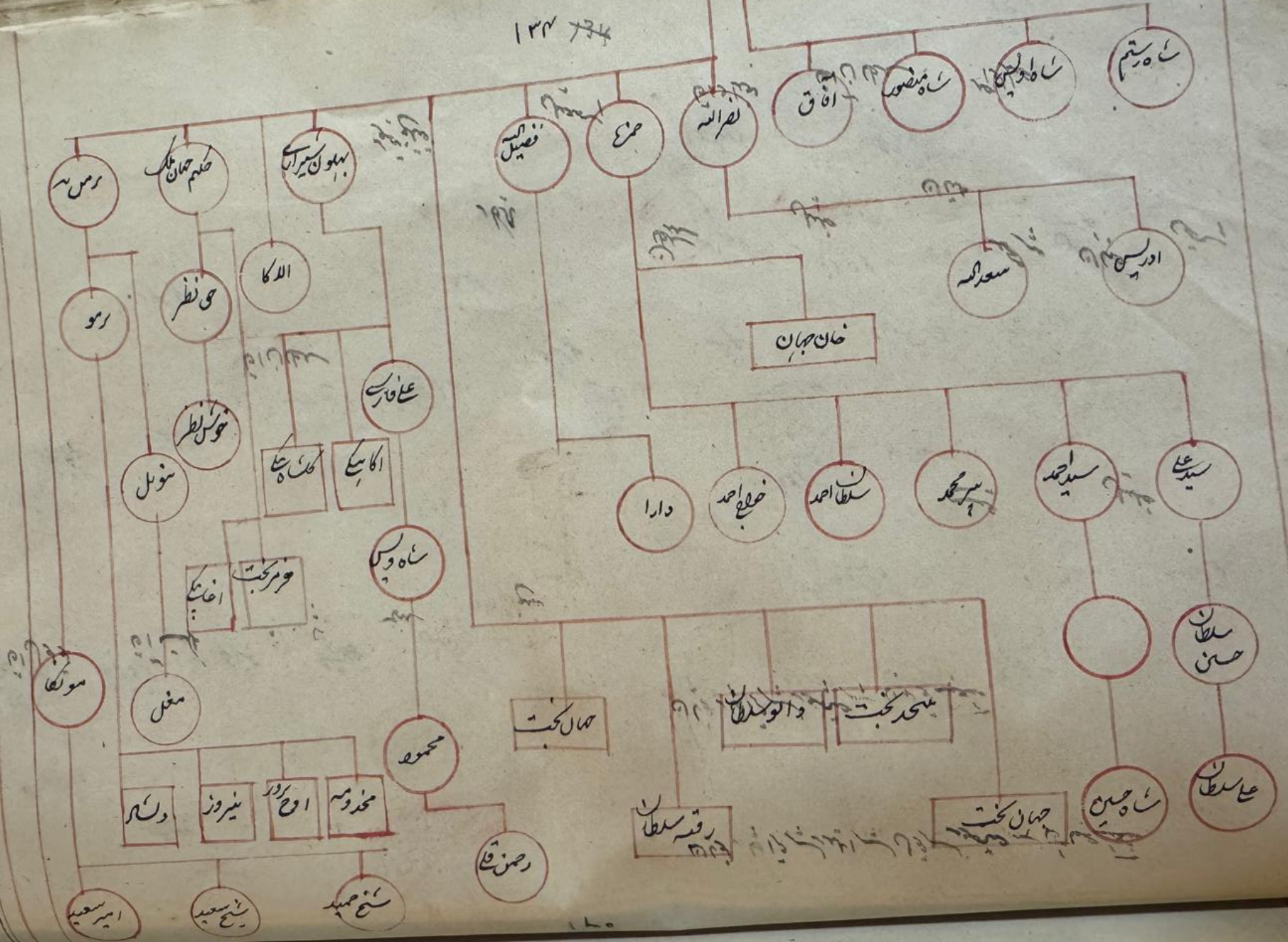
رستم

سید علی

سید تیمور

سید تیمور

۱۳۲

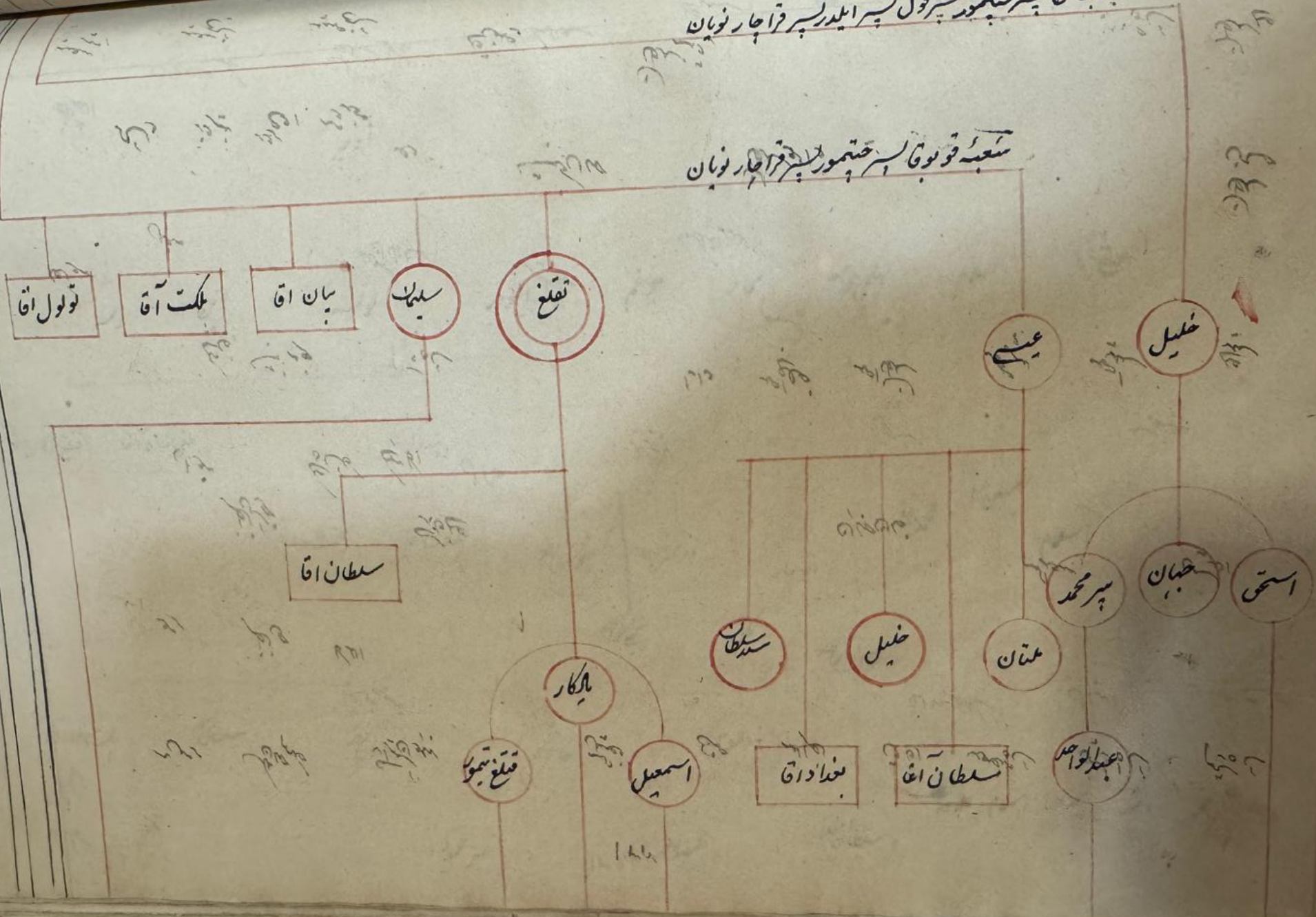


۱۳۵ / ۱۳۰

شعبہ جمالی پسر محمود پسر قول پسر المدر پسر قزاقار نومان

شعبه جمائی پسر حتمور پسر قول پسر ایلدر پسر قراچار نویمان

شعبه قونوق پسر حتمور پسر قراچار نویمان



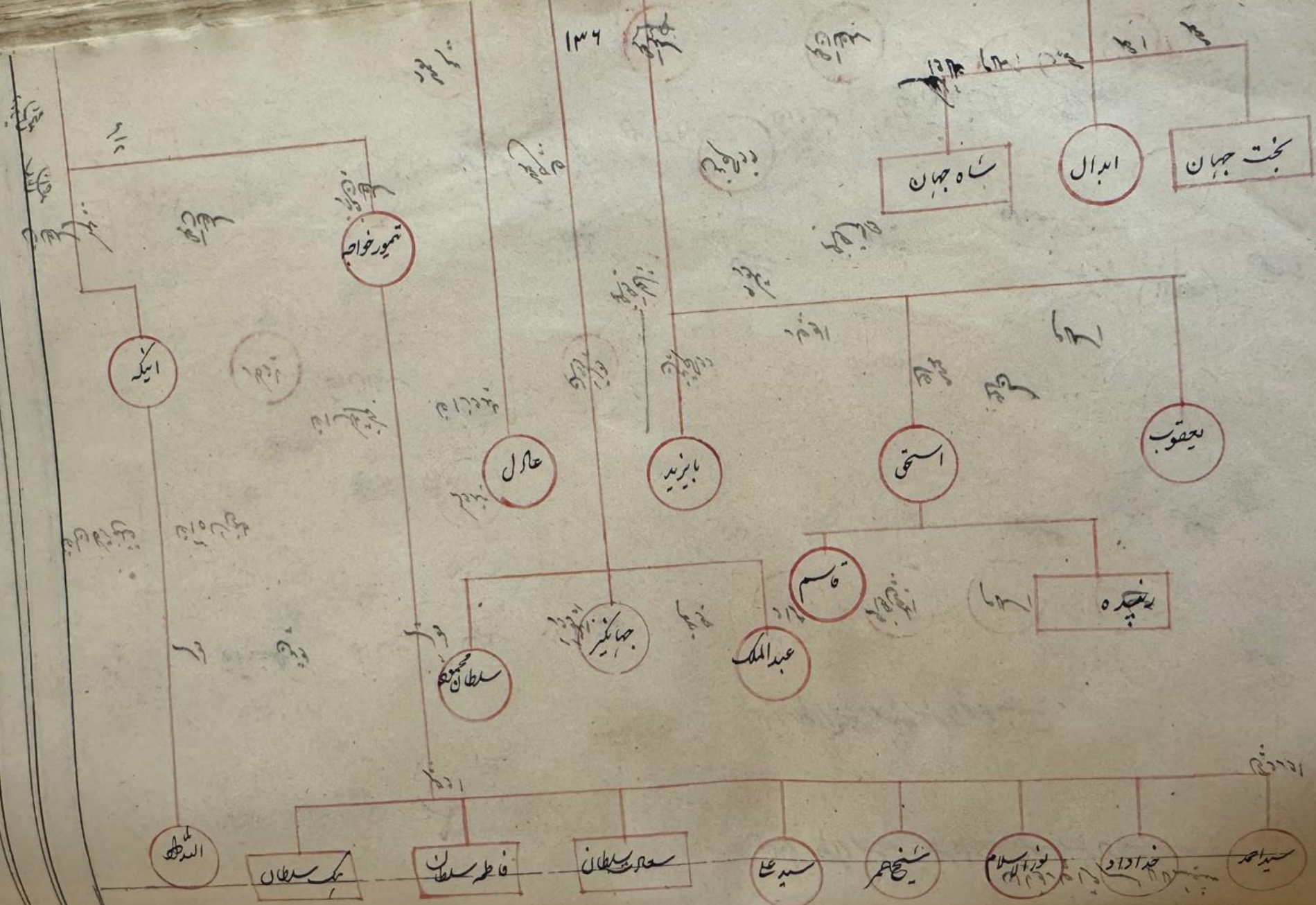
رحمن ق

سید محمد

سید سعید

سید سعید

۱۳۵ / ۱۳۰



۱۳۷ ۱۳۸

شیخ لالا میرزا جعفر و نوابان

المدینه

محمد سلطان

فاطمہ سلطان

سعید سلطان

سید علی

شیخ محمد

نور اسلام

محمد اداو

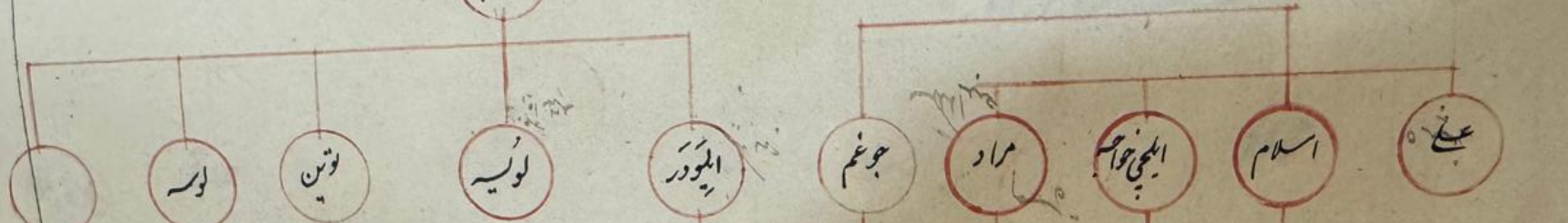
سید محمد

شعبہ لالا سپر قراچا روایان

۱۳۷ ۱۳۷

اورچی

اوجہ



فتح زمان آغا

لور

توتین

لویہ

المودر

جو غم

مراد

ابلیجی خواجہ

اسلام

عینہ

ہندوکہ

سختک آغا

بلدوز آغا

یادگار

دو القریں

دو القریں

الوجار

محمد علی

حسن علی

اسلام

بیگم

بگور

حادثہ خواجہ

محمد سلطان

سلطان احمد

سلطان نور

حاجہ محمد

ذوالقرنین

عادل

سپر محمود

سید احمد

سلطان احمد

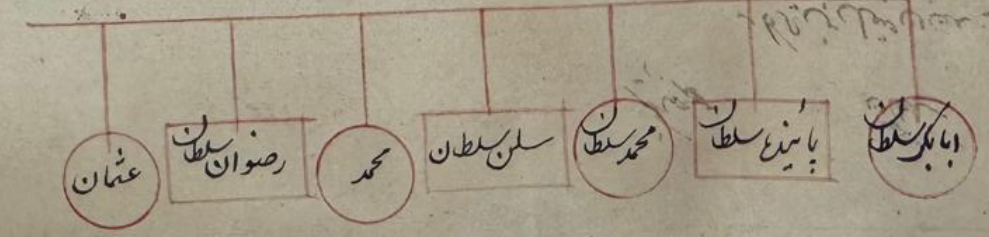
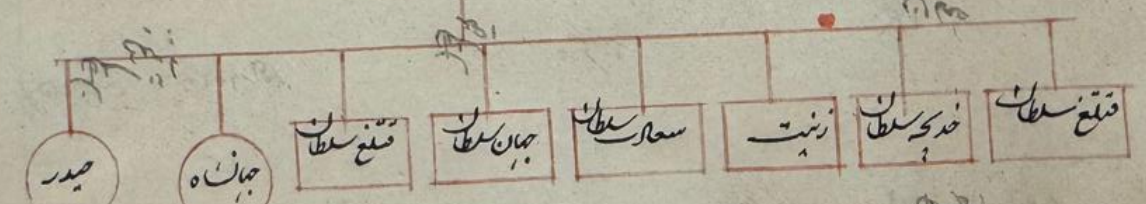
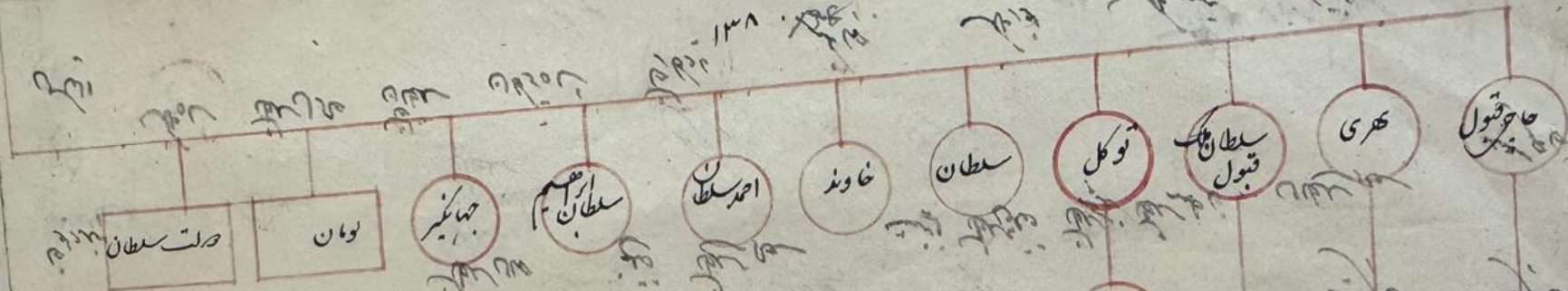
علاؤ الدین

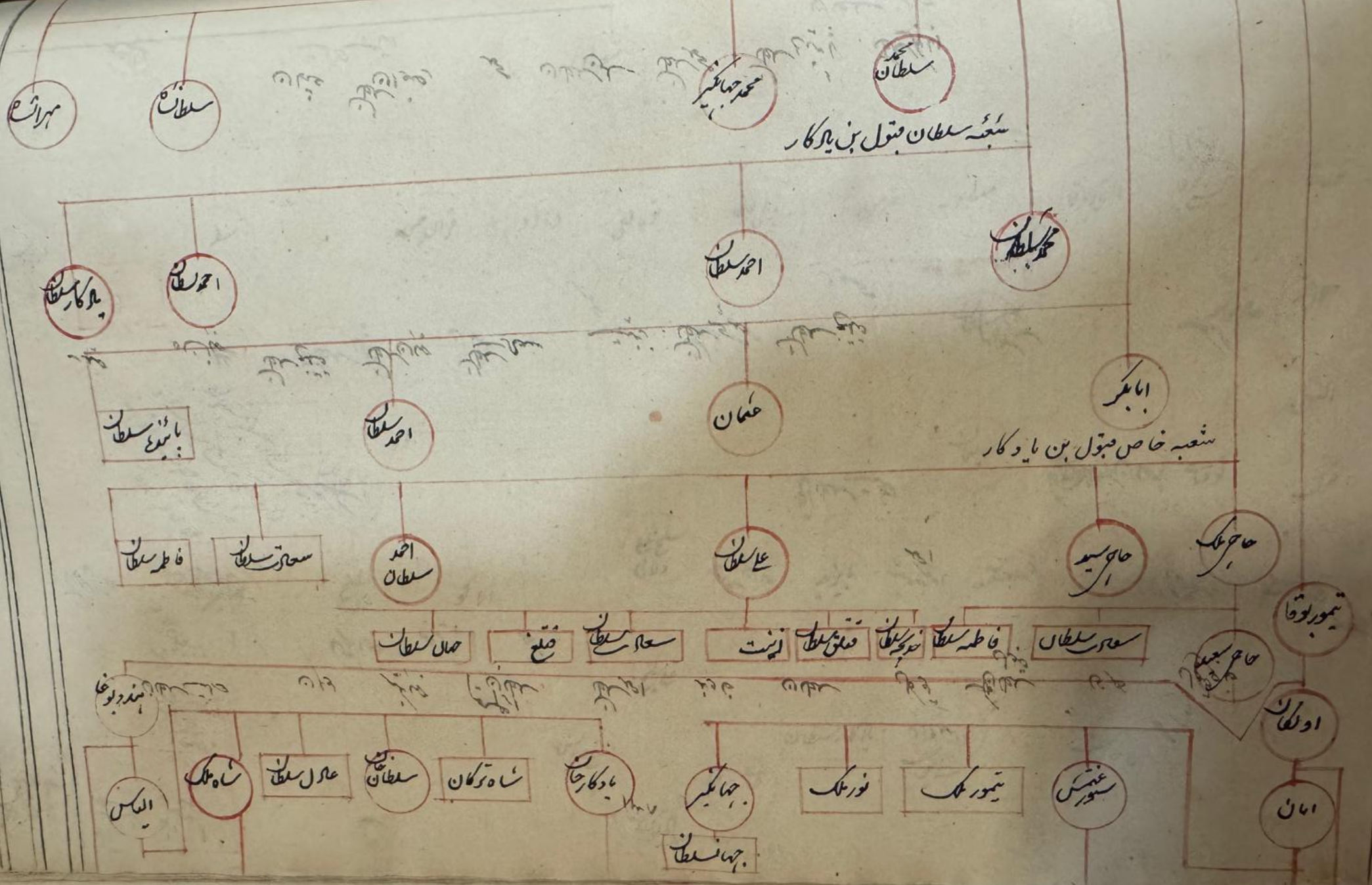
اسلام

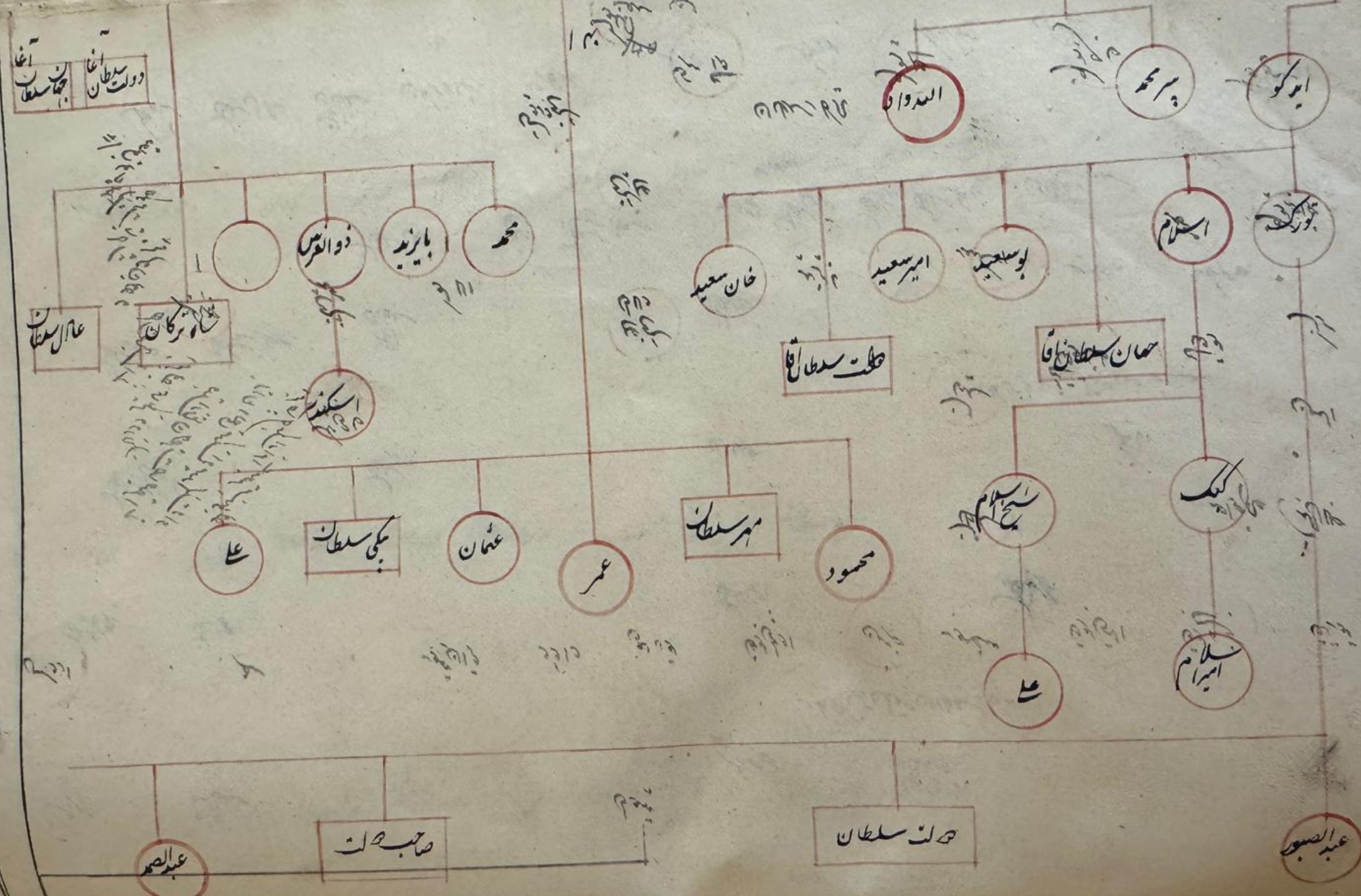
محمود

احمد

محمد







۱۴۱  
۱۴۲

سلطان

سلطان

سلطان

تمولی

تورق  
شیخ یوسف

التمی بوتق

مفسور

خرمن

اولی بوغا

تولانی

داود

قرآن تمور

سفر

اردس

جلال الله  
علم و اجتهاد

سلطان

الن

سکن

توقا

طغنا توقا

سیمان

عاجر و بزم

احمد

اسکندر

بازید

سلطان  
دلائی

الا کو

شیخ

بهاکر

سج و کون

عاجر و بزم

عالم و

یار کار سلطان

سری

شیخ درویش

بازید سلطان  
سیف الملوک

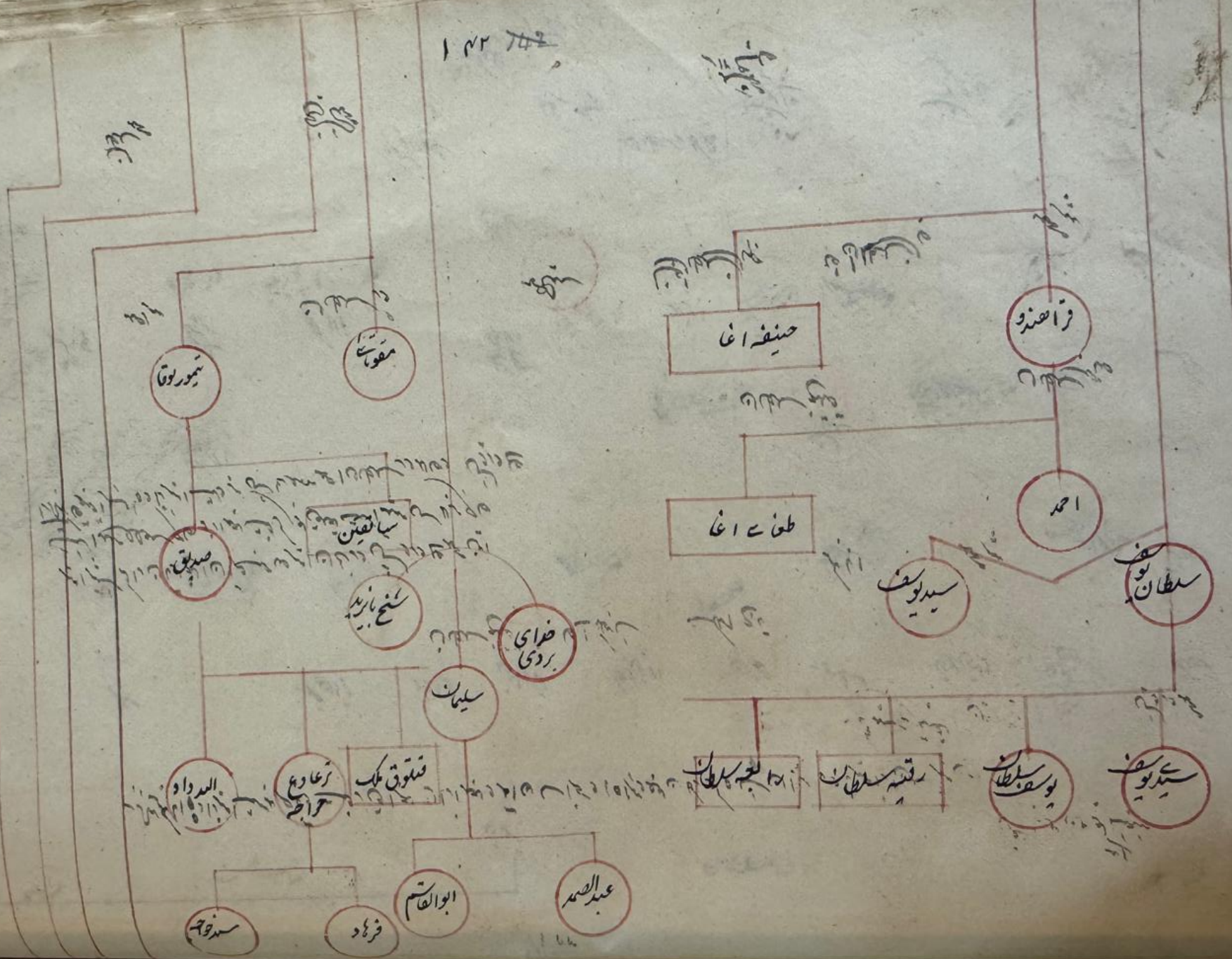
حاجی کل  
زارن انجی منگ و سیدکات او  
قدزقون حضرت صاحب  
امیرت حاجک و دراز  
فرموده فرزند  
اعلی کون بود و  
تغنی بود و بزم و  
عاجر و بزم

۱۲۲

نورالدین

عبدالمجید

عبدالمجید



۱۲۳

افغانی

۱۲۴

سبعه گون نورانی

این میر حسین از امیرزاده امیران است و کورگان بود و همراه او و محاسن آمد و بعد از آن عراق رفت و کتبی بدست امیرزاده ابابکر بهار

محمد درویش

میر حسین

تقی میرزاده

تاج الملک

شاهک خان

تقی سلطان

ابابکر

پیر محمد

این محمد علی درویش در زمان امیر صاحب قران ایلی عثمان را که شیخ امیر حاجی برلاس میداشت تقی نور گرفت بعد از او حاجی سعید آمد و در سال ۱۱۰۰ و حال در سلطان احمد سمرقانی بر دلت امیرزاده اسیر افتاد و کتبی بهار

علی درویش

تقی سلطان

صاحب سلطان

سراحد

در سلطان

سیاحه

جهان سلطان

جان سلطان

پیر محمد

محمد سلطان

محمد خان

صاحب آذر

سید و...

فرهاد

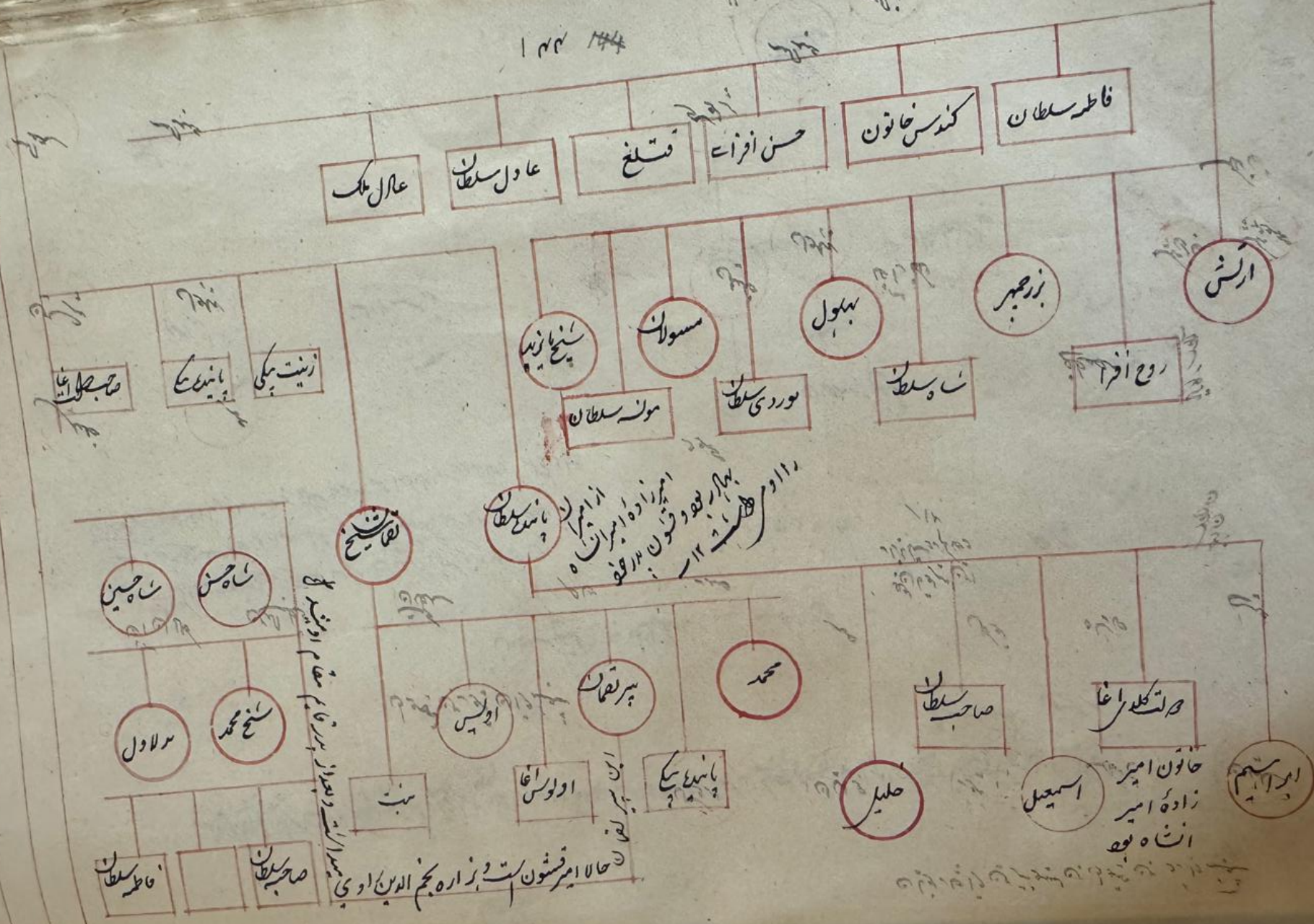
ابوالقاسم

۱۱۱۱

۱۱۱۲

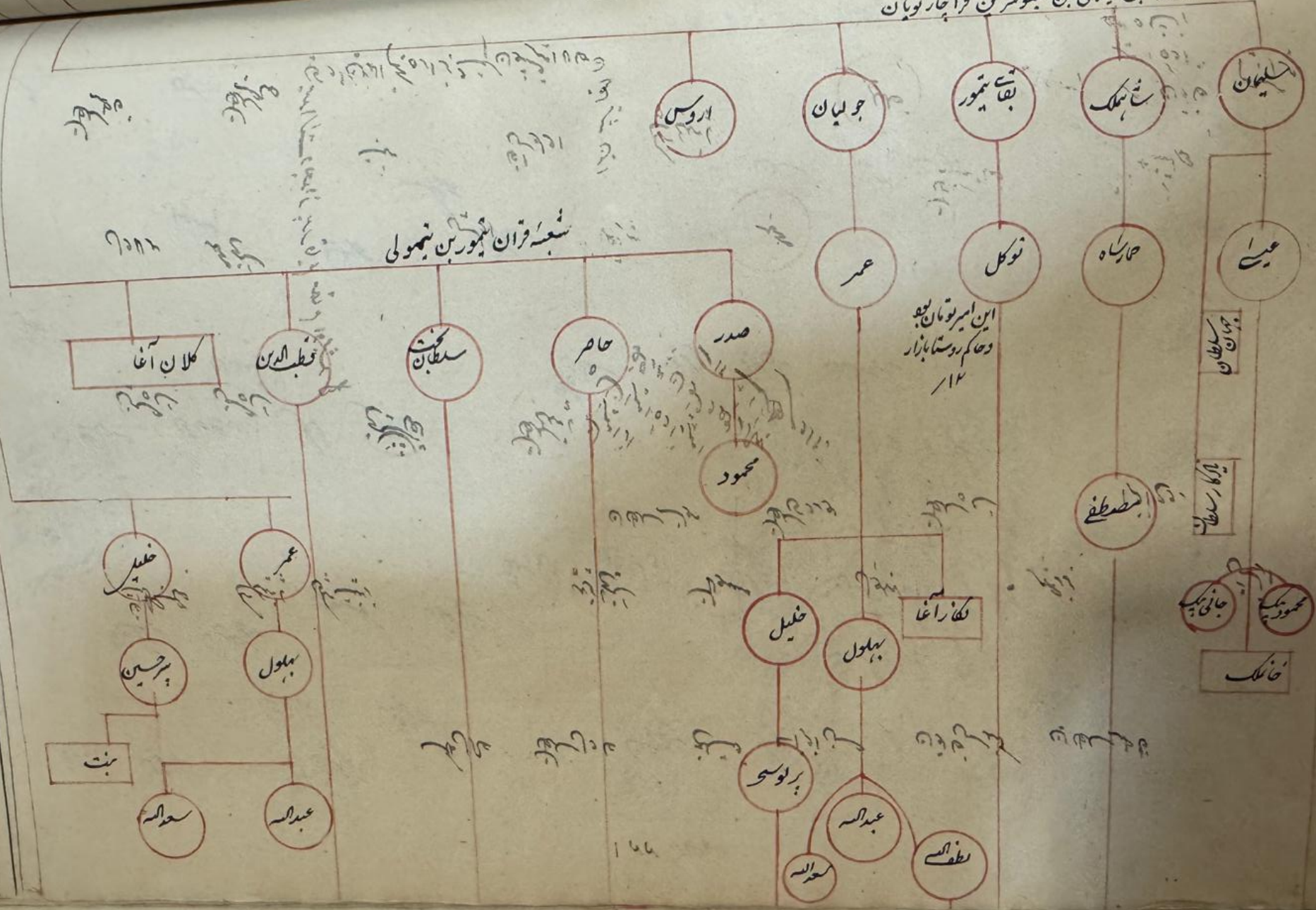
۱۱۱۱

۱۴۴ ۱۴۴



۱۴۵  
۱۴۵

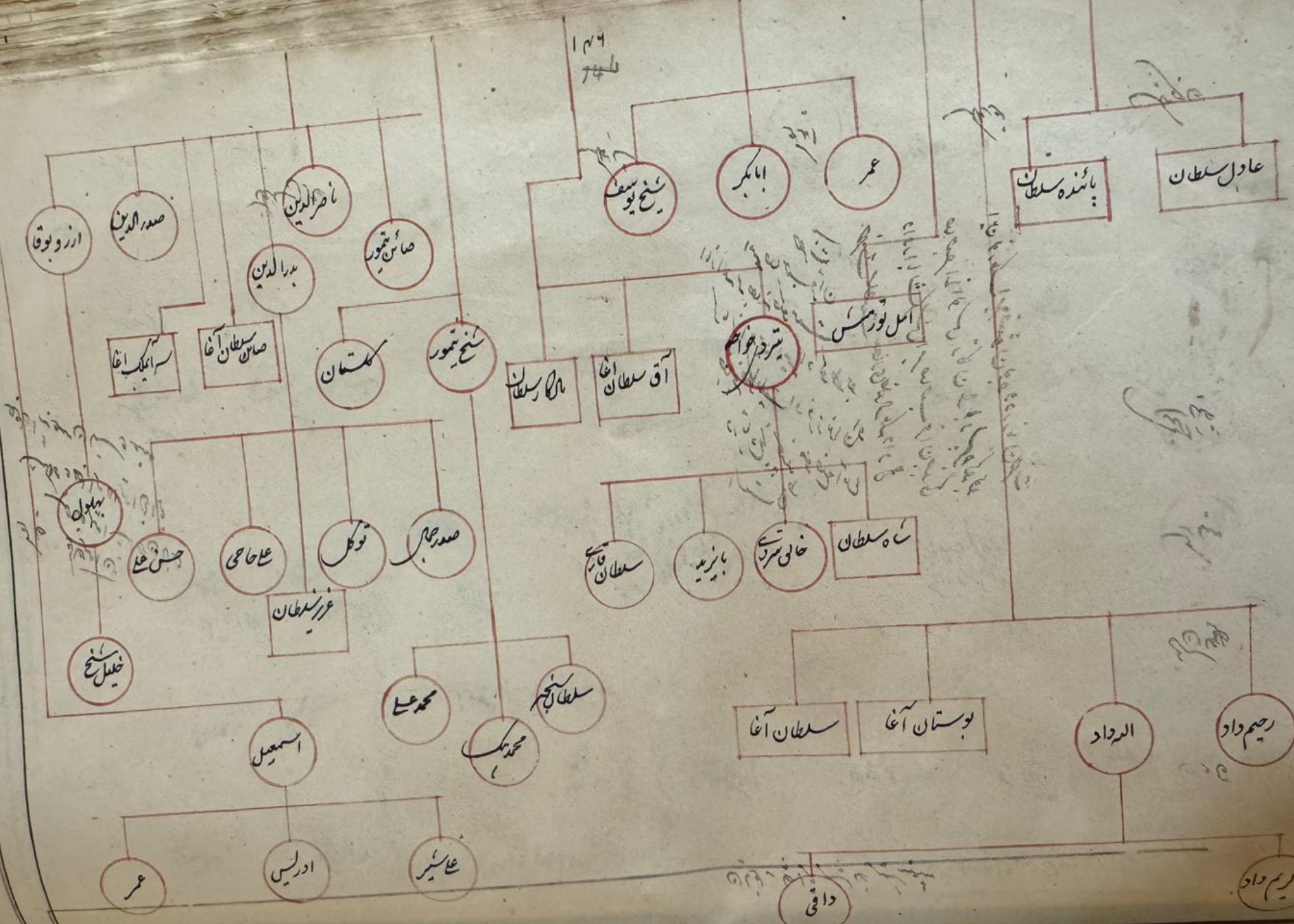
شعبه داؤد بن بهتولی بن بسونتر بن فراچار نویدان



شعبه قران امیر بن بهتولی

Handwritten notes in Persian script, including:

- اروس
- جو لیان
- بقا تیمور
- شاه ملک
- سلیمان
- عمر
- صدر
- حام
- سختان
- خلیل
- بیلول
- پیر حسین
- سنت
- عبدالله
- سعدالله
- کفاراغا
- بروسو
- عبدالله
- لطیف
- عبدالله
- سعدالله



۱۴۷

سینه شیر غا پسر فرخا چار نونان

قادان

طوغان

مبارک

غیاث

حاجی

نورعلی

ایمان

شاه

عبدالرشید

این نورعلی امیر قشون بود و در زمان حضرت  
صاحبزاده امان او را ترکان را با او سپردند  
و او را با لشکرش امیر صاحب فرزان بنامی  
حضرت سلطانیت سعادت علی را که در آن  
آنجا بود  
همه را در آن  
امیر صاحب  
را با او سپردند  
و او را با لشکرش  
امیر صاحب فرزان  
بنامی حضرت سلطانیت  
سعادت علی را که در آن  
آنجا بود

در زمان دولت امیر صاحب  
فرزان امیرالامرا بود و مملکت  
هندوستان سوبه اول بود  
چاکر

شاه سعید

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

سلطان  
سلطان

حاکم شد  
عبدالان را در کس و بسق اوراکت و  
جز کربان رفت در اورادش حاکم شد  
بیمه و قشون عمر او امیر ملک او میرانست  
نیز که حضرت سیدت سمار یا صد که ملکه  
اورا صاحب سلطان نیز میگفتند و او کس

اول من سلطان و پس در  
دعایا پیش میرزاده الخیر کمالان امیر توان است

ابوسعید

علی

رقیه

سعد

سعد

عبدالله

عبدالحسن

عبدغفر

احمد

محمد

محمد

مریم

عبدالحکیم

زینب

۱۳۸

۱۳۹  
۱۴۹

عبدالله

عبدالحمن

عبدغفر

احمد

محمد

حمود

بنول

اولس

شاه ملك

شاد ملك

روح افزای

احمد

صاحب اغا

قتلع اغا

آغایک

آفاق آغا

محمد

محمد

قران شهور

جهان

امیر الامرا ابو و تومان دولت  
و انوشیروان بعد از او  
حضرت امیر کبیر و بعد از حضرت  
حکومت فارس باو داد  
انام در آن حکومت رحمت  
حق پوست

این جهان شاه در امام دولت  
امیر صاحب قران امیر الامرا  
بود و حکامات او بسیار در  
جهان شاه نوایح ایست و  
حضرت صاحب قران در  
اسابت امیر زاده عمر مادون  
نقین فرموده بود تقبل رسید  
سبع داده آمدت

جهان سلطان

سلطانک

جهان بخت



سبعه ایل سپه قراچار نومان

یاغجو

لوگتیمور

مبارک

اسکندر

توغا

مکرر

قوتقا

تغلق توغا

ایچی توغا

تغلی

نشار

موکھا

سلطان

اردو ملک

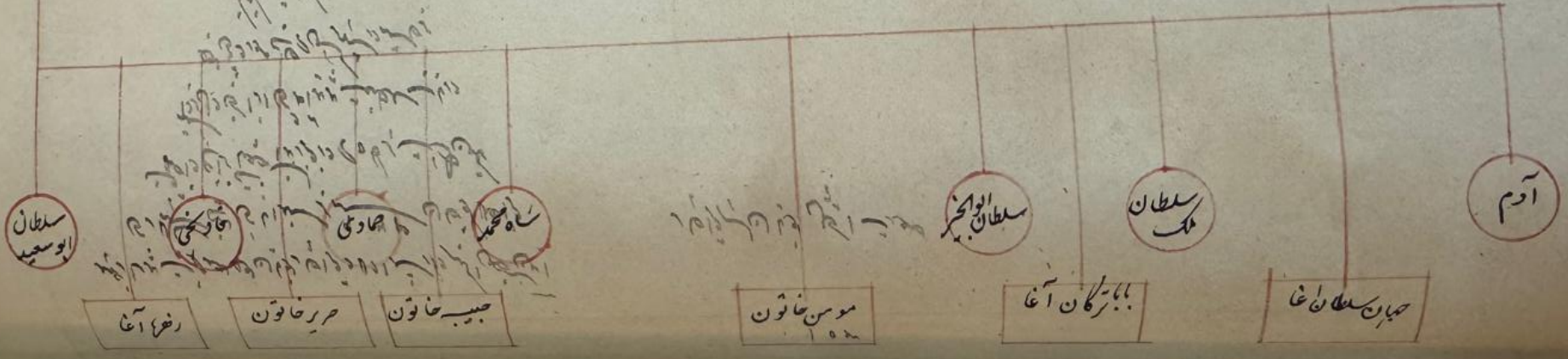
آق سلطان آقا

عادل مومنه

سرای ملک

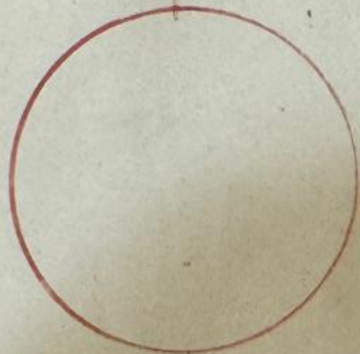
Handwritten notes in the top left corner, including the name 'اورامان خان' and other illegible text.

Main body of handwritten text in Persian script, containing various names and descriptions related to the tribal structure.



این شخص اکبر و ارشد اولاد قراچار نوایان بعد بعد فوت پدرا زید  
 قراچار خان ۱۵۳۴ م برسد ایامی یعنی سلطنتی  
 صورت ایچل نوایان سر قراچار

صورت ایچل نویان لسه قزاقار



قلغ قا

دیو قزاقار

دیو قزاقار

بابور

اسکندر

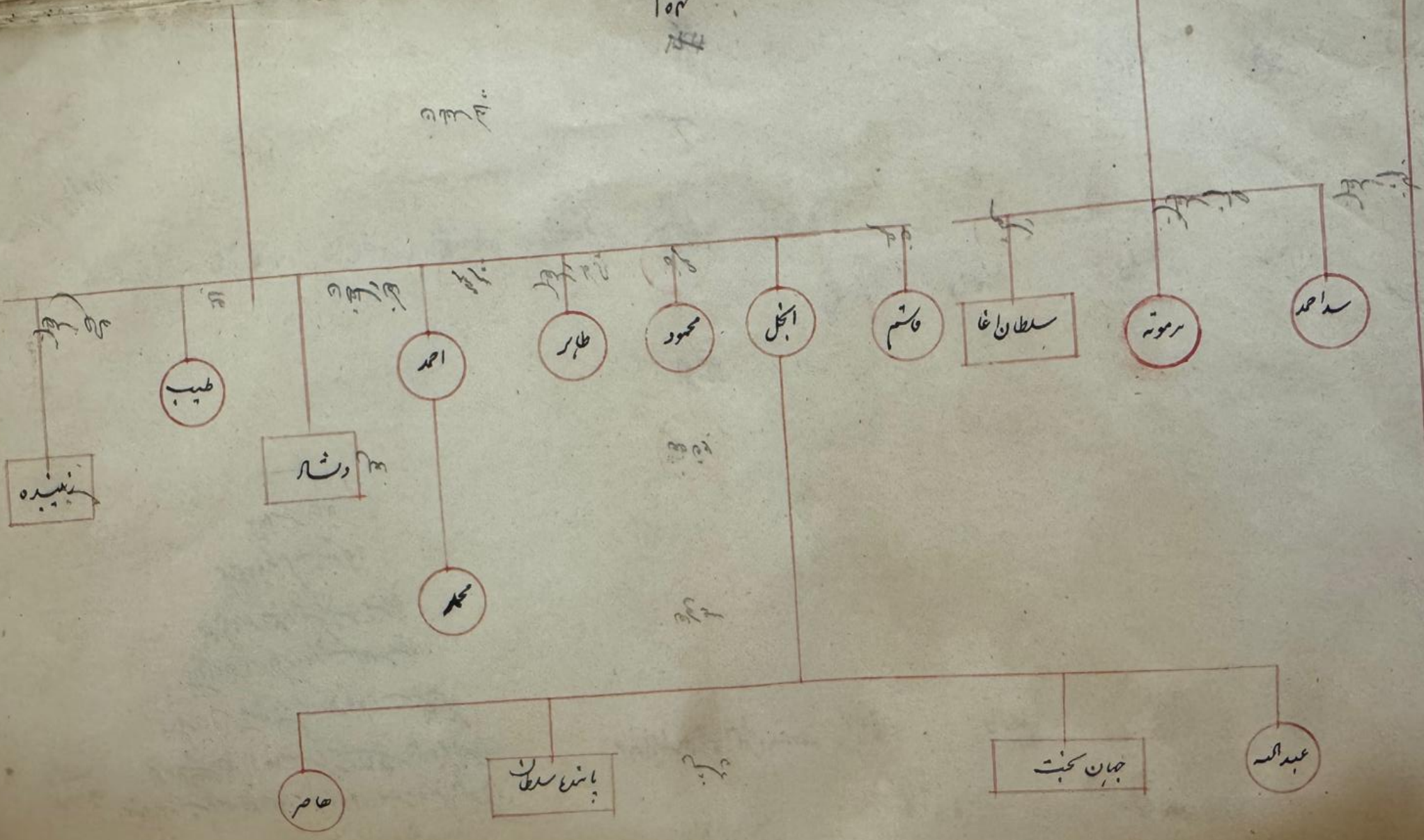
پیر بادور

اسمعیل

خضر

این شخص اکبر و ارشد اولاد قزاقار نویان بود بعد فوت پدر از عهد  
 قزاقار کونخان ۱۳۱۴ هجری بر سنده ابائی یعنی سینه لاری  
 کنن طاعت پر گاه هم در فرزند جمعاً نزع و احضار  
 در باب سلطنت پدید آمدنی از اینجی دل بردار  
 بزخاسته در شهر کس در حال موردونی بود  
 اقامت کردند تا اینکه کنگو  
 قان بر سنده قاطع  
 بنیست

سلطان احمد



سلطان احمد

ماش

سویح

بوقطعا

عل

منه

عالم سلطان

ع

نهار سلطان

پرمحمد

پاکار سلطان

حمزه

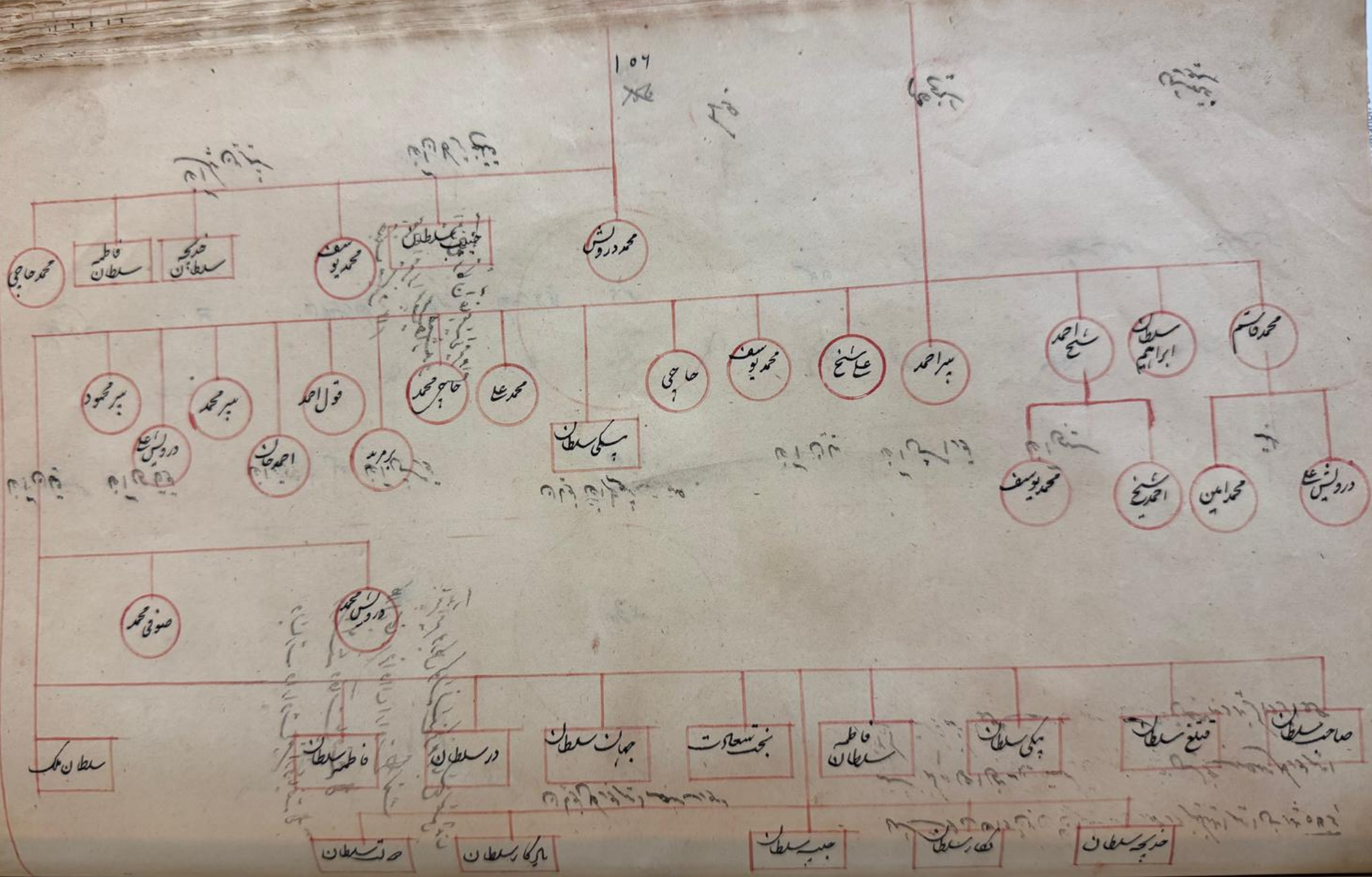
فاطر

رستم

صالح سلطان

بخت سلطان

پاک سلطان



صورت سلجه امیر پور کل نوایان

وگاه پادشاه امیر ایلیکنر در عهد ترمه سیزدهمین خان بن و اخان قوشکند  
امیر در ملر منصب خویش یعنی سپهبدی رگستان به بنی اعیان گذاشته

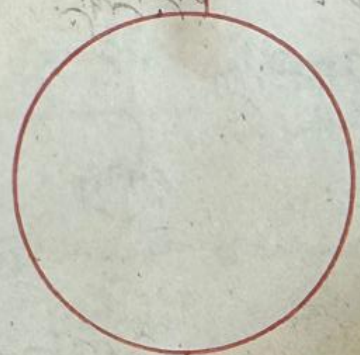
سلطان علی  
میر محمد  
سلطان فاطمه  
سلطان خدیجه

To know how your visit is going, please leave the questionnaire at the information staff in Boston Spa

سلطان ملک  
 سلطان  
 ارکان سلطان  
 حبیب سلطان  
 کمال سلطان  
 عبدالرحمن سلطان

و کلاه پورسل ایمر ایلیکندر در عهد ترمه سیرین خان بن و اخان خوش سندا  
 ایمر و کله منصب خویش یعنی سپهبدی ارگستان به بنی اعام گذاشته  
 خود از و اگر نید و به بعضی محله شهر سیر قناعت نمود تا آنکه فوت کرد

صورت سنجه دیر بور کل نویان



بسیار میر و بکل کورانی است از نوزاد سیرین خان  
 کله و بنی خوار خواران ارار است طهرت  
 در کله و وفات سیرین خان  
 در بار است و ارار است سیرین خان

صورت شوطه آغا نویان



توروش آغا  
 دین آغا  
 توقای آغا  
 قبان آغا

سیبی آغا  
 توروش آغا  
 بیان آغا

بسیار میر و بکل کورانی است از نوزاد سیرین خان  
 کله و بنی خوار خواران ارار است طهرت  
 در کله و وفات سیرین خان  
 در بار است و ارار است سیرین خان

سیرین پیکر آغا  
 قتلخ ترکان آغا  
 جولا  
 سنجه علم  
 سیرین

A.D. 1895  
Sordhan Sahib Kurran  
Amir Taimon, Kurkan Bahadur ۱۳۶۶



آن شاه تیمورج عالمی بر خنج کرد  
وز خون عد و روی زمین لکلون کرد  
در هفت شعبان سوی علیین ناخت  
نظایر رضوان سر و پا پرون کرد

سلطان تیمور که مثل او شاه نبود  
در هفتصد و سی و شش در آمد نو بود  
در هفتصد و هفتاد و یکی کرد خروج  
در هفتصد و هفت کرد عالم پرود

۴۱  
شده

بیت تیموری باب اول  
بیت تیمور از بیگانه خاتون بود و خاتون شوکران را از اینک

شرح امرای ذیشان او

شرح خواتین و قمایان او

سید عیسا خانم	سرای ملک خانم	سلطان نگار آغا	نکل خاتون بنت خضر خان	مبارک	حسین برلاس	امیر خاگو از قوم برلاس را ابتدای خروج همراه حضرت صاحب قرانی بود در امیران دست راست تومان الراهی را او می داشت
دلش آغا	سلطانک خانم	حبیبانک خانم	تومان آغا	سیخ علی پسر برلاس	مراد برلاس	یاد کار پسر برلاس
				سیخ محمد پسر برلاس	ساروق جلایر	توکل برلاس
				سیخ جوقار برلاس	کمیخنده برلاس	عمران شاه جیدر

دولت شاه	سکس کرد چین	آب قوفا	خطای بهادر برادر سکس	عباس از صحاب از اوس انجی کد است	امیر شتر از قوم غولا	محمد درویش	نوتای برلاس	تغزل برلاس
	او قیاس برلاس				تردی ملک از جلایر	حسار بود برلاس	جهان برلاس	الکاج از قوم تانک

مراد برلاس

شیخ علی پسر برلاس

برلاس

سار بوقا جلایر

شیخ محمد پسر سگدوز

محمد پسر سگدوز

کلیچین و برلاس

مختار بوقا برلاس

تغزل برلاس

نوا ای برلاس

محمد درویش

امیر شتر از قوم غولت

ایلیچیکدا از قوم تامان

جهان شاه برلاس

حضر ابواد برلاس

تردی ملک از جلایر

اسکندر توچی از

حاجر سیپور محمود از

اوج فرا

سج عا بهار از

الوس ایلیچیکدا ای

نکلیوت

الوس تغزل است

موسکه قومی است

بانام قوم است از

سمد قومی است

انوت از قومی

دیگورنت

نکلیوت

نکلیوت

شیخ نوزالد حراز

رستم طعاع لوقا برلاس

عمان از قحاق از

شاه ملک از

جلدر است

الوس ایلیچیکدا

قوم نکلیوت

الله دادار است

برنوق برلاس

عاسط ایلیچیکدا  
از قوم تامان

عاباس ارغماق از  
الوس ایلیچیکدا

خطای بهار برادر عاباس

اصوقا

سلسون الدین عاباس  
او قحاق پسر ایلیچیکدا  
77 از او بود

دولت شاه بخجسته

آق تیمور قحاق  
و قورچی نکلیوت

سارلق اسکار از الوس  
ایلیچیکدا تامان

ابلیج بوقا از قوم  
نکلیوت

عباس الدین زرخان  
از ارالات

سویچک از ایلیچیکدا  
از قوم قحاق

عمر عاباس از الوس ایلیچیکدا  
از قوم قحاق

کوجور

از غون

صح

دارش تقشتمش نام و حکم خانہ بعد از قوم سمنل خانزاده زندگانه داسمجه حکم از کسب از زمستی بکونت لا

صلوات  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
البارئین

قواجار

ما در کس خانہ ملک نام و دفتر خانہ بعد از تقشتمش نام آخانکده سمرات معترف بکسب و تقشتمش نام است

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
البارئین

ابرا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
البارئین

دارش سلطان آقا بعد از قوم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
البارئین

دارش قوجا بعد از تقشتمش نام آخانکده سمرات معترف بکسب و تقشتمش نام است

محمد

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
البارئین

شعبه امیرزاده عثمان الدین جهانبگ در . . . . . دارش توکلون خانون نام طرکت  
شعبه امیرزاده عمر کسب بهادر . . . . . دارش توشلی آخان نام طرکت  
شعبه امیرزاده میراث بهادر . . . . . دارش منگلی خانون نام طرکت  
شعبه سلطان الزمان امیرزاده صحران بهادر . . . . . دارش تقشتمش آخان نام طرکت

اگر سکی

مادرش نورمش آقا در احمد ملک داد  
پسر امیر موسی کلا در تومان آقا است  
و سلطان جسی مرزا از بوبو است

سلطان کجست

مادرش الجای ترکان آقا دختر تمصلا  
پسر امیر و آغاز در حیات است و در  
ولایت سگانه پوری باشد

قلع سلطان

مادرش طفا ترکان آقا بود در خوند  
وفات یافت طفا خلیفه پسر تورک  
اورا نگاه داشته بود

سکا جلیان

مادرش سکل دختر خانه بود  
از قوم جانی در سنی  
سکا وفات یافت

سعدت سلطان

مادرش طلال آقا خان بود  
ایر سمن کدین از قوم مغول است  
عاید نگاه داشته بود

مادرش نورمش آقا در احمد ملک داد  
پسر امیر موسی کلا در تومان آقا است  
و سلطان جسی مرزا از بوبو است  
مادرش و دختر آقا نام است  
و در خوند وفات یافت

مادرش و دختر آقا نام است  
و در خوند وفات یافت

مادرش دختر خانه بود امیر  
چشم بکا به طفا بود در خوند  
وفات یافت

مادرش قانو خان نام است  
دختر خانه بود در خوند وفات یافت

مادرش الجای ترکان آقا بود خواهر امیر حسین  
در خوند وفات یافت

این غیاث الدین جهانگیر بن امیر تیمور در اوایل سلطنت در سمرقند کزانت در سنه  
 امیر و بیجهت خوف که بفرستد بعد رحلت جهانگیر پسر سلطان محمد سلطان بجای او  
 و بیجهت شد و او نیز بعد از پنج روز بمرد در سنه و بعد از او برادر خود خواهر پسر محمد  
 کباب و بیجهت شد

صورت امیر نطق جهانگیر و شنبه فرزندان او



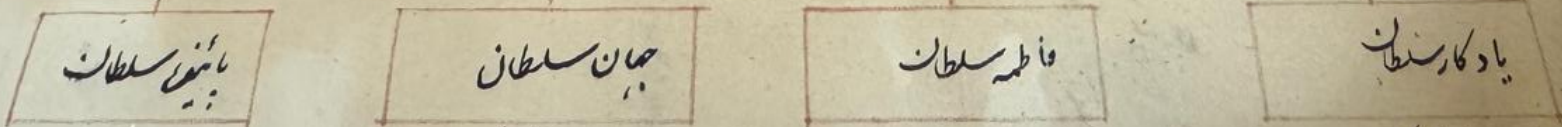
تاریخ سلطنت امیر تیمور در سمرقند در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری

شرح امرای دین او

شرح خواجهن و قایمان او

<p>قائم</p> <p>...</p>	<p>...</p> <p>...</p>	<p>...</p> <p>...</p>	<p>...</p> <p>...</p>
------------------------	-----------------------	-----------------------	-----------------------

تاریخ سلطنت امیر تیمور در سمرقند در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری



تاریخ سلطنت امیر تیمور در سمرقند در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری  
 در سنه ۸۰۰ هجری قمری در سنه ۸۰۰ هجری قمری

یادگار سلطان

مادرش

خانم زاده دختر آق صوفی از قوم قنقرات  
و امیرزاده محمد سلطان هم ازین خاتون بود

۱۱۲

فاطمه سلطان

مادرش

بخت ملک آقا نام دولت  
سرای ملک خانم نگاه داشته بود

۱۱۳

جهان سلطان

مادرش

لقیمه خانیمه دختر امیر کبیر و از قوم  
بولاس در حوزدی وفات یافت

۱۱۴

بایق سلطان

مادرش

بخت ملک آغا بوع و پلور  
آغا نگاه داشته بود در حوزد

وفات یافت ۱۱۵

سید امیرزاده محمد سلطان بهادر .....  
سید امیرزاده پیر محمد سلطان بهادر .....  
مادرش خانم زاده دختر حسین صوفی از قوم قنقرات .....  
مادرش بخت ملک آقا بوع دختر امیر الکس از قوم تاتار بود

فوت در حوزد  
مادرش خانم زاده دختر حسین صوفی از قوم قنقرات  
مادرش بخت ملک آقا بوع دختر امیر الکس از قوم تاتار بود

دلاوت و بی لوم الامین عاشر صا اول  
بخارا و فاش در خرد هم شعبان  
لو لو و کاتبه فی تاریخ و فاش

امیرزاده جهانگیر  
صورت امیرزاده محمد سلطان و شیخ زکریا او

تاریخ وفات کوه طبرستان  
چند نور قیامتی جمع نام  
سلطان جهانگیر سلطان  
سلطان جهانگیر سلطان

امیرزاده جهانگیر  
صورت امیرزاده محمد سلطان و شیخ زکریا او

کارش خانه زاده بود و صفرا و صوفی  
علاقه قوم صفرات و وارضا زاده دختر  
ارنگ خان بود و شیخ زکریا آغا  
قوام بزرگ امیرتاج قران او ارفا  
ظلمه بودیم

تشیخ امیرزاده جهانگیر او

تشیخ امیرزاده جهانگیر او  
تشیخ امیرزاده جهانگیر او  
تشیخ امیرزاده جهانگیر او  
تشیخ امیرزاده جهانگیر او

شرح خوانین و قبا و

شرح خوانین و قبا و

شرح خوانین و قبا و

وفات

امیرزاده

امیرزاده

سید امیرزاده محمد صباگیر سرباز ران در سلطنت اقا قای بعد از قوم بزاده و سلطان آغا اولاد الله بمولد است  
 سید امیرزاده سعد و قاصد که مادر سلطنت انا و حضرت موسی که او را نومان آغا گفته می داد است  
 سید امیرزاده محمد علی که نهره بیابان تبت بود او را سراسر ای ملک خانم لطف و بیست است

از او زرات اندو او را میدوز اقا گفته میسر است در روز در وقت

منع

فصل در بیان سید امیرزاده سلطان آغا اولاد الله بمولد است  
 در آن روز که سلطان آغا اولاد الله بمولد است  
 در آن روز که سلطان آغا اولاد الله بمولد است  
 در آن روز که سلطان آغا اولاد الله بمولد است

از سلطنت انا حضرت خاندان در وقت وفات

اسم

این که در آن روز است  
 محمد سلطان مرزا ابن  
 محمد صباگیر مرزا ابن صاحب  
 در آن روز که سلطان آغا اولاد الله بمولد است  
 در آن روز که سلطان آغا اولاد الله بمولد است  
 در آن روز که سلطان آغا اولاد الله بمولد است

سولوس سلطان  
 سلطان  
 سلطان

فاطمه سلطان  
 سلطان  
 سلطان

عاشق سلطان  
 سلطان  
 سلطان

عاشق سلطان  
 سلطان  
 سلطان

سلطان  
 سلطان  
 سلطان

توضیح

صورت امیرزاده محمد صانکیر بن محمد سلطان مساکر

صورت امیرزاده محمد صانکیر بن محمد سلطان مساکر



شرح امرای دیان او

شرح خواستین و قتل او

صورت امیرزاده محمد صانکیر بن محمد سلطان مساکر

صورت امیرزاده محمد سلطان بن محمد صانکیر مساکر

صورت امیرزاده محمد سلطان بن محمد جهانگیر بهادر

این برت فرزند از مریم  
حضرت سلطنت شکاری

سلطان پیکه اند و دختر نندک  
خلد الله ملکه و سلطنت



محمد طویل

خدکچ سبکی

ما در این خدکچ دختر امیرزاده  
سیور غنمش است

محمد

سزنی آغا

عمر

صورت امیرزاده سعدوقاص بهادر

این سعدوقاص بن محمد سلطان جهانگیر محمد سلطان امیر تیمور در حیات خود سلطنت  
غزنین حدود دیندر عنایت فرموده و در سنه شصت و چهار دهم رمضان پیر عثمان نوکر  
ایشان را اسیر کرده و در غزنین مدفون شد ۱۲۰۰



شرح امرای دولت او  
کتابخانه امیر تیمور

شرح خواتین و قایمان او  
کتابخانه امیر تیمور

السید بیگی

پدرش امیر تیمور  
دختر امیر تقی میران  
کورگان است ۱۲۰۰

صورت امیرزاده محمد سلطان

السید بیگی  
مادرش رحیم سلطان  
دختر امیرنصف میران  
کورگان است ۱۲

۱۵۹

صورت امیرزاده یحیی بن محمد سلطان بهار



سلخ خواتین و قیامان او  
که در این تصویر آمده است

سلخ امرای دولت او  
که در این تصویر آمده است

این تصویر نشان دهنده  
تفاوت در سلیقه و  
سلیقه است که در  
این تصویر دیده می شود

این تصویر نشان دهنده  
تفاوت در سلیقه و  
سلیقه است که در  
این تصویر دیده می شود

۱۶۰

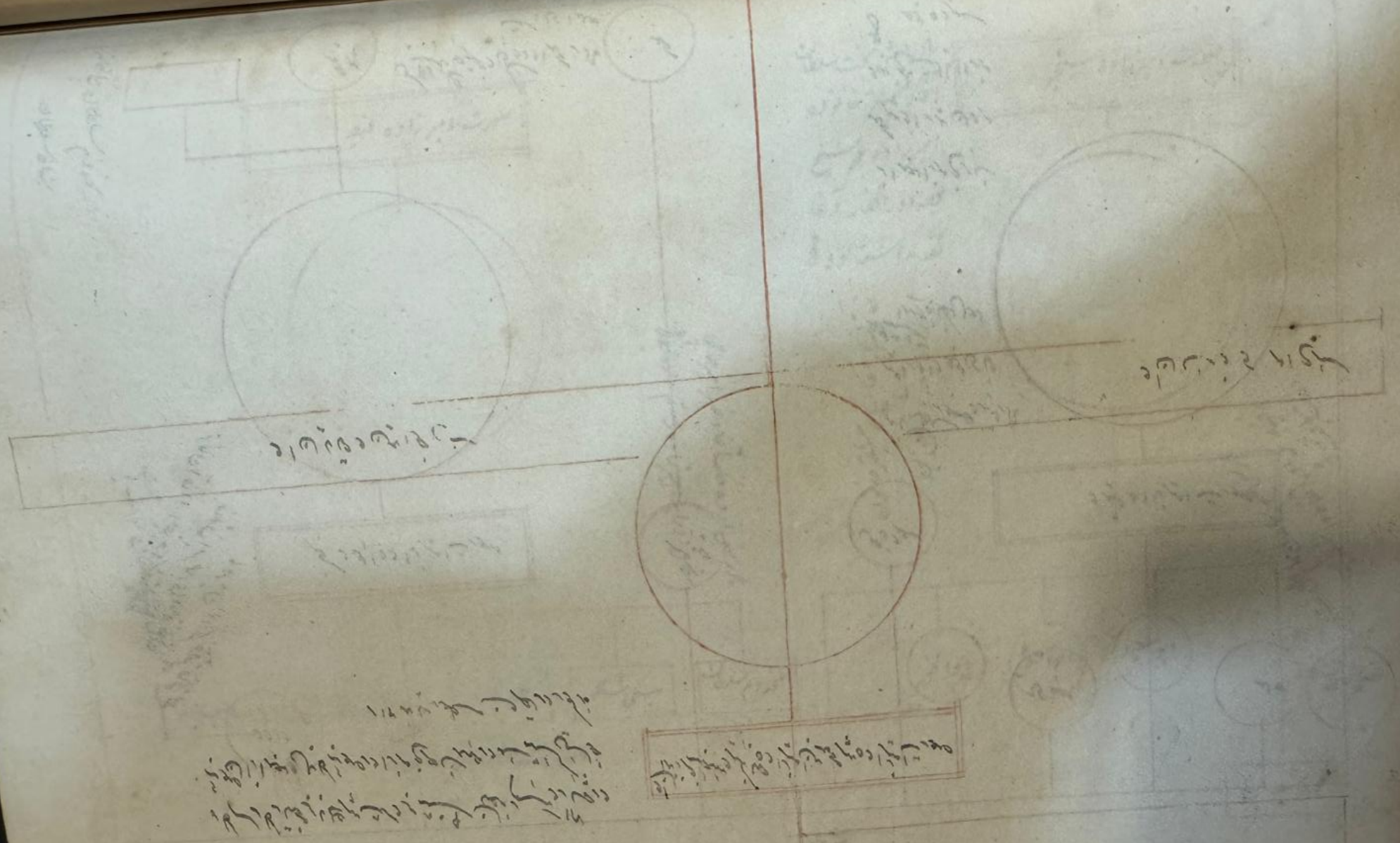
صورت امیرزاده پسر محمد بن امیرزاده جهانگیر و منجبه فرزند او

در چهاردهم زلفش ۹ سنه بردگت پسر عبا پسر مختار کارس کار  
خولیس گشته در عهد حاج مرزا در صوبه کابل و بعد از آن صوبه  
مذکور در تصرف مسطور باشد ۱۲



شرح امرای ذینان او

شرح خواتین و قباآن او



في هذا الموضع  
 من المثلث  
 الذي هو  
 في الموضع  
 من المثلث  
 الذي هو

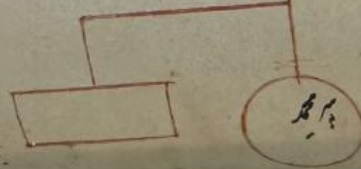
في هذا الموضع  
 من المثلث  
 الذي هو

في هذا الموضع  
 من المثلث  
 الذي هو

۱۴  
۷۲

دادو  
مادر این نوزاد در وقت تولد  
خانم امیر حاجی ابوالفتح  
زکان آغا در آنجا بود این  
تاریخ

صورت امیرزاده ابودنجه



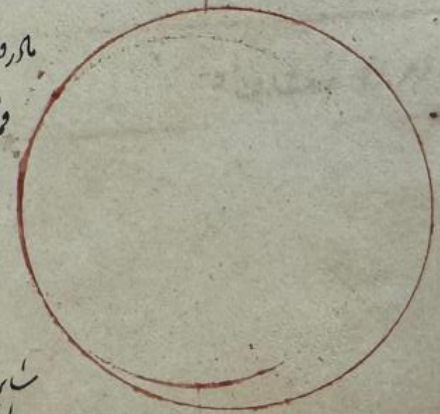
پدر محمد

مادر محمد ابودو بی دختر حاجی ابوالفتح  
عده ای است

جهانگیر

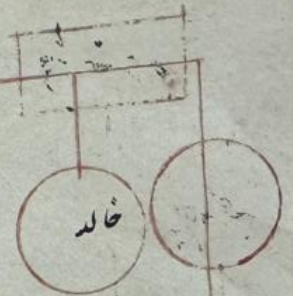
سورقاص

صورت امیرزاده قیدو



مادر قیدو و صورت قیدو نام  
قادی بود و او را امیر  
لعل کفاه میدادند

شایخ مرزا بعد از  
مردن پدر او پدر محمد  
مرزا ابوالفتح بلخ بود  
سرده بود



خالد

مهدی



مادر محمد بن محمد سلطان

صورت امیرزاده سخی

مادر محمد بن محمد سلطان

سپرده بود

محمد

مادر محمد اودده بی دختر خانم کلاسی  
صلواتی است

محمد

صورت امیرزاده سنج

مادرش بنت سلطان  
آغا کبیر خانون  
امیرزاده عمر شیخ  
قبیله اورانگار آغا  
نکته است بود

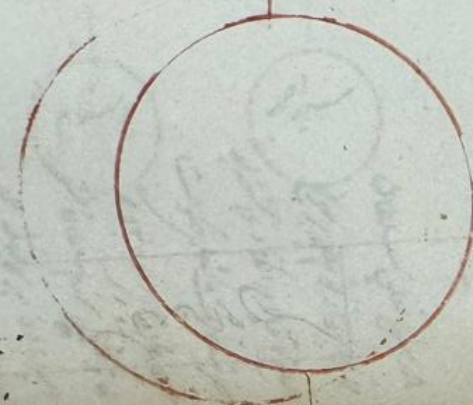


امیرزاده سعید و قاضی بود  
خان اول آغا کبیر خانون

صورت امیرزاده سنج  
مادرش بنت سلطان  
آغا کبیر خانون

مادرش ارده ملک آغا دختر امیر حاجی  
مخون آغا رابعه امیرزاده رستم داده بود

صورت امیرزاده قیصر



- مخدوم سلطان
- بیگی شکر
- بیگی خان
- فاطمه سلطان
- صاحب نظر

این برت خواهر از قیامت بودند

مخدوم سلطان  
صورت

صورت امیرزاده سنج  
مادرش بنت سلطان  
آغا کبیر خانون

۱۷۴  
۷۴

صورت امیرزاده عمر شیخ و شعبه فرزندان او



شیخ امیران زیان او

این عمر شیخ پسر صم امیر است و امیر این اوردجات خلف  
بارک ه فارس که در ۹۶ هجری در ماه رجب اول در  
قلعه حرمان بجزب شیر فوت شد

شیخ خوانین و قباایل او

فصل اول  
در بیان  
تاریخ  
و احوال  
و احوال  
و احوال

سلطان امیرزاده میر محمد سار  
 سلطان امیرزاده میر محمد سار  
 سلطان امیرزاده اسکندر سار  
 سلطان امیرزاده امیر محمد سار  
 سلطان امیرزاده باقر سار

علی

پادشاه میرزا حسن بود  
 ملک آغا و او را کف و کوشه  
 بود و در کوشه نشین بود

عمر

پادشاه میرزا حسن بود  
 فتح برکات آغا کف و کوشه  
 بود و در کوشه نشین بود

سلطان

پادشاه میرزا حسن بود  
 سلطان آغا کف و کوشه  
 بود و در کوشه نشین بود

انفندیار

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

محمد

پادشاه میرزا حسن بود  
 وفات امیرزاده عمر  
 خاتون امیرزاده بود و در کوشه نشین بود

سید احمد

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

رستم

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

نسب سلطان

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

سعد سلطان

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

جبار سلطان

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

فاطمه سلطان

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

سلطان بیگ

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

ماماسک

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

زینب سلطان

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

زینب بیگ

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

پادشاه میرزا حسن بود  
 پادشاه امیرزاده اسکندر  
 در کوشه نشین بود

۱۷۶

۱۷۶

صورت امیرزاده پیر محمد و سید فرزندان او



شرح امیران و وزیران او

شرح خواتین و قهایان او

این پیر محمد بن عمر شرح بن امیر تیمور صاحب قرآن لغوی و فاضل  
امیر تیمور در اصفهان به واسطه شده بعد در زما یکبار از آنجا که بران میرفت  
در اسفغانی سلطان طبیب خواهر حسین سرستار از زرغور در زم زم کتبت

شسته

تاریخ  
تیمور  
بنام  
پیر محمد

تیمور

صورت امیرزاده عمر شرح بن پیر محمد

قبول

محمد درویش

محمد

صورتش امیرزاده عمر شیخ تاج بن پسر محمد

محمد

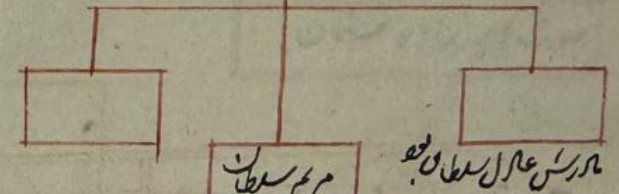
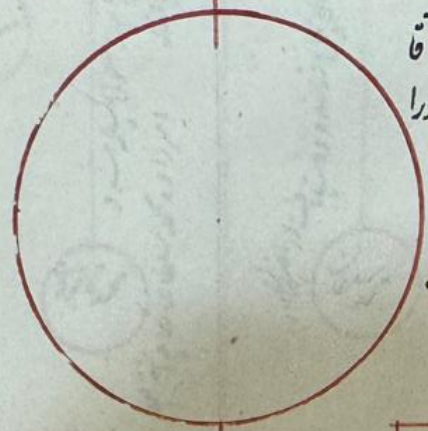
محمد درویش

متول خان

مادرش شیرین ملک  
نام بچو و در خورد  
وفات یافت

مادرش تکارا آقا  
بچو حسین سپهر  
بیدار نگاه داشته  
بچو در سنه صفر  
برصمت حق ثبت

مادرش عادل سلطان آقا  
از قوم امیر قراغین اورا  
ملک ملک آقا نگاه  
داشت بچو در سنه  
شکلی وفات یافت



مریم سلطان  
مادرش عادل پسر عادل سلطان  
که در خورد و وفات یافت

مادرش عادل سلطان بچو

زینب

مادرش کجک سلطان بخت  
قای بچو نگار آغا نگاه  
بیدار داشت

از قوم ملک خان

محمد

مادرش سلطان بخت  
دختر خلیل قای بچو

چکا جان

۲  
ایلکینیر

۳  
صالح

۴  
ابواسحق

این پسر برادر آقا و امیرزاده  
عمر شیخ بر چهار برادر از یک مادر  
بوفند نگار آقا دختر امیر غیاث  
الدین ترکان امیرزاده عمر شیخ  
ملکت آغا نگاه داشته بچو

بن

در آن چهار فرزند آن سلطان بخت دختر امیرزاده پسر محمد کای

سهر سلطان

فاطمه سلطان

رقیه سلطان

این دختر در خورد و وفات یافت

۱۷۸

۱۹۸

صورت امیرزاده رستم و تبعه فرزندان او

این امیرزاده رستم نیز در اصفهان بهشت شده بود

شرح امیران و وزیران ایشان او

شرح خواجهن و مقامان او

۱۷۹

ابن

مادرش سعادت سلطان  
در خرد و وفات یافت ۱۱

مادرش مخدوم سلطان در خرد و وفات یافت ۱۲

جوانمیر

مادرش پادشاه در خرد و وفات یافت

عاشق

مادرش پادشاه در خرد و وفات یافت

مادرش سعادت سلطان در خرد و وفات یافت در راه ۱۱

محمد سلطان

مادرش اسماعیل سلطان از سمنان یکی شده و  
معمولاً وفات یافت امیرزاده محمد سلطان که مامور است

محمد باجولا

سلطان حلاوت

مادرش خود و در سلطان دختر امیرزاده محمد باجولایی

سلطان محمد

مادرش تخت سلطان دختر حاجی خواجه حسبان غویز و وفات یافت

جعفر

مادرش زلف ارمون مخدوم که او کاخ لوشین در خرد و وفات یافت

سلطان عثمون

مادرش الت است

مادرش سعادت سلطان است

مادرش سعادت سلطان است

صورت امیرزاده عثمان



مادرش در نام قاسم بود از الواس ایله کفایه مید آتده

عاشق سلطان

محمد سلطان

مریم سلطان

مادرش سعادت سلطان بود  
دختر امیر عباس که بنیر ترخان بود  
امیرزاده بهر محمد کفایه آتده بود  
در خرد و وفات یافت ۱۱

فاطمه سلطان

بیت

مادرش زینب است  
دختر امیرزاده علی بن امیرزاده محمد کفایه آتده بود  
۱۱۱۱

جعفر

صورت سلطان عباس



مادرش سعادت سلطان دختر امیر عباس الدین ترخان

مادر در حاج ملک خاتون بود سعادت سلطان نام دختر امیر عباس الدین ترخان

سلطان حسین

۱۸۰

صورت امیرزاده اسکندر



سلیخ امرای ذکین او

این اسکندر بن عمر شیخ مرزا بن امیر تیمور صاحب قران در بهمان بر سر پادشاهی  
سلطنت کجاست و در ۱۶۰۰ با شیخ مرزا غم خویش جنگ که گرفتار شد  
و چنان او را برادرش رستم مرزا بر آورد و در سنه مذکور سلطنت او با انجام شد

شیخ خواتین در قباغان او

پادشاه سلطان بود

پادشاه شيراز ملك و حضرت نزهت ابراهيم مغل

مهد

پادشاه گنگ سلطان بود دختر اميرزاده  
امير شاه کورگان و بزرگ ترين خانين  
اميرزاده اسکندر او بود

تبرعا

پادشاه خان ملك و حضرت حسان بود در سن هفت

القا

پادشاه خان ملك بود در روزي وفات يافت

۱۸۱  
۱۸۱

صورت امیرزاده احمد و شعبه فرزندان او

دارش ملک آغا و توابع آن آغا و آغا شاه

ظلمت بعد ۱۱۳

دارش تاج ملک  
و غیر اینها  
الذی شیخ از تیسرگی ۱۱۳

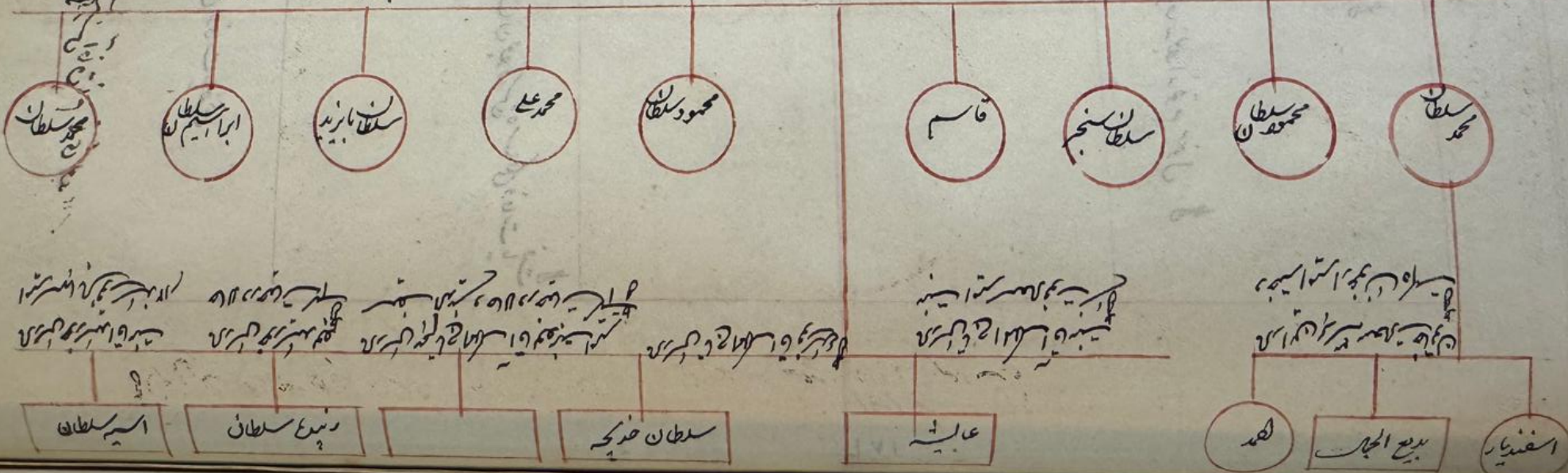
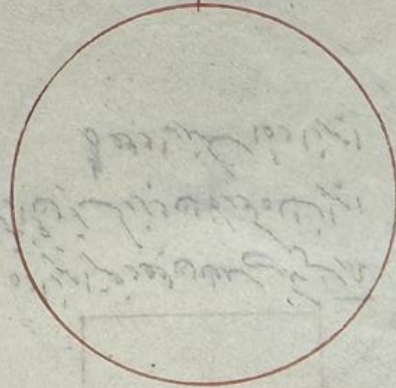
دارش خورشید بعد فوت شاه

دارش خورشید بعد فوت شاه

دارش خورشید بعد فوت شاه

دارش تاج الملك و غیر اینها و غیره در حدیث است

دارش تاج ملک فوت شاه



صورت امیرزاده باقر و شعبه فرزندان او

این باقر نیز در حدیث است و بعد از او...

دختر امیر خاتون امیر خاتون

دختر امیر خاتون امیر خاتون

دختر امیر خاتون امیر خاتون

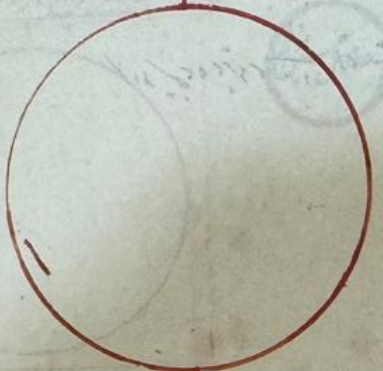
صورت امیرزاده با بقرا و سبعة فرزندان او

این با بقرا نیز در عهدان به شاه سلطان موسی و حکم تاریخ فرزندان

امیر خاتون امیر خاتون

دختر امیر خاتون امیر خاتون

امیر خاتون امیر خاتون



منصور

مظفر

احمد قرا

امیر خاتون امیر خاتون

امیرزاده امیر خاتون

محمد

مظفر

محمد درویش

محمد بیخ

شیربانو

مهرنگار

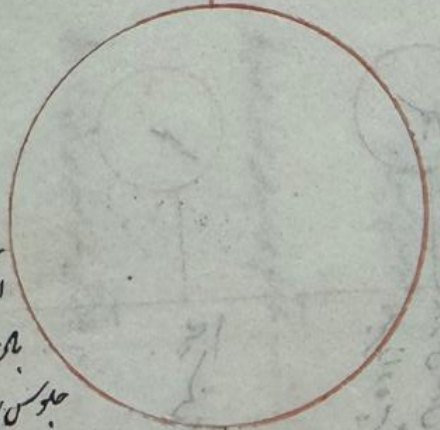
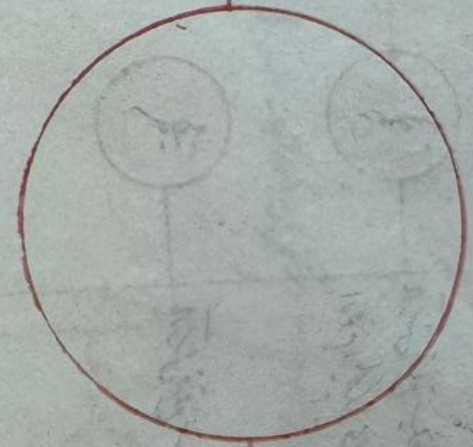
محمد مظفر

زننده سلطان

مادر این بر سه پسر و دختر و پند سلطان دختر امیرزاده

صورت امیرزاده بايقرا

صورت امیرزاده سلطان حسن جزا و الهیات



سکندر مرزا

سلطان مرزا

همراه فرزندان و کتیبه و بازده دختر ۱۲

بن مرزا منصور  
مرزا بايقرا بن عمر  
شیخ مرزا بن امیر  
تیمور گورگانی است

امین دهرات در سن ۲۰  
بگوشه سنه اوله در سن ۲۰  
جلوس روز جمع ۱۰ ماه رمضان  
سنه ۱۰ ماه در سن و فرزند بیگم  
حسن سلطان مرزا در سن ۱۰ ماه  
تیمور گورگان وفات کرد سن ۱۰  
وفات نمودن  
۱۶ اردیبه

تیمور گورگان  
وفات نمودن  
۱۶ اردیبه

- شاه مرزا
- ابوالحسن مرزا
- کبک مرزا
- ابوآب مرزا
- محمد حسن مرزا
- امیرزاده حسن
- چدر مرزا
- محمد مصطفی مرزا
- ابراهیم مرزا
- شیخ بیگلر
- حسین مرزا
- کاسم مرزا

صورت بیع الزمان مرزا

صورت مرطف حسین مرزا

- شاه مرزا
- محمد حسین مرزا
- عبدالمجید مرزا
- محمد مرزا
- عبدالحامد مرزا

صورت ابوالمسلم سلطان شیخ بهار خان



بادشاه ربع میسکون خسر و صاحب قران  
شاه صرخ سلطان کرمانشاه علی آیین...  
سابقه و فاش او بری کردم حساب  
که حساب کف و به سود سنه خمین بود

امیر تیمور سلطنت خراسان بدو و طغیانی و بعد حیات امیر تیمور بر شاه ملک محمود قاضی و  
متصرف گشت و پنجاه سال سلطنت نمود هفت سال در حیات امیر تیمور و چهل و نه  
سال بعد امیر چهاردهم در سنه ۸۴۹ هجری قمری در کت و تخم ذی الحجه وفات یافت

این آقا صبح یکشنبه ۲۵ مردی الحی موافق اول روز فروردین ماه جماد الثانی و در وقت  
دو هفتاد و دو سال عمر آنحضرت بود پنج سال بر سر سلطنت و مستقر خلافت گذرانید

سلجغیان و قایان او

سلجغیان و توران ذیشان او

امیر تیمور

امیر شمس

توابع او

امیر تیمور

امیر تیمور

سید امیرزاده مرزا فتح محمد کورگان بهادر  
 سلطان امیرزاده امیراحمد سلطان بهادر  
 سلطان امیرزاده ناصر محمد کورگان  
 سلطان امیرزاده سیور غنچه سلطان بهادر  
 سلطان امیرزاده محمود محمد کورگان بهادر

آغاز در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان فتح مرگان افغان  
 فاتون امیر شیخ علی ابرار کورگان ظهورت نمودها  
 مردم مختار امیرزاده محمود کورگان امیرزاده محمد  
 سلطان است  
 آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت  
 آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت

مریم سلطان آغا

فتح مرگان آغا

نور محمد آغا  
 جوجوم آغا

فتح سلطان آغا

پایین سلطان آغا

سلطان آغا

آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت  
 آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت

آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت

حاله آغا

آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت

محمد بارو

آرزوی در خرد بهر اعدا خلد الله سلطان بهادر  
 رفیق سلطان ناصر محمد کورگان و است  
 بعد در برج ساک و فات یافت

۱۸۴

۱۸۶

صورت امیرزاده الف بیک کورگان

این الف بیک در سیستان با بارت د شاد بود

دلاوة و ترسانع عشره حمار الاول سنه  
ست و تسعين و سبعائة در سلطانه



سرخ امیرآذین او

سرخ خواتین و قمان او

سرخ خواتین و قمان او

صورت امیرزاده عیال او

صورت امیرزاده عبدالرحمن

پدرش رقیب خاتون است از قوم اراکات

ولادتش غرض ریح الاول / اربع و  
عشرین و ثمانیة و وفاتش

- ۴ عبدالله  
پدرش سلطان ملک است  
رحمات ملک بن موسی ملک شاه  
پیدایش و وفات یافت
- ۳ عبدالحکیم  
پدرش سلطان ملک است
- ۲ عبیدالله  
پدرش سلطان ملک است

۲ عبداللہ  
پدر این بر جلیبر  
سلطان ملک است  
دختر ناصر امرسا  
در حضور این بود  
وفات یافت

عبدکفریز  
پدرش سلطان  
دختر امیرزاده  
خلید سلطان است

عبدلصمد  
پدرش سلطان  
مذکور در خود در  
وفات یافت

عبدکجبار  
پدرش سلطان  
است ولادت  
۲۷ سنه  
۵۳۶

طغی ترکان  
پدرش دختر خانہ بود  
پدر طغی آقا کلاه کشته  
در حضور وفات یافت

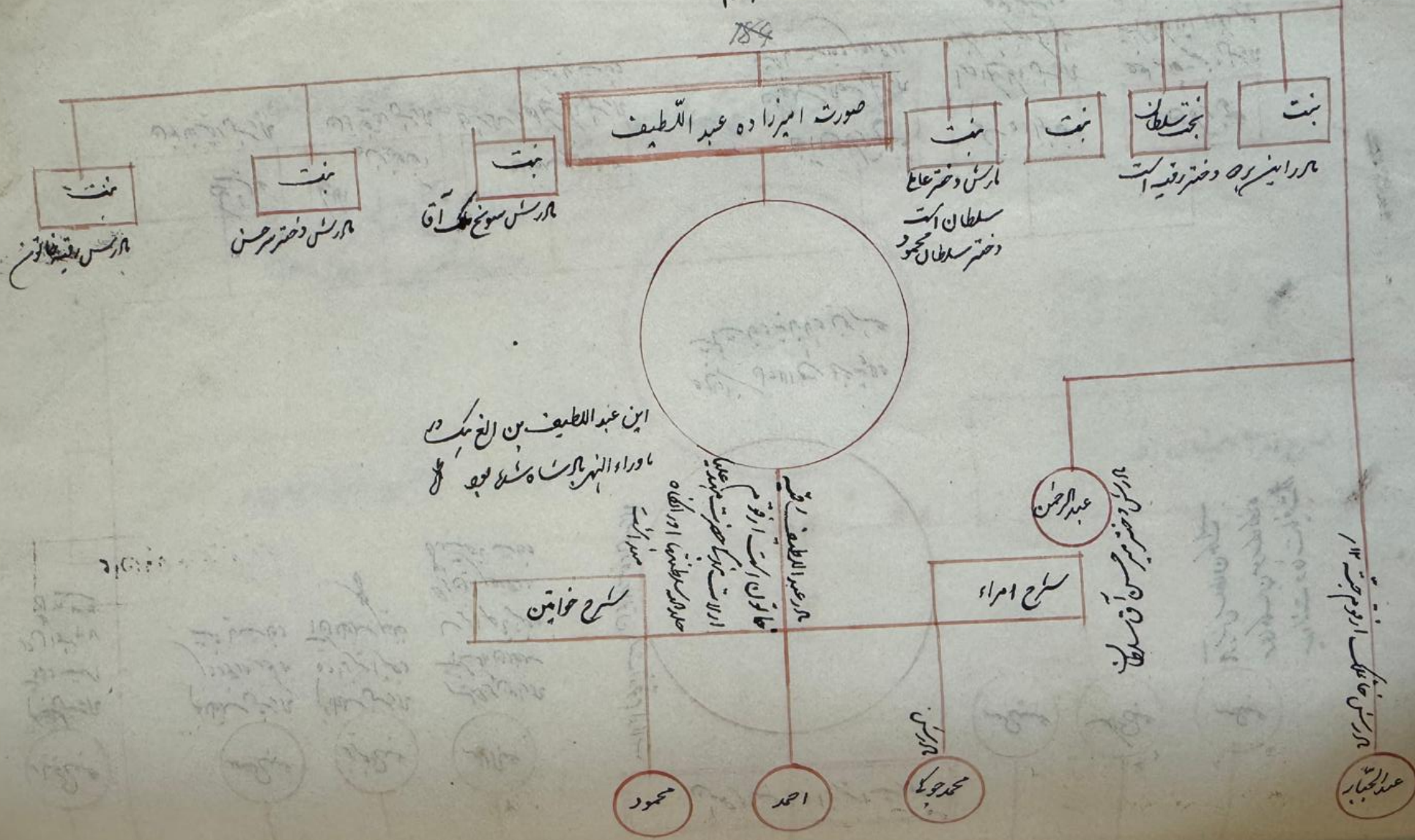
خانزاده حکیم  
پدرش اکلیک اورا  
نزدیک حضرت کلاه  
داشت بود

قلع ترکان آغا  
پدرش سعادت سلطان  
در حضور وفات یافت

حسید سلطان  
پدرش اکلیک کوه در سال  
وفات یافت

اکلیک  
پدرش رقیب خاتون

عاریک  
پدرش رقیب خاتون



ولادته ۲۸ شوال سنه تسع و تسعين و سبعه  
سجد بود منگلوک بموضع فارس

صورت ابراهیم سلطان

این ابراهیم سلطان در  
اصفهان است و سواد بود

ولادت بستم رمضان سنه احدى و ثمانیة مبارک السلطنة هرات وفاته  
ش زدهم محرم الحرام سنه ثلثین و ثمانیة بمقام کابل

صورت امیرزاده سپهر شاهی

بارکس ملک خاوند خضر خاوند  
خانقون امیرزاده عمر شیخ سب در بعد

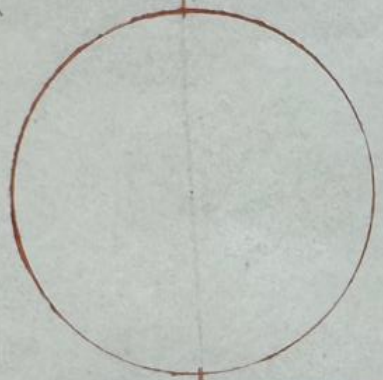


سلج امرای ذیشان او

سلج خواتین و قیام او

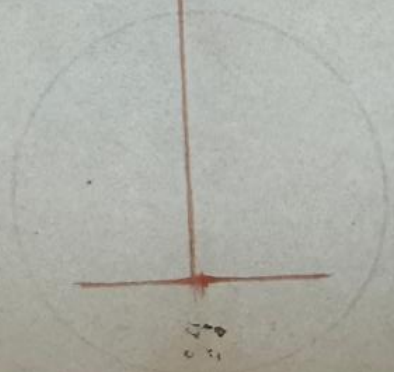
۱۹۱

صورت سلطان عبدالحمید و شهباز زندان او



شرح امیران او

شرح خواتین و قایمان او



۱۹۲

۱۹۲

صورت امیرزاده بهشتی تبریز

این بالینغ در عراق بلاد هندی بمبای

شرح ایران او

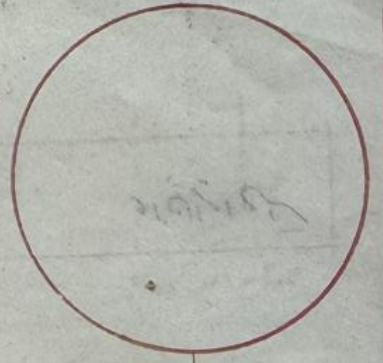
شرح خواتین و قبا یان او

دیر محمد سلطان باینقر امیرزاده بن علاء الدرد در عراق باریک سلطان بود

صورت امیرزاده سلطان محمد

صورت سلطان علاءالدوله بسیار

صورت امیرزاده ابوالقاسم باغی



دارش قای بود خندان نام  
امیر شیخ نعمان نگاه  
داشته بود

دارش مراد سلطان دختر آراغی  
بجانب امیرزاده

مرزایا کار

بنیام حلیه

دارش دختر یوسف  
تکان است

سازاده

محمد امیرزاده

ولادته بیده الاحد  
ربیع رمضان سنه  
ثمان و ثلاثین و ثمان مائت  
علا مع محمد و لولاه

امیرزاده باینقر

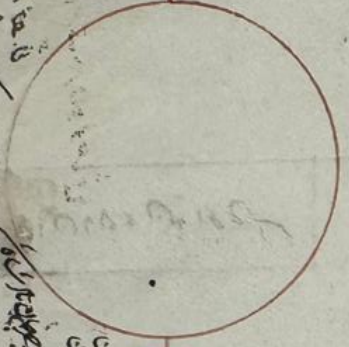
رقیه سیک  
دارش مراد سلطان

ابن

دارش سلطان



ولادت با سعادت سنه ثمان و ثمان مائت  
سنه ۱۸۲۰ در سن جا ننگ آغا و دختر امیر محمدان  
بنیام حضرت امیر علاء و داشته بود



محمد مرزایا

ابن

ابن

ابن

خاتون اولیست  
دلگه سیداد

سید

دارش سلطان

صورت سلطان سعید بسیار

صورت امیرزاده

شهرت امیرزاده فرزند پادشاه

شهرت سلطان مسعود پادشاه

این پادشاه است که در زمان او این پادشاهان بودند  
که در زمان او این پادشاهان بودند

این پادشاهان بودند که در زمان او  
این پادشاهان بودند که در زمان او

این پادشاهان بودند که در زمان او  
این پادشاهان بودند که در زمان او

این پادشاهان بودند که در زمان او  
این پادشاهان بودند که در زمان او

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

بخت و دولت

صاحب سلطان

فاطمه بنت سلطان

پادشاه سلطان

فاطمه بنت سلطان

فاطمه بنت سلطان

رقیه بیگی

فاطمه سلطان

زفره بیگی

عایشه بیگی

سعادت

پادشاهان در دوره و سلسله پادشاهان

۱۹۵

۱۹۵

صورت امیرزاده سپهر غمگین

بارکس ملک خاوند حضرت اعلان کرد اول  
خانقون امیرزاده عمر شیخ سبب در بعد ک

ولادت بستم رمضان سنه احدى و ثمانیة مبارک السلطنت هرات وفاته  
ش زدهم محرم الحرام سنه ثلثین و ثمانیة بمقام کابل ک



سلج امرای ذیشان او

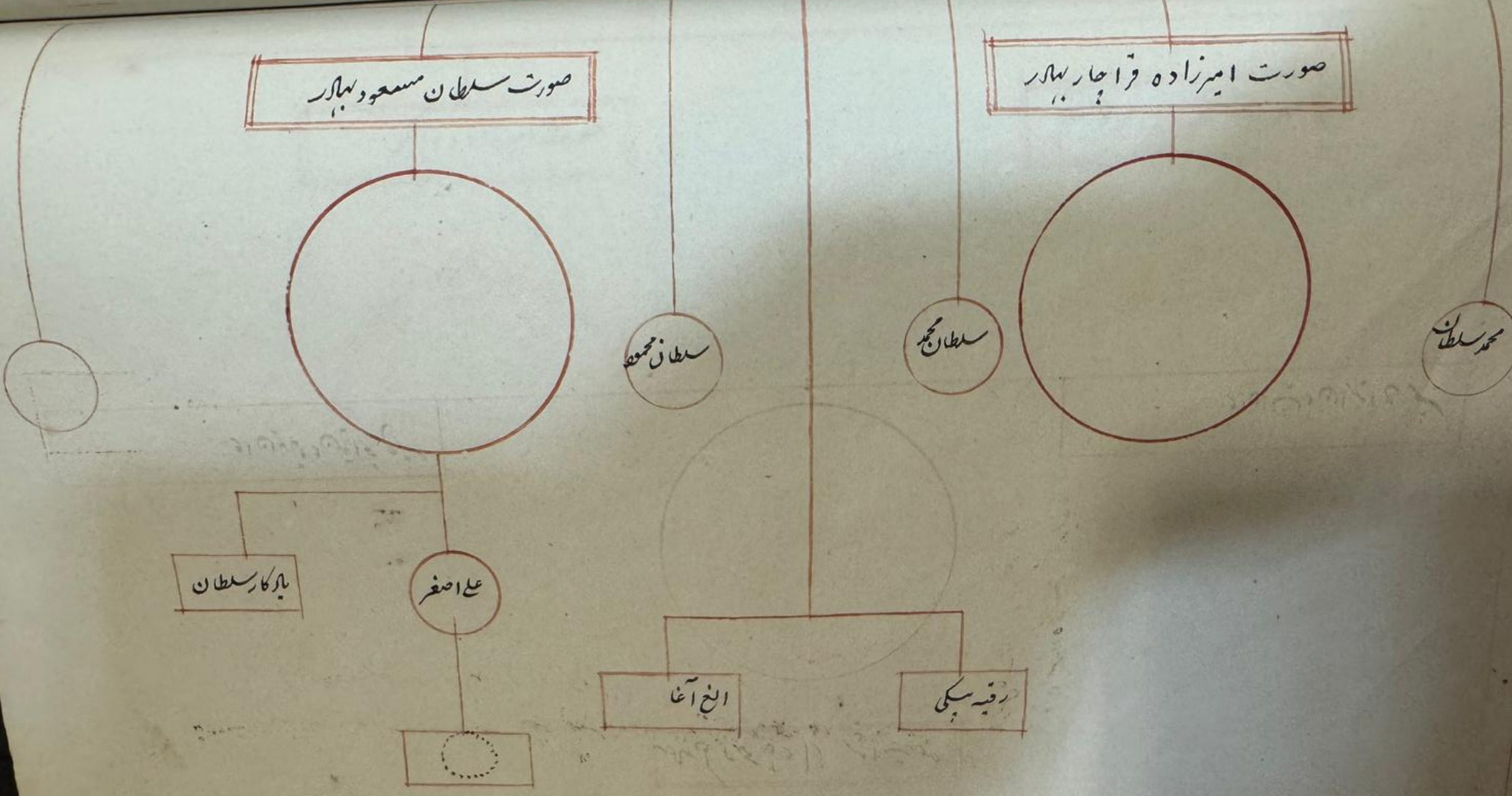
سلج خواتین و قیایان او

۱۹۶

۱۹۶

صورت سلطان مسعود بهار

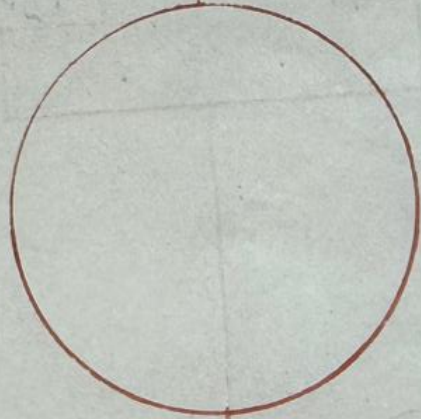
صورت امیرزاده قاجار بهار



۱۹۷

~~۱۹۷~~

صورت امیر زاده محمد جو کی بیدار



شرح خواتین و قهایان او

شرح امیران ذین او

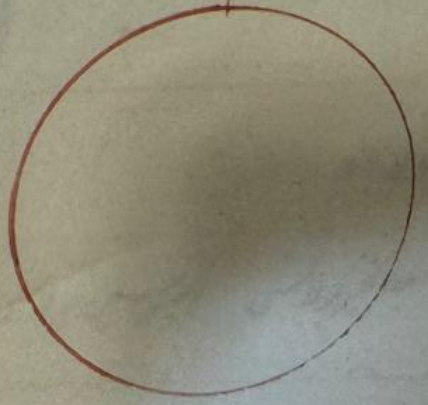
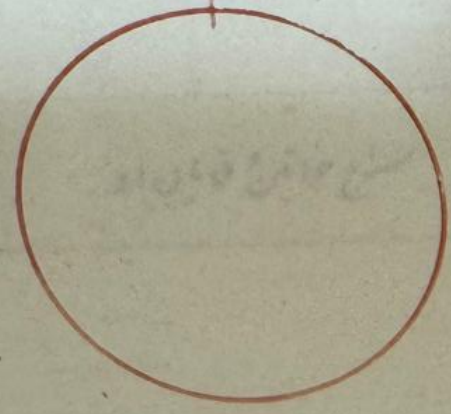
۱۹۷

صورت امیرزاده محمد قاسم

۱۹۸

صورت امیرزاده ابابکر

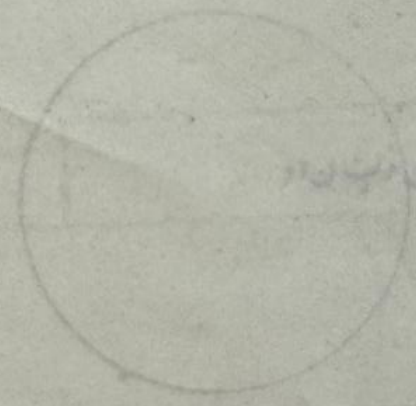
صورت امیرزاده محمد قاسم



۱۹۸

۱۹۹

~~۱۹۹~~



مجلس علمیه

کتابخانه

صورت اسزاده شماره ۱۹۹ که کار شده است

صورت شاهزاده رفیع القدر کا پرتیچ



Prince Ruffy ost Kund  
son of Emperor Shahjahan Shah.

صورت امیرزاده سید احمد بسیار



پدرش ذختر امیر  
قرا عثمان بود  
محمد باقر

قزاجار

پدرش  
روح افشار دور  
نام داشت قزاج  
بعد در خور دی و قزاج  
یافت

محمد قاسم

پدرش  
خانزاده نام  
دانت یکبار  
شد و قزاج  
یافت

صد سوری

پدرش  
مراد و خیرخانه  
بود در خور دی  
وفات یافت

(Empty circle)

پدرش  
فاخره از ذختر  
خان بود امیرزاده  
محمد سلطان کفاه  
داشت بود

شعبه امیرزاده بابکر بسیار  
معدنه امیرزاده غریب کار  
سعدت امیرزاده صلیب سلطان بابار  
سعدت امیرزاده اجمل بسیار  
سعدت امیرزاده سوز خورشید بسیار  
سعدت امیرزاده سلطان محمد بسیار

پدرش در انکسبت بود او را اسعد و قاضی بسیار امیر  
نعم محمد سلطان خوانده بود بعد از او کسب خیرین امیر  
نعم محمد غواشته است  
پدرش در انکسبت نام حکایت بود و قزاج  
پدرش کفاه نام ذختر خان بود محمد باقر  
پدرش کفاه نام ذختر خان بود محمد باقر  
پدرش کفاه نام ذختر خان بود محمد باقر

سلطان حاکم نام داشت اور السلطان حسین اده بود بعد از آنکه او نماند  
پدرش کفاه نام ذختر خان بود محمد باقر  
پدرش کفاه نام ذختر خان بود محمد باقر  
پدرش کفاه نام ذختر خان بود محمد باقر

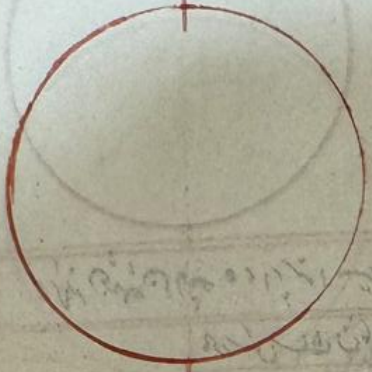
صورت امیرزاده بابکر و شعبه فرزندان او



این بابکر مرزا بیک امیر تیمور تخت بنهاد و در تصرف حکومت و بعد از آنکه در آنجا بود  
خولیس عمر مرزا و الی آذربایجان بهیچاچی پر خود میرزا میران ه خراج که در آنجا حکومت  
از وی بزور گرفت تخت بهر در تخت نشاند و بعد از چند روز او را خلع کرد و محاکمه  
کردند و در آنجا کشته شدند

سلطان حاکم نام دولت اور سلطان حسین اده لود بعد از انکه او نماند  
 سلطان حسین حاکم نام دولت اور سلطان حسین اده لود بعد از انکه او نماند

صورت امیرزاده ابابکر و سببه فرزندان او



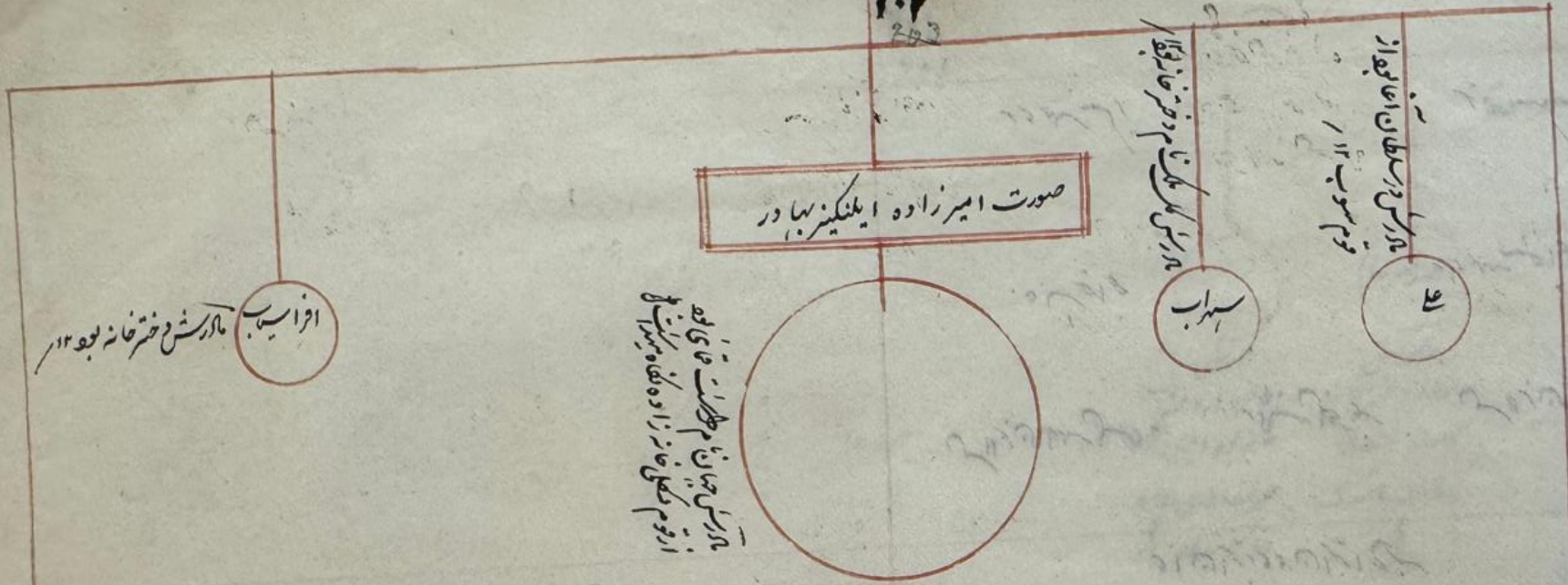
این ابابکر مرزا بکم امیر تیمور تخت بغداد در تصرف طاعت و بعد از انکه بر تخت نشست  
 خویش عمر مرزا و الی آذربایجان به راهی پدر خود میرزا میران ه خرفه که دان تا مملکت  
 از وی بزور گرفت تخت پدر را بر تخت نشاند و بعد از چند روز او را خلع کرده و خود  
 بر تخت نشست و در آنجا با سلطان اول پسر امیر ابابکر که حکم کرد تخت گرفت  
 زخم خونده برد

سرخ امیران و وزیران او

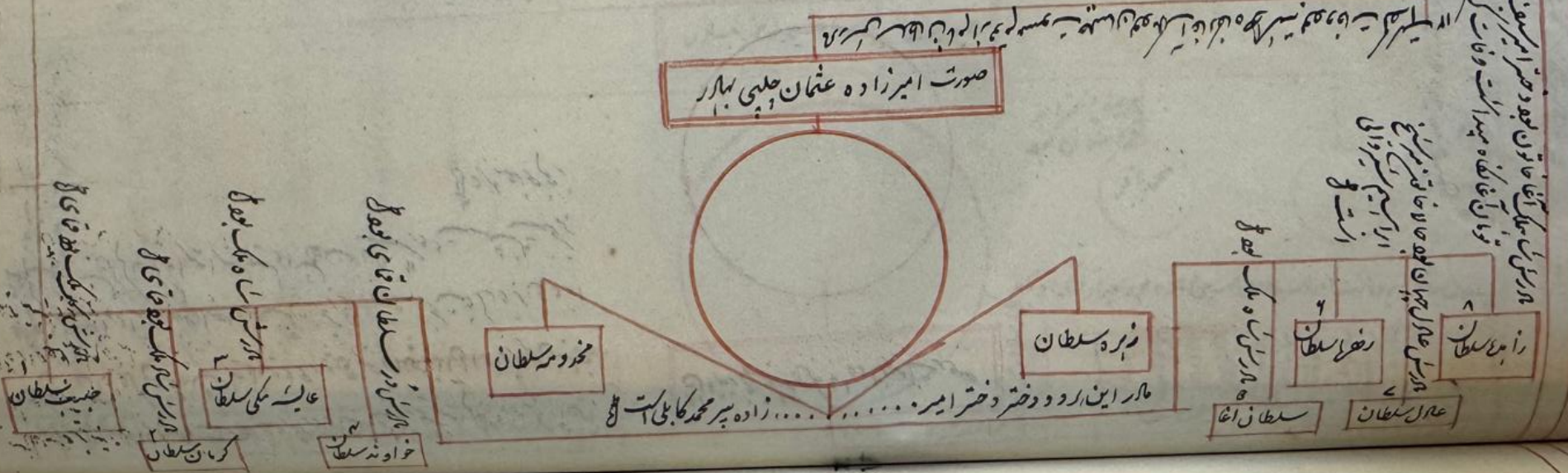
سرخ خواتین و قمایان او

- حسین برلاس
- سوکل بیگار
- مالسل سلطان برلاس
- دولتخواجه معدودار
- عسک حلایر
- ترک سدور
- خواجه

۲۰۳



صورت امیرزاده عثمان جللی بهادر



صورت امیرزاده عمر بهادر

این عمر بهادر امیر توم سوم است که هم لا کوشان در تصرف و در است نسل در بهمان و بهادر سلطان و بعد از آنکه برادرش ایلیکینز از روی خروج کرد و تمام ملک از وی شد و وی نماز بدرگاه شاه رخ مرزا نهاد و وی او را امانت از نوزادان بعد از آنکه فتح مینویسد و او را بگوید

صورت امیرزاده عمر بسیار

سلاج امرائی ذیشان او

- |  |            |                 |                             |
|--|------------|-----------------|-----------------------------|
| جانبه برلاس<br>معدن گرانجی شد او<br>را بکلیت | سلطان سنجر | محمد قراقون     | ضدادالسیف الدین             |
| ارک سلدور                                    | عصول برلاس | رسان اکا        | سیف الدین بن قطب الدین مغول |
| فارسهای                                      | ادج مظفر   | سلطان محمد ولده | سید علی طوطک                |
| باباعمران                                    | شاه رستم   | سلطان ملک قومی  | کسار قومی نوروز             |
| سلج محمد و حاجی                              | صلح نورجی  | خلید قومی       | توغلوغ پهلور قومی           |
|  |            |                 | سلطان محمد بن اسوقا         |

سلاج خواتین و قایان او

- |               |               |               |               |
|---------------|---------------|---------------|---------------|
| امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر |
| امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر |
| امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر |
| امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر | امیرزاده سنجر |

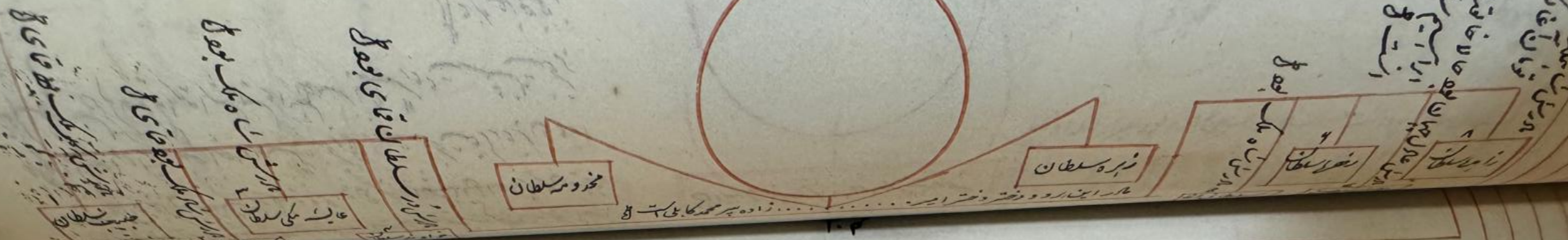
مدرس با سنجر بیگ  
دختر امیر شمس الدین  
مسیو گامی فاس بود ذات  
یافت

مدرس لعل بیگ  
ارژوم لعل بیگ

مدرس لعل بیگ  
بجاس

این عمر بحکم امیر تیمور تخت گاه بولا کوخان در تصرف دولت مثل آذربایجان و تبریز و سلطان  
و بعد آن بعد از آنکه برادرش ابابکر مرزا بر وی خروج کرد و تمام ملک از وی شد و بر وی  
نماز بدرگاه شایخ مرزا نهاد و وی او را ابالت ما زنده آن بعد از آنکه فتح مکه بود و او  
آن تا سپس از عم حسن رکت و جنگ که بسبب زخم کاری که در آن جنگ شد است بود  
در ۲۲ ذی قعدة سنه ۸۹۹ هجری در جنب فخر الدین رازی مدفون است

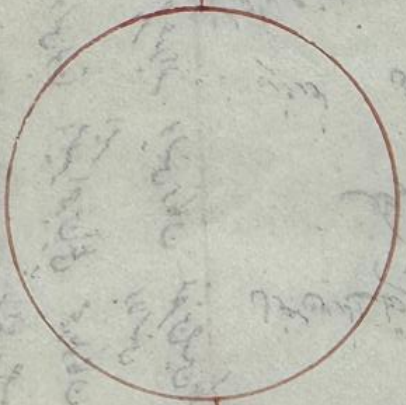
عمر این اراده و دختر دست راست زاده بر محمد گامی است



صورت امیرزاده خلیل سلطان

این خلیل سلطان در سمرقند پادشاه شد بود

مادرش خانزاده بود ذخرآق صوفی که اول خاقون امیرزاده جهانگیر بود و او را  
سر ای ملک خانم نگاه میداشت و لادش شنبه ۲۴ جمادی الاخر ۸۶۷  
بدار السلطنت هرات و فاقس شنبه ۱۶ رجب ۱۲۱۲ بدت  
عمرش ۲۸ سنه و ۲۲ روز جلوس او بر تخت سمرقند ۸۰ سنه بعد وفات  
امیر تیمور بدت سلطنت او جاری شد و کسر



شرح احوال و ذی ان او

شرح خواجهن و قامان او

۱۰۶

صورت امیرزاده محمد باقر

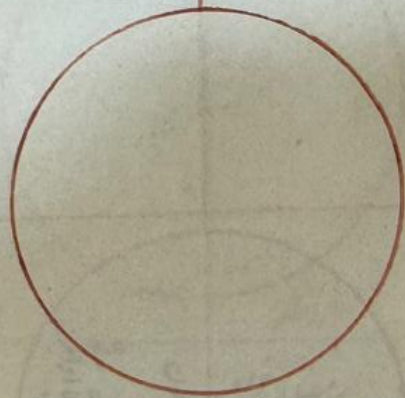
شیرکول

محمد بهادر

علی

مادر این روح جهان سلطان بود

مادر این دختر خانه بود  
از بهای وفات نیست  
است



مادرش سرملک آغا دختر فولاد از نسل  
ساق و ولد قتل در حمله نغم رهنما کند  
شد عشر و خانایه

کرمک آغا سرملک آغا

مادرش جهان سلطان سیک  
کامل امیرزاده علی آرز  
قوم ارلات خانم  
کلاه دانسته بود وفات یافته  
مهم

سرای ملک آغا حاسنی

مادرش شاه دملک آغابله  
نند که حضرت نگاه کرده بود  
رضمت حق رفت مهم

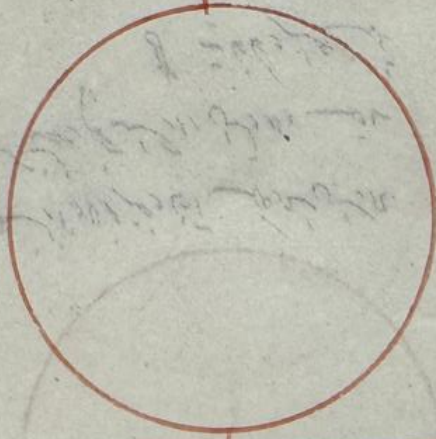
سلطانم

مادرش شاه ملک آغا و  
حلا هم محترم امیرزاده  
الغ ملک است مهم

۲۰۴

۲۰۷

صورت امیرزاده ایچیل و سید فرزند او



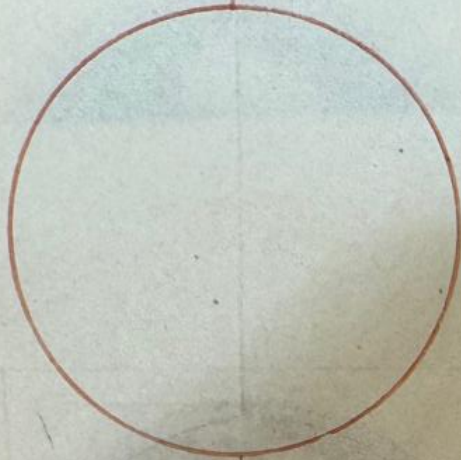
شرح خواتین و قبایل او

شرح امرای ذیشان او

صورت امیرزاده سید غنیمت و شعله فرزند او

ایچیل

صورت امیرزاده سید غمگین و شعبه فرزندان او



شرح امیران ذیشان او

شرح خواتین و قایمان او

سارلق الکا	قطب الدین	ملوعاق	بولس ترکان	اروس بوقا	رمضان خواجه
قلوچ بواجی	سید علی طوطک	سلطان محمد	ارک سدوز	ضداداد	مطف
اوج قرا	امیر سفالدین	غیاث حماتی	دولدائی	عمان عباس	عباس
حاکم علی لجه مہر دار	حاج خلیفہ	سلطان سحر	مصر بن حسین	نوشیروان	دلی برادر اکو
		بن سیف الدین	برلاس	بن حسین ملک	نیمو
		حاج عبدالہ	سید علی گلار	حاج خواجہ	محمد فی
احمد بن محمد سلطان	محمد قورقون				
نوفلوغ تیمور نوچر	خلیل نور	سلطان قورچی	نخشاہ قورچی	شیخ محمد تراچی	نوزوز

عنان عباس شہزادہ تیمور بن حاج علی لجه مہر دار و بی او امیر  
 نجششاہ جنار اول  
 تیمور بن حاج علی لجه مہر دار

صورت امیرزاده سلطان محمد و سید فرزندان او



فولاد خان  
بارکس قلا به دولت خست نام از سل

Sultan Mahomed Konkan  
Kondantz Feinow

دولت‌الدین صاحب سلطان محمد از امیرزادگان است  
از قوم خوارزمشاه است

منوچهر مرزا

شرح خاتین و قبان او

شرح امیران دلبان او

صورت سلطان ابو سعید و سید فرزندان او

این سلطان ابو سعید در پست و بی کبی بدت غزنین شد بود

صورت سلطان ابو سعید و شعبه فرزندان او



این سلطان ابو سعید در عمر سیست و پنج یکی با بخت غزنین شده بود  
و ملک ما و راهنر و قندهار و ترکستان و بعضی حدود هندوستان نیز در  
تصرف خود داشت که بعد از آن بر سر آرای سلطنت گذرایند بعد از غرضه  
چند امرای چغتاییه سوفائی مغضبه با رکمانان ترکان متفق شده از قند  
با آرزوی شکست رسیدند بعد قتل این تاریخ مقتل سلطان ابو سعید  
و شمشیر گذاشتند

Sultan "Abou Sa'ed -  
Resurrection of Timur, 1469

شرح امرای دین او

این ابو سعید بن محمد سلطان در عمر ۲۵ سالگی در سنه ۷۸۰ غزنین با بخت شده  
بعد از آن ترکستان و غیره تصرف و حدود هندوستان و قندهار و غیره در تصرف آورد  
در سنه ۸۰۰ بحر بحر هم سالگی در قندهار و ترکستان و دیگر بلاد را تصرف کرد  
آذربایجان هم پس از این فراتر از آنکه میسر شده میران جلال الدین را شکست داد

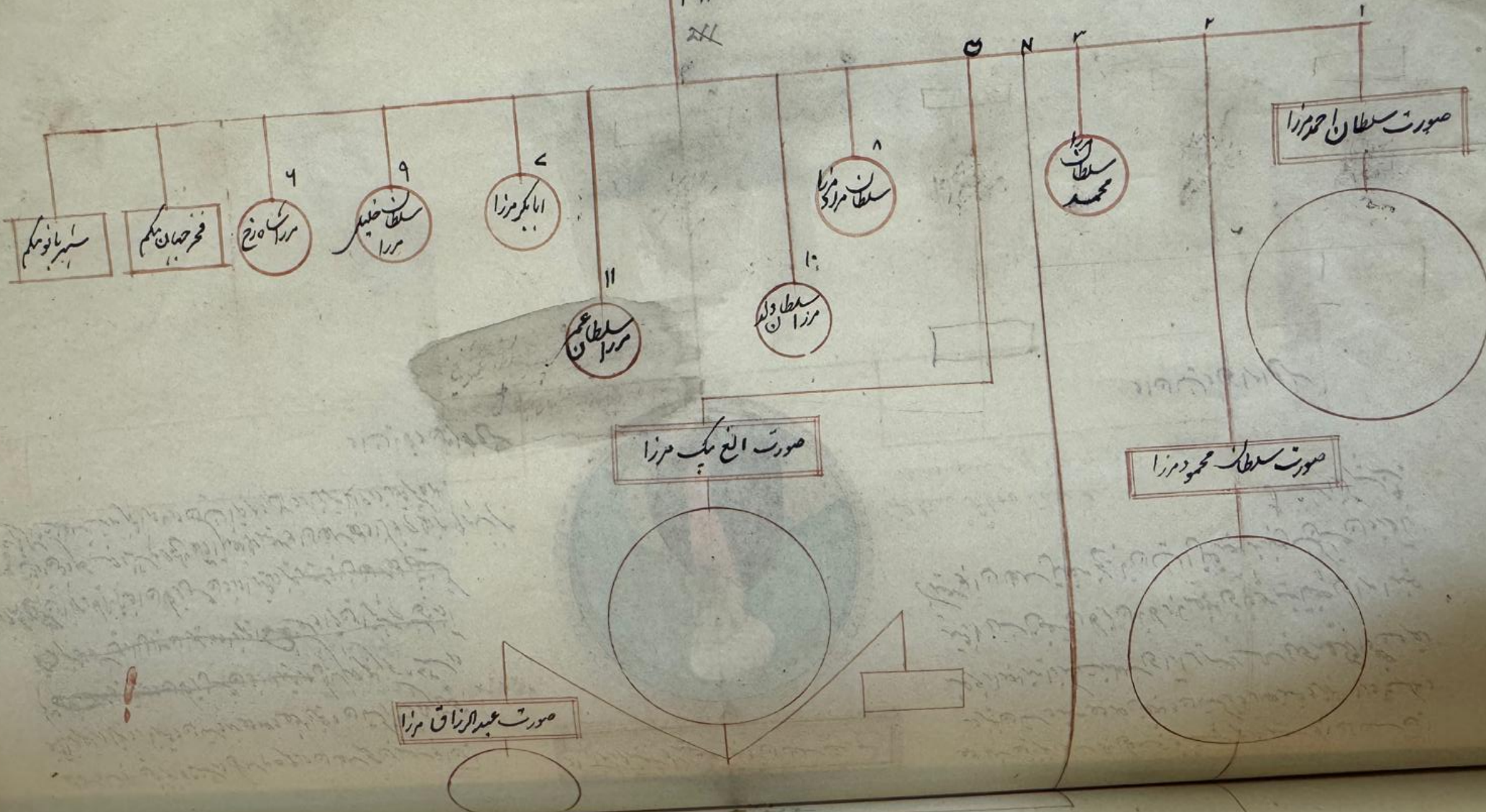
780 1468

کشیق سلطان ابو سعید نیز در قندهار و ترکستان افتاد با کار مرزبانان  
میرزا شاهرخ مرزا ج نوکر او بود سلطان ابو سعید را بعد از آنکه با جمعی از حاکمان  
مکه و قندهار در حال استراحت در راه و مرقد آن ملک در ماوراءالنهر دست سلطنته را گرفتند

شرح خوابین و قجایان او

۲۱۱

۲۱



صورت عمر سلیمان مرزا

صورت عبدالرزاق مرزا

صورت عمر شيخ مرزا



Omur Sheikh Mirza  
Accountant of Jamnora  
1465-1495

صورت ميرزا ابوالستف

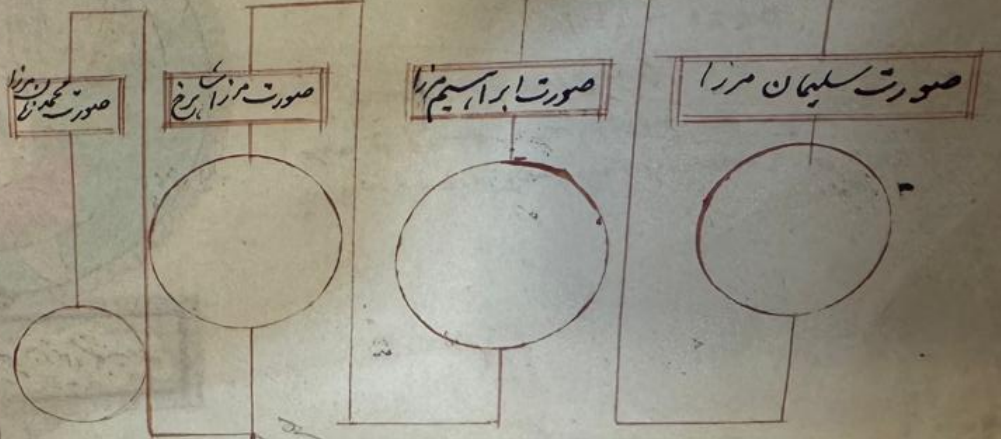
صورت سلطان مسعود

صورت پير ميرزا المشير شيخ مرزا  
والده حضرت

صورت علي مرزا

صورت سهراب نويسليم  
صورت رضيه سلطان بيگم  
خازانده بيگم  
بيگم کار سلطان بيگم

نام مرزا  
جهانگير مرزا  
بيگم کار نام مرزا



صورت سلطان مسعود

۱۳  
۲۱۷  
دوسرا اولاد  
صورت ظہیر الدین محمد بابر بابر بادشاہ سلطان حسن نیکمرغ



Zahir-oo-din Babar, son of Amir Shah Mirza, second Emperor of India, descended from Timur.

1495 - 1530

in Delhi 1526 - 30

سرخ خواتین و قباغان او

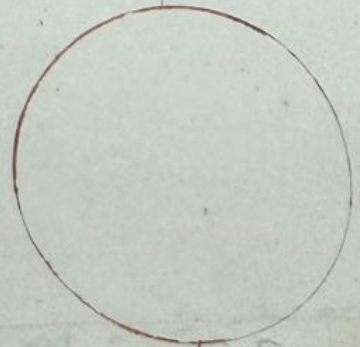
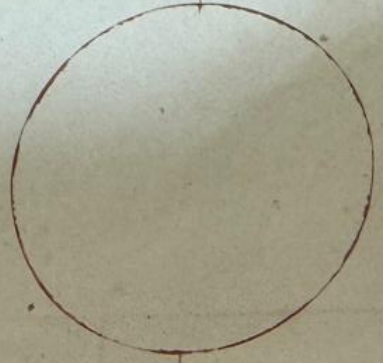
سرخ امیران ذیشان او

صورت مرزا کامران

صورت مرزا عسکری

صورت حسدال مرزا

انور مرزا



ابراهیم مرزا

سید سلطان بیگم

حاجی بیگم

کلزار بیگم

معصوم بیگم

سپهر بانو بیگم

بختی بانو بیگم

کلبدن بانو بیگم

گلچهره بیگم

کلرنگ بانو بیگم

۲۹۰  
صورت نصیر الدین محمد بایون باریک سعید فرزند



Empereur de l'Inde  
Nourmahal - em of Babur

سرخ خواتین او

سرخ امیران او

and when completed, please leave the book in the Reading Room starting at our St Pancras site, or hand it to Reading Room staff at St Pancras, London, WC2R 2NF, UK. January 2026

الامان مرزا

سازاده سلطان مراد

سکندر بیگم

فخران بیگم

مجنوب بیگم

مرزا دالی بیگم

محمد حکیم مرزا

افراسیاب مرزا

کلیقچا مرزا

اورنگ مرزا



Handwritten text in a rectangular box at the bottom center of the page.

۲۱۷

صورت ابوالفتح جلال الدین محمد اکبر باریک و سید فرزند



abul Fattah - Jhalal-ud-deen  
Mahomed Akbar, Emperor, 1556-1605

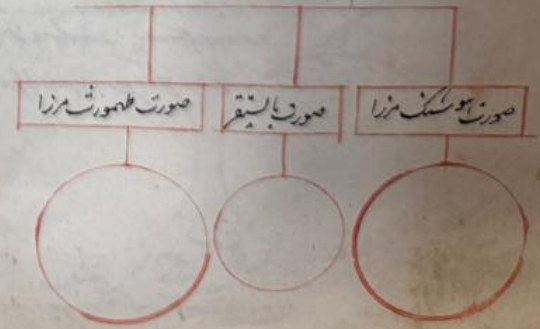
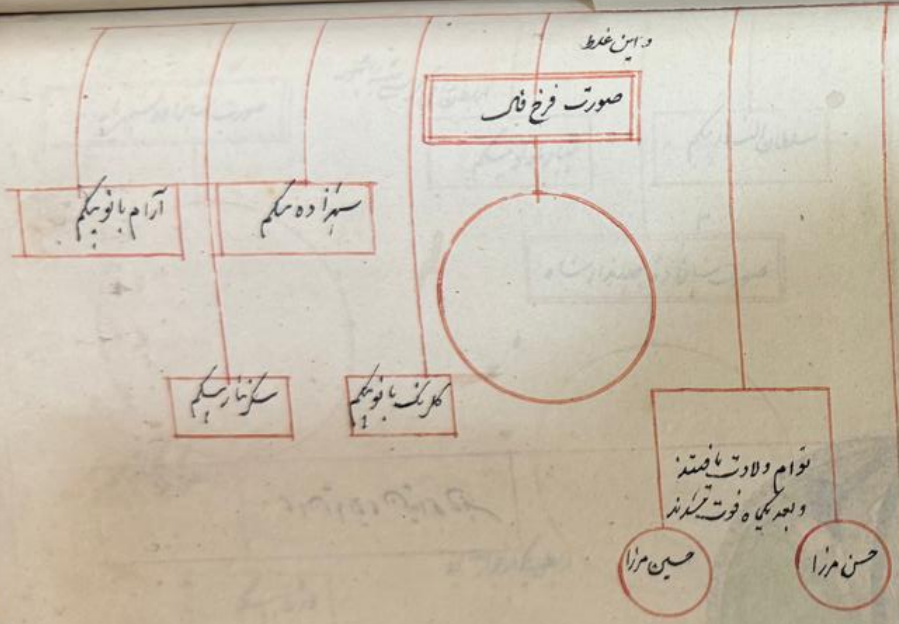
سلج خوانین و قباایل او

سلج امیران و وزیران در صف او

دین خرد



صورت مرزا دانیال



صورت ابوالمظفر نورالدین جهانگیر پادشاه و شیخ خواجه



Abu'l Mozuffar - Noor-ood-Dun Mahomed  
Jehangeer, Emperor.  
1605-1627.

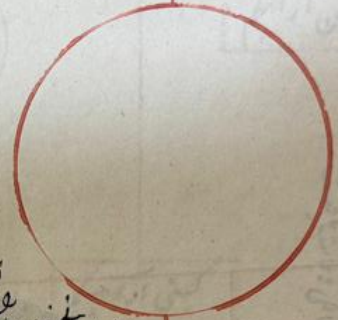
شیخ خواجه و قهایم او

شیخ امران و وزیران او

صورت شاهزاده سلطان پرویز

سلطان بانو بیگم  
از بطن صیدان سکینه

صورت شاهزاده خنجر و سلطان



از بطن شاه خوار و پادشاه  
زینکده

از بطن صیدان زینکده



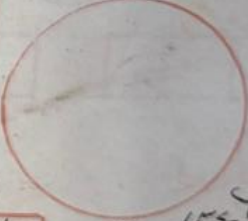
بنت مادره

ابن

صورت کریم الله خنجر و

صورت بلند اختر

داور بخش عرف بولاق

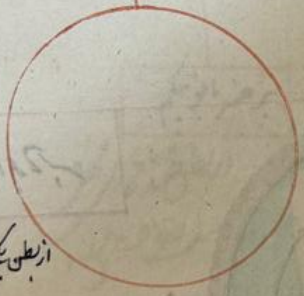


ابن زاده شاهزاده خنجر و  
سلطان بانو بیگم  
بش زاده پادشاه و بانو بیگم  
پادشاه بانو بیگم  
پادشاه بانو بیگم  
پادشاه بانو بیگم

سلطان الف بیگم

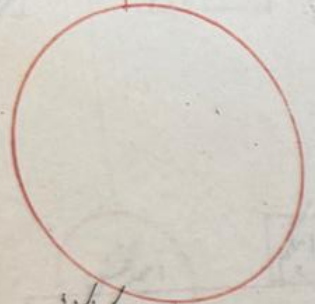
بهار بانو بیگم

صورت شاهزاده جهاندار شاه



از بطن شاه خوار و پادشاه

صورت شاهزاده سپهریار



از بطن شاه خوار و پادشاه

لاداسیگم

از بطن شاه خوار و پادشاه

صورت ابوالمظفر شهاب الدین محمد بن سید  
محمد باقر



Abul Mozaffer, Shahrud-rood deen  
'Koh Jehan - Cuneen. 1627-1658 -

شرح خواتین و قباہان او

شرح امیران و وزیران او

باغچه در دولتخانه  
البت انست

جهان آرا بیگم  
غرف صاحب بیگم

امید بخش

دلاس بیگم

ردین آرا بیگم

کوبر آرا بیگم

برهنه بانو بیگم

ارطغرل بیگم  
سلطان صغیر آرا

محمد صلت افرا

در سنه احد در چهارشنبه  
بنام رضا این بیگم زاده  
شودند

کیتی آرا بیگم

حسن آرا بیگم

در درون صفایان در امیر بیگم  
پادشاه سگی زده یافت

ارطغرل بیگم  
سلطان

شیر بانو بیگم

- ۱ - شرف سلطان دارا بیگم
- ۲ - شرف سلطان شاه سلیمان
- ۳ - شرف سلطان مراد بیگم
- ۴ - شرف سلطان علی بیگم

۲۳

صورت شاهزاده محمد دارا شکوه و بیعت تمام  
و شعله فرزندان او



Prince Dara Shikoh  
Eldest Son of Shah Jahan.

سرخ امیران و دروزان او

سرخ خواستین و قبا بان او

تبرشکوه  
سنگان

ممتاز سنگ  
سنگان

جهان نيب بانوسکم

سپر سنگ  
سنگان

سنگ سلیمان  
سنگان



سنگان

عالی بنار

در حصار سنگان  
سنگان

در حصار سنگان  
سنگان

۲۲۰

شاه

صورت شاه سلجاق و شعبه فرزندان او



Shah Sujah  
2<sup>nd</sup> son of Shah Jehan  
reign of Nurjahan

سلجاق امیران او

سلجاق خواتین او

۲۲۶  
۲۲۷

صورت شاهزاده محمد اوجین و سبزه فرزندان



Prince Murad Bukh  
3 Son of Shah Jehan,

شرح ایران او

شرح خواتین او

داور بخش

حکمت الله با تو حکیم  
رفیع محمد سلطان  
بن عامر

نادره با تو حکیم

آس لیس با تو حکیم

سلطان ایزد بخش  
سلطان ایزد بخش

جهان با تو حکیم

زینب الف با تو حکیم

محمد با تو حکیم

سلطان یزدان بخش

عزیز و الفوضا  
سزا محمد بن ایزد بخش

ساراده محمد بخش



Mohey-ood-deen Makhomed,  
Auzunzebe, Emperor - 1658, 1707  
4<sup>th</sup> Son of Shah Jehan. -

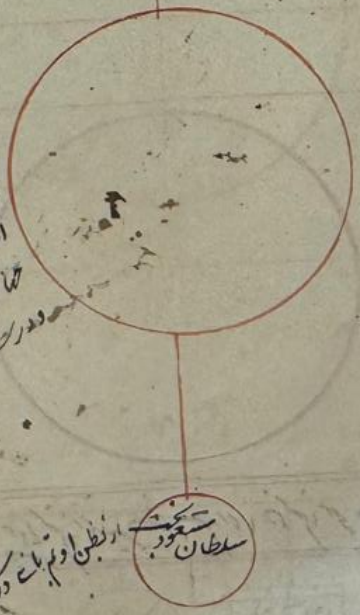
سخ خاتین

سخ امیران

رنب النساء مہم

مہر النساء ہیکم

صورت سلطان محمد بن اورنگ زب



سلطان محمد

ارنگ زب اورنگ زب در سنہ ۱۰۹۵ھ بمطابق ۱۶۸۴ء  
 در ۱۰ رجب ۱۰۹۵ھ بمطابق ۱۶۸۴ء  
 در ۱۰ رجب ۱۰۹۵ھ بمطابق ۱۶۸۴ء

سلطان محمد اورنگ زب عالمگیر بادشاہ  
 سلطان محمد اورنگ زب عالمگیر بادشاہ  
 سلطان محمد اورنگ زب عالمگیر بادشاہ  
 سلطان محمد اورنگ زب عالمگیر بادشاہ  
 سلطان محمد اورنگ زب عالمگیر بادشاہ

شماره ۲۳۱

۲۳۱  
لا

صورت محمد اکبر بن ادریس از نسل شهسوار با کبر در آرزو



شرح امر ایمن او

شرح خوانین او

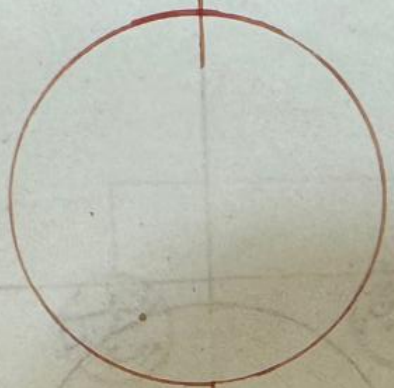
ذکر سلطان بیکم

صفیه سلطان بیکم

صورت سلطان محمد بنو سیر بن محمد البرقزار بن ...  
عالم ...

عبد الوهاب

محمد صغیر



محمد حسن  
عرف علامه صاحب

مرزا فتی "میرزا"

عرف کله آصاحب

جینا بیکم

مرزا احمد  
عرف میر محمد

درت بیکم

امیر شایمک

محمد بخش  
لا دولت مرد

نور جهان بیکم

بیکم

مرزا منو

بیکم

ولسند ...  
عرف ...

۲۳۳

۲۳۳

صورت سلطنت محمد بن عثمان بن علی بن محمد بن  
و تبعه اولاد است



سج امرایان و وزیران او

سج خواجهن و پادشاه او

سلطان حسن

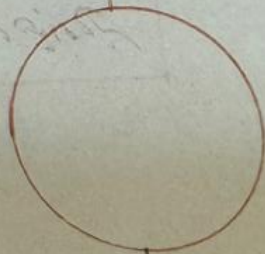
سلطان محمد امیر

سلطان محمد فیروز

میرزا احمد حسن

سلطان جام بخش

صورت سلطان محی السنة



میرزا محمد بخش  
عرف میرزا افروز

محمد دین اردر

عرف میرزا احمد  
میرزا احمد بخش

میرزا اسمعیل

میرزا احمد بخش  
عرف میرزا احمد

میرزا عبد  
میرزا غلام  
میرزا

براسم

میرزا الله بخش  
عرف میرزا احمد

۲ ۳۵

~~۲۳۳~~

شرح محلی الملک بکر بن محمد کاظم بن ابی اورنگزیب  
کتاب اسم محلی الملک مشهور لفظ ۱۲



شرح خواتین و قباہان او

شرح امرای دین او

۱۲

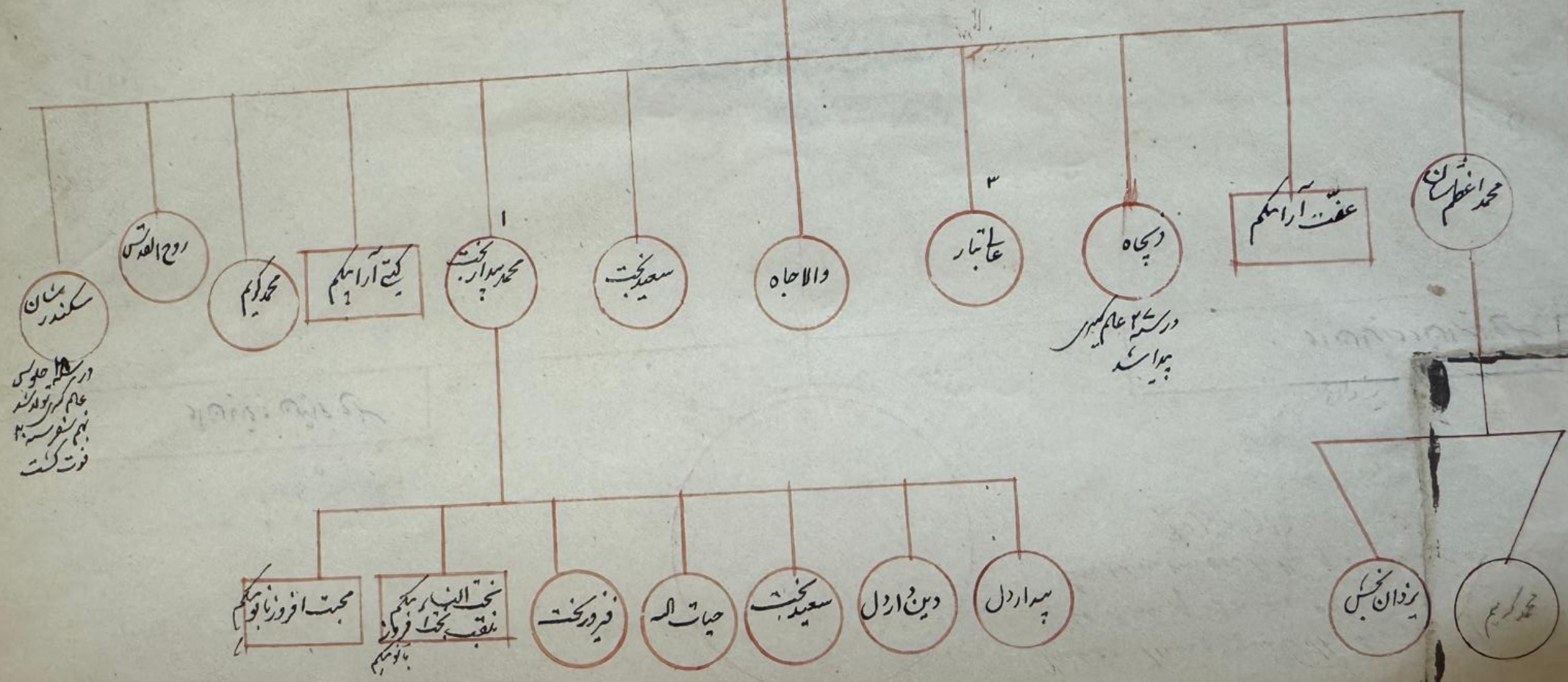
صورت محمد اعظم شاه المطب علمی نزهت علیا



شرح امیران و وزیران او

شرح خواتین و قباہان او

۲۳۷  
۲۳۶



در سال ۱۱۵۰ هجری  
 عام که در آن سال  
 بنام شیخ سید  
 فوت گشت

در سال ۱۱۵۰ هجری  
 پیوسته

صورت محمد مغفط ه المني طك ه علم بهار و شيراز  
اور



Prince Muazzim Shah,  
Elder son of Aurangzeb,  
Emperor under title of Bahadur Shah  
1707, 1712 -

شرح خواتین و قباہین او

شرح امیران و وزیران او

۲۳۹  
۲۳۶

شیرزاده در افغان

از لطف و خیر تاجه  
روستای کورستان  
جلوس تولد

صلوات افروز بانوسکم

درا افروز بانوسکم

محمد مایلین

در رشته علم کلام



Handwritten text in a decorative box, likely a title or description of the illustration above.

۳  
۴  
رفع القدر بخطاب رفیع اللقب  
محمد امیر خطاب جهات

صورت شیرزاده رفیع القدر بخطاب رفیع اللقب

صورت شاهزاده رفیع القدر کا پرتیچ



Prince Ruffy ost Kund  
son of Emperor Shahjahan

صورت رفیع الدوله لقب بیجهان

رفیع الدجیات ملقب بیست الدین ابوالبرکات

سلطان ابراهیم ملقب الوفتح ظہیر الدین



ایک شہزادہ راہبہ علیہ السلام  
ابراہیم شہزادہ  
دولت علیہ السلام  
سلطنت علیہ السلام  
شہزادہ علیہ السلام  
آئینہ و نور علیہ السلام  
۱۱۱۱

ایک شہزادہ راہبہ علیہ السلام  
دولت علیہ السلام  
سلطنت علیہ السلام  
شہزادہ علیہ السلام  
آئینہ و نور علیہ السلام  
۱۱۱۱

ایک شہزادہ راہبہ علیہ السلام  
دولت علیہ السلام  
سلطنت علیہ السلام  
شہزادہ علیہ السلام  
آئینہ و نور علیہ السلام  
۱۱۱۱

Rutz vool Doyka  
in 1720

Rutz vool Doyka



۵۲۱  
۱۵۱۸  
۱۵۱۹  
۱۵۲۰  
۱۵۲۱  
۱۵۲۲  
۱۵۲۳  
۱۵۲۴  
۱۵۲۵  
۱۵۲۶  
۱۵۲۷  
۱۵۲۸  
۱۵۲۹  
۱۵۳۰  
۱۵۳۱  
۱۵۳۲  
۱۵۳۳  
۱۵۳۴  
۱۵۳۵  
۱۵۳۶  
۱۵۳۷  
۱۵۳۸  
۱۵۳۹  
۱۵۴۰  
۱۵۴۱  
۱۵۴۲  
۱۵۴۳  
۱۵۴۴  
۱۵۴۵  
۱۵۴۶  
۱۵۴۷  
۱۵۴۸  
۱۵۴۹  
۱۵۵۰  
۱۵۵۱  
۱۵۵۲  
۱۵۵۳  
۱۵۵۴  
۱۵۵۵  
۱۵۵۶  
۱۵۵۷  
۱۵۵۸  
۱۵۵۹  
۱۵۶۰  
۱۵۶۱  
۱۵۶۲  
۱۵۶۳  
۱۵۶۴  
۱۵۶۵  
۱۵۶۶  
۱۵۶۷  
۱۵۶۸  
۱۵۶۹  
۱۵۷۰  
۱۵۷۱  
۱۵۷۲  
۱۵۷۳  
۱۵۷۴  
۱۵۷۵  
۱۵۷۶  
۱۵۷۷  
۱۵۷۸  
۱۵۷۹  
۱۵۸۰  
۱۵۸۱  
۱۵۸۲  
۱۵۸۳  
۱۵۸۴  
۱۵۸۵  
۱۵۸۶  
۱۵۸۷  
۱۵۸۸  
۱۵۸۹  
۱۵۹۰  
۱۵۹۱  
۱۵۹۲  
۱۵۹۳  
۱۵۹۴  
۱۵۹۵  
۱۵۹۶  
۱۵۹۷  
۱۵۹۸  
۱۵۹۹  
۱۶۰۰  
۱۶۰۱  
۱۶۰۲  
۱۶۰۳  
۱۶۰۴  
۱۶۰۵  
۱۶۰۶  
۱۶۰۷  
۱۶۰۸  
۱۶۰۹  
۱۶۱۰  
۱۶۱۱  
۱۶۱۲  
۱۶۱۳  
۱۶۱۴  
۱۶۱۵  
۱۶۱۶  
۱۶۱۷  
۱۶۱۸  
۱۶۱۹  
۱۶۲۰  
۱۶۲۱  
۱۶۲۲  
۱۶۲۳  
۱۶۲۴  
۱۶۲۵  
۱۶۲۶  
۱۶۲۷  
۱۶۲۸  
۱۶۲۹  
۱۶۳۰  
۱۶۳۱  
۱۶۳۲  
۱۶۳۳  
۱۶۳۴  
۱۶۳۵  
۱۶۳۶  
۱۶۳۷  
۱۶۳۸  
۱۶۳۹  
۱۶۴۰  
۱۶۴۱  
۱۶۴۲  
۱۶۴۳  
۱۶۴۴  
۱۶۴۵  
۱۶۴۶  
۱۶۴۷  
۱۶۴۸  
۱۶۴۹  
۱۶۵۰  
۱۶۵۱  
۱۶۵۲  
۱۶۵۳  
۱۶۵۴  
۱۶۵۵  
۱۶۵۶  
۱۶۵۷  
۱۶۵۸  
۱۶۵۹  
۱۶۶۰  
۱۶۶۱  
۱۶۶۲  
۱۶۶۳  
۱۶۶۴  
۱۶۶۵  
۱۶۶۶  
۱۶۶۷  
۱۶۶۸  
۱۶۶۹  
۱۶۷۰  
۱۶۷۱  
۱۶۷۲  
۱۶۷۳  
۱۶۷۴  
۱۶۷۵  
۱۶۷۶  
۱۶۷۷  
۱۶۷۸  
۱۶۷۹  
۱۶۸۰  
۱۶۸۱  
۱۶۸۲  
۱۶۸۳  
۱۶۸۴  
۱۶۸۵  
۱۶۸۶  
۱۶۸۷  
۱۶۸۸  
۱۶۸۹  
۱۶۹۰  
۱۶۹۱  
۱۶۹۲  
۱۶۹۳  
۱۶۹۴  
۱۶۹۵  
۱۶۹۶  
۱۶۹۷  
۱۶۹۸  
۱۶۹۹  
۱۷۰۰  
۱۷۰۱  
۱۷۰۲  
۱۷۰۳  
۱۷۰۴  
۱۷۰۵  
۱۷۰۶  
۱۷۰۷  
۱۷۰۸  
۱۷۰۹  
۱۷۱۰  
۱۷۱۱  
۱۷۱۲  
۱۷۱۳  
۱۷۱۴  
۱۷۱۵  
۱۷۱۶  
۱۷۱۷  
۱۷۱۸  
۱۷۱۹  
۱۷۲۰  
۱۷۲۱  
۱۷۲۲  
۱۷۲۳  
۱۷۲۴  
۱۷۲۵  
۱۷۲۶  
۱۷۲۷  
۱۷۲۸  
۱۷۲۹  
۱۷۳۰  
۱۷۳۱  
۱۷۳۲  
۱۷۳۳  
۱۷۳۴  
۱۷۳۵  
۱۷۳۶  
۱۷۳۷  
۱۷۳۸  
۱۷۳۹  
۱۷۴۰  
۱۷۴۱  
۱۷۴۲  
۱۷۴۳  
۱۷۴۴  
۱۷۴۵  
۱۷۴۶  
۱۷۴۷  
۱۷۴۸  
۱۷۴۹  
۱۷۵۰  
۱۷۵۱  
۱۷۵۲  
۱۷۵۳  
۱۷۵۴  
۱۷۵۵  
۱۷۵۶  
۱۷۵۷  
۱۷۵۸  
۱۷۵۹  
۱۷۶۰  
۱۷۶۱  
۱۷۶۲  
۱۷۶۳  
۱۷۶۴  
۱۷۶۵  
۱۷۶۶  
۱۷۶۷  
۱۷۶۸  
۱۷۶۹  
۱۷۷۰  
۱۷۷۱  
۱۷۷۲  
۱۷۷۳  
۱۷۷۴  
۱۷۷۵  
۱۷۷۶  
۱۷۷۷  
۱۷۷۸  
۱۷۷۹  
۱۷۸۰  
۱۷۸۱  
۱۷۸۲  
۱۷۸۳  
۱۷۸۴  
۱۷۸۵  
۱۷۸۶  
۱۷۸۷  
۱۷۸۸  
۱۷۸۹  
۱۷۹۰  
۱۷۹۱  
۱۷۹۲  
۱۷۹۳  
۱۷۹۴  
۱۷۹۵  
۱۷۹۶  
۱۷۹۷  
۱۷۹۸  
۱۷۹۹  
۱۸۰۰

صورت محمد عظیم بلقیع کمال عظیم الشان



Prince Azim-ush-Shan  
son of Emperor Bahadur Shah



بہادر شاہ

پادشاہ

محمد شاہ

۲۴۳

۲۴۳

عرف سنجین حکیم

از شاه عالم بزرگوار بن  
عالمگیر شاه منصور بن  
دوازدهمین پادشاه ایران

محمد  
عرفت افغان  
عرفت افغان

حیات الف بر حکیم

از فرزندان امیرالدین عرف  
میرزا آقایی ابن اعراب  
ابن میرالدین بزرگوار  
منصور بن

صورت محمد فرخ سیرالکرام بن عظیم ابن شاه عالم



محمد فرخ سیرالکرام

Muhammad Ferokhshere  
son of prince Azim uddin Khan  
Empire 1713-1720

صورت مجتہد اختر لعل خاں و سید



Prince Khoopista Akbar  
son of Kumpur P. Akbar Shah

مجتہد اختر عرف  
ابو صاحب

محمد صالح اختر

روسلن اختر  
ملف محمد

زخده اختر

سارین اختر

ناصر سلطان اکبر

حصہ الف

امامی بیگ

عزت سلطان اکبر

امام

امام

عزت سلطان اکبر

عزت سلطان اکبر

شماره اولاد او  
 ابو الفتح ناصر الدین محمد هلمره چهارم بن بهادر شاه



بن ناصر  
 له  
 پوسف از زندان برآمدت هسند

Nasir-ud-din, Imtihan-ud-Daulah  
 grandson of Emperor Bahadur Shah,  
 Emperor - 1719/20 - 1748.

حضرت حکیم

ابو الفتح شاه

ابوالنصر محمدالدین احمد شاه بن محمد شاه جهان شاه



Mujahid-rod. dean  
 Ahmed Shah, son of Compirahome Shah  
 Emperor 1745-

در این کتاب...  
 از نظر...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...  
 در این کتاب...

سلطان بیگم	زینب بیگم	عظمت انور بیگم	بارت بیگم	دل افروز بیگم	محمد بیگم	عماد بیگم	جمیا بیگم	حاج بیگم	ولایت بیگم	پار بیگم
------------	-----------	----------------	-----------	---------------	-----------	-----------	-----------	----------	------------	----------

مرزا محمد سید شاه  
 عرف مرزا شیکه

مرزا اولاد شاه  
 عرف مرزا اجود

محمد شاه

مرزا امیر شاه  
 عرف مرزا انعمو

مرزا محمود شاه  
 عرف مرزا شیکه

محمد شاه  
 عرف مرزا الحی

عرف مرزا عاقل شاه  
 مرزا جمیل شاه

حاج شاه  
 عرف مرزا خیر الله

۲  
۷۶

رزسکه زود وارث تاج و تخت  
محمد جهان شاه بهدار بخت

صورت بهدار شاه بن احمد شاه بابک  
محمد شاه



بنو سبک

محمدی سبک

صورت محمد بن احمد بن بابک  
محمد شاه

Handwritten text at the bottom left of the page, including the name "محمد بن احمد بن بابک" and other illegible script.



محمد علی

محمد علی بیگم

از صاحبان دولت و ولادت یافته در روز جمعه  
در ماه رجب سال ۱۰۲۸ هجری قمری  
در شهر کابل در دولت شاه جهان  
بنام محمد علی بیگم

۲۴۵  
صورت محمد علی بیگم پسر شاه جهان  
بنام او بیگم



Mahmud Muiz-ud-din  
son of Emperor Shah Jahan  
Emperor under title of Jahangir Shah  
1712.

سلطان خواتین و خاندان او

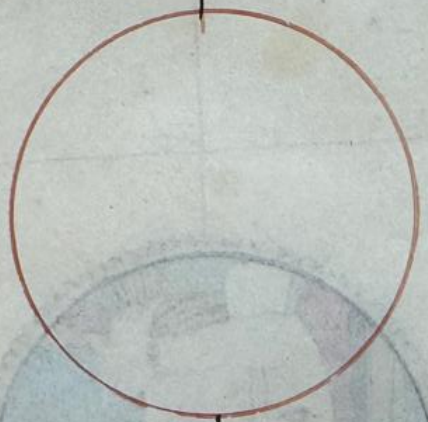
سلطان امیران او

سعد عزالدین علی

محمد مراد

صورت محمد اعزاز الدین ولیعبدین محمد الدین حسن بن ایشاه

۲۴۹



مرزا سلطان صاحب

مرزا کوچک عرف مرزا کالیان

عرف مرزا اسحاق

عبد اسلم

مروج الدین

عرف مرزا اسحاق

مرزا مختار

مرزا احمد

مرزا محمد مصباح عرف کرمون

عزیز الدین بن علی

۲۵۷

عرف مرزا اسحاق

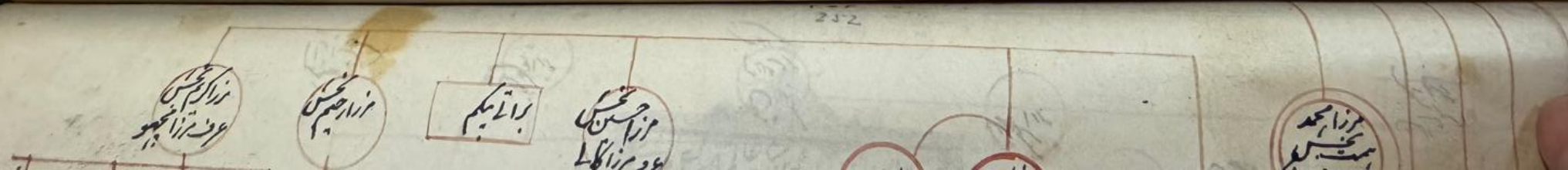
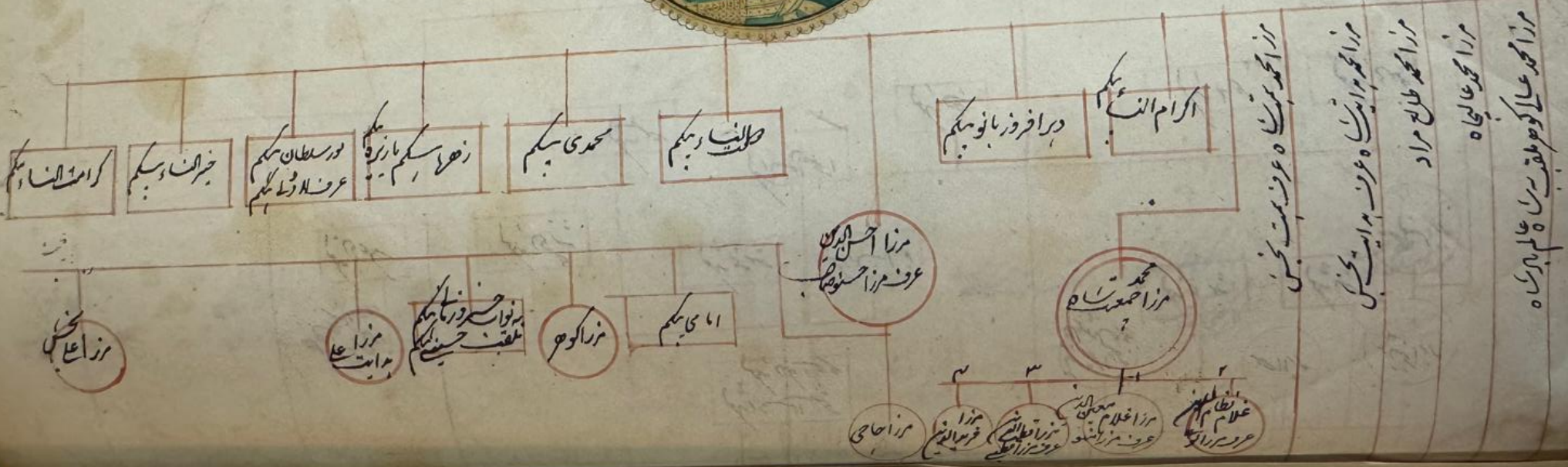
عرف مرزا اسحاق



صورت عزالدین عالمگرا شاه شجاع  
شاهنشاهی هند



Azeez-oddin  
Alauddin Khilji 1757. 1758  
son of Moiz-oddin



عالم برکات

برای پیش

تخت

مرزا محمد

مرزا حسن  
عرف مرزا حسن

امای حکیم

مرزا کوچه

مرزا علی

مرزا علی

مرزا احمد  
مرزا غلام  
مرزا احمد  
مرزا احمد  
مرزا احمد

252

مرزا محمد  
عرف مرزا محمد

مرزا محمد  
مرزا حسن  
عرف مرزا حسن

مرزا حسن  
عرف مرزا حسن

مرزا حسن

مرزا حسن  
عرف مرزا حسن

محمد عمر  
مرزا حسن  
عرف مرزا حسن  
محمد عمر  
عرف مرزا حسن

محمد عمر

عرف جانم

مرزا طابع  
سعد

مرزا محمد  
عرف مرزا محمد

مرزا طابع  
مراد

مرزا محمد  
عرف مرزا محمد

مرزا احمد  
عرف مرزا احمد

محمد مرزا

مرزا سعید

مرزا محمد  
عرف مرزا محمد

عرف مرزا محمد

مرزا غلام  
عرف مرزا غلام

مرزا احمد  
عرف مرزا احمد

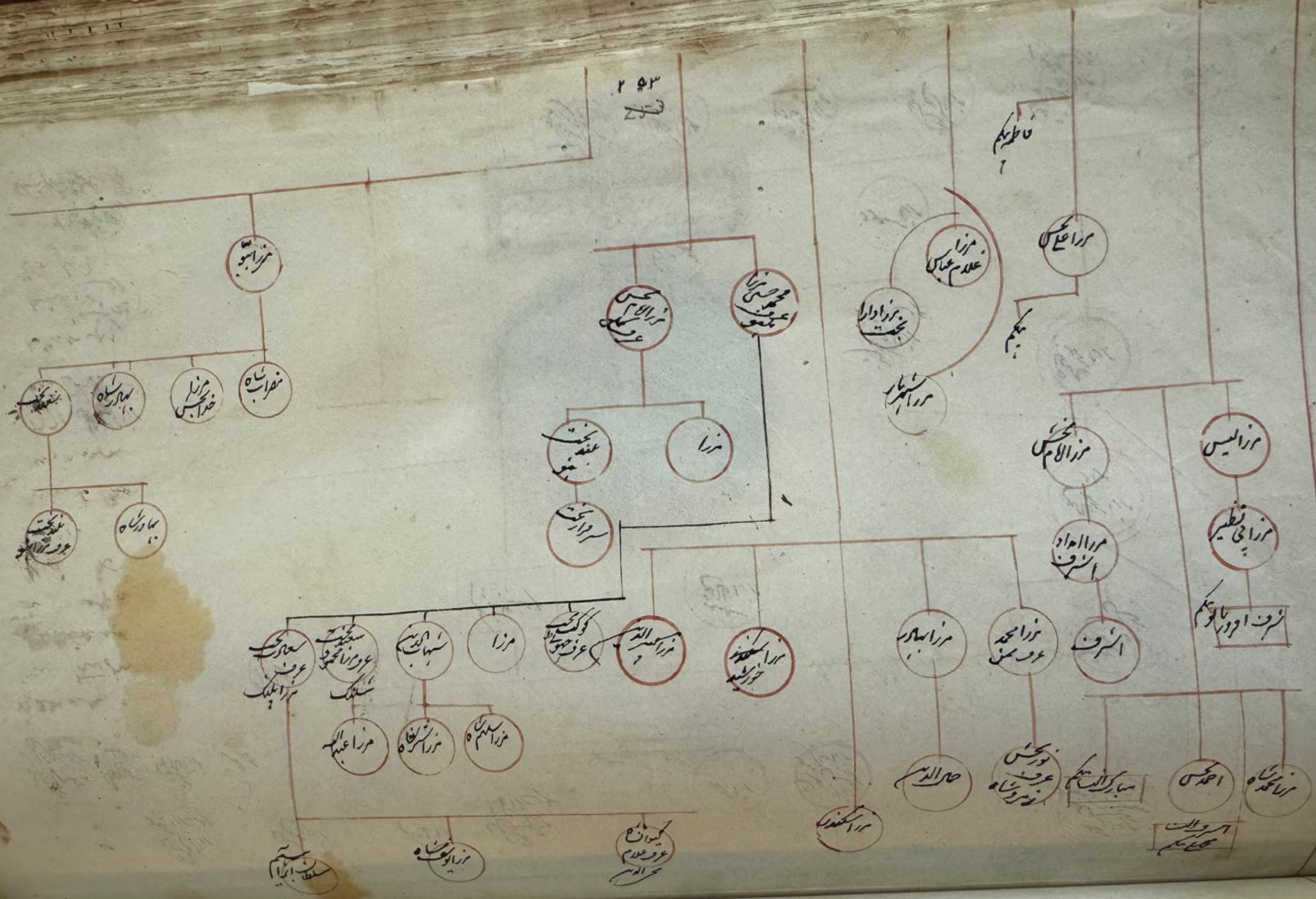
مرزا کوچه

مرزا احمد  
عرف مرزا احمد

مرزا احمد  
عرف مرزا احمد

مرزا احمد  
عرف مرزا احمد

مرزا احمد  
عرف مرزا احمد



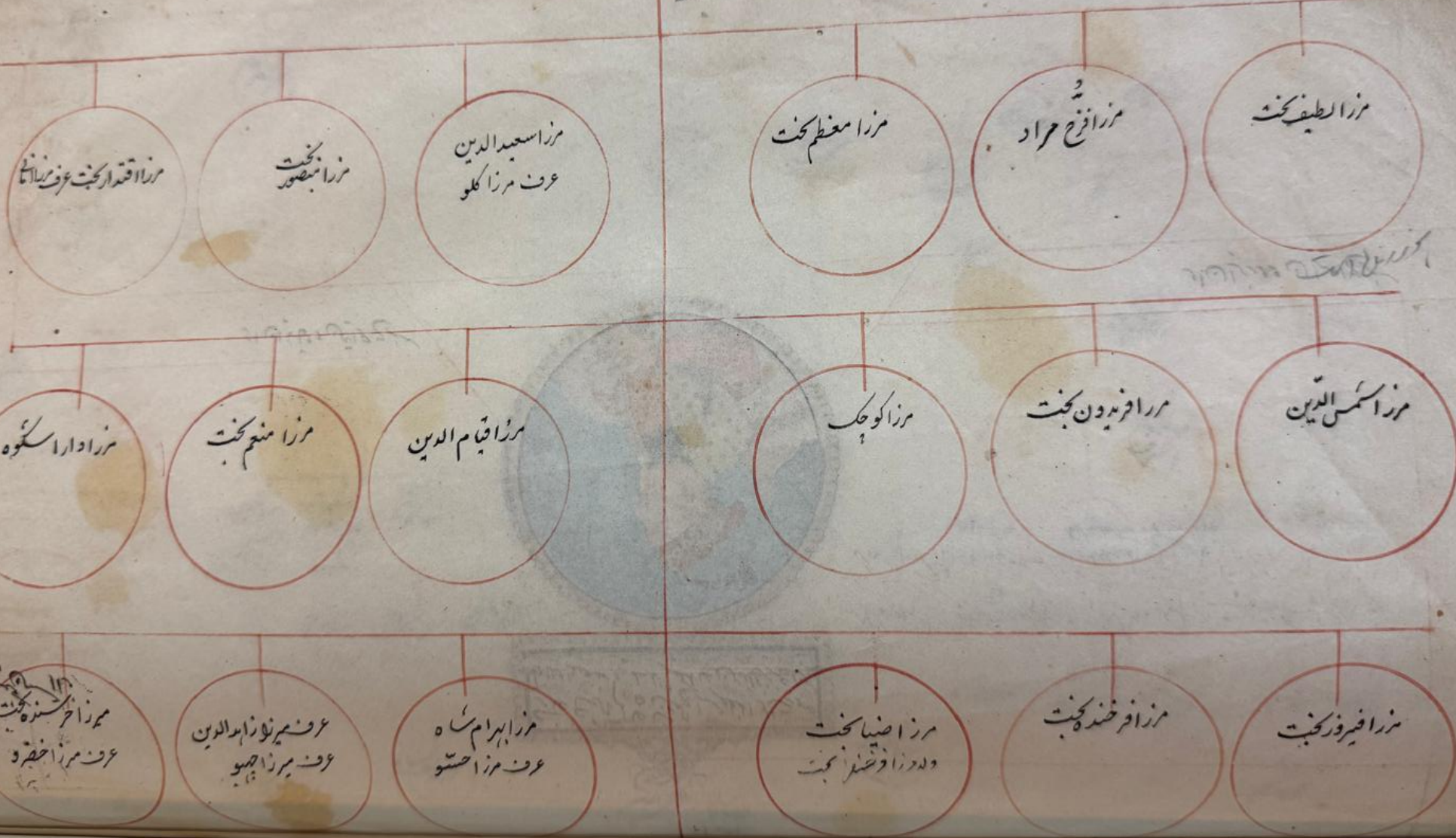
صورت الو المظفر نساج المومنين عالم باقره خانه  
 بن غنزاله...  
 میرزا...  
 میرزا...



۲۵۵

۲۵۶

۱۱



۲۵۷  
۲۵۸

۱۲  
مرزا احمد سنده بخت

Hall at  
We'd love to know how your visit is going today. Please  
fill out the questionnaire at the Information Desk in the  
Boston Spa  
Please leave the questionnaire at the  
staff in Boston Spa

مرزا فیروز کجنت

مرزا فرخنده کجنت

مرزا ضیاء کجنت  
ولاد مرزا قاسم کجنت

مرزا ابراهیم شاه  
عرف مرزا حسو

عرف میرزا ابوالدین  
عرف میرزا حبیب

مرزا امیر کجنت  
عرف مرزا حفیظ

۲۵۶  
۲۵۷

مرزا فتح کجنت

میرزا فرخ کجنت  
عرف میرزا میرن

مرزا امیر کجنت  
عرف میرزا مغل

میرزا حمید کجنت  
عرف میرزا کورثا

میرزا معزالدین

میرزا حسن کجنت

کودک

میرزا اسکندر کجنت  
عرف میرزا جنک

میرزا ایزد کجنت  
عرف میرزا نیلی

میرزا اسدالله کجنت  
عرف میرزا جان

میرزا ذاکرالدین

میرزا اسدالله کجنت  
عرف میرزا اسد

۴۵۷

۷۵۷

صورت میرزا جوان تخت طغی کجا نزار شاه



میرزا شکر کجخت  
عزت میرزا حاجی

میرزا نطفه کجخت  
عزت میرزا جمعه

عزیز میرزا حاجی

میرزا عاقد

میرزا اخو دم تخت لقب معظم

میرزا اسحاق قدر

حریر ازین القیدی

۲۵۹

النظر  
صورت ابوالمظفر معين الدين محمد الكبرياء  
صاحب قران نمانى بن تاه عالم

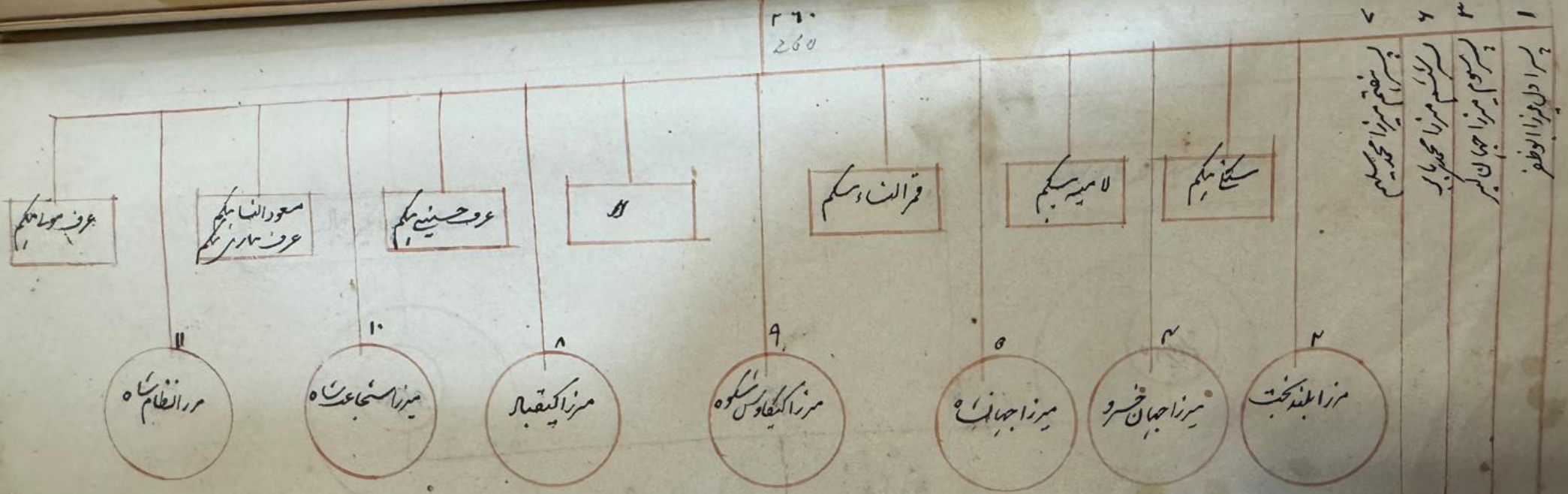


In oeen-ood. deen  
Mohamed Akbar Shah  
Emperor

سُجّ خواتين وقباين او

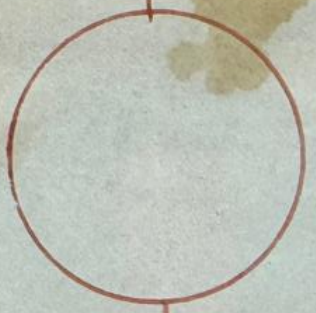
سُجّ اميران دزيان او

۲۶۰  
۲۶۵



۲۶۱  
۲۶۲

صورت منزل محمد سلیم بیار



خان شاه

فرزند شاه

۲۶۲  
۲۵۲

صورت میرزا جهانگیر بهادر



بیمور شاه

رقبه سلطان بیگم

صورت میرزا محمد بابر بهادر



دور انجوشه

وزیر کاردان

وزیر الملک



۴۳  
۱۶۵

عاشق  
صورت الوظف سراج الدين شاه بن البرکات شاه



Smaj ool keen Bahadur  
- Mahmud Bahadur Shah,  
last Tatar King of the Moghul Empire,  
tried to regain the sovereignty of  
India in the Mutiny of 1857. Fought the  
famous battle "God Save the Queen"

Died at Soongdoo in Burmah  
1862

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
کائنات سلطان بیم	عرفتنی بیم	سلطان ملک بیم	سیدم بیم	برائی حکم بیم	مبارک کف بیم	امیران فی حکم عرفت اعظم	عرفت حکم بیم	نور حکم بیم	اور کائنات بیم	تخلیج حکم بیم

۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
عز جیا بیم	عرفت بیم	بوران بیم	دبیران بیم	حرف بیم	حاج حکم بیم	تنبیت آرا بیم	حسن نامی بیم	حاج زلم بیم	خاتون بیم	ملاقات بیم	راست سلطان بیم

۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
صد کف بیم	مرعم زلم بیم	بیم	کلنوم بیم	عرفت بیم

۲۶۵

۲۶۴

۴

۸

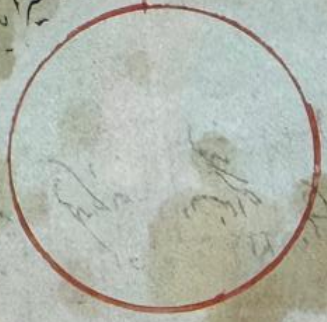
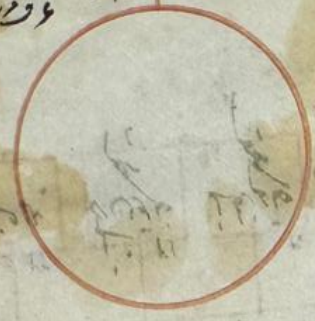
مرزا عبدالقادر

از نظر صمد ایلی

مرزا

سهراب

نوروز



۲۶۶  
۲۶۵

۲۶۶

۲۵۵

۵

۱۰

میرزا قویس

در نظر حجت‌الاسلام گلزار

میرزا ابو طاهر

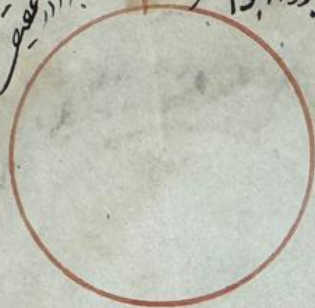
۲۶۷

۱۱

۱۳ میرزا مختار وردک

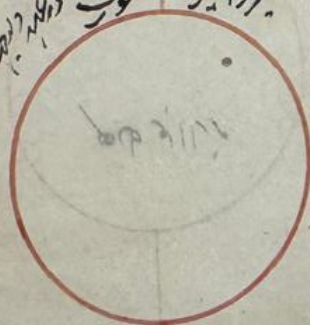


۱۲ اعظم خان اویسی

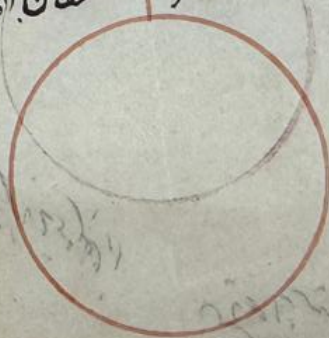


میرزا ابوالنضر

۳ میرزا کیمو  
موت در ۱۲۰۰

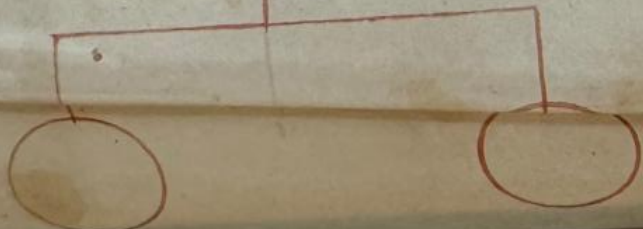


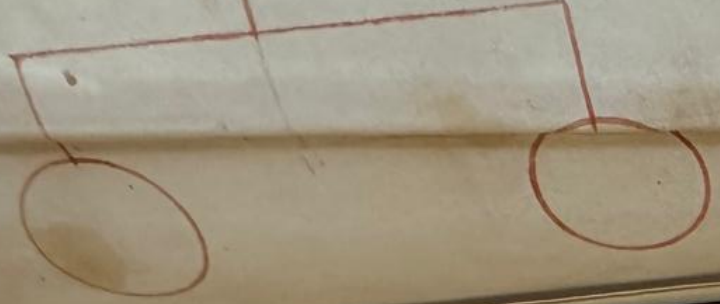
۱۲ سلطان اعظم خان اویسی



میرزا خضر

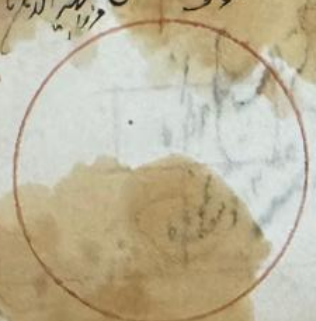
۱۶ شاه ۱۲۰۵  
از بعضی ارباب  
میرزا کیمو





۲۶۸  
۷۲۶۸

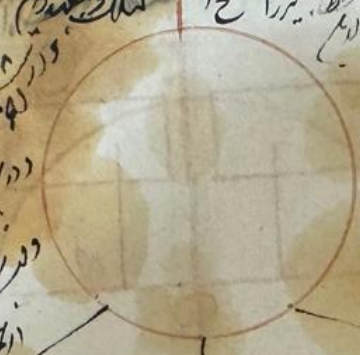
میرزا مفصل  
میرزا امیر



در شهر اصفهان  
میرزا فتح

در شهر اصفهان  
در شهر اصفهان  
در شهر اصفهان  
در شهر اصفهان

میرزا فتح  
میرزا فتح



میرزا فتح  
میرزا فتح  
میرزا فتح  
میرزا فتح

میرزا فرخنده  
میرزا فرخنده



میرزا فرخنده  
میرزا فرخنده

میرزا فرخنده  
میرزا فرخنده

میرزا فرخنده  
میرزا فرخنده  
میرزا فرخنده  
میرزا فرخنده

۲۶۹

۱۶۹

باجه کبریا در شهر کربلا  
باجه کبریا در شهر کربلا  
باجه کبریا در شهر کربلا

باجه کبریا در شهر کربلا

باجه کبریا در شهر کربلا



۱۱۱۶

۱۱۱۷

۱۱۱۷

۲۶۰  
۲۶۵

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۲۴۰

۲۷۰

صورت مرزاد اراکیت و بیحد

این رسم طالع مرزاد است که در نظر زمره الفی که در سال ۱۱۱۱  
در روز ۱۳۰۵ و در ماه ۱۳۰۵ و در روز ۱۳۰۵ و در روز ۱۳۰۵



۱۱۱۱

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۱۱۱۱

۲۲۱

۲۴۲  
۲۷۳

میرزای مکر  
ارضا میرزا  
میرزا...

میرزا ابراهیم  
میرزا...

میرزا...

میرزا گلخان  
اعظم

میرزا رفیع  
الملک

میرزا قاسم در  
ارضا...

میرزا غنی  
الملک

میرزا محمد شاه  
ارضا...

میرزا محمود  
ارضا...

در مجموع نسخ کتاب معارف  
بصورت ارقام  
تعداد